٢٩٧/٣٤٣
خ ٦١١ ح
١٣٦١

خلاصة الفقه

بقلم
حجة الاسلام والمسلمين آقای
حاج سید محمد حسینی میلانی
(آیة الله العظمی)

٩٠٨١

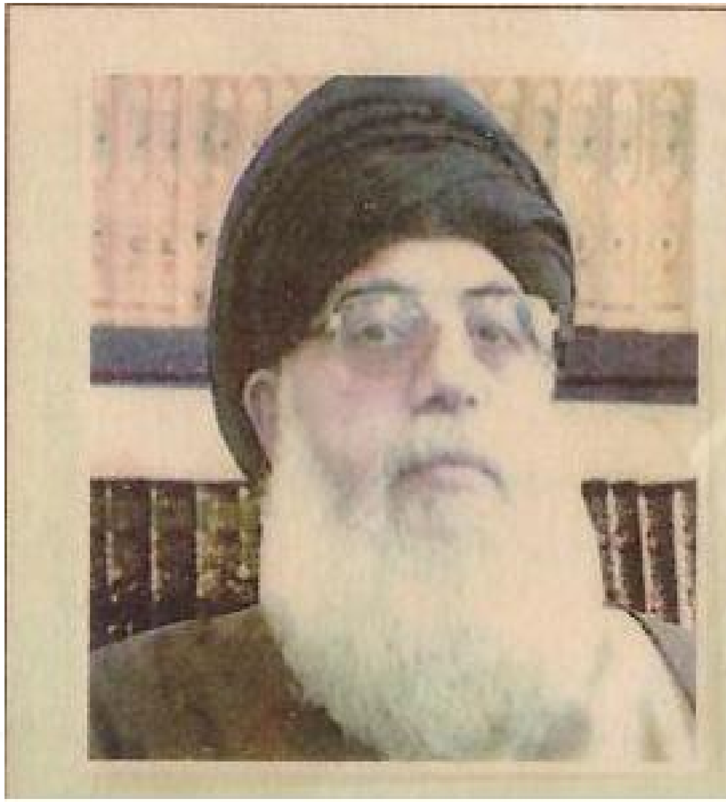

www.almilani.ir

مشخصات کتاب :

اسم کتاب : خلاصة الفقه

مؤلف : سیدمحمدحسینی میلانی

چاپ وصحافی : مؤسسهٔ چاپ وانتشارات دانشگاه مشهد

تاریخ انتشار : آذرماه ۱۳۶۱

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین وصلّی الله علی محمّدٍ وآله الطّاهرین ولعنة الله علی اعدائهم اجمعین وبعد :

دراین = خلاصة الفقه = فقهِ آل محمّد صلوات الله علیهم را مختصراً جمع آوری نمودم، امید است مورد استفادهٔ متعبّدین بآن قرار گیرد وعلیه سبحانه التوکّل .

سیدمحمد حسینی میلانی

نجف اشرف غرّه رمضان ۱۳۹۵ ه

(قال‌الله تعالی)

«فلولا نفر من کلّ فرقةٍ منهم طائفةٌ لیتفقّهوا فی الدّین ولینذروا قومهم إذا رجعوا إلیهم لعلّهم یحذرون»

سوره توبه؛ آیه ۱۲٤

منابع فقه شیعه

منابع فقهی وسند فتوائی درفقه شیعهٔ اصولی اثناعشری اینهایند :

۱ـ کلام‌الله مجید قرآن کریم .

۲ـ سنّت قطعی ثابت رسول‌الله (ص) واهل‌بیت طاهرینش (ع) و روایات آنان .

۳ـ إجماع مسلمانان متشرع متدیّن که درمقابل قرآن وسنّت نباشد.

٤ـ دلیل عقلی وأصول عقلیه که برخلاف سه‌اصل قبلی نباشند .

غیر ازاین چهار مصدر هرچه باشد حجّت نیست خواه کتاب‌آسمانی دیگرویا سنّت خلفا ویا إجماع مردم دنیا ویا قیاس واستحسان وحدس‌و وهم وخیال وغیره باشد ، والبته إجتهاد درمقابل نص قرآن و احادیث معصومین (ع) باطل وتقلید در اصول دین هم کافی نیست وبرهرمسلمان واجبست درحدّ قدرت بادلیل به‌اصول دین معتقد باشد .

اصول دین

بنابر أدلهٔ اربعهٔ سابق اصول‌دین پنج عدد میباشد :

۱ـ توحید :

خدا هست که هستی موجودات برهستی او دلالت دارند وخدا یکی است وشریك ندارد که اگر می‌بود نظام هستی ازهم میپاشید وخدا جسم نیست زیرا محدود نیست .

۲ـ عدل :

خداوند عادل است وظالم نیست چون ظلم قبیح است وخودش ازآن نهی نموده .

۳ـ نبوّت :

تمامی پیامبران معصوم از جانب خدا مبعوث شده‌اند که آخرین آنان حضرت خاتم‌الأنبیاء محمّدبن عبدالله (ص) میباشند .

٤ـ إمامت :

دوازده امام معصوم از أهل بیت پیامبر (ص) را خداوند وپیامبر اکرم (ص) بامامت وولایت وجانشینی برگزیده‌اند که بترتیب اسماءمبارکه آنان ازاین قرار است :

۱ـ علی‌بن ابیطالب (ع) ۲ـ حسن‌بن‌علی (ع) ۳ـ حسین‌بن‌علی (ع) ٤ـ علی‌بن‌الحسین (ع) ٥ـ محمدبن علی‌باقر (ع) ٦ـ جعفربن محمد

صادق (ع) ۷ـ موسی‌بن جعفر کاظم (ع) ۸ـ علی‌بن موسی‌الرضا (ع) ۹ـ محمدبن علی تقی (ع) ۱۰ـ علی‌بن محمد نقی (ع) ۱۱ـ حسن‌بن‌علی عسکری (ع) ۱۲ـ محمدبن‌الحسن مهدی (ع) .

٥ـ معاد :

خداوند تمامی بندگان وخلایق را برای حساب وکتاب وثواب و عقاب در روز قیامت حشر ونشر میفرماید .

فروع دین

طبق همان أدلّه فروع‌دین درنزد شیعه عبارتند از :

۱ـ نماز، که دارای مقدمات ومقارنات وأرکان وأجزاء است .

۲ـ روزه، خودداری نمودن از مفطرات از أذان صبح تا أذن مغرب بقصد قربت .

۳ـ خمس، مالیات یك پنجم درآمد چیزهائیکه بآن تعلق میگیرد برای إمام وسادات .

٤ـ زکات، مالیات یك دهم یا یك بیستم درآمد چیزهائیکه بآن تعلّق میگیرد برای فقرا وسایر مستحقّین .

٥ـ حج، باشرط إستطاعت یکمرتبه درعمرواجب میشود وسه قسم است ۱ـ تمتع ۲ـ قران ۳ـ إفراد .

٦ـ جهاد، مبارزه درراه خدا که چند نوع است، جهاد بانفس وجهاد باکفّار وجهاد باستمکاران .

۷ـ امر بمعروف، دعوت بنیکی ووادارنمودن دیگران به انجام واجبات و مستحبّات .

۸ـ نهی ازمنکر، منع ازگناه وبازداشتن دیگران ازمعصیت ونافرمانی خدا .

۹ـ تولّی، دوستی با دوستان خدا وپیروی ازپیامبر (ص) و إمامان (ع)

۱۰ـ تبری، دشمنی بادشمنان خدا و دشمنان دوستان خدا و بیزاری از آنان .

ضروریات دین ومذهب

ضروریاتی در دین هست که منکر آنها طبق همان أدله أربعه کافر میشود ازاین قبیل :

۱ـ إعتقاد به معراج جسمانی و روحانی پیامبر اکرم (ص) .

۲ـ إعتقاد به معجزه های قطعی پیامبراکرم (ص) وإمامان معصوم (ع)

۳ـ إعتقاد به شفاعت پیامبر اکرم (ص) وإمامان معصوم (ع)

۴ـ إعتقاد به عصمت و ولایت پیامبر اکرم (ص) وإمامان معصوم (ع)

۵ـ إعتقاد به وجود ملائکه .

۶ـ إعتقاد به وجود جنّ .

۷ـ إعتقاد به عالم برزخ .

۸ـ إعتقاد به غیبت کبرای حضرت مهدی إمام زمان (عج) .

۹ـ إعتقاد به حتمیّت ظهور حضرت مهدی إمام زمان (عج).

۱۰ـ إعتقاد به نزول حضرت عیسی مسیح از آسمان .

۱۱ـ إعتقاد به قدرت خدا بررجعت مردگان إجمالاً .

۱۲ـ إعتقاد به قدرت خدا بر بداء ومحو وإثبات مقدرات .

۱۳ـ إعتقاد به صحّت بیعت غدیرخم وثبوت ولایت علی (ع) .

۱۴ـ إعتقاد به شهادت امام حسین (ع) ویارانشان وسایر إمامان (ع).

۱۵ـ إعتقاد به ملکیّت فدك برای حضرت صدیقة زهرا علیهاسلام .

۱۶ـ إعتقاد به مشروعیّت إرث وتوارث میان مسلمانان بویژه پیامبر (ص) و وارثانش .

۱۷ـ إعتقاد به سنّت بودن نکاح دائم وموقت وحرمت نکاح محارم و حرمت تغییر سنّت پیامبر (ص) .

۱۸ـ إعتقاد به حجیّت قرآن کریم وضرورت إجرای أحکام آن .

۱۹ـ أعتقاد به وجوب حجاب بر زنان مسلمان .

۲۰ـ إعتقاد به حرمت گناهان کبیره واستحقاق عقاب برآنها که عبارتند از :

گناهان کبیره

۱ـ شرك ورزیدن بخدا .

۲ـ مرتد شدن ازدین .

۳ـ نصب عداوت با محمّد وآل محمّد (ص) .

۴ـ دروغ بستن بخدا ومعصومین (ع) .

۵ـ دشنام دادن بخدا ومعصومین (ع) .

۶ـ کشتن نفس محترمه بیگناه وخودکشی .

۷ـ قذف مسلمان پاکدامن .

۸ـ تهمت و إفترا بستن بمؤمن بیگناه .

۹ـ غصب حقّ مؤمن .

۱۰ـ زنا نمودن .

۱۱ـ لواط کردن دومرد .

۱۲ـ قیاده و دونامحرم بهمرساندن .

۱۳ـ مساحقه نمودن دو زن .

۱۴ـ شراب خواری وآب جو .

۱۵ـ غناو آواز وساز وموسیقی .

۱۶ـ إعانت ظالمان برظلمشان .

۱۷ـ قطع رحم و خویشاوندی .

۱۸ـ إنکار نسب و فرزندی .

۱۹ـ فرار ازجهاد واجب .

۲۰ـ قمار بازی .

۲۱ـ رباخواری .

۲۲ـ سحر وشعبده بازی .

۲۳ـ کهانت وغیبگوئی .

۲۴ـ تنجیم وإعتقاد بتدبیر نجوم .

۲۵ـ غشّ مسلمانان .

۲۶ـ رشوه خواری بویژه رشوه برقضاوت .

۲۷ـ إصرار برکذب و دروغ گفتن همیشه .

۲۸ـ تجسّس برای دشمنان اسلام .

۲۹ـ سرقت مال مسلمانان .

۳۰ـ تطفیف وکمفروشی .

۳۱ـ إحتکار قوت مسلمانان وأجناس ضروریشان .

۳۲ـ عقوق والدین .

۳۳ـ أمن از عذاب إلهی .

۳۴ـ یأس از رحمت خدا .

۳۵ـ بغی وفساد برمسلمانان .

۳۶ـ تعرّب پس از هجرت وسکنای بلاد کفر .

۳۷ـ رهبانیّت وترك دنیا بکلّی .

۳۸ـ شهادت زور وگواهی بدروغ .

۳۹ـ منع زکات وخمس وحقوق واجب وترك نماز وحج و روزه .

۴۰ـ غیبت وبدگوئی مؤمنین .

أقسام أحكام فقه

تمامی أحكام فقه را میتوان بچند دسته تقسیم نمود :

١ـ أحكام إعتقادات :

شامل تمامی أحكامیست که راجع به‌أصول‌دین وفروع‌دین وضروریات دین ومانند آن آمده .

٢ـ أحكام عبادات :

تمامی مسائلی که مربوط به‌عبادتهائیکه مشروط به‌قصد قربت‌هستند.

٣ـ أحكام عقود :

تمامی مسائلی که مربوط به‌قراردادهای طرفینی و دوجانبه میباشند .

٤ـ أحكام إيقاعات :

همهٔ مسائل مربوط به‌قراردادهای یك‌طرفه ویك‌جانبه .

٥ـ أحكام وضعیّه .

تمامی مسائل مربوط به‌آثار وضعی شرعی یا عـُرفی که امضای شرعی دارد مانند دیون ودیات .

٦ـ أحكام تكليفيّه :

همهٔ مسائل مربـوط به‌إشتغال ذمهٔ مکلّف بأنواع تكاليف واقسامشان مربوط است .

أقسام مكلّفين

در زمان غیبت إمام زمان عجل‌الله فرجه مکلّفین را میتوان بچند دسته فرض نمود :

١ـ آنهائیکه باتشرف بدیدار حضرت ولی عصر (عج) از آنحضرت کسب تکلیف مینمایند .

٢ـ مجتهدیکه باید بفتوای خودش‌عمل‌کند وبراو تقلید حرام‌است .

٣ـ مجتهد متجزی‌که درآن موارد که مجتهداست بفتوای‌خودودر سایر موارد بفتوای أعلم رفتار میکند .

٤ـ محتاط که بفتوای همهٔ فقها عمل میکند وأحوط آنها رامراعات مینماید .

٥ـ کسیکه نه‌مجتهد است ونه‌محتاط که باید از مجتهد أعلم زنده تقلید کند .

٦ـ مکلّفیکه باید تقلید نماید وعمداً نمینماید أعمالش باطل است .

٧ـ مکلّفیکه باید تقلید نماید وابتداءً ازمرده تقلید مینماید اگر أعمالش را مجتهد زنده إمضا نکند باطل است .

٨ـ مکلّفیکه باقی برتقلید میّت است بالإجازهٔ أعلم زنده درست و بی‌اجازه اشکال دارد .

٩ـ مکلّفیکه باقی برتقلید میّت است‌که اورا أعلم از مجتهدین زنده میداند صحیح است .

١٠ـ مكلّفيكه ازمجتهد غير أعلم تقليد نموده اگرمخالف فتواى أعلم نباشد صحيح است .

١١ـ مكلّفيكه ازمجتهد غير أعلم تقليد نموده اگر مخالف فتواى أعلم باشد بايد بأعلم رجوع كند .

١٢ـ مكلّفيكه از دومجتهد أعلم يكى درعبادات وديگرى در معاملات تقليد مينمايد صحيح است .

شرايط فتوى

شخصى كه داراى اين شرايط است مجتهد است وميتواند فتوى دهد .

١ـ مسلمان ومؤمن إثناعشرى باشد .

٢ـ بالغ باشد .

٣ـ عاقل باشد .

٤ـ مرد باشد .

٥ـ حلال‌زاده باشد .

٦ـ عادل باشد .

٧ـ خواندن و نوشتن عربى ياد داشته باشد .

٨ـ أدبيات عربى صرف ونحو وبلاغت ياد داشته باشد .

٩ـ مقدار لازم از حساب وهندسه وهيئت ياد داشته باشد .

١٠ـ علم منطق وفلسفهٔ إلهى ياد داشته باشد .

١١ـ علم كلام وأصول عقايد ياد داشته باشد .

١٢ـ علم تفسير قرآن ياد داشته باشد .

١٣ـ علم رجال و راويان حديث ياد داشته باشد .

١٤ـ علم أصول مستدل ياد داشته باشد .

١٥ـ علم دراية وحديث ياد داشته باشد .

١٦ـ أخلاق اسلامى وعرفان إلهى ياد داشته باشد .

شرايط تقليد

از مجتهدى بايد تقليد نمودكه داراى اين شرايط باشد :

١ـ مسلمان موحّد باشد ومُغالى ومجسم نباشد .

٢ـ مؤمن شيعهٔ اثناعشرى باشد .

٣ـ باحافظه وهوش كافى باشد وكثيرالنسيان ووسواسى‌مفرطنباشد .

٤ـ بالغ باشد واز نابالغ گرچه علاّمه باشد نميشود تقليد نمود .

٥ـ مرد باشد واز زن مجتهده نميشود تقليد نمود .

٦ـ زنده باشد وابتداءً از مجتهد مرده نميشود تقليد نمود .

٧ـ حلال‌زاده باشد واز زنازاده نميشود تقليد نمود .

٨ـ عادل متقى‌باشدكه مرتكب‌كبيره‌نباشد وتعمّدبرگناه‌صغيره‌نكند.

٩ـ داراى زهدو ورع باشد وحقوق شرعيه رافقط بخود ونزديكانش اختصاص ندهد .

١٠ـ فقيه ومجتهد مطلق باشد پس‌از متجزّى نميشود تقليد نمود .

١١ـ حريص بردنيا ورياست نباشد وبراى شهرت ومقام سهم امام و

حق فقرا را مصرف نكند .

١٢ـ أصولي باشد نه‌أخباري يا شيخي يا صوفي وغيره .

١٣ـ عاقل‌باشدوجنون‌أدواري وكج‌سيلقگي‌وبي‌بندوباري‌نداشته‌باشد.

١٤ـ هميشه إشتغال بترويـج دين ومذهب وعلوم ديني داشته باشد نه‌كاسب وتاجر و زارع وصنعتگر وغيره باشد .

١٥ـ أعلم ازساير مجتهدين زنده‌باشد ياكسي‌ازاو أعلم‌واستادترنباشد.

شناخت أعلم وفتوى

مجتهد أعلم را از چند راه ميتوان شناخت :

١ـ مكلّف خودش خبره باشد وبتواند أعلم را تشخيص دهد پس همهٔ مجتهدين را بررسي ميكند .

٢ـ دونفر خبرهٔ عادل شهادت وگواهي برأعلميّت كسي دهند .

٣ـ شياع وتواتر ميان طبقات متديّن كه مستندش صحيح باشد.

٤ـ مجتهد أعلم مجتهد فالأعلم‌را باإرجاع إحتياطاتش باوتعيين كند.

٥ـ مجتهد أعلم هنگام وفاتش مردم‌ومقلدينش را بسوى أعلم پس از خود دعوت كند .

فتواى مرجع تقليد را از چند راه ميتوان بدست آورد :

١ـ خود مقلّد از شخص مرجع تقليدش بشنود .

٢ـ مقلّد از وكيل ونمايندهٔ مرجع تقليدش بشنود .

٣ـ در رسالهٔ عمليهٔ معتبر مرجع تقليدش بخواند .

٤ـ يك مرد راستگوى موثّق مسأله‌دان بگويد كه بگفته‌اش‌اطمينان باشد .

٥ـ دومرد عادل بمرجع تقليد نسبت دهند .

٦ـ با إستفتاء كتبي از مرجع تقليد وجواب كتبي او بدست آيد .

امتيازات فقيه جامع شرايط

هرمجتهد مطلق فقيه جامع‌الشرائط داراى اين امتيازات است .

١ـ ولايت مصالح اسـلام ومسلمين در عصـر غيبت وسخنگوئى از جانب آنان .

٢ـ حكومت برمسلمانان ورهبرى آنان ازجانب امام زمان(ع) و سرپرستى روحانيّت .

٣ـ فتوى دادن به‌مقلّدان ونشر رسالهٔ عمليّه براى آنان .

٤ـ اجراى حدودالهى باقدرت برآن وبسط يد .

٥ـ اصدار حكم درموضوعات واحكام مانند تحريم تنباكو وثبوت هلال .

٦ـ قضاوت شرعى وفصل خصومتها ونزاعها اگر بخواهد مينمايد .

٧ـ قضاوت نمودن بعلم خود درحدود وقصاص وديات بى‌شاهدوبيّنه.

٨ـ تصدّى امور حسبيّه و ولايت برصغار واوقاف وغيره .

٩ـ ردنمودن برحكم اوممنوع است وحرام ودرحدّ شرك‌بخداست .

١٠ـ فرمان‌بجهاد دفاعي‌ميدهد درمواردلزوم مانندشيخ‌شيرازى (ره)

۱۱ـ درصورت خطای درفتوی أجر وثواب دارد ومعاقب نیست .

۱۲ـ درزمان غیبت امام(ع) أئمهٔ جمعه را تعیین مینماید درصورت إمکان

۱۳ـ در زمان غیبت امام(ع) قاضیان شرع تعیین مینماید درصورت إمکان .

۱۴ـ در زمان غیبت امام(ع) میتواند کسیراکه حدّبراوواجب‌شده عفو کند وببخشد .

۱۵ـ در زمان غیبت امام(ع) نیابت عامّه دارد ازجانب آنحضرت درآنچه که بمقام امامت تعلق دارد .

۱۶ـ سرپرستی بیت‌المال مسلمانان ووجوه وحقوق شرعیّه ودریافت نمودن وصرف بمورد آن نمودن .

۱۷ـ میتواند قرارداد ذمّه ویا هدنه باکفار ومحاربین منعقد سازد جدا از حکومتها .

أنواع ولایتها

ولایت دارای مراتب وأقسام میباشد ازاین قبیل :

۱ـ ولایت تکوینی وتشریعی وأولویّت بتصرف ازمردم برمردم که مخصوص پیامبر(ص) و دوازده امام(ع) است .

۲ـ ولایت فقیه جامع‌الشرائط برمصالح مسلمانان وامور حسبیّه و تصدّی حکم وقضاء وإفتاء .

۳ـ ولایت پدر براولاد صغیر وهمچنین پدر پدر .

۴ـ ولایت پدر بردختر بالغهٔ باکره در ازدواجش .

۵ـ ولایت شوهر برزن خود درمواردش .

۶ـ ولایت وصّی برموصّی علیه عهدی .

۷ـ ولایت قیّم برصغار یتیم وسرپرستی آنان واموالشان .

۸ـ ولایت ولدأرشد برتجهیز والدین وغسل وکفن ودفن وحبوه .

۹ـ ولایت آقا وسیّد برغلام وکنیز وعبد خود .

۱۰ـ ولایت خویشاوندان ضامن جریره دربارهٔ دیه .

۱۱ـ ولایت ولیّ دم واولیای مقتول برخون او .

۱۲ـ ولایت قاضی شرع برکسیکه إمتناع از حضور بدادگاه دارد .

۱۳ـ ولایت متولّی موقوفه برموقوفه ومصالح آن .

۱۴ـ ولایت حلفاء برحلیف پس‌از پیمان حلف وسوگند دفاع ویاری.

۱۵ـ ولایت وکیل درمورد وکالت برشئون موکّل .

۱۶ـ ولایت عدول‌مؤمنین برصغاریتیم بانبودن‌وصّی‌وقیّم‌وولیّ‌فقیه .

أنواع عبادتها

واجبات ومستحباتی‌که اگر باقصد قربت انجام شوند عبادت بشمار میروند اینهایند .

۱ـ زایل‌نمودن نجاست وخبث ازبدن ولباس .

۲ـ تحصیل طهارت چه وضو یا غسل یا تیمّم .

٣ـ نماز خواندن .

٤ـ روزه گرفتن .

٥ـ خمس دادن .

٦ـ زكات دادن .

٧ـ حجّ نمودن .

٨ـ جهاد كردن .

٩ـ عُمره رفتن .

١٠ـ مُرابطه نمودن براى جهاد .

١١ـ تولّى داشتن .

١٢ـ تبرّى داشتن .

١٣ـ موعظه وتواصى بحق نمودن وامربمعروف ونهى ازمنكر كردن.

١٤ـ إنفار براى تفقّه دردين .

١٥ـ وفآء بعهد .

١٧ـ وفآء بسوگند .

١٨ـ بيعت با امام معصوم .

١٩ـ أداء امانت .

٢٠ـ إداء شهادت بحّق .

٢١ـ تطهير مسجد وجاروب آن و إسراج آن .

٢٢ـ أداء حقوق واجبه ونفقات .

٢٣ـ تنفيذ وصيّت شرعى .

٢٤ـ قضاوت عادلانهٔ شرعى .

٢٥ـ إصلاح ذات‌البين .

٢٦ـ دفاع از مغتاب و ردّ تهمت ازبرى .

٢٧ـ فتوى دادن مجتهد .

٢٨ـ زيارت معصومين (ع) .

٢٩ـ زيارت قبور مؤمنين (ع) .

٣٠ـ بديدار مؤمنين رفتن .

٣١ـ دعاى مشروع وارد خواندن .

٣٢ـ قراءت قرآن .

٣٣ـ تعليم قرآن .

٣٤ـ نظر بخطوط قرآن .

٣٥ـ بوسيدن قرآن .

٣٦ـ ذكر وتسبيح وتهليل وتكبير گفتن .

٣٧ـ صلوات برمحمّد وآل محمّد وساير پيامبران فرستادن .

٣٨ـ إستقبال قبله و روبقبله شدن درنشستن وخواب .

٣٩ـ تشييع جنازهٔ مؤمن .

٤٠ـ معانقه ومصافحهٔ مؤمن وسلام باو .

٤١ـ پوشاندن عيب مؤمن .

٤٢ـ إدخال سرور وخوشنودى بقلب مؤمن .

٤٣ـ إطعام مؤمن وسقايت او بويژه فقراى مؤمن .

٤٤ـ إفطار صائم و روزه‌دار هرچند غنی باشد .

٤٥ـ فك أسير وآزاد نمودن زندانی مؤمن .

٤٦ـ آزاد نمودن غلام وكنيز وعتق آنان .

٤٧ـ قضاء حوائج مؤمنين .

٤٨ـ مجالست علمای دين .

٤٩ـ نظر بصورت عالم فقيه .

٥٠ـ نگاه بدرب خانهٔ عالم فقيه .

٥١ـ خواندن ومطالعهٔ نوشتهٔ عالم وفقيه .

٥٢ـ نظر محبّت به‌پدر ومادر .

٥٣ـ نگاه باصلوات بذريهٔ پيامبر وسادات .

٥٤ـ إنتظار نماز پيش از وقتش وآماده شدن برای آن .

٥٥ـ أذان وإقامه گفتن .

٥٦ـ داخل شدن بمساجد وحرمهای مطهّره .

٥٧ـ عيادت از بيماران مؤمن ومسلمان .

٥٨ـ قرض دادن بمؤمن ومهلت‌دادن بقرضش .

٥٩ـ پوشاندن مؤمن واز لباس بی‌نياز نمودنش .

٦٠ـ ترويج مؤمن وسعی درامر إزدواجش .

٦١ـ مسكن‌دادن بمؤمن وخانه فراهم نمودن برايش .

٦٢ـ تأليف نمودن ونشركتابهای دينی ومذهبی وأخلاقی .

٦٣ـ پناه دادن به‌پناهندگان مظلوم .

٦٤ـ توكّل برخدا نمودن درامور .

٦٥ـ كسب روزی حلال برای عيال .

٦٦ـ انتظار فرج آل محمّد وظهور حضرت مهدی(ع) .

٦٧ـ دعانمودن برای تعجيل فرج وزمينه‌سازی برای آن .

٦٨ـ صبرنمودن برطاعت وعبادت .

٦٩ـ صبر وخودداری نمودن از معصيت وگناه .

٧٠ـ صبر وشكيبائی برمصيبتها وگرفتاريها .

٧١ـ گريه وعزاداری برمصايب پيامبر وخاندانش .

٧٢ـ عفو وگذشت از تقصير مردم .

٧٣ـ وقف عام‌المنفعه نمودن .

٧٤ـ صدقهٔ جاريه انجام دادن .

٧٥ـ إيثار مؤمنين برخود .

٧٦ـ إغاثهٔ گرفتاران وبداد آنان رسيدن .

٧٧ـ سرپرستی أيتام وصغار .

٧٨ـ صلهٔ رحم خويشاوندان .

٧٩ـ حُسن جوار باهمسايگان .

٨٠ـ تعليم مسائل وأحكام شرعی .

٨١ـ مهمان نوازی وپذيرائی از مهمانان .

٨٢ـ رفع بدعت وضلالت وگمراهی ودفع آن .

٨٣ـ إكرام عالم وإحترام پیرمرد ریش‌سفید .

٨٤ـ مدارا نمودن باأسیران .

أقسام آبها

آب یا مطلق است و یا مضاف که مضاف مُطهّر نیست ومطلق أقسامی دارد :

١ـ آب قلیل :

هرآبی که بحدّ کُر نرسد باملاقات نجس متنجّس میشود وبی‌ملاقات مُطهّر است .

٢ـ آب کُر :

هرآبی که مجموع مساحت‌مکعّبی‌آن‌بیست وهفت وجب باشد کُر است ومتنجّس نمیشود یا وزن آن ٣٧٧ کیلوگرم باشد .

٣ـ آب جاری :

هرآبی که در روی زمین جریان دارد چه از قنات یا چشمه یا نهر یا چاه ویا غیره بشد متنجّس نمیشود .

٤ـ آب دریا :

تمامی دریاها خواه شور یا شیرین سرخ یا سیاه بهیچ نحوی‌متنجّس نمیشوند .

٥ـ آب قلیل متصّل :

هرآب قلیلی که متصّل بکُر یا جاری یادریا باشد حکم آنرا دارد .

٦ـ آب متنجّس کثیر :

هرچند آب متنجّس را دریکجا جمع کنندکه بحدّ کُر برسد مُطهّر نیست .

٧ـ کُر متغیر الأوصاف :

هرآب کُر که رنگ یا طعم یعنی مزه یابوی آن بنجاست متغیّرشود مُطهّر نیست .

٨ـ آب باران :

هنگام بارش باران درحکم جاری ومطهّراست ومتنجّس نمیشود .

٩ـ آب برف ویخ :

آب برف ویخ قلیل درحکم آب قلیل وکثیرش درحکم کُر است پس‌از آب‌شدن .

١٠ـ آب مُقطّر :

بخار آب گرچه متنجّس یا متغیّر یامتنجّس باشد آب چون که تقطیر شود وآب مطلق گردد مُطهّر است .

مطهّرات

مطهّراتی که نجاستها را پاك مینمایند عبارتند از :

١ـ آب مطلق، پس‌از إزالهٔ عین نجاست موضع متنجّس را باشستن پاك میکند .

٢ـ زمین پاك، پس‌از إزالهٔ عین نجاست ازکف پا وزیر کفش وعصا

آنها را پاك ميكنند .

٣ـ آفتاب ،پس‌از إزالهٔ عين نجاست از زمين وساختمان‌باخشكاندن رطوبت محّل پاك ميشود .

٤ـ إستحاله، چوب نجس‌كه بخاكستر‌إستحاله شود ياسگ درنمك‌زار نمك شود پاك ميشود .

٥ـ إنقلاب ، منقلب‌شدن شراب به‌سركه مطّهر آنست .

٦ـ إنتقال ، خون انسان يا حيوان‌كه جزء بدن پشه شود پاك ميشود .

٧ـ إسلام ، اسلام آوردن هركافرى را پاك ميسازد .

٨ـ تبعّيت، ظروف شرابى‌كه سركه شده و اولاد كافريكه مسلمان گشته بتبعّيت پاك ميشوند .

٩ـ إزالهٔ عين، زايل‌شدن عين نجاسات ازبدن حيوانات آنها را پاك مينمايد .

١٠ـ إستبراء، هرحيوان جلّال نجاستخوار بإستبراء لازم‌پاك‌ميشود .

١١ـ غيبت مسلمان، مسلمانيكه‌ملتزم بطهارت واحتراز ازنجاستهاست در غيبتش وسائلش پاك‌اند .

١٢ـ خونريزى ذبيحه ، پس‌از تذكيهٔ حيوان وبيرون آمدن خون متعارف او باقيماندهٔ خون بدنش پاك است .

مّدت إستبرائى‌كه براى هرحيوان لازم است ازاين قرار است :

١ـ مرغ وكبوتران ، سه روز غذاى پاك باو دهند .

٢ـ مرغابى وبوقلمون ، پنج روز غذاى پاك باو دهند .

٣ـ گوسفند وبُز وآهو ، ده روز غذاى پاك باو دهند .

٤ـ گاو ، بيست روز علوفه پاك بخورانند پاك ميشود .

٥ـ شتر ، چهل روز علوفه پاك بخورانند پاك ميشود .

نجاسات

چيزهائى كه نجس‌العين هستند ازاين قرارند :

١ـ ملحد وبيدين منكر خدا .

٢ـ مشرك وبُت‌پرست .

٣ـ كافر ثنوى يا‌ثالوثى ومجّسم كه‌براى خدا فرزنديا‌جسم قائل‌شود.

٤ـ منكر ضرورى دين ومرتّد ازدين .

٥ـ مغالى ، كه يكى از بشر را خدا بداند يا معتقد بحلول خدا در او باشد .

٦ـ خارجى ، هركه برعليه امام معصوم قيام مسلحانه نمايد .

٧ـ ناصبى، كسيكه دشمنى وبغض‌وعداوت‌باپيامبر(ص) واهل‌بيت داشته باشد .

٨ـ بول، إدرار هرحيوان وانسان حرام گوشت .

٩ـ خون ، از انسان وهر حيوانى‌كه داراى خون جهنده باشد .

١٠ـ ميته ، مردار هرانسان وحيوانى‌كه داراى خون جهنده باشد وتذكيه نشده باشد .

۱۱ـ سگ ، زمینی بهرقسم که باشد نه دریائی .

۱۲ـ خوك ، زمینی بهرقسم که باشد نه دریائی .

۱۳ـ شراب ، از هرنوع که باشد چه خرما یا انگور هرچند کم باشد و مست نکند .

۱٤ـ فقاع ، آب‌جو مخمّر هرچند کم باشد ومست نکند .

۱٥ـ مسکر مایع ، هرچیز روان ومایعی‌که مست‌کننده باشد مانند الکل وغیره .

۱٦ـ غایط، مدفوع انسان وهرحیوان حرام گوشت خون جهنده‌دار.

۱۷ـ منی، از انسان وهر حیوان .

۱۸ـ أجزاء منفصل ، هرعضوی‌که دارای روح باشد واز انسان و حیوان زنده جدا شود .

موارد وضو وأجزایش

مواردیکه باید وضو وطهارت داشت اینهایند :

۱ـ برای خواندن نمازهای واجب .

۲ـ برای خواندن نمازهای مستحبّی ونافله .

۳ـ برای خواندن اجزای فراموش شده نماز .

٤ـ برای انجام طواف خانهٔ کعبه .

٥ـ برای مس‌نمودن خطّ قرآن ونامهای خدا ومعصومین (ع).

٦ـ برای هرکاریکه سوگند خورد یا نذر یا عهد شودکه با وضو انجام گردد .

أجزاء وضو عبارتند بترتیب زیر :

۱ـ نیّت وضو وقصد قربت .

۲ـ شستن صورت از رستنگاه موی سر تا چانه .

۳ـ شستن دست راست از آرنج تاسر انگشتان .

٤ـ شستن دست چپ از آرنج تاسر انگشتان .

٥ـ مسح نمودن برسر بأندازهٔ یك انگشت .

٦ـ مسح نمودن پای راست از سرانگشت تا کعب پا .

۷ـ مسح نمودن پای‌چپ از سرانگشت تاکعب پا .

شرایط وضو

چیزهائی‌که درصحّت وضو شرط است اینهایند :

۱ـ طهارت وپاك بودن آب وضو .

۲ـ مطلق بودن آب وضو .

۳ـ مباح بودن آب وضو .

٤ـ مباح بودن فضا ومکان وضو .

٥ـ مباح بودن ظرف آب وضو .

٦ـ طهارت أعضای وضو قبل از وضو .

۷ـ مراعات ترتیب أجزای وضو .

۸ـ وسعت وقت برای انجام وضو .

۹ـ قصد قربت ونیت در وضو .

۱۰ـ مراعات موالات و پی‌درپی آوردن وضو .

۱۱ـ مباشرت خود انسان درأفعال وضو .

۱۲ـ ضرر نداشتن برای سلامتی مزاج .

۱۳ـ مانع نبودن براعضا از رسیدن آب وضو بآنها .

۱۴ـ مخالف تقیّه نبودن وضو وموجب خطرنبودن .

مبطلات وضو وآداب تخلّی

۱ـ ریانمودن مُبطل وضو است .

۲ـ جنابت مُبطل وضو است .

۳ـ إستحاضه مُبطل وضو است .

٤ـ حیض مُبطل وضو است .

۵ـ نفاس مُبطل وضو است .

٦ـ خواب مُبطل وضو است .

۷ـ بول مُبطل وضو است .

۸ـ باد روده که از مقعد بیرون آید مُبطل وضو است .

۹ـ بیهوشی وغشی مُبطل وضو است .

۱۰ـ مستی وسکر مُبطل وضو است .

۱۱ـ دیوانگی مُبطل وضو است .

۱۲ـ مس میّت سرد پیش‌از غسلش مُبطل وضو است .

۱۳ـ غایط مُبطل وضو است .

١٤ـ کفر وشرك وإرتداد گرچه موقتاً مُبطل وضو است .

آداب تخلّی چنین است :

۱ـ ستر عورتین هنگام تخلّی واجبست مگر از همسر وستر همهٔ بدن مستحب است .

۲ـ هنگام ورود پای چپ وهنگام خروج پای راست را اول مقدّم بدارد مستحب است .

۳ـ بسم‌الله گفتن وأدعیه وارده خواندن مستحب است .

٤ـ انجام خـرطات وفشاردادن بیخ آلت وخود آلت وحشفه سه‌بار مستحب است .

۵ـ سخن گفتن وخوردن وآشامیدن هنگام تخلّی مکروه است .

٦ـ مخرج بول جز باآب مطلق پاك نمیشود .

۷ـ مخرج غائط یا باآب یا سه قطعه سنگ یا چوب یا دستمال کاغذ یا پارچه پاك‌کننده طاهر میشود .

وضوهای مستحبّ

همیشه باوضو ودائم الطهاره بودن إستحباب دارد لیکن مواردیکـه وضوگرفتن مستحب است اینست :

۱ـ وضو گرفتن بروضو نور علی‌نور ومستحب است .

۲ـ وضو گرفتن برای نماز میّت مستحب است .

۳ـ وضو گرفتن برای رفتن بمسجد مستحب است .

٤ـ وضو گرفتن برای تشرف بحرمهای معصومین (ع) مستحب است.

۵ـ وضو گرفتن برای خواندن قرآن مستحب است .

۶ـ وضو گرفتن برای نوشتن قرآن مستحب است .

۷ـ وضو گرفتن برای همراه داشتن قرآن مستحب است .

۸ـ وضو گرفتن برای مسّ حاشیهٔ قرآن مستحب است .

۹ـ وضو گرفتن برای خوابیدن مستحب است .

۱۰ـ وضو گرفتن برای نماز پیش‌از وقتش مستحب است .

۱۱ـ وضو گرفتن برای جماع نمودن مستحب است .

۱۲ـ وضو گرفتن برای مباهله باخصم دینی مستحب است .

۱۳ـ وضو گرفتن برای طواف مستحبّی مستحب است .

١٤ـ وضو گرفتن برای تلبیهٔ گفتن وإحرام بستن مستحب است .

۱۵ـ وضو گرفتن برای سعی صفا ومروه نمودن مستحب است .

۱۶ـ وضو گرفتن برای وقوف درعرفات مستحب است .

۱۷ـ وضو گرفتن برای وقوف درمشعرالحرام مستحب است .

۱۸ـ وضوگرفتن برای جمع سنگریزه ورمی‌جمرات مستحب است

۱۹ـ وضوگرفتن برای مسافر هنگام بازگشت بخانه‌اش مستحب‌است.

۲۰ـ وضوگرفتن برای کسیکه میخواهد میّت را دفن‌کند مستحب است .

۲۱ـ وضوگرفتن‌برای‌قاضی شرع هنگام قضاوت‌نمودن‌مستحب‌است.

۲۲ـ وضوگرفتن برای غذاخوردن وبعداز غذا خوردن‌مستحب‌است.

۲۳ـ وضوگرفتن‌برای‌کسیکه‌غضبناک‌شده وحدث‌یافته مستحب‌است.

٢٤ وضوگرفتن برای خـواندن أذکار وأوراد وختـومات شرعیّه مستحب اسپت .

۲۵ـ وضوگرفتن برای هرنمازمستحبی ونافله ونماز حاجت وزیارت مستحب است .

۲۶ـ وضوگرفتن برای مُجنبی‌که میخواهد غذابخورد مستحب‌است.

۲۷ـ وضوگرفتن برای کسیکـه میخواهد سوگند شرعـی یادکند مستحب است .

۲۸ـ وضوگرفتن برای دامادیکـه میخواهد بحجله عـروس برود مستحب است .

۲۹ـ وضودادن میّت پیش‌از دوغسل أولش مستحب است .

۳۰ـ وضوگرفتن برای إستخاره نمودن مستحب است .

کیفیّت تیمّم وموارِدش

کیفیّت تیمّم باین ترتیب است :

۱ــ نیّت تیمّم وقصد قربت .

۲ــ ضربهٔ أول دوکف دست را برخاك زدن .

۳ــ بادوکف دست پیشانی را تماماً مسح نمودن .

٤ــ ضربهٔ دوم دومرتبه دو دست را برخاك زدن .

۵ــ مسح نمودن دست راست را باکف دست چپ ازمچ تاسرانگشت.

٦ــ مسح نمودن دست چپ راباکف دست‌راست ازمچ تاسرانگشت .

موارد تیمّم وشرائط وجوبش اینهایند :

۱ــ هنگام نبودن آب برای وضو یا غسل .

۲ــ هنگام نبودن وقت برای وضو یا غسل .

۳ــ هنگام ضررداشتن آب برای وضو یا غسل .

٤ــ هنگام خطر وخوف داشتن آب برای وضو یا غسل .

۵ــ هنگام عُسر وحرج ومشقّت داشتن آب برای وضو یا غسل .

٦ــ هنگام إنحصار آب برای آشامیدن .

۷ــ هنگام جبیره بودن وضو یا غسل .

۸ــ إحتلام وجنابت درمسجدین عظیمین مکّه ومدینه برای خروج.

۹ــ هنگام خطر متلاشی‌شدن جسد میّت ازآب باشد .

۱۰ــ هنگام عدم تمکّن از غسل دادن میّت .

غُسلهای واجب

غُسلهائی که واجبند ازاین قرارند :

۱ــ غُسل جنابت ازإنزال منی یا إدخال حشفه .

۲ــ غسل حیض زنان .

۳ــ غسل إستحاضه غیر قلیله .

٤ــ غسل نفاس زنان .

۵ــ غُسل میّت مسلمان .

٦ــ غسل مس میّت .

۷ــ غسل منذور که با نذر واجب شده .

۸ــ غسل واجب شده بعهد .

۹ــ غسل واجب شده بسوگند .

۱۰ــ غسل کسیکه باید سنگسار شود .

۱۱ــ غسل کسیکه باید اورا بدار آویزند .

۱۲ــ غسل کسیکه باید اورا برای قصاص بکشند .

أقسام و شرایط غسل

غسل بردو قسم است :

١ـ ترتیبی که سروگردن را اول وطرف راست بدن را دوم وسمت چپ را سوم غسل دهد .

٢ـ إرتماسی که یك مرتبه و دریك وقت تمامی بدن را آب فراگیرد ونیت غسل نماید .

أمّا شرائط صحّت غسل ازاین قرار است :

١ـ نیّت غسل وقصد قربت .

٢ـ مباح بودن آب غسل .

٣ـ پاك بودن آب غسل .

٤ـ مطلق بودن آب غسل .

٥ـ مباح بودن مکان وفضای غسل .

٦ـ مضرّ نبودن غسل .

٧ـ وسعت وقت برای انجام غسل .

٨ـ مراعات ترتیب أجزای غسل .

٩ـ مباشرت خود شخص أفعال غسل را .

١٠ـ مانع نبودن از رسیدن آب غسل ببدن .

غسلهای مستحبّ

مواردیکه غسل نمودن مستحبّ است اینهایند :

١ـ غسل روز جمعه .

٢ـ غسل روز اول ماه .

٣ـ غسل شب نیمهٔ ماه رجب .

٤ـ غسل روز نیمهٔ ماه رجب .

٥ـ غسل روز نیمهٔ ماه شعبان .

٦ـ غسل شب اول ماه رمضان .

٧ـ غسل شب سوم ماه رمضان .

٨ـ غسل شب پنجم ماه رمضان .

٩ـ غسل شب هفتم ماه رمضان .

١٠ـ غسل شب نُهم ماه رمضان .

١١ـ غسل شب یازدهم ماه رمضان .

١٢ـ غسل شب سیزدهم ماه رمضان .

١٣ـ غسل شب پانزدهم ماه رمضان .

١٤ـ غسل شب هفدهم ماه رمضان .

١٥ـ غسل شب نوزدهم ماه رمضان .

١٦ـ غسل شب بیست ویکم ماه رمضان .

١٧ـ غسل شب بیست وسوم ماه رمضان .

۱۸ـ غسل شب بیست وپنجم ماه رمضان .

۱۹ـ غسل شب بیست وهفتم ماه رمضان .

۲۰ـ غسل شب بیست‌ونهم ماه رمضان .

۲۱ـ غسل شب عید فطر .

۲۲ـ غسل روز عید فطر .

۲۳ـ غسل روز ترویه ۸ ذیحجّه .

۲٤ـ غسل روز عرفه ۹ ذیحجّه .

۲۵ـ غسل روز عید قربان ۱۰ ذیحجّه .

۲٦ـ غسل روز عید غدیر ۱۸ ذیحجّه .

۲۷ـ غسل روز مباهله .

۲۸ـ غسل برای إحرام بستن .

۲۹ـ غسل برای دخول بمکّه مکرّمه .

۳۰ـ غسل برای دخول مسجدالحرام .

۳۱ـ غسل برای دخول مدینه منوّره .

۳۲ـ غسل برای دخول مسجدالنبی (ص) .

۳۳ـ غسل برای زیارت پیامبر (ص) .

۳٤ـ غسل برای زیارت أئمهٔ معصومین (ع) .

۳۵ـ غسل برای توبه .

۳٦ـ غسل برای قضای نماز آیات .

۳۷ـ غسل برای نماز حاجت .

۳۸ـ غسل برای تماشای دارآویخته .

۳۹ـ غسل برای نماز إستخاره .

٤۰ـ غسل برای تغسیل میّت .

٤۱ـ غسل برای تکفین میّت .

٤۲ـ غسل برای ولادت نوزاد بخودش .

٤۳ـ غسل برای کشتن مارمالی (وزغ) .

٤٤ـ غسل برای قضای روز جمعه .

٤۵ـ غسل برای تقدیم غسل جمعه درپنجشنبه .

٤٦ـ غسل برای مباهله با خصم دینی .

٤۷ـ غسل برای إستسقاء نمودن وطلب باران .

٤۸ـ غسل برای کسیکه مست خوابیده .

٤۹ـ غسل برای وداع قبر پیامبر (ص) .

۵۰ـ غسل برای روز عید نوروز .

۵۱ـ غسل برای شکر نعمت ودفع نقمت .

نمازهای واجب

نمازهائی که برمکلّف واجب هستند ازاین قرارند :

١ـ نماز صبح یومیّه دو رکعت .

٢ـ نماز ظهر یومیه چهار رکعت .

٣ـ نماز عصر یومیه چهار رکعت .

٤ـ نماز مغرب یومیه سه رکعت .

٥ـ نماز عشاء یومیه چهار رکعت .

٦ـ نماز آیات دو رکعت با ده رکوع .

٧ـ نماز میّت پنج تکبیره .

٨ـ نماز طواف واجب دو رکعت .

٩ـ قضای نمازهای پدر برپسر وهمچنین مادر .

١٠ـ نماز واجب شده بنذر شرعی .

١١ـ نماز واجب شده بسوگند شرعی .

١٢ـ نماز واجب شده بعهد شرعی .

١ـ نماز واجب شده بأجرت قضای از میّت .

١٤ـ نماز مستحبّی که بأمر پدر ومادر یا إمام معصوم واجب گشته .

١٥ـ نماز قضای نمازهای واجب فوت شده از خود مکلّف .

أرکان وأجزاء نماز

أرکان نماز که بازیاد وکم‌شدن عمداً یاسهواً نماز باطل‌میشوداینهایند:

١ـ نیّت وقصد قربت .

٢ـ تکبیرةالأحرام= گفتن الله‌کبر .

٣ـ قیام متّصل برکوع .

٤ـ رکوع .

٥ـ سجدتین ـ دوسجود .

أجزاء نماز که ترك عمدی آنها نماز را باطل میکند اینهایند :

١ـ قراءت ، حمد وسورهٔ کامل خواندن در دو رکعت اول .

٢ـ تسبیحات اربعه خواندن در رکعت سوم وچهارم .

٣ـ ذکر رکوع ، سه‌بار گفتن سبحان‌الله یا یکبار سبحان ربّی‌العظیم وبحمده .

٤ـ ذکر سجود ، سه‌بار گفتن سبحان‌الله یا یکبار سبحان ربّی‌الأعلی وبحمده .

٥ـ تشهّدخواندن، نشستن پس‌از دورکعت آخر وذکر تشهد گفتن أشهدان‌لاإله‌الاالله وحده لاشریك‌له وأشهدأن محمداً عبده ورسوله‌اللّهم صلّ علی محمّد وآل‌محمّد .

٦ـ سلام نماز ، گفتن السلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته واجب‌و گفتن سلام اول‌مستحب‌است وآن‌السلام‌علیك أیّها‌النبی‌ورحمة‌الله وبرکاته‌میباشد.

مُبطلات نماز

اُموریکه نماز را بهم میزند وباطل میکند ازاین قرارند .

١ـ ریا نمودن .

٢ـ خندیدن باصدا عمداً .

٣ـ گریه‌کردن برای غیر خدا وبرأمور دنیا .

٤ـ خوردن هرچیز خواه حلال یا حرام .

٥ـ آشامیدن هرمایع حلال یا حرام .

٦ـ سخن‌گفتن عمداً گرچه بایك حرف معنی‌دار .

٧ـ آمین بدعتی گفتن پس‌از حمد .

٨ـ تکفیر ودست بستن بدعتی .

٩ـ برگشتن از قبله .

١٠ـ شك مبطل نمودن .

١١ـ کم وزیاد شدن رکن مگر درجماعت .

١٢ـ از بین‌بردن حالت نماز باکف‌زدن یا پریدن وغیره .

١٣ـ فقدان طهارت وبطلان وضو یا غسل یا تیمّم .

١٤ـ فقدان شرایط صحّت نماز مانند ساتر ومباح بودن‌مکان .

١٥ـ إقتدا نمودن بکسی‌که حایز شرایط إمامت نیست .

١٦ـ تقارن زن ومردکه شانه به‌شانه نماز بخوانند وتقدم برامام .

نمازهای مستحبّی

١ـ نماز نافلهٔ صُبح ، که دورکعت پیش ازآن است .

٢ـ نماز نافلهٔ ظُهر، که هشت رکعت پیش‌از آن است .

٣ـ نماز نافلهٔ عصر، که هشت رکعت پیش‌از آن است .

٤ـ نماز نافلهٔ مغرب ، که چهار رکعت بعداز آن است .

٥ـ نماز نافلهٔ عشآء ، که دورکعت بعداز آن است .

٦ـ نماز نافلهٔ شب‌که هشت رکعت بعداز نیمهٔ شب است .

٧ـ نماز نافلهٔ شفع که دورکعت بعداز نماز شب است .

٨ـ نماز نافلهٔ وتر که یکرکعت بعداز نماز شفع است .

٩ـ نماز نافلهٔ ظهر وعصر جمعه‌که چهار رکعت إضافه میشود .

١٠ـ نماز نافلهٔ غفلیه‌که دو رکعت میان مغرب وعشاء است .

١١ـ نماز جعفرطیّارکه چهار رکعت با سیصدوسی تسبیح است .

١٢ـ نماز روز اول هرماه قمری .

١٣ـ نماز لیلة‌الدّفن میّت‌که نماز وحشت نامیده میشود .

١٤ـ نماز عید فطر وقربان .

١٥ـ نماز حاجت درمسجد کوفه .

١٦ـ نماز حضرت حجّت عجّل‌الله فرجه .

١٧ـ نماز زیارت پیامبر(ص) و إمامان(ع) .

١٨ـ نماز کسوف وخسوف‌جزئی وتکرار نمازآیات‌تاإنجلای کسوفین.

١٩ـ نماز تحيّت مساجد وحرمهاى معصومين (ع) .

٢٠ـ نماز شكر برنعمتهاى إلهى .

أماكن مكروه نماز

نماز خواندن درچند مكان مكروه است كه عبارتند از :

١ـ نماز خواندن در سرزمين وادىضجنان كه يك منزلى مكّه است.

٢ـ نماز خواندن در سرزمين شقره كه در راه مكّه است .

٣ـ نماز خواندن در سرزمين بيداء كه ميان مكّه ومدينه است .

٤ـ نماز خواندن در سرزمين ذات‌الصلاصل كه درجوف حجازاست.

٥ـ نماز خواندن در سرزمين عذاب إلهى كه برأمم گذشته نازل شده.

٦ـ نمازخواندن ميان قبور مگرآنكه پنج متر باقبر فاصله باشد .

٧ـ نمازخواندن درزمين شوره‌زار وكوير ونمك‌زار .

٨ـ نمازخواندن درمعابر وراههاى عمومى مردم .

٩ـ نمازخواندن درمسيلها وميان گودى دره‌ها .

١٠ـ نمازخواندن دركشتارگاههاى حيوانات .

١١ـ نمازخواندن در داخل حمامها وگرمابه‌ها .

١٢ـ نمازخواندن درگلخن ومحل آتش حمامها .

١٣ـ نمازخواندن دركوره‌هاى آتش‌آجرپزى ياآهنگرى ياشيشه‌پزى .

١٤ـ نمازخواندن درخانه‌هاى مسكونى مجوسيان و زردشتيان .

١٥ـ نمازخواندن درآتشكده‌هاى روشن وخاموش مجوسيان وزردشتيان.

١٦ـ نمازخواندن درمعابد وبتكده‌هاى كفار ومشركين .

١٧ـ نمازخواندن دركليساها وصومعه‌هاى نصارى ويهود .

١٨ـ نمازخواندن برروى زمين يخ زده و روى برف .

١٩ـ نمازخواندن در سرزمين مورچگان .

٢٠ـ نمازخواندن در زباله‌دانها وآشغالدانها .

٢١ـ نمازخواندن در سيلوهاى گندم وآرد وبرنج وجو .

٢٢ـ نمازخواندن در طويلهٔ چهارپايان .

٢٣ـ نمازخواندن درأماكن شراب وميخانه‌ها .

٢٤ـ نمازخواندن برپشت بام كعبه .

٢٥ـ نمازخواندن درجائيكه زن نشسته باشد .

٢٦ـ نمازخواندن درجائيكه روبروى نمازگذار انسانى قرارگيرد .

٢٧ـ نمازخواندن درجائيكه روبروى نمازگذار آتش روشن باشد .

٢٨ـ نمازخواندن درجائيكه روبروى نمازگذار مجسّمه وبت باشد.

٢٩ـ نمازخواندن درجائيكه روبروى نمازگذار قرآن باز باشد .

٣٠ـ نمازخواندن درجائيكه روبروى نمازگذار أسلحه برافراشته باشد.

٣١ـ نمازخواندن درجائيكه روبروى نمازگذار عكس وتمثال باشد.

٣٢ـ نمازخواندن درجائيكه مكان تخليه غائط وبول باشد .

٣٣ـ نمازخواندن درجائيكه متنجس باشد وخشك وگرنه مبطل نماز است.

مکروهات نمازگذار

۱ـ بستن چشمها درحال نماز مکروه است .

۲ـ گرداندن صورت بسمت راست وچپ مکروه است .

۳ـ چرخاندن حدقهٔ چشمها مکروه است .

٤ـ بازیکردن باریش ودستمالی آن مکروه است .

٥ـ انگشتهای دست را داخل همنمودن مکروه است .

٦ـ آب دهان انداختن مکروه است .

۷ـ خواندن نوشتهها مکروه است .

۸ـ لخت وعریان بودن مکروه است .

۹ـ پوشیدن جوراب تنگ مکروه است .

۱۰ـ خودداری نمودن ازبول وغایط مکروه است .

۱۱ـ درحال خواب آلودگی وگیجی نماز خواندن مکروه است .

۱۲ـ بیعمامه وتحتالحنك نمازخواندن مکروه است .

۱۳ـ عمداً تاآخر وقت تأخیر نمودن مکروه است .

١٤ـ زنها درخارج ازمنزل نماز بخوانند مکروه است .

۱٥ـ همسایهٔ مسجد درغیر ازآن نماز بخواند مکروه است .

۱٦ـ خمیازه کشیدن درحال نماز مکروه است .

۱۷ـ ملاعبه نمودن با زن نمازگذار مکروه است .

۱۸ـ دست زدن بعورت درحال نماز مکروه است .

۱۹ـ دودست را از آستین عبا بیرون آوردن مکروه است .

۲۰ـ ترك سورهٔ توحید دریکشبانه روز مکروه است .

نشانههای قبله

در سرزمین عراق چهار نشانه برای شناخت قبله مذکور است :

۱ـ خورشید هنگام زوال ظهر برنوك أبروی راست قرار گیرد .

۲ـ شفق وسرخی غروب بطرف شانهٔ چپ قرار گیرد .

۳ـ ستارهٔ جَدی پشت شانهٔ راست قرار گیرد .

٤ـ روشنائی فجر صادق مقابل شانهٔ چپ قرار گیرد .

و درسرزمین شام شش علامت برای قبله آمده :

۱ـ ستارهٔ بناتالنعش هنگامغروب پشت گوش راست قرار گیرد .

۲ـ ستارهٔ جَدی پشت شانه چپ قرار گیرد .

۳ـ ستارهٔ سُهیل هنگام غروب مقابل چشم راست قرار گیرد .

٤ـ ستارهٔ سُهیل هنگام طلوع میان دوچشم قرار گیرد .

٥ـ ستارهٔ صبا هنگام طلوع برگونهٔ چپ قرار گیرد .

٦ـ جانب شمال همیشه برشانهٔ راست قرار گیرد .

و درسرزمین یمن سه علامت برای قبله آمده :

۱ـ ستارهٔ جَدی هنگام طلوع میان دوچشم قرار گیرد .

۲ـ ستارهٔ سُهیل هنگام غروب میان دوشانه قرار گیرد .

۳ـ جانب جنوب همیشه طرف شانهٔ راست قرار گیرد .

و درسرزمین مغرب وشمال آفریقا سه نشانه آمده :

۱ـ ستارهٔ ثریّا طرف راست نمازگذار قرار گیرد .

۲ـ ستارهٔ عیّوق طرف چپ نمازگذار قرار گیرد .

۳ـ ستارهٔ جَدی طرف گونهٔ چپ نمازگذار قرارگیرد .

سقوط شرط قبله

درچند مورد شرط إستقبال قبله ساقط میشود .

۱ـ کسیکه درجنگ نماز خوف میخواند .

۲ـ کسیکه درحال غرق شدن وشناور است .

۳ـ کسیکه درگل ولای وباتلاق فرو رفته است .

۴ـ کسیکه درمقابل حیوان درندهای قرار گرفته .

۵ـ کسیکه درکشتی یاقطار درحال حرکت ناچار است نماز بخواند .

۶ـ کسیکه أسیر وگرفتار است بگونهای که نمیتواند روبقبله شود .

۷ـ کسیکه نافله ومستحبی درحال سواری وکار میخواند .

۸ـ کسیکه قبله را نمیشناسد ووقت چهار عدد نماز خواندن ندارد .

۹ـ کسیکه مریض است وبستری ونمیتواند روبقبله نماز بخواند .

۱۱ـ کسیکه حیوانی که درمعرض تلفشدن است میخواهد سرببرد .

۱۲ـ کسیکه حیوان سرکش فراری را میخواهد سر بِبُرد .

۱۳ـ میّتی راکه درکشتی مرده ونمیشود بخشکی رساند و در دریا

باید افکند .

۱۴ـ میّتی راکه در زیر آوار مانده واگر بیرون کشند متلاشی و تلف میشود .

۱۵ـ زنبارداری که مرده است وبچهٔ مرده هم درشکم دارد همانگونه دفن میشود وبچه روبقبله نباشد .

۱۶ـ محتضریکه دائم‌الحدث‌است ومسلوس‌ومبطون شده که درآنحال روبقبله نمیشود .

شرایط لباس نمازگذار

شخص نمازگذار باید شرایطی را درلباسی کــه باآن نماز میخواند مراعات نماید که اینهایند :

۱ـ لباس نمازگذار پاك باشد .

۲ـ لباس نمازگذار مباح باشد .

۳ـ لباس نمازگذار ساتر عورتین باشد.

۴ـ لباس نمازگذار ابریشمی خالص برای مردان نباشد .

۵ـ لباس نمازگذار طلاباف یا زیورآلات طلا نباشد .

۶ـ لباس نمازگذار از أجزای میته ومُردار حیوان خون جهندهدار نباشد .

۷ـ لباس نمازگذار از أجزای حیوانات حرام گوشت نباشد .

۸ـ لباس نمازگذار شبیه بهلباس کفّار نباشد .

٩ـ لباس نماز گذار مردان را زنان نپوشند ولباس زنان را مردان نپوشند .

١٠ـ لباس نماز گذار آلوده به‌عرق جنابت از حرام نباشد .

شرایط نماز جماعت

شرایط صحّت نماز جماعت از قرار ذیل میباشند :

١ـ إمام جماعت دارای شرایط إمامت بوده باشد .

٢ـ مأموم نیّت إقتدا وإیتمام بکند .

٣ـ مأموم متابعت از إمام در أفعال نماز بکند .

٤ـ مأموم جلوتر از إمام نایستد .

٥ـ إمام بالاتر از مأموم وبلندتر نایستد .

٦ـ میان إمام ومأموم فاصلهٔ زیادی نباشد .

٧ـ میان إمام ومأموم حائل ومانعی نباشد .

٨ـ إمام نماز واجب بخواند نه‌مستحبّی ونافله .

٩ـ إمام نماز را خوابیده نخواند .

١٠ـ إمام معذور بترك أجزاء وشرائط نماز نباشد .

شرایط امام جماعت

کسیکه میخواهد إمام جماعت شود باید دارای این شرایط باشد :

١ـ مسلمان موحّد باشد .

٢ـ مؤمن وشیعهٔ إثناعشری باشد .

٣ـ مُغالی ومتصوّف وحلولی ومجسم نباشد .

٤ـ حلال‌زاده باشد .

٥ـ مرد برای مردان باشد .

٦ـ بالغ باشد .

٧ـ عاقل باشد .

٨ـ عادل باشد .

٩ـ محدود که حدّ براو جاریشده نباشد .

١٠ـ محجور علیه وسفیه ومفلّس نباشد .

١١ـ قراءتش صحیح باشد .

١٢ـ بمسائل وأحکام نماز آشنائی داشته باشد .

١٣ـ مبتلا بمرض جذام وبرص وخوره وپیسی نباشد .

١٤ـ ریا نکند وخلوص نیّت داشته باشد .

شکهای صحیح

درشکهای صحیح نماز بنا را بربیشتر قراردهد وپس ازسلام نماز إحتیاط وسجدهٔ سهو بخواند :

١ـ شك میان دو وسه باید یك رکعت ایستاده احتیاط بخواند .

٢ـ شك میان دو وچهار باید دورکعت ایستاده احتیاط بخواند .

٣ـ شك میان چهار وپنج نشسته باید سلام دهد وسجدهٔ سهو نماید .

٤ـ شك میان چهار وپنج ایستاده باید یکرکعت ایستاده نماز احتیاط بخواند.

۵ـ شك میان سه وچهار درهرحال باید یك رکعت ایستاده بخواند .

۶ـ شك میان سه وپنج درقیام بایددو رکعت ایستاده نماز احتیاط بخواند.

۷ـ شك میان دووسه وچهار دو رکعت نشسته ودو رکعت ایستاده بخواند.

۸ـ شك میان سه وچهار وپنج درقیام باید دو رکعت ایستاده و دو رکعت نشسته بخواند .

۹ـ شك میان پنج وشش درقیام باید بنشیند و دوسجدهٔ سهو پس‌از سلام بخواند .

شکها ی باطل وبیجا

شکهائی که نباید بآنها إعتنا نمود وشکهائیکه مبطل نمازند اینهایند :

۱ـ شك كثیر الشك كه نباید بشكش اعتنا كند .

۲ـ شك إمام ومأموم كه هريك از ديگری متوّجه ميگردد .

۳ـ شك بعداز فراغ از نماز که اعتنا نکند .

۴ـ شك بعداز تجاوز از محل که اعتنا نکند .

۵ـ شك بعداز خروج وقت نماز که اعتنا نکند .

۶ـ شك درنمازهای دورکعتی وسه‌رکعتی که مبطل نماز است .

۷ـ شك میان يك و دو که مبطل نماز است .

۸ـ شك میان يك وبیش‌از دو که مبطل نماز است .

۹ـ شك میان دو وبیش‌از چهار که مبطل نماز است .

۱۰ـ شك پیش‌از إکمال دوسجده درغیر ازسه وچهار وچهار وپنج

نماز است بنابر مشهور .

۱۱ـ شك درتمامی رکعتها که مبطل نماز است .

۱۲ـ شك میان پنج وبیشتر خواه شش یا هفت وهشت مبطل نمازاست.

واجبات رکوع

چیزهائی که در رکوع نماز واجب واجب شمرده شده‌اند اینهایند :

۱ـ خم‌شدن بحدّیکه دستها بزانو برسد .

۲ـ گفتن ذکر تسبیح رکوع سه مرتبه سبحان‌الله یا يك مرتبه سبحان ربی‌العظیم وبحمده واگر عَزیم میگوید سه سبحان‌الله متعّین است .

۳ـ طمأنینه هنگام گفتن ذکر رکوع .

۴ـ قیام پس‌از رکوع .

۵ـ طمأنینه درحال قیام پس‌از رکوع .

۶ـ عربی وصحیح خواندن ذکر رکوع .

۷ـ موالات و پی‌درپی آوردن ذکر رکوع .

۸ـ مکان رکوع مباح باشد .

مستحبّات رکوع

چند چیز در رکوع مستحّب است که اینهایند :

۱ـ تکبیر گفتن درقیام متصّل برکوع .

۲ـ بلندنمودن دستها درتکبیر قیام اول و دوم .

۳ـ دوکف دستها را برزانوها قراردادن .

٤ـ زنها کف دستها را بر ران خود قرار دهند .

٥ـ دو زانو را بعقب برگرداندن .

٦ـ کمر را صاف قراردادن .

٧ـ گردن را مساوی کمر قراردادن .

٨ـ درمیان دوپا نگاه کردن .

٩ـ دست راست را پیش‌از چپ برزانو نهادن .

١٠ـ تسبیح را سه بار وپنج بار وهفت وبیشتر تکرار نمودن .

١١ـ دعای پیش‌از خواندن ذکر را گفتن .

١٢ـ پس‌از برخاستن سمع‌الله لمن حمده گفتن .

١٣ـ دو دست را پس‌از رکوع بلند نمودن وتکبیر گفتن .

١٤ـ پیش‌از ذکر وبعدش صلوات برمحمّد وآل محمّد فرستادن .

١٥ـ دو زانو را جفت ننمودن بلکه باز قراردادن .

واجبات سجود

آنچه که درسجود واجب است ازاین قرار است :

١ـ موالات میان دوسجده واجب است .

٢ـ موالات میان ذکر تسبیح سجده که سبحان‌الله سه‌بار است .

٣ـ گفتن ذکر واجب یا سبحان ربّی‌الأعلی وبحمده یاسه‌سبحان‌الله.

٤ـ عربی وفصیح وصحیح خواندن ذکر .

٥ـ نشستن میان دو سجده .

٦ـ إطمینان وطمأنینه داشتن درحالت سجده .

٧ـ طمأنینه داشتن درحال گفتن ذکر .

٨ـ طمأنینه داشتن درحال نشستن میان دوسجده .

٩ـ پیشانی را برجائی که زمین یا أجزائی‌که خوراك وپوشاك نیستند نهادن .

١٠ـ پیشانی را برجائی‌که زمین پاك است نهادن .

١١ـ پیشانی را برجائی‌که زمین مباح است قرار دادن .

١٢ـ مواضع هفت‌گانه را برزمین هموار قراردادن که عبارتند از:

١ـ پیشانی .

٢ و٣ـ دوکف‌دستها .

٤ و٥ـ دو زانوی پاها .

٦ و٧ـ دو انگشت إبهام پا .

مستحبّات سجود

١ـ صلوات برمحمّد وآل‌محمّد فرستادن درسجود .

٢ـ طول دادن سجده .

٣ـ تکرارنمودن ذکر سجده .

٤ـ فرد وطاق گفتن ذکر تکراری نه جفت .

٥ـ پیش‌از ذکر سجود دعا خواندن .

٦ـ نگاه را بنوک بینی قراردادن درحال سجده .

٧ـ درميان دوسجده طلب آمرزش ورحمت كردن .

٨ـ مساوى قراردادن جاى مواضع هفت‌گانه را .

٩ـ إستغفار خواندن ميان‌دوسجده .

١٠ـ شكم و دوبازو را از زمين برداشتن درسجده .

١١ـ جاى پيشانى را با جاى إيستادن مساوى قراردادن .

١٢ـ ذكر بزرگ سبحان ربى‌الأعلى را برذكر كوچك مقدّم داشتن درإختيار مگرآنكه تلفظ ظاء نكند در ذكرركوع وتلفظ عين در سجود .

١٣ـ دعانمودن درسجود آخر وطلب حاجت نمودن درآن .

١٤ـ نشستن بران چپ وقراردادن كف پاى راست بركف‌پاى‌چپ.

١٥ـ هنگام برخاستن مردها اول زانوها را از زمين بردارند .

١٦ـ هنگام برخاستن‌زنها ومردها بحول‌الله وقوته‌أقوم وأقعدبگويند.

١٧ـ إرغام أنف وگذاشتن بينى را برچيزى‌كه سجْده برآن‌جايزاست.

١٨ـ إبتدا دستها را برزمين نهادن براى مران وبراى زنان زانوهارا.

١٩ـ تمامى پيشانى را برروى خاك نهادن ودستها راهم برخاك‌نهادن.

٢٠ـ دستها را باانگشت بسته وجفت شده تابگوش روبقبله برداشتن پيش‌از سجده وبعدش .

٢١ـ تكبير گفتن پس‌از سجدهٔ اول وهنگام رفتن بسجدهٔ دوم وپس‌از نشستن ازآن .

٢٢ـ برزمين وخاك زمين سجده نمودن نه‌سنگ وتخته وغيره .

سجدهٔ واجب ومستحب

سجده‌هاى واجب اينهايند :

١ـ سجود نمازهاى واجب .

٢ـ سجده‌هاى قضاى نمازهاى واجب .

٣ـ سجدهٔ سهو واجب نمازهاى واجب .

٤ـ سجده‌هاى واجب آيه‌هاى سجدهٔ قرآن‌كه عبارتند از :

١ـ سجدهٔ سورهٔ آلم تنزيل = إنمّا يؤمن بآياتنا الخ .

٢ـ سجدهٔ سورهٔ حم سجده = و من آياته‌الليل والنهارالخ .

٣ـ سجدهٔ سورهٔ النجّم = فاسجدوالله الخ .

٤ـ سجدهٔ سورهٔ إقرأ = كلاّ لاتطعه ألخ .

سجده‌هاى مُستحبّى اينهايند :

١ـ سجود نمودن ميان أذان وإقامه .

٢ـ سجدهٔ شكر .

٣ـ سجدهٔ مأموم براى متابعت إمام اگر سهواً پيش‌از او برخاسته .

٤ـ سجدهٔ داخل شدن مسجد كعبه .

٥ـ سجدهٔ براى آيه‌هاى سجدهٔ مندوبهٔ قرآن .

٦ـ سجدهٔ براى تحيّت مساجد اگر نماز تحيّت نخوانده .

٧ـ سجدهٔ سهوى كه واجب نيست در نمازها .

موارد استحباب وسقوط أذان واقامه

موارديكه مستحب است أذان وإقامه گفتن اينهايند :

۱ـ براى خواندن نمازهاى يوميّه .

۲ـ أذان گفتن درگوش راست وإقامه درگوش چپ نوزاد .

۳ـ در بدرقهٔ مسافر مؤمن براى سلامتى او .

ـ درگوش كسيكه چهل روز ترك گوشت نموده .

۵ـ درگوش حيوانى كه سركش وچموش شده براى رام شدنش .

۶ـ درگوش كسيكه غش كرده ومصروع است كه بهوش آيد .

موارديكه أذان وإقامه ساقط ميشوند اينهايند :

۱ـ مأمومى كه ميخواهد بامام جماعت إقتدا كند .

۲ـ كسيكه ميخواهد درجائيكه مخصوص جماعت است وبرپا شده نماز بخواند .

۳ـ أذان نماز عصر روز جمعه كه بلافاصله خوانده شود .

۴ـ أذان نماز عصر روز عرفه كه بلافاصله خوانده شود .

۵ـ أذان نماز عشاء شب مزدلفه بلافاصله خوانده شود .

۶ـ أذان نماز عصر وعشاء زن مستحاضه كه هردو را بايك غسل ميخواند .

۷ـ كسيكه وقت نمازش تنگ شده است وبراى أذان وقت ندارد .

۸ـ مسلوس ومبطون كه جمع بين صلاتين مينمايند وبلافاصله پس از

وضو وغسل بنماز ميايستند .

فصول أذان واقامه

فصول أذان بترتيب ازاين قرار است :

۱ـ چهاربار گفتن اللّه أكبر .

۲ـ دوبار گفتن أشهدأن لاإله إلااللّه .

۳ـ دو بار گفتن أشهدأن محمّداً رسول اللّه (ص) .

۴ـ دو بار گفتن أشهدأن علياً ولىّ اللّه بنيّت إستحباب .

۵ـ دو بار گفتن حىّ على الصلاة

۶ـ دو بار گفتن حىّ على الفلاح .

۷ـ دو بار گفتن حىّ على خيرالعمل .

۸ـ دو بار گفتن اللّه أكبر .

۹ـ دو بار گفتن لاإله إلااللّه .

وفصول إقامه با أذان إختلافش اينستكه در اول فقط دوبار تكبير و پس از حىّ على خيرالعمل دوبار قدقامت الصلاة ـ ودرآخرهم فقط يكبار لاإله إلااللّه گفته ميشود .

(وطبق فتواى كتبى حضرت آية اللّه العظمى ميلانى وفقهاى ديگر جايز است گفتن پس از شهادت بولايت : (أشهدأن الحجّة بن الحسن بقيّة اللّه) بقصد رجآء نه ورود وثواب دارد) .

موارد جواز عدول

درچند مورد میتوان ازنمازی کهقصد شدهاست بدیگری عدول‌نمود :

۱ـ عدول نمودن ازنماز قضائی بهنماز قضائی قبل از آن .

۲ـ عدول نمودن‌از نماز ترتیبی بنمازواجب قبل‌از آن که نخوانده .

۳ـ عدول نمودن ازنماز قضا بهنماز أداءکهواجب شدهو وقتش‌رسیده .

۴ـ عدول‌نمودن ازنمازواجبی بنمازواجب دیگرمانند عدول ازیومیه بهنماز آیات .

۵ـ عدول نمودن ازنماز نافلهٔ أداءی به نماز نافلهٔ قضائی قبل‌از آن .

۶ـ عدول نمودن ازنماز نافلهٔأداءی‌به نماز واجب قضائی قبل‌از آن .

۷ـ عدول نمودن ازنماز نافلهٔأداءی به نماز واجب‌أداءی قبل‌از آن .

۸ـ عدول نمودن ازنماز نافلهٔقضائی بهنماز واجب أداءی قبل ازآن .

۹ـ عدول نمودن از نماز نافلهٔ قبلی بهنماز بعدی قبل ازآن .

۱۰ـ عدول نمودن ازنماز نافلهٔ بعدی بهنمازنافلهٔ قبلی قبل ازآن .

۱۱ـ عدول نمودن از نماز واجب فرادی به نافله برای‌درك جماعت .

۱۲ـ عدول نمودن از نماز چهار رکعتی أداءی واجب به دو رکعتی قضائی واجب .

مستحبّات تعقیب

تعقیبات پس‌از نماز بسیارند لیکن قسمتی از مستحبّات اینهایند :

۱ـ سه‌بار تکبیر گفتن پس‌از سلام نماز .

۲ـ سه‌بار حـدّأقل‌صلوات فرستادن برمحمّد وآل‌محمّد(ص) .

۳ـ تسبیح زهرا (ع) که ۳٤ تکبیر و۳۳ حمد وتسبیح است .

٤ـ خواندن إستغفار حدّأقل سه‌با وهفتاد مرتبه وارد است .

۵ـ نشستن تاطلوع آفتاب پس‌از نماز صبح .

٦ـ خواندن دعای لاإله‌إلاالله وحده‌وحده الخ .

۷ـ خواندن سورهٔ حمد وفاتحةُ الکتاب .

۸ـ خواندن آیةالکرسی .

۹ـ خواندن آیهٔ شهدالله أنّه‌لاإلـه‌إلاهو الخ .

۱۰ـ خواندن یازده بار سورهٔ توحید .

۱۱ـ خواندن دعای سبحان من لایعتدی علی‌أهل مملکته .

۱۲ـ خواندن دعای فرج ودعا برای ظهور إمام زمان(ع) .

۱۳ـ خواندن دعاهای وارده مخصوص هرنماز .

۱٤ـ خواندن شهادتین وإقرار برإمامت دوازده إمام(ع) .

۱۵ـ خواندن لعن ونفرین بردشمنان خدا وپیامبر(ص)وأهل‌بیش(ع).

شرایط وجوب نماز جمعه و واجباتش

در زمان حضور معصوم واجب عینی‌است و در زمـان غیبت واجب تخییری است ومکلّف إختیار دارد نماز ظهر یا جمعه بخواند .

١ــ مسلمان بودن شرط وجوب نماز جمعه است .

٢ــ بالغ بودن شرط وجوب نماز جمعه است .

٣ــ عاقل بودن شرط وجوب نماز جمعه است .

٤ــ آزاد بودن شرط وجوب نماز جمعه است .

٥ــ مسافر نبودن شرط وجوب نماز جمعه است .

٦ــ کور ونابینا نبودن شرط وجوب نماز جمعه است .

٧ــ مریض نبودن شرط وجوب نماز جمعه است .

٨ــ زمینگیر نبودن شرط وجوب نماز جمعه است .

٩ــ پیر وفرتوت نبودن شرط وجوب نماز جمعه است .

١٠ــ بیش‌از دوفرسخ دورنبودن شرط وجوب نماز جمعه است .

١١ــ واجبست عَدد جماعت جمعه بیش‌از پنج نفر باشد .

١٢ــ واجبست دوخطبه خوانده شود .

١٣ــ واجبست دوخطبه ونماز را یك إمام إیستاده بخواند ومیان دو خطبه بنشیند .

١٤ــ واجبست گوش‌دادن بخطبه‌های جمعه برمأمومین .

١٥ــ واجبست فاصلهٔ میان دونماز کمتر از سه‌میل نباشد .

١٦ــ مرد بودن شرط وجوب است وشرط جواز نیست پس برای‌زنان جایز است لیکن واجب نیست .

مستحبات ومکروهات جماعت

١ــ مستحّب است‌که مأموم مرد درطرف راست إمام بایستد واگرچند نفرند پشت سرش بایستند وهمچنین زنان .

٢ــ مستحب است‌که إمام جماعت دروسط صّف مأمومین بایستد .

٣ــ مستحب است‌که درصّف اول أهل علم وفضلیت‌وکمال وتقوی باشند .

٤ــ مستحب‌است إیستادن نزدیك إمام .

٥ــ مستحب‌است درجانب راست صفها إیستادن‌که أفضل است‌أزچپ .

٦ــ مستحب است صاف ومنظّم ومرّتب نمودن صفها .

٧ــ مستحب است که فاصلهٔ میان صفها کمتر ازیك متر باشد .

٨ــ مستحب‌است‌که إمام جماعت حال‌أضعف مأمومین را رعایت نماید.

٩ــ مستحب‌است‌که إمام جماعت درنمازهای‌جهری قرائتش‌رابگوش مأموم برساند .

١٠ــ مستحب است‌که إمام جماعت پس‌از سلام نماز عجله دربرخاستن ننماید .

١١ــ مستحب است‌که إمام جماعت ذکر رکوع را دوباره تکرارنماید برای کسیکه برکوع إقتدا میکند .

١٢ـ مستحب است مأموم پس از حمد إمام الحمدلله رب العالمين بگويد.

١٣ـ مستحب است مأموم باشنيدن قدقامت الصلاة برخيزد .

١٤ـ مستحب است مأموم اگر پيش از قراءت إمام قرائتش تمام شد بذكر وتسبيح وتهليل مشغول گردد .

١٥ـ مكروه است مأموم بتنهائى دريك صف بايستد بابودن جا در صفهاى ديگر .

١٦ـ مكروه است مأموم نافله بخواند پس از شنيدن قدقامت الصلاة .

١٧ـ مكروه است إمام فقط براى خودش دعا كند وبراى مؤمنين دعا نكند .

١٨ـ مكروه است سخن گفتن پس از شنيدن قدقامت الصلاة .

١٩ـ مكروه است مأموم قرائتش را بگوش إمام برساند .

٢٠ـ مكروه است مأموم حاضر بإمام مسافر إقتدا كند درنمازهاى رباعى چهاركعتى .

موجبات نماز آيات

نماز آيات كه دوركعت با ده ركوع ميباشد دراين موارد واجب است:

١ـ كسوف آفتاب وگرفتگى خورشيد .

٢ـ خسوف ماه وگرفتگى آن .

٣ـ زلزله وزمين لرزه .

٤ـ آتشفشان مخوف .

٥ـ طوفان مخوف بادها وگرد وغبار وعاصفه‌ها .

٦ـ طوفان مخوف درياها مانند طوفان نوح عليه‌السلام .

٧ـ تاريكى وظلمت آسمان وفضا در روز بغير از كسوف .

٨ـ صيحه وصاعقه مخوف آسمانى .

٩ـ آتش آسمان وباران سنگ مانند عذاب أصحاب فيل .

١٠ـ خسف مخوف ومهلك در زمين .

١١ـ سيلهاى عظيم مخوف ومدمّر ومهلك مانند سيل العرم .

١٢ـ مسخ شدن انسانها بعذاب إلهى بشكل ميمون وحيوانات ديگر .

١٣ـ مبدّل شدن آبها بخون مانند عذاب فرعونيان .

١٤ـ فرورفتن وخشك شدن همهٔ آبهاى درياها وبرخورد نمودن كرات آسمانى با زمين .

فضيلت وامتياز مساجد

مساجد أربعه كه مسافرت بسوى آنها مستحبّ است اينهايند :

١ـ مسجدالحرام درمكّه مكرّمه .

٢ـ مسجدالنبى (ع) درمدينهٔ منوّره .

٣ـ مسجدالأقصى دربيت‌المقدّس فلسطين .

٤ـ مسجدالكوفه در عراق .

مساجد إعتكاف كه فقط درآنها إعتكاف نمودن وارد است اينهايند :

١ـ مسجدالحرام مسجد كعبه درمكّه .

٢ـ مسجدالنّبی(ص) مسجد پیامبر(ص) درمدینه .

٣ـ مسجد کوفه درعراق .

٤ـ مسجد بصره درعراق ، ومسجد جامع شهر را هم بعضی گفته‌اند.
فضیلت نمازخواندن درمساجد باین ترتیب است :

١ـ مسجدُالحرام که هررکعت نماز درآن مُعادل بایك میلیون رکعت است درثواب .

٢ـ مسجدُالنبی(ص) که هررکعت نماز درآن مُعادل با ده‌هزار رکعت است درثواب .

٣ـ حَرم أمیرالمؤمنین که هررکعت‌نماز درآن‌مُعادل بادویست‌هزار رکعت است درثواب .

٤ـ مسجد کوفه که هر رکعت نماز درآن مُعادل بایك هزار رکعت است درثواب .

٥ـ مسجدالاقصی که هررکعت نماز درآن مُعادل با هزار رکعت است درثواب .

٦ـ مسجد جامع شهر که هررکعت نمازدرآن مُعادل باصد رکعت است درثواب .

٧ـ مسجد قبیله که هررکعت نماز درآن مُعادل بابیست وپنج رکعت است درثواب .

٨ـ مسجد بازار که هررکعت نماز درآن مُعادل با دوازده رکعت است درثواب .

محرمات مساجد

مُحَرماتی دربارهٔ أحکام مساجد آمده است که از جمله اینهایند :

١ـ خرید وفروش وتملّك مساجد حرام است .

٢ـ هرگونه تعامل ومورد معامله قراردادن مانند اجاره ورهن‌مساجد حرام است .

٣ـ تنجیس وآلوده نمودن بنجاست مساجد حرام است .

٤ـ تطهیر ننمودن و أزاله ننمودن نجاستها از مسجدها حرام است .

٥ـ تزیین مساجد به‌طلا بهرنوع وشکل که باشد حرام است .

٦ـ نقاشی مساجد بتصاویر وعکسهای إنسانها و حیوانها وملائکه حرام است .

٧ـ ساختن تمثالها ومُجسّمه‌ها وبُت‌ها هرچندکه تمثال پیامبران باشد حرام است .

٨ـ دفن أموات ومُرده‌گان وأجزاء منفصل از إنسان در مسجد حرام است .

٩ـ بیرون بُردن خاك وسنگ وآجر ومصالح ساختمانی مساجد بی‌ضرورت حرام است .

١٠ـ مکث نمودن زن حائض و نفاس‌دار درمساجد حرام است .

١١ـ مکث نمودن مرد وزن درحال جنابت درمسجدها حرام است .

١٢ـ عبور مرد وزن ناپاك از مسجدین عظمین مسجد کعبه ومسجد

النبی حرام است .

۱۳ــ چیزی از مسجد برداشتن یا در مسجد گذاشتن برزن و مـرد ناپاك حرام است .

۱٤ــ هدم مساجد وتخریب آنها وسوزاندنشان حرام است .

۱٥ــ مهجور داشتن و متروك نمـودن و همیشه بستن درب مساجد حرام است .

۱٦ــ مسکن قراردادن برای همیشه بجز شخص مسافر غریب برای سایرین حرام است .

۱۷ــ محبس و زندان قراردادن مساجد حرام است .

۱۸ــ کفّارومشرکین‌را راه دادن بمسجدالحرام وسایـر مساجد و حرمهای معصومین حرام است .

مستحبات مساجد

مستحبّاتی دربارهٔ مساجد آمده استکه ازاین قرار است :

۱ــ مستحب است ساختن مساجد وتعمیر آنها .

۲ــ مستحب است إعمار مساجد وإقامهٔ نماز وعبادات درآنها .

۳ــ مستحب است کنس مساجد وتمیزنمودن وجاروب آنها .

٤ــ مستحب است إضاءهٔ مساجد و روشن ساختن آنها .

٥ــ مستحب است فرش نمودن مساجد گرچه با حصیر وغیره باشد .

٦ــ مستحب است نماز تحیّت خواندن هنگام ورود بمساجد .

۸ــ مستحب است باطهارت بودن هنگام ورود بمساجد .

۹ــ مستحب است معطر وخوشبو بودن هنگام ورود بمساجد .

۱۰ــ مستحب است تعهّد کفشها ازلوثها نمودن هنگام ورود بمساجد.

۱۱ــ مستحب است پیشی‌گرفتن وسبقت برمردم هنگام ورود بمساجد.

۱۲ــ مستحب است‌عقب‌ماندن وتأخیر ازمردم هنگام خروج‌ازمساجد.

۱۳ــ مستحب است پای راست را هنگام ورود وپای چپ را هنگام خروج مقدّم داشتن .

۱٤ــ مستحب است قبلهٔ مسجد مشخص باشد یا محراب داشته باشد .

مکروهات مساجد

کارهائیکه درمساجدمکروه‌است وشاید برخلاف مروت‌باشداینهایند.

۱ــ خرید وفروش ومعاملهٔ درمسجد مکروه است .

۲ــ محلّ عبور ومرور قراردادن مسجد مکروه است .

۳ــ آب دهان وبینی انداختن درمسجد مکروه است .

٤ــ کشتن شپش وکنه درمسجد مکروه است .

٥ــ شعر خواندن بجز منقبت ومرثیّه معصومین وموعظه درمسجد مکروه است .

٦ــ خوابیدن درمساجد مکروه است .

۷ــ غذا خوردن درمساجد مکروه است .

۸ــ جستجوی گمشده درمساجد مکروه است .

٩ـ راه دادن أطفال کوچك درمساجد مکروه است .

١٠ـ راه دادن مجانین ودیوانگان درمساجد مکروه است .

١١ـ راه دادن حیوانات درمساجد مکروه است .

١٢ـ إجرای حدود وتعزیر وقصاص درمساجد مکروه است .

١٣ـ محلّ قضاوت ومرافعه قراردادن برای غیر معصوم(ع) در مساجد مکروه است .

١٤ـ صنعت کاری نمودن درمساجد مکروه است .

١٥ـ عُریان ولُخت شدن درمساجد مکروه است .

١٦ـ قصه گوئی و داستانسرائی نمودن درمساجد مکروه است .

١٧ـ أسلحه برافراشتن وبرهنه‌نمودن درمساجد مکروه است .

١٨ـ بلند ساختن دیوارها ومنارها وگلدسته‌ها مکروه است .

١٩ـ بابوی سیر وبوی بَد بمسجد رفتن مکروه است .

٢٠ـ بیرون ساختن باد روده که مبطل وضو است مکروه است .

شرایط اعتکاف

إعتکاف که ماندن‌درمسجد سه‌روز باروزه‌است دارای این‌شرایط‌است:

١ـ معتکف باید دریکی از مساجد أربعهٔ إعتکاف معتکف شود .

٢ـ معتکف باید مسلمان مُوحّد باشد .

٣ـ معتکف باید عاقل باشد .

٤ـ معتکف باید روزه‌دار باشد .

٥ـ معتکف باید قصد قُربت ونیّت إعتکاف داشته باشد .

٦ـ معتکف باید بی‌إذن کسیکه إذنش شرط است معتکف نشود مانند پسر بی‌إذن پدر وغیره .

٧ـ معتکف باید کمتر از سه روز معتکف نشود .

٨ـ معتکف باید بی‌جهت ضرورت از مسجد بیرون نرود .

٩ـ معتکف باید مُبطلات إعتکاف را بجا نیاورد .

١٠ـ معتکف باید ریا نکند وتظاهر ننماید وبرای قصد دنیوی إعتکاف نکند .

١١ـ معتکف باید مُبطلات روزه را بجا نیاورد در روز .

مُبطلات اعتکاف

چیزهائیکه إعتکاف را باطل مینماید اینهایند :

١ـ معتکف باید جماع ننماید .

٢ـ معتکف باید مُداعبه ومُلامسه وبوسیدن بشهوت ننماید .

٣ـ معتکف باید إستمنا ننماید وبهیچوسیله منی ازخود بیرون نکند.

٤ـ معتکف باید خودرا خوشبو ومعطر نسازد .

٥ـ معتکف باید عطرها وگیاهان خوشبو را نبوید .

٦ـ معتکف باید خرید وفروش ننماید .

٧ـ معتکف باید صنعت وتجارت ننماید .

٨ـ معتکف باید بحث وجدال برای غلبه برطرفش ننماید .

۹ـ معتکف باید فحش ودشنام وناسزا ندهد بمؤمنین .

۱۰ـ معتکف باید دروغ وتهمت وإفترا ننماید ومرتکب نشود .

۱۱ـ معتکف باید حنث یمین وسوگند بدروغ ننماید .

۱۲ـ معتکف باید حنث نذر ومخالفت بانذر ننماید .

۱۳ـ معتکف باید حنث عهد وپیمان شکنی نکند .

۱٤ـ معتکف باید نکث بیعت ونقض طاعت معصوم ننماید .

شرایط شکسته خواندن

باچند شرط نماز مسافر شکسته میشود وچهار رکعتی را دو رکعت باید بخواند :

۱ـ سفر کمتر از هشت فرسخ نباشد .

۲ـ قصد مسافت هشت فرسخ نموده باشد .

۳ـ سفرش سفر معصیت وحرام نباشد .

٤ـ مسافر کثیرالسفر نباشد .

٥ـ مسافر شغلش وکارش مسافرت نباشد .

٦ـ مسافر درنیمهٔ راه از قصدش برنگردد .

۷ـ مسافر صحرانشین وبادیه‌نشین نباشد .

۸ـ مسافر بحد ترخص وناپدیدشدن دیوارهای شهر برسد .

۹ـ مسافر در راه از وطن خود عبور نکند .

۱۰ـ مسافر قصد إقامت ده روز درجائی ننماید .

درأماکـن تخییر مسافر مخیر است میان شکسته خـواندن و تمام خواندن نماز :

۱ـ درمسجدالحرام .

۲ـ درمسجدالنبی (ص) .

۳ـ درمسجد کوفه .

٤ـ در حائر وحرم إمام حسین (ع) .

موارد شکستن نماز

مواردیکه میتوان نماز را رها نمود وناتمام گذاشت اینهایند :

۱ـ هنگام ورود خطر برجان نمازگذار وبرای دفع آن .

۲ـ برای نجات دیگری از خطر مرگ .

۳ـ برای حفظ عرض وناموس درمعرض خطر .

٤ـ برای حفظ ونگهداری مال محترم ومهم نجزئی .

٥ـ برای دفع حیوانات درنده وموذی .

٦ـ برای أدای دین وطلب طلبکار باقدرت و دروسعت وقت .

۷ـ برای تطهیر مسجد از نجاست در وسعت وقت .

۸ـ برای تمکین نمودن زن از شوهر در وسعت وقت .

۹ـ برای کسیکه أذان وإقامه را فراموش نموده پیش‌از رکوع در وسعت وقت .

١٠ـ برای کسیکه نمازهای نافله ومستحبی میخواند إختیاراً میتواند رها کند .

١١ـ برای کسیکه فرادی نماز میخواند وجماعت برپامیشود ومیترسد بجماعت نرسد .

١٢ـ برای کسیکه خوف ازجا ماندن هنگام حرکت قطار یا هواپیما وغیره دارد .

سُنَن ابراهیمی وعلامات مؤمن

سُنّتهائیکه ازحضرت ابراهیم خلیل الرّحمن بجامانده ومستحبّ اند اینهایند :

١ـ حلق وتراشیدن موی سر .

٢ـ ختنه نمودن .

٣ـ ناخن وسبیل کوتاه کردن .

٤ـ إفشای سلام .

٥ـ إطعام طعام که درپنج مورد تأکید شده است :

١ـ هنگام إزدواج نمودن بویژه شب عروسی و زفاف .

٢ـ هنگام ختنه نمودن طفل .

٣ـ باز گشت از حجّ .

٤ـ هنگام تولّد نوزاد .

٥ـ هنگام خرید منزل جدید وإنتقال بآن .

علامتهای مؤمن که إستحباب مُؤکّد دارند اینهایند :

١ـ زیارت أربعین سیّدالشهداء علیه‌السلام .

٢ـ سجده نمودن بر تُربت سیّدالشهداء علیه‌السلام .

٣ـ پنجاه ویکرکعت نماز یومیّه ونافله خواندن درشبانه روز .

٤ـ جهرنمودن به گفتن بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم در نمازها .

٥ـ أنگشتر در دست راست نمودن .

تزئینات وانگشترهای مُستحب

مستحبّ است که نگین انگشترهای مؤمن ازاین جنس باشد :

١ـ نگین عقیق یمانی بهررنگ وشکل که باشد .

٢ـ نگین یاقوت بهر رنگ وشکل که باشد .

٣ـ نگین زمرّد بهر رنگ وشکل که باشد .

٤ـ نگین جذع یمانی بهر رنگ وشکل که باشد .

٥ـ نگین فیروزه بویژه فیروزهٔ نیشابور وخراسان .

٦ـ نگین حدید صینی بویژه آنکه هفت تعویذ برآن نوشته باشد .

٧ـ نگین دُر نجف أشرف که هرنگاه باصلوات به‌آن ثواب زیارت أمیرالمؤمنین دارد .

٨ـ نگین بلّور وألماس .

تزئینات مُستحبّ زن ومرد ازاین قرارند :

١ـ إستعمال عطرهای خوشبو بویژه برای نماز ومساجد .

٢ـ شانه‌کردن موی سر وسوراخ نمودن گوشها .

٣ـ روغن مالی موی سر .

٤ـ شانه‌کردن وإصلاح ریش بأندازهٔ یك قبضه برای مردان .

٥ـ کوتاه نمودن سبیل وناخن برای مردان .

٦ـ سرمه کشیدن بچشم .

٧ـ مسواك نمودن دندانها بویژه با چوب مخصوص .

٨ـ خضاب نمودن وشستن بدن با حنا وخطمی .

٩ـ برطرف نمودن موهای زاید بدن .

١٠ـ پوشیدن زیورآلات و طلاجات برای زنان فقط و بَرمردان حرام است .

مستحبات لباس

برای عموم مردان مسلمان مستحب است پوشیدن این لباسها :

١ـ عمامه برسر گذاشتن .

٢ـ عبا پوشیدن .

٣ـ قبا پوشیدن .

٤ـ لباسهای سفید پوشیدن .

٥ـ لباسهای تمیز وخوشبو پوشیدن .

٦ـ لباسهای پنبه‌ای وکتّانی پوشیدن .

٧ـ لباسهای خزّ پوشیدن .

٨ـ لباسهای آبرومند وخوب نه برای شهرت پوشیدن .

٩ـ لباسهای پشمینه نپوشیدن مگر برای ضرورت سرما وغیره .

١٠ـ لباسهای کوتاه برای مردان مستحب است وبلند برای زنان .

١١ـ نعلین چرمی پوشیدن .

١٢ـ خُفّ وکفشهای پشت پاشنه‌دار پوشیدن .

١٣ـ کفش ونعلین سفید و زرد پوشیدن .

١٤ـ عمامهٔ سفید برای نماز عید پوشیدن وعمامهٔ سیاه نشانهٔ عزای برإمامان پوشیدن سادات .

خطبه‌های واجب ومستحب

خطبه‌های واجب اینهایند :

١ـ خطبهٔ أول نماز جمعه واجب است .

٢ـ خطبهٔ دوم نماز جمعه واجب است .

٣ـ خطبه‌ایکه نذر شده‌است واجب است .

٤ـ خطبه‌ایکه عهد شده‌است واجب است .

٥ـ خطبه‌ایکه سوگندش را خورده واجب است .

٦ـ خطبهٔ‌مستحبّی که‌پدر أمر کند وترك‌ش إیذاء اوست واجب‌میشود.

٧ـ خطبه‌ایکه إمام معصوم أمر کندکه إیراد شود واجب میشود .

خُطبه‌های مُستحبّ اینهایند :

۱ـ خطبهٔ نماز عید فطر مستحبّ است .

۲ـ خطبهٔ نماز عید قربان مستحبّ است .

۳ـ خطبهٔ نماز إستسقاء مستحبّ است .

٤ـ خطبهٔ عقد نکاح مستحبّ است .

٥ـ خطبهٔ روز ترویه درحجّ مستحبّ است .

٦ـ خطبهٔ روز عرفه در حجّ مستحبّ است .

۷ـ خطبهٔ درمنی در حجّ مستحبّ است .

۸ـ خطبهٔ دعوت مسلمانان بجهاد ودفاع مستحبّ است .

۹ـ خطبهٔ درمرثیهٔ معصومین(ع) وعزاداری وسوگواری آنان مستحبّ است .

۱۰ـ خطبهٔ منقبت معصومین(ع) ومدیحه‌سرائی آنان مستحبّ‌است.

شرایط مکان نماز

درجائیکه نماز گذارده میشود باید دارای این شرایط باشد :

۱ـ مکان نماز مباح باشد وغصبی نباشد .

۲ـ مکان نماز ثابت باشد و در جای متحرك نماز واجب بی‌ضرورت درست نیست .

۳ـ نماز گذار استقرار واطمینان داشته باشد و در جائیکه ازدحام و

فشارست نباشد .

٤ـ جائیکه ماندن در آن حرام است نباشد مانند میان دو لشکر مهاجم .

٥ـ جای تنگ وکوتاه نباشد که مانع از قیام و رکوع و سجود صحیح باشد .

٦ـ جلوتراز قبر پیامبر (ص) و إمامان علیهم‌السلام نباشدبنابرمشهور.

۷ـ جای سجده بیش‌از چهارانگشت ازجای پا بلندتر نباشد .

۸ـ مکان نماز بنجاست متعدّی آلوده نباشد .

۹ـ مرد و زن در یکجا مساوی هم بنمازنایستند مگربافاصله .

۱۰ـ برجائیکه نام خدا و معصومین(ع) نوشته شده نایستد .

مَوارد اعادهٔ نماز

مواردیکه باید نماز را دو باره بخوانند و تکرار نمایند إینهایند :

۱ـ اگر از روی جهل بحکم جزء واجب نماز را عمداً ترك کند نه فراموش کند باید إعاده نماید .

۲ـ اگر در نماز عصر یادش آید که یکرکعت از ظهر نخوانده نیّت را عدول دهد و پس از سلام إعاده نماید .

۳ـ پس از دو نماز اگر ملتفت شود که یکرکعت از یکی از آنها کم خوانده یکرکعت بدوّمی میافزاید و اولی را إعاده‌مینماید .

٤ـ اگر شك میان رکعتها کند سپس شك نماید نمازی را که مشغول

است آخرین رکعت نمازش یا أولین رکعت إحتیاط را میخواند باید إعاده نماید .

٥ـ اگر پس ازرکوع شك‌نماید که رکعت‌آخر مغرب یا رکعت‌أوّل عشاء است لازم است نماز مغرب را إعاده نماید .

٦ـ اگر پس‌از سلام مُلتفت شودکه دوسجده کم کرده امّا نمیداند که از دو رکعت یا از یکرکعت بوده آنها را بجا آورد باسجدۀ سهو و إعاده نماید .

٧ـ اگر پس‌از آنکه بسجدۀ دوم رفته مُلتفت شودکه یا قراءت ویا رکوع رکعت قبلی ویا یکسجده از قبلی ورکوع از فعلی را نیاورده باید إعاده کند .

٨ـ اگر پیش‌از رکوع ملتفت شودکه یا قراءت ویا دوسجدۀ رکعت قبلی را نخوانده برمیگردد وبجا میآورد ونماز راهم إعاده مینماید .

٩ـ اگر پس‌از قیام مُلتفت شودکه سجده وتشهّد را بجا نیاورده پس از سلام قضاکند ونماز راهم إعاده نماید .

١٠ـ اگر پس‌از سلام نماز عصر ملتفت شودکه نُه رکعت خوانده‌است واجبست یك نماز چهار رکعتی بقصد مافی‌الذمّه إعاده نماید .

١١ـ اگر درتشهّد یقین نمایدکه یکسجده را بجا نیاورده وشك‌نماید سجدۀ دیگر را بجا آورده یا نه یکسجده قضاکنه ونماز راهم إعاده نماید.

١٢ـ پس‌از نماز ظهر وعصر إجمالاً علم داردکه دریکی شك میان دو وسه نموده وبرسه قرارداده ونماز إحتیاطش را نخوانده میخواند ویك

چهار رکعتی إعاده مینماید .

سجدۀ سهو وموارِدش

کیفیّت سجدۀ سهو آنست‌که پیشانی برخاك گذارد دوبار وبگوید بسم‌الله وبالله اللّهم صل علی‌محمّدو آلـه سپس تشهد و سلام بخواند، واما موارد لزوم آن ازاین قرار است :

١ـ سخن گفتن بیجا بغیر از قرآن وذکر ودعا سهواً.

٢ـ برای سلام بیجا وبرای هرسلام دوسجده سهو لازم است .

٣ـ برای قیام بیجا سهواً یا نسیاناً بجهت فراموشی .

٤ـ برای نسیان تشهّد بافوت محلّ تدارکش .

٥ـ برای کم و زیاد نمودن یکسجده سهواً .

٦ـ برای مطلق زیادتی ونقصان أجزاء غیر رکنی سهواً .

٧ـ برای شك میان چهار وپنج پس‌از إکمال سجدتین وسربرداشتن از آنها .

٨ـ درهر موردیکه نماز إحتیاط باید خوانده شود سجدۀ سهوهـم لازم است .

٩ـ برای ذکر وقنوت ومستحبّات بیجا وسهوی وإشتباهی .

١٠ـ برای هرسهویکه درخود نماز تدارك میشود درمحلّ آن مانند بلندشدن بجای تشهّد .

أحكام روزه

(يا ايّها الّذين آمنوا كُتِب عليكُم الصّيام كما كُتِب علَى الّذين
مِن قبلِكُم لَعَلّكم تتّقون . سوره بقره آيه ۱۸۳)

روزه‌های واجب

روزه‌هائی که واجب شمرده میشوند عبارتند از :

١ـ روزهٔ ماه مبارك رمضان هرسال .

٢ـ روزهٔ قضای ماه مبارك رمضان هرسال .

٣ـ روزهٔ قضای روزه‌های پدر ومادر برفرزند .

٤ـ روزهٔ واجب شده بانذر شرعی .

٥ـ روزهٔ واجب شده باعهد شرعی .

٦ـ روزهٔ واجب شده با سوگند شرعی .

٧ـ روزهٔ کفّارهٔ إفطار عمدی ماه رمضان .

٨ـ روزهٔ کفّارهٔ غیرإفطار مانند روزهٔ عوض بدنه برای کسیکه قبل از غروب از عرفات بیرون رود ١٨ روز .

٩ـ روزهٔ إعتکاف واجب شده .

١٠ـ روزهٔ إستیجاری از جانب میّت .

١١ـ روزهٔ بَدل از هدی که سه روز درحجّ وهفت‌روز دروطن‌است.

١٢ـ روزهٔ واجب شده بأمر معصوم یا أمـر پدرکه إطاعتش واجب است با شرایطش .

١٣ـ روزهٔ کفّارهٔ قتل عمدکه اضافه بردیه میباشد .

١٤ـ روزهٔ کفّارهٔ پس‌ازعجز از کفّارهٔ ظهار وقتل خطا وحنث

یمین ونذر وکشتن حیوان در إحرام .

روزه‌های مُستحبّی

روزهائی که مستحبّ میباشند وثواب عظیم دارند اینهایند :

١ـ روزهٔ تمامی روزهای ماه رجب وماه شعبان .

٢ـ روزهٔ روز عید غدیر ١٨ ذی‌الحجّة .

٣ـ روزهٔ روز عید نوروز .

٤ـ روزهٔ روز عید بعثت پیامبر اکرم (ص) ٢٧ رجب .

٥ـ روزهٔ روز مباهله ٢٤ ذی‌الحجّة .

٦ـ روزهٔ روز خاتم بخشی أمیرالمؤمنین (ع) .

٧ـ روزهٔ روز دحوالأرض ٢٥ ذی‌القعدة .

٨ـ روزهٔ روز ولادت باسعادت پیامبراکرم (ص) ١٧ ربیع‌الأول .

٩ـ روزهٔ روز بیست ونهم ذی‌القعده وفات حضرت جواد (ع) .

١٠ـ روزهٔ روز نیمهٔ جمادی‌الأولی .

١١ـ روزهٔ روز اول سال هجری ومحرّم هرسال .

١٢ـ روزهٔ هر پنجشنبه وجمعه درهفته .

١٣ـ روزهٔ أیّام‌البیض ١٣ و ١٤ و ١٥ در هرماه .

١٤ـ روزهٔ نُه روز اول ذی‌الحجّة .

روزه‌های حرام ومکروه

روزهائی که حرمت شرعی دارند اینهایند :

١ـ روزهٔ عید فطر اول ماه شوّال .

٢ـ روزهٔ عید قربان دهم ماه ذیحجّه .

٣ـ روزهٔ روز عاشورا بقصد بدعت وتبعیّت از بنی‌امیّه .

٤ـ روزهٔ یوم‌الشّك آخر شعبان بنیّت رمضان .

٥ـ روزهٔ أدای نذر معصیت .

٦ـ روزهٔ أیّام تشریق برای کسیکه در منی میباشد .

٧ـ روزهٔ تمامی دهر وهمهٔ عمر که شامل أیّام ممنوعه است .

٨ـ روزهٔ سکوت وقصد سخن نگفتن .

٩ـ روزهٔ ضرری که علم بمضرّ بودنش هست .

١٠ـ روزهٔ وصال که یك روز وشب را بی‌إفطار بماند .

١١ـ روزهٔ مسافریکه باید روزه را بخورد .

١٢ـ روزهٔ غیرواجب زن بی‌رضایت شوهر باتضییع حقّش .

١٣ـ روزهٔ غیرواجب بنده وکنیز بی‌رضایت آقایش باتضییع حقّش.

١٤ـ روزهٔ غیرواجب فرزند بی‌رضایت والدین باتضییع حقّشان .

روزه‌های مکروه عبارتند از :

١ـ روزهٔ روز عرفه اگر موجب‌ضعف گردد وازدعاخواندن‌مانع‌شود.

٢ـ روزهٔ مهمان بی‌إذن میزبان .

٣ـ روزهٔ روز عاشورا بنیّت قضا .

٤ـ روزهٔ زن بی‌إطلاع شوهر وفرزند بی‌إطلاع پدر وبنده بی‌إطلاع آقایش .

مبطلات روزه

چیزهائی که روزهٔ را باطل مینمایند اینهایند :

١ـ ریانمودن مبطل روزه است .

٢ـ برگشتن از نیّت روزه وقصدنمودن‌افطار عمدی مبطل روزه است.

٣ـ خوردن هرچیز حلال یا حرام مبطل روزه است .

٤ـ آشامیدن حلال یا حرام مبطل روزه است .

٥ـ رسانیدن غبار غلیظ بحلق مبطل روزه است .

٦ـ جماع نمودن درقبل یا دبر با انسان یا حیوان مبطل روزه‌است.

٧ـ إستمناء نمودن بهروسیله که باشد مبطل روزه است .

٨ـ إرتماس نمودن درآب وسربزیر آب فروبردن مبطل روزه‌است.

٩ـ دروغ‌بستن بخدا وپیامبر (ص) وإمامان (ع) وسایر معصومین (ع) مبطل روزه است .

١٠ـ تعمّد برباقیماندن برجنابت‌تا أذان صبح وفجرمبطل‌روزه‌است.

١١ـ غسل حیض ونفاس ننمودن تا فجر صادق وتیمّم بدل‌آن‌نکردن مبطل روزه است .

١٢ـ إماله نمودن بامایع وچیز روان مبطل روزه است .

۱۳ـ قی کردن و إستفراغ عمدی مبطل روزه است .

۱٤ـ دودکشیدن چه سیگار یا بافور یا بُخار پنسلین وغیره باشد مبطل روزه است .

۱۵ـ تزریق آمپولهای مغذّی ومقوی وسرُمهای غذائی مبطل روزه است .

۱٦ بیهوشی کامل درتمام مدّت مبطل روزه‌است.

۱۷ـ دیوانگی وجنون در روز مبطل روزه است .

۱۸ـ مسافرت پیش ازظهر باشرایطش مبطل روزه است .

معذورین از روزه

کسانی‌که از روزه گرفتن معذور هستند عبارتند از :

۱ـ زنان شیرده که روزه برای خود ویا شیرشان ضرر دارد .

۲ـ پیرزن وپیرمردهائی‌که روزه موجب ضعفشان میشود .

۳ـ زن باردارکه وضع حملش نزدیك است .

٤ـ انسان مریض‌که روزه برایش مُضر است .

۵ـ شخص مسافر با شرایط آن .

٦ـ کسیکه داءالعطش و تشنگی شدید دارد .

۷ـ کسیکه‌روزه برایش مشقّت‌طاقت‌فرسادارد‌که اورا ازپای‌درآورد.

۸ـ کسیکه ازباب تقیّه ناچار است روزه را بخورد .

وبرای چند دسته مستحبّ‌است تأدباً إمساك‌نمایند گرچه روزه‌نیستند:

۱ـ نابالغ که در روز بالغ شود .

۲ـ زن حائض ونُفسآء که پاك شوند .

۳ـ دیوانه که عاقل شود .

٤ـ بیهوش که بهوش آید .

۵ـ کافریکه مسلمان گردد در روز .

٦ـ مریض‌که خوب شود وبهبودی یابد .

۷ـ مسافرکه بخانه‌اش برگردد .

کفّاره‌های روزه

کفّارهائی‌که برای خوردن روزه آمده اینهایند :

۱ـ إطعام شصت نفر فقیر برای إبطال یکروز بچیز حلال یا .

۲ـ آزاد ساختن یك بنده برای إبطال یکروز بچیز حلال یا .

۳ـ شصت روز روزه برای إبطال یکروز بچیز حلال .

٤ـ کفّارۀ جمع‌که هرسه کفّارۀ قبلی‌است برای إبطال یکروز بچیز حرام .

۵ـ تعدّد کفّارۀ مُفرد بتکرار جماع با حلال وزن شرعی .

٦ـ تعدّد کفّارۀ جمع باتکرار جماع حرام زنا یا لواط وغیره .

۷ـ ده سیر گندم برای إفطار بُعذر برای معذورین از روزه .

۸ـ ده سیر نان‌برای کسیکه قضای‌روزه را تاسال‌دیگرتأخیرانداخته.

۹ـ إطعام ده فقیر یا کسوتشان برای کسیکه نخواهد روزهٔ کفّارهٔ حنث یمین ونذر وعهد را بگیرد .

۱۰ـ ارسال هَدی برای کسیکه فاقد هدی بود وده روز روزهٔ بدلش را نگرفته است .

مکروهات روزه‌دار

چند چیز برای شخص روزه‌دار مکروه است :

۱ـ سُرمه‌کشیدن و دوا بچشم ریختن .

۲ـ حجامت وفَصد وهرچه‌که موجب ضعف شود .

۳ـ شیاف با هرچیز جامد .

٤ـ مسواك نمودن با چوب مرطوب وتر .

٥ـ آب داخل دهان کردن مگر مضمضهٔ وضو .

٦ـ لباس تر پوشیدن .

۷ـ نشستن زنان درآب .

۸ـ أنفیه دربینی نمودن .

۹ـ مُداعبه ومُلاعبه با همسر نمودن .

۱۰ـ مطلق چیز در دهان گذاردن که احتمال بلعیدنش باشد .

۱۱ـ دندان کندن وبهروسیله خون از دهان بیرون آوردن .

۱۲ـ إستشمام گیاهان خوشبو ومُعطّر .

۱۳ـ شعر وغزل خواندن مگر مدایح ومراثی ومواعظ .

۱٤ـ جدال ومراء وبحث وگفتگوی شدید نمودن .

۱٥ـ إستحمام نمودن وبحمام داغ‌که موجب ضعف است رفتن .

۱٦ـ أذیّت وزحمت دادن‌به‌غلام وکنیزوکارگروشاگرد وزیردستان.

ثبوت هلال

از چند راه میتوان هلال ماه رمضان وشوّال را ثابت کرد :

۱ـ رؤیت شخص مکلّف با چشم خود .

۲ـ شیاع مُفید علم نزد مؤمنین ومُتدیّنین .

۳ـ گذشت سی روز از هلال شعبان یا رمضان .

٤ـ تواتر خبر رؤیت بحدّی‌که حجّت باشد شرعاً .

٥ـ بیّنهٔ شرعیه که دوشاهد عادل است باتطابق شهادت و رؤیت‌هردو.

٦ـ تقاربُ أفُق بلَد رؤیت بلکه وحدت آفاق چندین بلد متجاور .

۷ـ حُکم حاکم شرع بثبوت رؤیت .

۸ـ قول‌علمای هیئت ونجوم وأهل‌خبره‌بآن‌اگر موجب‌اطمینان‌باشد.

۹ـ إخبار إمام معصوم (ع) .

۱۰ـ ثبوت خروج هلال از محاق برؤیت درمکانی از زمین برای سایر أماکن .

شرايط وجوب روزه

شرايط واجب شدن روزه ازاين قرار است :

١ـ مسلمان بودن .

٢ـ بالغ بودن .

ـ عاقل بودن .

٤ـ بيهوش نبودن .

٥ـ مريض نبودن .

٦ـ حايض نبودن .

٧ـ درنفاس نبودن .

٨ـ درسفر مبطل روزه نبودن .

٩ـ ضرر نداشتن روزه .

١٠ـ عُسر وحرج ومشقّت فوق الطاقه نداشتن روزه .

أحكام خمس

(واعلموا انّما غَنِمتُم مِن شَيءٍ فَانّ لله خُمسَه ولِلرسولِ ولِذي القُربى واليتامى والمساكين وابنِ السَّبيل)

سوره انفال آيه ٤١

موارد وجوب خمس

چیزهائی که خمس بآنها تعلّق میگیرد از قرار ذیل هستند :

١ـ معادنی که ارزش آنها بیست مثقال ١٨ نخودی طلا وبیشتر هستند.

٢ـ گنجهائی که ارزش آنها بیست مثقال ١٨ نخودی طلاوبیشتر هستند.

٣ـ غواصی وبیرون آوردن چیزهای قیمتی از زیرآب با فرورفتن که بأندازه یکمثقال ببالا باشد .

٤ـ منفعت کسب تجارت وزراعت وصنعت وکارمزد وسایر درآمدها پس از مؤنهٔ سال .

٥ـ زائد برمؤنه گرچه از خمسها وزکاتها وصدقهها وبخششها باشد.

٦ـ غنیمت جنگ که بأمر إمام یا نائب او باشد جهاد یا دفاع .

٧ـ هبه وجائزه وهدیهٔ مهمّ مُعتنابها .

٨ـ زمینی که کافر از مسلمان بخرد باید خمسش را بپردازد .

٩ـ مال حلال مخلوط بحرام که مجهول المقدار ومجهول المالك باشد.

١٠ـ تملك هر عین مال غیرمُخمّس از ممتنع از خمس گرچه بارث باشد .

مُستحقّین خمس

کسانیکه باید خمس بآنها داده شود وسهم دارند اینهایند :

١ـ سهم الله عزّوجلّ .

٢ـ سهم الرّسول (ص) .

٣ـ سهم ذوی القربی وأهل بیت (ع) .

این سه سهم را باید بهإمام زمان(ع) تقدیم نمود ، و در زمان غیبت بهنوّاب عام آنحضرت داده شود وآنان بمصرف سادات وترویج دین که رضایت آنحضرت درآن إحراز گردد باید مصرف نمایند .

٤ـ سهم أیتام از سادات که فقیرند بمقدار مؤنهٔ سالشان .

٥ـ سهم فقرای از سادات که مؤنهٔ سال را ندارند بهمان اندازه .

٦ـ سهم إبن السّبیل از سادات که درسفر وا مانده و فقیر شده که بوطن برسد .

این سه سهم سادات را یا بمجتهد ویا با إجازهٔ او بآنان باید رساند .

معادنی که بآنها خمس تعلق میگیرد

اگر هریك ازاین معدنها بحدّ نصاب برسند باید پس از مؤنهٔ إخراج آن خمسش داده شود :

١ـ طلا .

٢ـ نقره .

٣ـ آهن ومُشتقّات آن .

٤ـ نفط .

٥ـ کبریت .

٦ـ قیر .

٧ـ زاج .

٨ـ فوسفات .

٩ـ آلومینیم .

١٠ـ مسّ .

١١ـ زبرجد ـ زمرّد .

١٢ـ عقیق .

١٣ـ فيروزه .
١٤ـ ياقوت .
١٥ـ جيوه .
١٦ـ سرّب .
١٧ـ نمك .
١٨ـ آهك .
١٩ـ نوره .
٢٠ـ گچ .
٢١ـ سيمان .
٢٢ـ گل أرمنى .

٢٣ـ سنگ مرمر .
٢٤ـ سنگ تسبيح پادزهر = شاه مقصود .
٢٥ـ گل خاور وسرشور .
٢٦ـ ذغال سنگ .
٢٧ـ سنگ سرمه .
٢٨ـ سنگ آسياب .
٢٩ـ گاز نفط .
٣٠ـ ألماس .
٣١ـ موميا .

انفال

أنفال وچيزهائى كه ملك إمام زمان (ع) است اينهايند :

١ـ فيئ كه هرملك وزمينى كه كفّار بى‌جنگ وجهاد تسليم كنند .
٢ـ قلّهٔ كوههاى دنيا .
٣ـ ساحل درياهاى دنيا .
٤ـ تمامى درّه‌هاى دنيا .
٥ـ جنگلها ونيزارهاى دنيا .
٦ـ تمامى زمينهاى موات چه بالأصل يا بالعرض موات باشد .
٧ـ مختصّات پادشاهان وسلاطين و رؤساى جمهور ورهبران ممالك .

٨ـ غنائم هرجنگى كه بى‌إذن إمام باشد .
٩ـ غنيمت ممتاز از غنائم جهادى كه بأمر إمام است مانند كنيز زيبا واسب و أسلحه عالى .
١٠ـ معادنى كه از زمينهاى ملك إمام وأنفال وفيئ بى‌إذن إمام استخراج ميشود .
١١ـ إرث كسيكه وارثى جز إمام نداره .
١٢ـ ديهٔ مقتولى كه جز إمام ولىّ دم ندارد .
١٣ـ فدك حضرت صديقهٔ زهرا وموقوفات ذرّى أمير المؤمنين و سائر أئمّه (ع) .
١٤ـ حجرهٔ پيامبر وخانه‌اش كه حرم آنحضرتست وحرمهاى مطهّرهٔ سائر أئمّه (ع) .
١٥ـ مواريث إمامت ونبّوت مانند خاتم سليمان (ع) وعصاى موسى (ع) و غيره .
١٦ـ گنج كعبهٔ مقدّسه وخزانهٔ أعتاب مقدّسه .

راه شناخت سادات

از چند راه ميتوان يكى از سادات را شناخت :

١ـ شجرهٔ نسب صحيح ومعتبر داشته باشد .
٢ـ علم بنسب او شفاهاً نسلاً بعد نسل باشد .
٣ـ دو شاهد عادل برسيادتش شهادت دهند .

٤ـ درشهر خودش شهرت بسیادت داشته باشد .

٥ـ إدعای سیادتش را حاکم شرع نسّابه إمضا کند .

٦ـ إمام معصوم اورا سیّد بخواند .

٧ـ با امتحانیکه دربعض بلاد مسلمین ازسیّد شده است ثابت شده‌باشد مانند آتش بدست‌گرفتن وغیره .

چیزهائی‌که خمس ندارد

باین أموال خمس تعلّق نمیگیرد :

١ـ جهیزیهٔ زنان در ازدواجشان .

٢ـ مهریهٔ زنان‌که بعقد مالك میشوند .

٣ـ هبهٔ جزئی وهدیهٔ کوچك .

٤ـ إرث از غیر مانع خمس .

٥ـ مؤنهٔ متعارف درضمن سال شرعی خوراك وپوشاك وأثاث ومسکن وغیره .

٦ـ نفقهٔ کسیکه واجب‌النفقهٔ دیگریست .

٧ـ خوردنیهائی‌که از خانهٔ کسانیکه درقرآن تجویز شده‌اند خورده شود .

٨ـ مالی‌که از کافر وکسیکه معتقد بخمس نیست بدست آید .

٩ـ لقطه‌ایکه باید ازطرف صاحبش تصدّق گردد یا تملّك شود .

١٠ـ گنجی که بحدّ نصاب نرسد لیکن از ارباح شمرده میشود .

١١ـ معدنی که بحدّ نصاب نرسد از ارباح شمرده میشود .

١٢ـ غوصی‌که کمتر از یکمثقال طلا باشد از ارباح شمرده میشود .

کسانیکه ممنوع ازخمسند

به‌چند دسته از سادات نمیشود خمس داد ازاین قبیل :

١ـ کسیکه أصلاً سیّد هاشمی نیست گرچه باو سیّد گفته میشود .

٢ـ کسیکه از طرف مادر هاشمی است لیکن از پدر هاشمی نیست .

٣ـ سیّدیکه غنی وثروتمند است .

٤ـ سیّدیکه متجاهر بکبیره وفسق است .

٥ـ سیّدیکه متجاهر نیست لیکن درحرام آنرا مصرف میکند .

٦ـ سیّدیکه تارك‌الصلاة است عمداً .

٧ـ سیّدیکه شیعه نیست ومخالف است .

٨ـ سیّدیکه اسماعیلی یا فطحی یا واقفی یا بهائی است .

٩ـ سیّدیکه منکر خمس آل‌محمّد مانند عباسیها میباشد .

١٠ـ سیدیکه واجب‌النفقهٔ دیگری است وخرجش را میدهد مانند زن انسان .

اقسام سادات

سادات هاشمی که از پدر نسبشان بهاشم میرسد چند قسم‌اند :

۱ـ سادات طالبی که عقیلی وجعفری هستند مانند اولاد مسلم (ع) و زینب (ع) .

۲ـ سادات علوی که از اولاد محمد حنفیه‌یا ابوالفضل هستند وغیره .

۳ـ سادات فاطمی که از اولاد حسنین وسایر أئمه (ع) هستند .

٤ـ سادات حسنی که از اولاد امام حسن مجتبی (ع) میباشند .

٥ـ سادات حُسینی که‌از اولاد امام حُسین (ع) وزین‌العابدین (ع) میباشند.

٦ـ سادات موسوی که از اولاد موسی‌بن جعفر (ع) میباشند .

۷ـ سادات رضوی که از اولاد موسی مبرقع فرزند حضرت‌جواد (ع) میباشند .

۸ـ سادات زیدی که از اولاد زیدبن علی‌بن‌الحسین (ع) میباشند .

۹ـ سادات عبّاسی که از اولاد عبّاس‌بن‌عبدالمطلب هستند .

۱۰ـ سادات طباطبائی که حسنی هستند واز اولاد طباطبا فرزندحسن مثنّی میباشند .

تذکّر : نسب مبارك حضرت آیت‌الله میلانی قدّس سره به‌سیدحسین مدنی میرسدکه پس‌از بیست وشش پشت به‌حضرت امام زین‌العابدین‌میرسد وشریف سیدحسین [جدّ پنجمشان] از شرفای حسینی که امرای مدینه بودند میباشند که بمیلان آمد وسر سلسلهٔ سادات حسینی میلانی شد که در کربلا ونجف وتبریز وتهران ومشهد شهرت دارند .

احکام زکات

(والّذین هُم لِلزّکاةِ فاعلون سوره مؤمنون آیه ٤)

شرایط وجوب زکات

شرایط واجب شدن زکات اینهایند :

۱ـ بالغ بودن مکلّف .

۲ـ عاقل بودن مکلف .

۳ـ آزاد بودن مکلف .

٤ـ مالك بودن مکلف .

۵ـ متمکّن از تصرّف بودن مکلف .

٦ـ گذشت سال وحول درآنچه شرطست درآن .

۷ـ بحدّ نصاب بودن مال زکوی .

۸ـ نقدین یا غلّات أربع وأنعام ثلاثه بودن مال است .

۹ـ شخصیّت حقیقی داشتن وبرغلّات مدارس ومساجد چیزی نیست چون مکلّف نیستند .

۱۰ـ إسلام وإیمان شرط درصحّت وتمکّن از قصد قربت و عبادت زکات است گرچه کفار هم باید زکات بپردازند .

زکات به چه تعلق میگیرد ؟

زکات أعمّ از واجب ومستحبّ باین چیزها تعلق میگیرد:

۱ـ طلای مسکوك ونصابش پانزده مثقال ۱۸ نخودبیست که یکچهلم آن زکات است وتا سه مثقال بآن اضافه شود یك چهلم میدهد .

۲ـ نقرهٔ مسکوك ونصابش یا صدوپنج مثقال که یك چهلم آنرا باید داده ویا بیست ویك مثقال برآن اضافه میشود که یك چهلم باز میدهد .

۳ـ شتر که دوازده نصاب دارد .

٤ـ گاو که دو نصاب دارد .

۵ـ گوسفند که پنج نصاب دارد .

٦ـ گندم که نصابش ۸٤۷ کیلوگرم است .

۷ـ جو که نصابش ۸٤۷ کیلوگرم است .

۸ـ خرما که نصابش ۸٤۷ کیلوگرم است .

۹ـ کشمش که نصابش ۸٤۷ کیلوگرم است .

۱۰ـ زکات فطرهٔ هرشخص سه کیلوگرم از غلّات .

۱۱ـ زکات مستحبّی تمامی حبوبات وبقولات .

۱۲ـ زکات مستحبّی اسب وقاطر .

۱۳ـ زکات مستحبّی زیورآلات وطلاجات غیرمسکوك .

۱٤ـ زکات مستحبّی تمامی میوه‌ها .

مستحقّین زکات

کسانیکه میتوان از زکات بآنان پرداخت اینهایند :

۱ـ فقرا وکسانیکه مؤنهٔ یکسال ندارند نه‌بالفعل ونه‌بالقوّه ومسلمان مؤمن باشند .

۲ـ مساکین ومستمندانیکه مؤنهٔ روزانه راهم ندارند نه‌بالفعل ونه

بالقوّه ومسلمان مؤمن باشند .

۳ـ مدیونی که از أدای قرضش عاجز است ومسلمان ومؤمن باشد .

٤ـ أیتام که فقیرند ومحتاج ومسلمان مؤمن باشند .

٥ـ سبیل‌الله وهرچه‌که نفع عمومی برای مردم داشته باشد .

٦ـ إبن‌السبیل کسیکه درسفر درمانده وفقیر شده .

۷ـ عاملین زکات که مأمورین جمع‌آوری هستند .

۸ـ مؤلفة قلوبهم وکسانیکه‌برای دفاع‌ازمسلمانان‌واسلام اداره‌میشوند.

نصاب شتر

تا عدد شترها بحدّ نصاب نرسد زکات ندارد ونصابهای شتر ازاین قرار است :

۱ـ پنج عدد و زکاتش یك گوسفند است .

۲ـ ده عدد و زکاتش دو گوسفند است .

۳ـ پانزده عدد و زکاتش سه گوسفند است .

٤ـ بیست عدد و زکاتش چهار گوسفند است .

٥ـ بیست‌وپنج عدد و زکاتش پنج گوسفند است .

٦ـ بیست وشش عدد و زکاتش یك شتر دوساله میباشد .

۷ـ سی‌وشش عدد و زکاتش یك شتر سه‌ساله میباشد .

۸ـ چهل‌وشش عدد و زکاتش یك شتر چهارساله میباشد .

۹ـ شصت‌ویك عدد و زکاتش یك شتر پنج ساله میباشد .

۱۰ـ هفتادوشش عدد و زکاتش دوشتر سه‌ساله میباشد .

۱۱ـ نودویك عدد و زکاتش دوشتر چهارساله میباشد .

۱۲ـ صدوبیست ویك‌ببالا وزکاتش یا چهل چهل یـا پنجاه پنجاه حساب میشود .

نصاب گاو وگوسفند

گاو دو نصاب دارد :

۱ـ سی عدد است و زکاتش یك گوساله دوساله وهر دوسی‌عدد دو گوساله وبیشتر بیشتر .

۲ـ چهل عدد است و زکاتش یك گوساله سه‌ساله ماده وهر چهل یك گوساله سه‌ساله ماده .

گوسفند هم پنج نصاب دارد .

۱ـ چهل عدد و زکاتش یك گوسفند است .

۲ـ صدوبیست ویك و زکاتش دو گوسفند است .

۳ـ دویست ویك و زکاتش سه گوسفند است .

٤ـ سیصد ویك و زکاتش چهار گوسفند است .

٥ـ چهارصد ببالا و زکاتش هرصد عدد یك گوسفند است .

صدقات واجب

۱ـ خمس‌های واجب .

۲ـ زکاتهای واجب .

۳ـ کفّارهای حجّ .

٤ـ کفاره‌های روزه .

٥ـ کفاره‌های ظهار .

٦ـ کفاره‌های إیلاء .

۷ـ کفاره‌های حنث یمین .

۸ـ کفاره‌های حنث عهد .

۹ـ کفاره‌های حنث نذر .

۱۰ـ کفاره‌های جماع درحیض .

۱۱ـ کفاره‌های کندن گیسو درمصیبت .

۱۲ـ ردّ مظالم .

۱۳ـ تصدّق بلقطهٔ علامت‌دار .

١٤ـ تصدّق بمال مجهول المالك .

١٥ـ حقّ الحصادبقدریک‌مدّ هنگام جمع محصول بفقیر حاضر .

احکام حج

(ولله علی النّاس حجّ البیت مَن استطاع الیه سبیلا)

(ومَن کَفَرَ فإنّ الله غنیّ عَنِ العالَمین . سوره آل عمران آیه ۹۷)

شرایط وجوب حج واستطاعت

شرایط واجب شدن حجّ اینهایند :

۱ـ بالغ بودن .

۲ـ مؤمن بودن .

۳ـ عاقل بودن .

٤ـ آزاد بودن .

٥ـ مستطیع بودن .

٦ـ مشقّت وعسر نداشتن .

و شرایط إستطاعت چنین‌اند :

۱ـ سلامتی جسمی و توانائی بدنی .

۲ـ نبودن مانعی در راه حجّ .

۳ـ توشهٔ راه وهزینهٔ سفر حجّ داشتن .

٤ـ مخارج مرکب و وسیلهٔ نقل وانتقال داشتن .

٦ـ داشتن مورد رزق بالفعل یا بالقوّه مانند کسب وکار وغیره که فقیر نگردد .

عُمره‌های واجب

عمره‌هائی که شرعاً واجب میشوند ازاین قرارند :

۱ـ عمرهٔ تمتّع حجّة‌الإسلام .

۲ـ عمرهٔ حجّ قران .

۳ـ عمرهٔ حجّ إفراد .

٤ـ عمرهٔ قضای عمرهٔ فاسده .

٥ـ إتمام عمرهٔ مستحبّی پس‌از پوشیدن إحرامش .

٦ـ عمرهٔ کسیکه وارد مکّه میشود .

۷ـ عمرهٔ إستیجاری .

۸ـ عمره‌ایکه با نذر واجب شده .

۹ـ عمره‌ایکه باعهد واجب شده .

۱۰ـ عمره‌ایکه باسوگند واجب شده .

۱۱ـ عمرهٔ کسیکه حجّش را فاسد نموده درسال بعد انجام میدهد .

۱۲ـ عمرهٔ کسیکه وقوفین را درك ننموده وباعمره از إحرام بیرون میرود .

میقاتها

جاهائی که انسان باید از آنجا برای عمرهٔ تمتّع وعمرهٔ مفرده إحرام بندد اینهایند :

١ـ مسجد شجره میقات کسانیکه از مدینه بهمکّه میروند .

٢ـ قرن‌المنازل میقات کسانیکه از طائف بهمکّه میروند .

٣ـ یلملم میقات کسانیکه از یمن بهمکّه میروند.

٤ـ وادی عقیق میقات کسانیکه از عراق ونجد بهمکّه میروند .

٥ـ جُحفه میقات کسانیکه از شام بهمکّه میروند .

٦ـ مُحاذات، میقات کسانیکه‌ازنزدیکی یکی‌ازمیقاتها بهمکّه‌میروند.

٧ـ پیش از میقات میقات کسانیکه با نذر از راه هوا بهمکّه میروند.

٨ـ حُدیبیّه میقات کسانیکه برای عمرهٔ مفرده بهمکّه میروند .

٩ـ جِعرانه میقات کسانیکه برای عمرهٔ مفرده بهمکّه میروند .

١٠ـ تنعیم میقات کسانیکه برای عمرهٔ مفرده بهمکّه میروند .

١١ـ ومیقات حجّ تمتّع خود مکّه است . .

١٢ـ ومیقات أهل مکّه خانهٔ خودشان است .

شرایط نایب درحج

کسیکه میخواهد نیابت حجّ انجام دهد باید دارای این شرایط‌باشد:

١ـ مسلمان موحّد باشد .

٢ـ مؤمن شیعهٔ إثناعشری باشد .

٣ـ بالغ‌باشد .

٤ـ عاقل باشد .

٥ـ مورد وثوق بانجام عمل صحیح باشد .

٦ـ آشنائی بأعمال حجّ ومسائل آن داشته باشد .

٧ـ برخودش درهمانسال حجّ واجب نباشد .

٨ـ در ترك بعض أعمال حجّ معذور نباشد .

٩ـ قصد نیابت در أعمال حجّ بنماید .

١٠ـ منوب‌عنه را درنیّت أعمال تعیین کند .

١١ـ نائب‌بتکلیف خود ازاجتهاد یاتقلید عمل کند نه‌تکلیف‌منوب‌عنه .

١٢ـ نائب ریاکاری در عبادات حجّ نکند .

١٣ـ نائب تعمّد برفساد نمودن حجّ ننماید .

١٤ـ نائب دیگری را درأعمال ونیّت شریك نکند .

١٥ـ نائب برای خدا و بقصد قربت بخدا نیابت‌کند نه‌برای دنیا و مال یا شهرت .

واجبات حجّ تمتّع

۱ـ نيّت وإحرام عمرهٔ تمتّع از ميقات بقصد قربت .

۲ـ تلبيهٔ عمرهٔ تمتّع (لبيك اللّهم لبيك لبيك لاشريك لك لبيك إن الحمد والنّعمة لك والملك لاشريك لك لبيك) .

۳ـ طواف عمرهٔ تمتّع .

۴ـ دو ركعت نماز طواف عمرهٔ تمتّع .

۵ـ سعى ميان صفا ومروه هفت شوط براى عمرهٔ تمتّع .

۶ـ تقصير وكوتاه كردن سبيل يا ناخن ومو براى عمرهٔ تمتّع .

۷ـ نيّت حجّ تمتّع وإحرام حج تمتع از مكه باتلبية .

۸ـ وقوف بعرفات براى حجّ تمتّع ازظهر تا غروب با نيّت .

۹ـ مبيت مزدلفه براى حجّ تمتّع با نيّت .

۱۰ـ وقوف بين الطلوعين در مزدلفه براى حجّ تمتّع با نيّت .

۱۱ـ جمع كردن سنگريزه براى جمرات از مزدلفه .

۱۲ـ رمى جمره اولى روز عيد درمنى هفت عدد .

۱۳ـ هدى وقربانى نمودن درمنى براى حجّ تمتّع .

۱۴ـ حلق يا تقصير نمودن پس از هدى تمتّع .

۱۵ـ مبيت درمنى شب يازدهم و دوازدهم وگاهى سيزدهم با نيّت .

۱۶ـ رمى جمرات سه گانه دوروز ديگر درمنى هريك هفت عدد با نيّت.

۱۷ـ طواف حجّ تمتّع .

۱۸ـ دو ركعت نماز طواف حجّ تمتّع .

۱۹ـ سعى حجّ تمتّع .

۲۰ـ طواف نسآء حجّ تمتّع .

۲۱ـ نماز طواف نسآء حجّ تمتّع .

۲۲ـ ماندن درمنى تا ظهر روز دوازدهم .

موارد كفارهٔ شتر

۱ـ اگر قبل از وقوف عرفات جماع نمايد كه حجّش هم فاسد ميشود.

۲ـ اگر قبل از وقوف مشعر جماع نمايد كه حجّش هم فاسد ميشود.

۳ـ اگر قبل از طواف حجّ جماع نمايد واگر نتواند يك گاو واگر نتواند گوسفند .

۴ـ اگر قبل از طواف نسآء جماع نمايد واگر نتواند يك گاو .

۵ـ اگر درعمرهٔ مفرده پيش از إتمام جماع نمايد عمره‌اش هم باطل ميشود .

۶ـ اگر بعد از عمرهٔ تمتّع قبل از تقصير جماع نمايد .

۷ـ اگر بزور بازن كه دراحرام است جماع نمايد وخودش محلّ باشد .

۸ـ اگر بزور باكنيز خودكه دراحرام است جماع نمايد و خودش محلّ باشد .

۹ـ اگر مُحرم إستمناء عمدى نمايد .

۱۰ـ اگر مُحرم نگاه بشهوت بزن نمايد وإنزال كند .

۱۱ـ اگر مُحرم زن را ببوسد وإنزال كند .

١٢ـ اگر مُحرم ملاعبه ومداعبه با زن نماید و إنزال کند .

١٣ـ اگر محرِم برای‌محرم دیگری عقدکند واودخول نماید بزنش.

١٤ـ اگر مُحرم سه‌بار جدال بدروغ وسوگند دروغ مرتکب شود .

١٥ـ اگر مُحرم پیش‌از غروب از عرفات بیرون رود .

١٦ـ اگر مُحرم شترمُرغ را بکشد .

١٧ـ اگر محرم تخم شترمُرغ‌که جوجه دارد بشکند ونابود کند .

موارد کفارهٔ گاو

مواردیکه واجب میشودکه یك گاو کفّاره داده شود اینهایند :

١ـ برای کُشتن گاو وحشی در حرم .

٢ـ برای کندن درختان بزرگ حرم .

٣ـ کسیکه نتواند کفّارهٔ شتر جماع پیش‌از طواف حجّ ونساءبدهد.

٤ـ برای جماع پیش‌از تمام شدن سعی بعداز طواف حجّ .

٥ـ اگر پیش‌از تمام شدن سعی تقصیر نماید .

٦ـ کسیکه نتواند کفّارهٔ شتر برای إستمناء بانگاه شهوتی بدهد .

٧ـ برای دشنام و دروغ وفحش وناسزادادن درحال إحرام .

موارد کفارهٔ گوسفند

١ـ برای کشتن آهو در حرَم .

٢ـ برای کشتن روباه در حرم .

٣ـ برای کشتن خرگوش در حرم .

٤ـ برای کشتن کبوتر وشکار آن در حرم .

٥ـ برای کشتن کبك وسایر پرندگان حرم .

٦ـ برای کشتن بُزغالهٔ در حرم .

٧ـ برای راندن کبوتران از حرم وفرار دادنشان .

٨ـ برای کورکردن چشمهای آهو وشکستن دست وپایش .

٩ـ اگر مُحرم نتواند کفّارهٔ شتر یا گاو برای جماع وإستمناءبدهد.

١٠ـ اگر مُحرم با زن ملاعبه وإستمناء نماید .

١١ـ اگر مُحرم تمامی ناخنهای دستش را بچیند .

١٢ـ اگر مُحرم تمامی ناخنهای پایش را بچیند .

١٣ـ اگر مُحرم سرش را بی‌ضرورت مرض بتراشد .

١٤ـ اگر مُحرم سایبان درحال سیر برسرش قرار دهد .

١٥ـ اگر مُحرم سه‌بار سوگند راست بخورد وجدال نماید .

١٦ـ اگر مُحرم یکمرتبه سوگند بدروغ بخورد ومجادله نماید .

١٧ـ اگر مُحرم موی زیر بغلش را بکند .

١٨ـ اگر مُحرم لباس دوخته بپوشد .

١٩ـ اگر مُحرم عطر وبوهای خوش استشمام واستعمال نماید .

٢٠ـ اگر مُحرم پیش‌از صبح از مشعر بیرون رود .

٢١ـ اگر مُحرم شبهای تشریق مبیت درمنی را ترك کند .

٢٢ـ اگر مُحرم روی پایش را با جوراب بپوشاند.

۲۱ـ اگر مُحرم شبهای تشریق مبیت درمنی را ترك كند .

۲۲ـ اگر مُحرم روی پای خود را باجوراب بپوشاند .

۲۳ـ اگر مُحرم دندان بکند .

۲٤ـ اگر مُحرم پس‌از سعی عمره تمتّع عوض تقصیر حلق نماید .

۲۵ـ اگر مُحرم پس‌از هدی وقربانی حلق نکرده طواف حجّ‌نماید.

۲٦ـ اگر مُحرم زن روی خودرا بپوشاند .

تروك احرام

۱ـ أسلحه بستن .

۲ـ سرمه کشیدن .

۳ـ دندان کندن .

٤ـ إستمناء و إنزال منی .

۵ـ ناخن گرفتن .

٦ـ روغن مالیدن ببدن.

۷ـ زایل نمودن موهای بدن .

۸ـ خون بیرون آوردن از بدن .

۹ـ پوشاندن صورت و روگرفتن زن .

۱۰ـ زیورآلات وطلاجات پوشیدن زن .

۱۱ـ با انگشتر وحنا زینت نمودن .

۱۲ـ جدال نمودن وسوگند خوردن .

۱۳ـ عقد نمودن وشهادت برعقد دادن .

۱٤ـ جماع وملاعبه ومداعبه وبوسیدن زن بشهوت .

۱۵ـ حیوانات وحشی بیابانی را شکارنمودن وگوشتشان را خوردن.

۱٦ـ حشرات را دورانداختن ازبدن وآنها را کشتن .

۱۷ـ روی پاها را بوسیلهٔ کفش وجوراب وغیره پوشاندن .

۱۸ـ دروغ گفتن وفحش وناسزا دادن ومفاخرت نمودن .

۱۹ـ بوی‌خوش إستعمال کردن وعطرهارا بوئیدن ومالیدن‌وخوردن.

۲۰ـ در آئینه وفلزّات صیقلی تماشاکردن .

۲۱ـ درختهای روئیده درحرم را کندن .

۲۲ـ إستظلال وسایبان‌برسر درحال سیر قراردادن و

۲۳ـ بهروسیله برای مردان سر را پوشاندن و

۳٤ـ لباس دوخته وهرچیز مخیط را پوشیدن بجز همیان وفتق‌بند

شرایط و واجبات طواف

۱ـ طواف باید هفت شوط بی‌کم وزیاد باشد .

۲ـ طواف باید از حجرالأسود شروع شود .

۳ـ طواف باید بمحاذات حجرالأسود ختم شود .

٤ـ درطواف باید خانهٔ کعبه درطرف شانهٔ چپ قرار گیرد .

۵ـ حجر إسماعیل باید درمطاف قرارگیرد وبداخل آن نرود .

٦ـ میان کعبهٔ مقدسه ومقام إبراهیم طواف نماید .

۷ــ از سکّو و شادروان کعبه بالا نرود بلکه دست هم نزند .

۸ــ قصد قربت داشته باشد وبنیّت عبادت طواف کند .

۹ــ باطهارت از حدث وخَبث باشد .

۱۰ــ پاك بودن لباس ومباح بودن آن شرط است .

۱۱ــ پاك بودن بدن واجب است .

۱۲ــ ختنه شرط درصحّت طواف است و واجبست مرد ختنه باشد .

۱۳ــ ستر عورت درطواف واجبست .

۱٤ــ پی‌درپی وموالات درهفت شوط واجب است .

۱۵ــ نماز طواف را هم بلافاصله پس‌از طواف بیاورد .

۱٦ــ ریا درطواف ننماید که مبطل آن است .

۱۷ــ اگر بتواند خودش طواف‌کند وگرنه اشکالی ندارد که‌طوافش دهند .

۱۸ــ دوطواف را بهم متصّل بجا نیاورد یعنی چهارده شوط نکند .

۱۹ــ قصد وجه وتعیین درنیّت واجبست‌که طواف حج است یا عمره أدا یا قضا یا نیابت مستحب یا واجب وغیره .

۲۰ــ دور دیوار خانهٔ کعبهٔ فعلی طواف نماید نـه بدور فضای آن بوسیله هواپیما وغیره .

احکام جهاد

(وفَضّل‌الله المجاهدین علی‌القاعدین اجراً عظیماً)

سوره نساء آیه ۹۵

أقسام جهاد

١ـ جهادواجب عینی که بأمر معصوم برمردان بالغ برعلیه کفّار و مشرکین است .

٢ـ دفاع واجب عینی که بأمر معصوم ونائبش برهرمکلّف أعمّ از زن ومرد ونابالغ برضد مهاجمین .

٣ـ جهاد بُغاة واجب عینی که بأمر معصوم ونائبش برمردان بالغ واجب است که بهآنان أمر شده بخصوص .

٤ـ جهاد کفائی بأمر ولّی فقیه مجتهد جامع شرائط برمردان بالغ است بحدّکفایت بشرط آنکه إبتداءً حکم بجهاد کفّار نباشد .

٥ـ دفاع از نفس وعرض ومال محترم که برخود شخص مکلّف بشرط قدرت واجب میشود .

٦ـ جهاد نفس ومبارزه باهوای نفسانی حرام وجنگ با شیطان که جهاد أکبر برتمامی مکلّفین است.

کسانیکه ثواب أقسام جهاد دارند

کسانیکه ثواب مجاهد دارند وأجر شهید میبرند اینهایند :

١ـ مُرابطی که برای جهاد یا دفاع آماده إیستاده و سنگر گرفته ثواب مجاهد دارد .

٢ـ کسیکه بتحصیل علوم دینی وتفقّه إشتغال دارد ثواب مجاهددارد.

٣ـ کسیکه سخن حقّ درمقابل سلطان جائر بگوید وهرحاکم ظالمی ثواب مجاهد دارد .

٤ـ کسیکه در راه خدا وحجّ خانهٔ خدا بمیرد ثواب مجاهد دارد .

٥ـ کسیکه در راه تحصیل قوت عیالش بزحمت أفتد و مشقّت یابد ثواب مجاهد دارد .

٦ـ کسیکه در راه خدا وولایت محمّد وآل محمّد بمیرد أجرشهید میبرد وثواب مجاهد دارد .

٧ـ کسیکه در راه خدا وتبلیغ دین ومذهب شیعه بمیرد أجر شهید میبرد وثواب مجاهد دارد .

٨ـ کسیکه در راه خدا ودرحال تقیّهٔ شدید بمیرد أجرشهید میبرد و ثواب مجاهد دارد .

٩ـ کسیکه در زیر آوار بمیرد ثواب شهید میبرد .

١٠ـ کسیکه درآب غرق شود ثواب شهید میبرد .

١١ـ کسیکه درآتش بسوزد ثواب شهید میبرد .

١٢ـ کسیکه در زایمان ونفاس بمیرد ثواب شهید میبرد .

١٣ـ کسیکه مظلوم وبیگناه کشته شود ثواب شهید میبرد .

١٤ـ کسیکه بی‌نیّت إقتدا بامخالفین درنماز جماعت شرکت کند مانند مُجاهد فی‌سبیل‌الله است .

١٥ـ فقیه وعالمی که با قلم خود أحکام إلهی را بمردم میرساند که

پیامبر(ص) فرموده‌اند (مداد العلماء أفضل من دماء الشهداء) ثوابش بیش از شهداست .

شرایط وجوب جهاد

شرایطی که در واجب شدن جهاد مراعات میشود اینهایند :

۱ـ فرمان معصوم یا نائبش وبی‌فرمان واجب نمیشود .

۲ـ مرد بودن شرط وجوب است وبر زنان واجب نیست اگر دفاع نباشد.

۳ـ آزاد بودن شرط وجوب است گرچه بردگان میتوانند با إذن أولیا جهاد کنند .

۴ـ بالغ بودن که یا محتلم شده باشد ویا پانزده سال تمام شده بسال قمری .

۵ـ عاقل بودن وبر دیوانگان تکلیفی نیست .

۶ـ سالم بودن وبر مریض بستری واجب نیست .

۷ـ پیر فرتوت نبودن وبر پیرمردان ضعیف وخمیده واجب نیست .

۸ـ شل وچلاق نبودن وبر عاجز وزمینگیر واجب نمیشود .

۹ـ کور نبودن وبر نابینا واجب نیست .

۱۰ـ مدیونی که طلبکارش مطالبه مینماید نبودن که اگر طلب را بپردازد متمکّن نیست .

۱۱ـ منع ننمودن پدر ومادر در واجب کفائی و درعینی حقّ منع ندارند .

۱۲ـ تمکّن از نفقهٔ جهادیکه دوراز وطن است گرچه به‌بذل و تصدّق باشد .

أحکام شهید

از میان تمامی شهدای راه خدا فقط شهیدی که دارای این شرایط است غسل وکفن نمیشود :

۱ـ مسلمان مؤمن شیعه باشد وگرنه حکم سایر أموات را دارد .

۲ـ مکلّف وبالغ باشد واز نابالغ ساقط نمیشود .

۳ـ مرد باشد و زن شهید شده را باید غسل وکفن نمود .

۴ـ عاقل باشد و دیوانه نباشد .

۵ـ محجور علیه وسفیه نباشد .

۶ـ جهاد بأمر معصوم یا نائبش باشد .

۷ـ برای جهاد درجنگ شرکت کند نه‌تماشا و مقاصد دیگر مانند فیلم‌برداری وعکاسی وإمداد و روزنامه‌نگاری .

۸ـ درخود میدان جنگ کشته شود نه‌آنکه مجروح شود و درخارج آن بمیرد .

۹ـ پیش‌از شروع جنگ نمرده باشد .

۱۰ـ پس‌از توقّف جنگ بافاصلهٔ زیاد نمیرد .

۱۱ـ درحال فرار از زحف نمیرد که از گناهان کبیره است .

۱۲ــ باختیار خود خودش را بی‌ضرورت باسارت نیاندازد .

۱۳ــ إمام یانائبش یافرمانده اورا ازادامهٔ جنگ‌وقتال منع‌نکرده‌باشد.

۱٤ــ خودکشی نکرده باشد بلکه خودشرا مجروح نکرده باشد که موجب مرگش شود .

۱۵ــ با أسلحهٔ جنگی شهید شود نه‌خفه شدن در زیر پاها یا باگازهای سمّی وغیره ومسمومیّت پس شهیدانیکه این أوصاف را ندارند لازم است غسل وکفن آنها .

احکام

امر بمعروف و نهی از منکر

(ولتكن منكم امة يدعون إلى الخير ويامرون بالمعروف وينهون عن المنكر واولئك هم المفلحون) .

(سورهٔ آل عمران آیه ۱۰٤)

شرایط امر بمعروف ونهی ازمنکر

شرایط واجب شدن امر بمعروف ونهی از منکر درمراتب بالاتر از قلب اینهایند :

۱ـ درامر ونهی مفسده وضرری بخود ودیگران نرسد مگر آنکه تحمّل ضرر واجب شود .

۲ـ مرتکب خلاف جاهل بمعروف ومنکر وحکم آن نباشد لذا اول باید باو فهماند .

۳ـ خود شخص امرکننده ونهی‌کننده هم جاهل بأحکام مربوطه نباشد تا باشتباه نیافتد .

۴ـ إحتمال تأثیر درامر ونهی باشد نه‌آنکه علم داشته باشد که اثر نمیکند گرچه احتمال ضعیف باشد .

۵ـ مرتکب خلاف شرعاً معذور نباشد مانند کسیکه مضّطر بخوردن میته است ویا ترك روزه .

۶ـ أمرکننده ونهی‌کننده خودش مأمور بتقیّه وسکوت نباشد پس مخالفت تقیه نمودن حرام است .

۷ـ مرتکب خلاف إصرار برآن داشته باشد نه‌آنکه توبه نموده باشد وپشیمان شده .

۸ـ مرتکب خلاف تجاهر بترك معروف وانجام منکر نماید نه‌آنکه

مخفیانه مرتکب باشد مگر نهی‌از قتل .

۹ـ أمر ونهی موجب إصراروعناد مرتکب خلاف وافزونی گناه نشود.

۱۰ـ خود أمرکننده ونهی‌کننده عمل بمعروف وترك منکر بنماید که شرط قبول وتاثیرست گرچه شرط وجوب نیست وحضرت رسول‌اکرم (ص) لعن فرموده‌اند کسانی راکه أمربمعروف مینمایند لیکن خودشان بآن عمل نمیکنند ونهی ازمنکر مینمایند وخودشان مرتکب آن میشوند (لعن‌الله الآمرین‌بالمعروف ألتارکین‌له والنّاهین عن‌المنکر ألعاملین‌به).

مراتب امر بمعروف ونهی ازمنکر

أمر بمعروف ونهی ازمنکر دارای مراتب است‌که با تأثیر مراتب‌اول نوبت بمراتب بالاتر نمیرسد :

۱ـ مرتبهٔ قلبیّ ،که دردل بایدمعروفرا بخواهد وازمنکرمتنفر باشد.

۲ـ مرتبهٔ چهره ،که درقیافه وچهره با أخم و درهم‌کشیدن و روی برگرداندن بفهماند .

۳ـ مرتبهٔ زبانی ،که باگفتار أمربمعروف نماید وازمنکر نهی‌کند .

۴ـ مرتبهٔ دست ،که با زدن وضرب وإیلام اگر متوقّف برآن باشد بویژه تأدیب پدر ومعلّم .

۵ـ مرتبهٔ جرح ،که مجروح و زخمی نماید بااجازهٔ حاکم شرع در صورت لزوم .

۶ـ مرتبهٔ غصب،که ضرورت باشد تصرّف نمودن در اموال واجناس

مرتکب خلاف بإذن حاکم .

۷ـ مرتبهٔ قتل ،که حفظ دین ونفی فساد وبدعت وضلالت متوقّف بر کشتن مرتکب خلاف بإذن حاکم باشد .

۸ـ مرتبهٔ فداکاری ،که فدانمودن جان خود برای اسلام وقرآن و إمام زمان درصورت لزوم آن .

۹ـ مرتبهٔ تقیّه ،که مصلحت اسلام یـا مصلحت مسلمانان یا مصلحت أهم دیگری آنرا واجب گرداند مانند خوردن روزه إمام صادق (ع) باتقیّهٔ از منصور عباسی یا أمر نمودن موسی بن جعفر (ع) علی بن یقطین را بوضوی معکوس یا قبول نمودن إمام رضا علیه السلام ولایتعهدی مأمون را وتقیّه نمودن درموارد لزوم فرار از تکلیف نیست بلکه مخالفت آن ترک تکلیف شرعی است وحضرت إمام صادق (ع) رئیس مذهب ما فرموده‌اند :

(التقیّة دینی و دین آبائی من لاتقیّة له لادین له) .

أمّا درجائی که باید تقیّه نکرد بعلت ترس ووحشت وضعف نفس بنام تقیّه ترک وظیفهٔ أمر بمعروف ونهی ازمنکر نمودن گناه بزرگیست نابخشودنی.

انواع معروف

بعض امور که معروف‌اند ومیتوان امر بآن نمود اینهایند :

۱ـ توبه از گناه = وتوبوا إلی الله توبة نصوحا، إن الله یحبّ التوّابین =

۲ـ توکّل برخدا = وعلی الله فلیتوکّل المؤمنون =

۳ـ حسن ظنّ بخدا = أحسنوا الظّنّ بربّکم فانه عند حسن ظن عبده به =

۴ـ صبر برطاعت = واصبروا وصابروا ، إنمّا یـوفّی الصّابرون أجرهم بغیر حساب =

۵ـ صبر از معصیت = الّذین یجتنبون کبائر الإثم والفواحش ما ظهر منها وما بطن =

۶ـ صبر برمصیبت = الّذین إذا أصابتهم مصیبة قالوا إنّا لله وانا الیه راجعون أولئك علیهم صلوات من ربهّم ورحمة =

۷ـ حلم وبردباری = لایکون الرجّل عابداً حتی یکـون حلیماً ، کاد الحلیم أن یکون نبیّاً =

۸ـ جودوسخا = الّذین ینفقون أموالهم فی سبیل الله أولئك اعظم درجةً عندالله =

۹ـ تواضع و فروتنی = من تواضع لله رفعه الله =

۱۰ـ مرّوت وإنصاف = سیّد الأعمال إنصاف النّاس من نفسك =

۱۱ـ سترعیب وپرده‌پوشی = إن الله یحبّ الساترین =

۱۲ـ زهد وقناعت = من زهد فی الدّنیا أثبت الله الحکمة فی قلبه =

۱۳ـ عفّت فرج وشکم = إنمّا شیعة جعفر من عفّ بطنه وفرجه =

۱۴ـ عفو وإغماض = والکاظمین الغیظ والعافین عن النّاس والله یحبّ المحسنین =

۱۵ـ طلب علم ودانش = طلب العلم فریضة علی کلّ مسلم ومسلمه =

۱۶ـ سفارش بحقّ والعصر إن الإنسان لفی خسر الا الّذین آمنوا و

عملوا الصالحات وتواصوا بالحقّ وتواصوا بالصّبر =

١٧ـ قضای حوائج مؤمن = من قضی لأخیه المؤمن حاجةً قضی الله تعالی له ١٠٠٠٠٠ حاجه أهونها الجنّة =

١٨ـ خدمت بخلق خیرالنّاس من نفع النّاس =

١٩ـ وفای بعهد = والموفون بعهدهم إذا عاهدوا =

٢٠ـ إقتصاد درمعیشت = ولاتجعل یدك مغلولةً إلی عنقك ولاتبسطها كلّ البسط =

٢١ـ دوری از فتنه = كن فی الفتنة كابن اللبّون لاظهر فیركب ولابطن فیحلب =

٢٢ـ إیثار = ویؤثرون علی أنفسهم ولوكان بهم خصاصة الخ =

حقهای واجب

١ـ حقّ پیامبر وامام معصوم (ص) که برتمامی امّت مسلمان واجب است که طاعت کامل وپیروی از آنانست .

٢ـ حقّ پدر ومادر که برفرزندان است که جلب رضایت آنان است وعاق نشدن .

٣ـ حقّ علما و فقها که برمردم است که آنها را بهپیشوائی و رهبری بپذیرند وقدردان باشند .

٤ـ حقّ معلّمان واستادان که برشاگردان است احترام آنان وقدردانی از زحماتشان .

٥ـ حقّ خویشاوندان وأرحام که برهمه واجب است که نیکی ومحبّت وصله وپیوند خویشاوندی وحرام است قطع رحم .

٦ـ حقّ همسایگان که باید از اذیّت وآزار آنان پرهیز نمود واذیّت آنان را تحمّل نمود وبآنان محبت کرد .

٧ـ حقّ دوستان و رفقا که باآنان حسن معاشرت وصفا و وفا وإیثار وخدمت و فداکاری نماید .

٨ـ حقّ مردم مؤمن که آنچه راکه برای خود میپسندیم برای آنان هم بهپسندیم وآنچه نپسندیم برای آنان هم نپسندیم .

٩ـ حقّ فرزند برپدر که نام خوب برایش انتخاب کند وباو قرآن وشنا واسبسواری وتیراندازی بیاموزد .

١٠ـ حقّ والی بررعیّت که إنصاف دهند ونافرمانی نکنند وحرمت اورا نگهدارند .

١١ حقّ رعیّت بروالی که باید مصالح آنان را چه دنیوی چه أخروی درنظر بدارد وبعدالت رفتار نماید .

١٢ـ حقّ زن برشوهر که نفقهٔ غذا ولباس ومسکن وهمخوابی و خوشرفتاری است .

١٣ـ حقّ شوهر برزن که تمکین نمودن از او هروقت بخواهد و مطیع اوبودن وناشزه نشدن .

١٤ـ حقّ مستشیر برمشیر که درمشورت خیانت نکند ومستشیرهم برأی مشاور عمل کند .

۱۵ـ حقّ إمام جماعت که برمأمومین واجب است حمایت ودفاع ازاو وانجام وبرآوردن حوائجش .

۱۶ـ حقّ پیرمردان وریش‌سفیدان که برجوانان است که آنانرا توقیر واحترام نمایند ونیازارند .

۱۷ـ حقّ زیردستان وکارگران که بر اربابان وصاحبکاران است که بارفق ومدارا ومهربانی باآنان رفتار نمایند .

۱۸ـ حقّ سائلان ومحتاجان که لازمست مساعدت نمودن وکمك و دستگیری از آنان .

۱۹ـ حقّ صاحبان منّت که درحقّ انسان لطف ومحبتی نموده‌اند باید شکرگزار وقدردان بود وتلافی کرد .

۲۰ حقّ واعظان وناصحان که برشنوندگان لازمست پذیرفتن ازآنان وعمل نمودن بوعظ وإرشادشان .

موارد حرمت وکراهت سلام

۱ـ سلام نمودن برمشرکان حرام است .

۲ـ سلام نمودن بریهودیان حرام است .

۳ـ سلام نمودن برمسیحیان حرام است .

٤ـ سلام نمودن برمجوسیان حرام است .

٥ـ سلام نمودن بربت‌پرستان حرام است .

٦ـ سلام نمودن برملحدان وبی‌دینان حرام است .

۷ـ سلام نمودن برناصبیان وغلات حرام است .

۸ـ مکروه است سلام نمودن برشرابخوار .

۹ـ مکروه است سلام نمودن برقمارباز که بهروسیله بُردوباخت میکند.

۱۰ـ مکروه است سلام نمودن بر رباخوار .

۱۱ـ مکروه است سلام نمودن برآوازه‌خوان ومطرب وتارو موزیك زن.

۱۲ـ مکروه است سلام نمودن برعشّار وباج گیر ومفت‌خور بزور .

۱۳ـ مکروه است سلام نمودن برشاعریکه زنان محصنه را قذف نماید.

۱٤ـ مکروه است سلام نمودن برمُخنّث ولوطی وکسانیکه مفعول انداز ذکور ومردان .

۱۵ـ مکروه است سلام نمودن برفاسق متجاهر بفسق وگناه کبیره .

۱٦ـ مکروه است سلام نمودن برظالمان وطاغوتان وستمکاران و پیروانشان .

۱۷ـ مکروه است سلام نمودن برمتکبّر خودخواه وهر سرکش یاغی وخودخواه .

۱۸ـ مکروه است سلام نمودن برکسیکه دربیت‌الخلا میباشد ومشغول تخلیه است .

۱۹ـ مکروه است سلام نمودن برکسیکه درحمّام است ، ظاهراً گرمابه عمومی مقصود است .

۲۰ـ مکروه است سلام نمودن برکسیکه بنماز ایستاده است .

چلّه‌های مشروع

چلّه‌هائی که فقها نقل نموده‌اند که برحسب تسامُح در أدلّهٔ سنن است اینهایند :

١ـ کسیکه چهل روز حلال بخورد قلبش نورانی گردد .

٢ـ کسیکه چهل شب سورهٔ واقعه بخواند فقیر نگردد .

٣ـ کسیکه چهل روز دعای عهد باإمام زمان را بخواند ازیاورانشان گردد .

٤ـ کسیکه چهل روز روزه بگیرد از آتش جهنّم أیمن گردد .

٥ـ کسیکه چهل‌شب جمعه بزیارت إمام حسین مشّرف شود حوائجش برآورده شود .

٦ـ کسیکه چهل چهارشنبه بمسجد سهله یا جمکران رود بتشّرف نائل گردد .

٧ـ کسیکه چهل روز زیارت عاشورا بخواند حاجتش برآورده‌شود.

٨ـ کسیکه چهل روز سویق بخورد شانه‌هایش پُراز قوت گردد .

٩ـ کسیکه حلیم بخورد تا چهل روز،نشاط برعبادت داشته باشد .

١٠ـ کسیکه صبح جمعه أنار بخورد تاچهل روز،از وسوسهٔ شیطان نجات یابد ودلش نورانی گردد .

١١ـ کسیکه روغن زیتون بخورد وبخودش بمالد تا چهل روزشیطان از او دور شود .

١٢ـ کسیکه برای چهل مؤمن درقنوت وتر آمرزش طلبد خدا اورا بیامرزد .

١٣ـ کسیکه چهل مؤمن برایش شهادت دهند اللهم لانعلم منه إلاخیرا آمرزیده شود .

١٤ـ کسیکه چهل روز نمازهایش را بجماعت بخواند دلش نورانی گردد وحکمت از زبانش جاری شود .

١٥ـ کسیکه چهل شب درقنوت نماز وتر صد مرتبه إستغفارکند نام اورا درلیست مستغفرین بالأسحار نویسند .

ألبته آثاری‌که ذکر شده‌است ازباب مُقتضی عمل است‌که مشروط برنبودن مانع است پس اگر پس‌از چلّه نتیجه حاصل نشد مانعی درکار بوده است وأصولاً أساس قبولی هرعملی تقوای حقیقی است‌که = إنمّا یتقبّل الله من المتقین =

أحکام تولی و تبری

(ومَن یتَوَلّ الله و رسولَه والّذین آمنوا فَإن حِزبالله هُم الغالبون) .

(سورهٔ مائده آیه ٥٦)

اقسام تولّی وتبرّی

تولّی وتبرّی که اساس ایمان است دارای اقسام ومراتبی است از این قرار :

۱ـ إطاعت ازخدا وکتاب خداقرآن مجید وتمسّك بآن وبآحکام آن.

۲ـ إطاعت وپیروی از رسول خدا حضرت محمّدبن عبدالله (ص) و دوستی او وإحیای سنّت آنحضرت .

۳ـ إطاعت از اولوالأمر معصومین واهل‌بیت پیامبر (ص) بـویژه إمام زمان (ع) وسنّت آنان .

٤ـ إطاعت ازفقهاء ومجتهدین جامع‌الشرائط نواب‌عـام إمام‌زمان(ع).

٥ـ مُخالفت ونافرمانی باشیاطین وإبلیس لعین ووسوسه‌هایش .

٦ـ مخالفت ودشمنی ومبارزه باپیروان شیطان وشیاطین جنّ‌وإنس.

۷ـ محبّت ودوستی قلبی باخدا و دوستان خدا ومقرّبان‌درگاهش.

۸ـ بُغض ودشمنی قلبی نسبت بەدشمنان خدا ودشمنان‌دوستان خدا .

۹ـ إقرار زبانی وشهادت بمحبّت وطاعت خدا و دوستان خدا .

۱۰ـ إقرار زبانی وشهادت ببراءت وبغض وعدوات بادشمنان خدا و دشمنان أولیایش .

۱۱ـ تعظیم شعائر دینی ومذهبی وإعـلام وإعلان محبّت و ولایت أولیای خدا .

۱۲ـ إعلان وإعلام براءت وبیزاری عملاً بهرنحو ممکن از دشمنان

خدا و رسول وأهلبیتش (ع) .

۱۳ـ رکون ننمودن بظالم وستمکار بلکه مُقاطعهٔ ظالمان ودشمنان خدا و رسول وأهلبیتش (ع) .

۱٤ـ همکاری ویاری نمودن مظلومان ودفاع از حقّشان ونُصرت مؤمنان وپیروان حقّ .

۱٥ـ دعا برای تعجیل فرج آل محمّد وظهور حضرت ولّی عصر مهدی (ع) وقیام دولت حقّ .

۱٦ـ سعی وکوشش وجهاد برای زمینه‌سازی وتمهید و آمادگی‌برای إنقلاب جهانی آنحضرت وبهترین زمینه‌سازی خودسازی است‌که هرفرد خود را برای سربازی وخدمتگذاری آماده سازد وازهر حیث تقوی و پرهیزکاری را مراعات نماید وجهاد بانفس بنماید .

اولیای خدا

۱ـ سرورکائنات‌وأشرف أنبیاء حضرت‌خاتم‌الأنبیاء رسول‌اکرم (ص).

۲ـ أهل بیت طیّبین طاهرین معصومین خاندان رسول‌اکرم (ص) .

۳ـ آل‌محمّد و خویشاوندان نزدیك وپاك رسول‌الله وأهـل‌بیت معصومین علیهم‌السلام .

٤ـ صحابهٔ برگزیده و راستین رسول‌الله مانند سلمان وأبوذر ومقداد وعمّار رضوان‌الله علیهم .

٥ـ سایر أنبیای خـدا وپیامبران معصوم از حضرت آدم تا عیسی

علیهم‌السلام .

٦ـ تمامی أوصیای پیامبران وجانشینان پاك وأصحاب ویارانشان .

٧ـ أصحاب ویاران وحواریین‌وشاگردان برگزیدهٔ إمامان‌معصوم(ع).

٨ـ شهداء وصدّیقیّن از حضرت هابیل تا شهدای درپیشگاه إمام زمان علیه‌السلام .

٩ـ تمامی ملائکه مقرّبین سلام‌الله علیهم أجمعین بویژه جبرئیل و میکائیل وإسرافیل وعزرائیل(ع) .

١٠ـ تمامی علمای دین وفقهاءعظام شریعت سیّدالمرسلین از صدر إسلام تا بامروز .

١١ـ تمامی عبادالله صالحین از مؤمنات ومؤمنین از صدر عالم تا إنتهای عالم .

١٢ـ تمامی توّابین ومستبصرین‌که راه حقّ وحقیقت را برگمراهی برگزیدند و هدایت یافتند .

دشمنان خدا

١ـ إبلیس لعین وشیاطین جنّ وإنس لعنةالله‌علیهم .

٢ـ فرعونیان ونمرودیان وکفّار ومشرکین لعنةالله علیهم .

٣ـ تمامی قاتلان پیامبران و دشمنانشان لعنةالله‌علیهم .

٤ـ تمامی دشمنان پیامبر اکرم(ص) ومخالفشان لعنةالله‌علیهم .

٥ـ دشمنان و ظالمان حضرت صدیقهٔ زهرا (ع) و غاصبان حقشان لعنةالله علیهم .

٦ـ تمامی دشمنان‌ومبغضان امیرالمؤمنین ازناکثین وقاسطین‌ومارقین وناصبیان لعنةالله علیهم .

٧ـ دشمنان وظالمان حضرت إمام حسن مجتبی(ع) وخاذلانش لعنةالله علیهم .

٨ـ قاتلان وظالمان حضرت إمام حسین(ع) ویاران مظلومش لعنةالله‌علیهم.

٩ـ دشمنان وقاتلان سایر إمامان معصوم ما لعنةالله‌علیهم .

١٠ـ تمامی ستمکاران وجنایتکاران وظالمان وطاغوتان درهرزمان لعنةالله‌علیهم .

١١ـ همهٔ‌بدعت‌گذاران‌دردین‌وگمراه کنندگان‌مسلمانان‌لعنةالله‌علیهم.

١٢ـ تمامی دشمنان إمام زمان ومخالفان آنحضرت ومنکرانشان لعنةالله‌علیهم .

١٣ـ تمامی مخالفان أهل‌بیت وشیعیان آنان و دشمنانشان بویژه بنی‌أمیّه وبنی‌العبّاس لعنةالله‌علیهم .

١٤ـ تمامی إستعمارگران وإستثمارگران مسلمانان وممالك إسلامی وقدرتهای ضدّدین وأحزابشان چه أحزاب شرقی ودست چپی ویا أحزاب دست راستی وغربی که متأسفانه درممالك اسلامی رخنه نموده‌اند وعدّه‌ای نادان وساده لوح مسلمان را فریب داده‌اند .

ـ أولئك حزب‌الشّیطان ـ تمامی آنان أحزاب شیطان هستند .

احکام معاملات

قال رسول‌الله صلّی‌الله علیه وآله ء –

(تفقّه واتّجر)

قال‌الله عزّ وجلّ –

(ولاتاکلوا اموالکم بینکم بالباطل)

سوره بقره آیه ۱۸۸

عقود لازمه

عقدهائی که إلزام آور هستند وطرفین عقد را ملزم مینمایندواینهایند:

١ــ عقد بیع ، خرید وفروش .

٢ــ عقد إجاره ، تملیك منفعت مال وملك بمدّت معیّن .

٣ــ عقد مزارعه ، درختکاری ونهالکاری .

٤ــ عقد مساقات ، آبیاری درختهای میوه .

٥ــ عقد ضمان ، بعهده گرفتن مسئولیّت مال ومنفعت آن .

٦ــ عقد نیابت درعمل ، خواه عبادت باشد مانند حجّ یا نباشد .

٧ــ عقدبیمه، تعهّد أدای‌خسارت‌وجبران‌ضرر معیّن‌وزیانهای‌حاصله.

٨ــ عقد رهن ، گرونهادن مال نزد دیگری .

٩ــ عقد کفالت ، ضامن‌شدن برای بدهکار نزد طلبکار .

١٠ــ عقدحواله، بگردن گرفتن أدای دین یاحقّ دیگری ازجانباو.

١١ــ عقد صلح ، مصالحه نمودن درهرامری که مورد اختلاف یاتردید یا نزاع است .

١٢ــ عقد هبهٔ لازمه ، بذل وبخشش وهدیه دادن بخویشاوندان .

١٣ــ عقد مکاتبه ، غلام وکنیزی که باپرداخت مقداری ازقیمت‌خود باقرارداد خودرا آزاد میکنند .

١٤ــ عقد نکاح ، ازدواج شرعی خواه دائم یا منقطع باشد .

١٥ــ عقد جزیــه وذمّه ، مالیاتی کــه اهــل‌کتاب میپردازند طبق

قرارداد معیّن .

١٦ــ عقد أمان ، قرارداد مصونیّت جان ومال وعرض که میان‌مسلمان وکافر حربی بسته میشود .

١٧ــ عقد سبق ورمایه ، مسابقهٔ تیراندازی واسب‌دوانی ومانند آن .

١٨ــ عقد بیعت بامعصوم ، مانند بیعت رضوان وبیعت غدیر که باپیامبر (ص) وامیرالمؤمنین انجام شد .

١٩ــ عقد حلف، وپیمان‌دفاع وهمکاری میان‌شخصی وقبیله‌وگروهی.

٢٠ــ عقد أخوّت ، عقد برادری إیمانی ودینی که پیامبر (ص) میان مهاجر وأنصار بستند ومؤمنین در روز عید غدیر می‌بندند .

عقود جائزه

قراردادهائی که یکطرفه‌میتوان‌باطل‌نمودوعقودجائزه هستندواینهایند:

١ــ عقد أمان ، بمشرکین برای شنیدن کلام خداکه لغو میگردد .

٢ــ عقد عاریت ،کــه مالی را بعاریت دراختیار دیگری میگــذارد میتواند پس گیرد .

٣ــ عقد ودیعت ، سپردن أمانتی بدیگری که از او باز میستاند .

٤ــ عقد وکالت ، دادن اختیارات شخصی بکسی دیگر بنیابت ازخود که إقاله مینماید .

٥ــ عقد شرکت ، درسرمایه وکار میان دونفر یا بیشتر کــه هروقت بخواهند بهم میزنند .

٦ـ عقد جعاله ، قراردادن جائزه وحقّ السّعی وبهره درمقابل انجام کاری که هرکس انجام دهدکه میشود إلغا کرد .

٨ـ عقد وصیّت ، سفارش نمودن بأموریکه پس از مرگ انجام میشود.

٩ـ عقد هبه بهأجنبی، بخشش نمودن بغیر از خویشاوندان که میتواند برگرداند .

١٠ـ عقد هدنة ، متارکهٔ جنگ وبزمین نهادن أسلحه تا وقت معیّن که اگر طرف مقیّد نشود بهم میزنند .

إیقاعات

قرارهای یکجانبه که یکطرفه انجام میشوند وإیقاع هستند اینهایند:

١ـ إیقاع طلاق ،که مرد زنش را جدا میکند .

٢ـ إیقاع إبراء ذمّه ، بخشیدن حق یا دین مدیون .

٣ـ إیقاعُ إجازهٔ عقد فضولی وإمضای آن .

٤ـ إیقاعُ إقالهٔ وکیل از وکالت وعزلش .

٥ـ إیقاع وقف نمودن موقوفه .

٦ـ إیقاع حبس نمودن مال .

٧ـ إیقاع صدقه إستحبابی دادن بفقیر وغیره .

٨ـ إیقاع عتق وآزاد ساختن بنده وکنیز وبرده .

٩ـ إیقاع إباحهٔ تملك ملك یا مال برای هرکس .

١٠ـ إیقاع إباحهٔ تملك منفعت بمنتفع.

١١ـ إیقاع إجازهٔ تصرّف درمال برای دیگران .

١٢ـ إیقاع إجازهٔ عقد صغیر هنگام بلوغش یا ردّ إجازه وفسخ عقد.

١٣ـ إیقاع إسلام وایمان آوردن وإقرار بشهادتین .

١٤ـ إیقاع إرتداد وکفر وشرك ورزیدن وبرگشتن ازدین وخروج از آن .

١٥ـ إیقاع توبه‌نمودن ازإرتدادوکفروگناه ومعصیت وبازگشت‌بدین.

١٦ـ إیقاع رجوع نمودن مرد بزوجهٔ مطلقهٔ رجعیّه خود .

١٧ـ إیقاع رجوع از هبه‌به أجنبی وپس گرفتن هدیّه .

اقسام بیع

أقسام خرید وفروشها اینهایند که مشروع هستند :

١ـ بیع نقد ونسیه ،که یکی را بدیگری تبدیل کنند .

٢ـ بیع تقدین ،که طلا به‌نقره ونقره به‌طلا خُرید وفروش‌نمودن .

٣ـ بیع صرف ، خرید وفروش پولهای رایج وسکّه‌ها وإسکناسها .

٤ـ بیع سلَف ،که مشتری پول رابدهدکه پس از مدتی جنس را تحویل گیرد .

٥ـ بیع سلم ،که فروشنده جنس راپیش فروش مینماید ارزانتر از قیمت روزش .

٦ـ بیع مرابحه ومواضعه ، خرید وفروش با درنظرگرفتن سود معین یا زیان معیّن .

٧ـ بیع حیوان ، خرید وفروش حیوانها تماماً یا پوست یا گوشت و

جزئی ازآنها .

٨ـ بیع معاطاتی، خرید وفروش بی‌عقد لفظی وداد وستد مجرّد .

٩ـ بیع ثمار ، خرید وفروش میوه‌ها بردرختها یا پس‌از چیدنشان .

١٠ـ بیع عقار ، خرید وفروش منازل واملاك وساختمانها وزمینها .

١١ـ بیع فضولی ، خرید وفروش ازجانب دیگری بااحتمال رضایتش و اجازهٔ بعدی او .

وچند بیع غیر شرعی هست که حرامند مانند اینها :

١ـ بیع ربوی خرید وفروش دوجنس مکیل یا موزون همجنس با إضافه .

٢ـ بیع غصبی خرید وفروش مال وجنس دیگران بی‌رضایتشان .

٣ـ بیع غرری خریدوفروش جنس‌مغشوش وإجحافی‌درقیمت‌وغیره .

شرایط متبایعین

شرایط فروشنده وخریدار از قرار ذیل است :

١ـ بلوغ طرفین باید بالغ باشند یا بإذن بالغ خرید وفروش کنند.

٢ـ عقل طرفین باید دیوانه نباشند .

٣ـ رشد طرفین باید سفیه نباشند .

٤ـ قصد طرفین باید قصد جدّی‌درمعامله داشته‌باشند نه‌مزاح‌وغیره.

٥ ملکیّت طرفین باید مالك ثمن و مُثمن باشند یعنی جنس وقیمت .

٦ـ اختیار طرفین باید اختیار کامل داشته باشند نه‌مجبور ومُکره بزور باشند .

٧ـ محجور نبودن طرفین باید مفلّس ومحجور علیه نباشند .

٨ـ ممنوع نبودن طرفین باید ممنوع‌التصّرف نباشند مانند محارب ومرتّد وقاتل وغیره .

٩ـ قدرت تسلیم طرفین باید برپرداخت وتسلیم جنس وعوضش قادر باشند .

١٠ـ إمضاء عقد طرفین باید هنگام عقد معامله را فسخ ننمایند وإقاله نکنند وگرنه أثری ندارد .

شرایط عِوضین

عِوَضین مورد معامله که ثمن ومثمن وجنس ومال وقیمت آن هستند باید دارای این شرایط باشند :

١ـ تعیین مقدار ، چه عدد باشد یا وزن ویا پیمانه باید معیّن باشد .

٢ـ تمکّن از تحویل ، باید ثمن و مثمن قابلیّت پرداخت وتسلیم داشته باشند .

٣ـ تعیین‌وصف ، باید خصوصیّات صفتی جنس وعوضش معین گردد .

٤ـ ملکیّت مطلقه ، باید ملکیّت جنس وعوضش مطلق وآزاد باشد.

٥ـ تعامل برعین مال ، باید عین مال وجنس را مورد معامله قرار دهد نه منفعتش .

۶ـ جواز تعامل ، باید مال معامله یعنی جنس وبدلش شرعاً ممنوع نباشد مانند شراب وغیره .

۷ـ إباحهٔ تصرّف، باید تصرّف‌درثمن ومثمن مبّاح‌باشدوغصبی‌نباشد.

۸ـ قابلّیت إنتقال ، ثمن ومثمن قابلیت انتقال از یکی بدیگری را دارا باشند .

موارد صحت اکراه بربیع

مواردیکه إکراه بربیع وإجبار برفروش جایز است اینهایند :

۱ـ فروش حاکم شرع وقاضی مال مفلّس را برای أدای قرض او به‌طلبکاران .

۲ـ فروش حاکم شرع وقاضی مال کسیکه از ادای قرضش تمکّن دارد ونمیکند .

۳ـ فروش حاکم شرع وقاضی مال میّت را برای ادای قرض او با إمتناع ورثه .

٤ـ فروش حاکم شرع وقاضی مال شرکتی‌که بعض از شرکا از فروش إمتناع کنند .

۵ـ فروش حاکم شرع وقاضی مال محتکر را بقیمت عادلانه با إمتناعش از فروش .

۶ـ فروش حاکم شرع وقاضی مال ممتنع از زکات برای رساندن بمستحقین آن .

۷ـ فروش حاکم شرع وقاضی بندهٔ شخص کافر راکه مسلمان گشته بی‌رضایت کافر .

۸ـ فروش حاکم شرع وقاضی باذن ولّی فقیه مال ممتنع ازخمس را بجهت تقاص .

۹ـ فروش حاکم شرع وقاضی مال میّت را برای تقسیم إرث بورثه با إمتناع وصّی میّت .

۱۰ـ فروش حاکم شرع وقاضی مال ومنفعت موقوفه را برای مصرف نمودن بمورد وقف با إمتناع متولّی .

فروشهای ممنوع

۱ـ فروش ماهیها وحیوانات دریائی‌که درآب مرده‌اند .

۲ـ فروش مال وملك مغصوب دیگران بی‌رضایت آنان .

۳ـ فروش پشمهای حیوانها بربدنشان پیش‌از چیدن آنها .

٤ـ فروش روغنهای نجس شده بی‌إعلام مشتری .

۵ـ فروش کبوتران درهوا پیش‌از شکارشان .

۶ـ فروش ماهیهای آبها و دریاها پیش‌از شکارشان .

۷ـ فروش جنس معیوب بی‌إعلام مشتری وبی‌رضایت او .

۸ـ فروش أنگور یا کشمش یا خرما برای شراب ساختن .

۹ـ فروش چوب وتخته برای ساختن صلیب یاآلات لهو وموسیقی.

۱۰ـ فروش أسلحه بدشمنان محارب مسلمانان .

۱۱ـ فروش وسایل قمار وبُرد وباخت حرام ونرد وشطرنج .

۱۲ـ فروش وسایل لهو وساز وتار وموسیقی .

۱۳ـ فروش تمامی مردارها ومیته‌های انسانها وحیوانها .

۱٤ـ فروش سمهای کشنده وگازهای سمّی برای جنایت .

۱۵ـ فروش موشها وحشره‌ها بجز زنبور عسل وکرم ابریشم .

۱٦ـ فروش بول نجس‌لیکن اجرت‌گرفتن برنقل فاضل‌آب‌جایزاست.

۱۷ـ فروش غایط انسان لیکن مزدگرفتن برای نقل‌آن جایز است.

۱۸ـ فروش منی انسان وحیوانها لیکن اجرت‌گرفتن برای باردار- نمودن حیوان ماده بانر جایز است .

۱۹ـ فروش خونهای نجس لیکن أجرت گرفتن برای تزریق آن جایز است .

۲۰ـ فروش زمین و ساختمان وأثاث مسجدها .

۲۱ فروختن مرد وزنی‌که آزادند وهمچنین أطفال آزاد زاده .

۲۲ـ فروختن‌مرد وزن غلام وکنیز مرتکب قتل‌بی‌رضایت‌ولی مقتول.

۲۳ـ فروختن مرد وزن غلام وکنیزکه مرتکب جنایتی شده‌اند که بیش‌از قیمت آنان است .

۲٤ـ فروختن أجزای حرام حیوانهای حلال گوشت .

۲۵ـ فروختن مرد وزن کنیز وغلام‌که مرتّد شده .

۲٦ـ فروختن مرد وزن کنیز وغلام‌که مسلمانند به‌کافر .

۲۷ـ فروختن مرد وزن کنیز وغلام که فرار نموده ودراختیارنیست.

۲۸ـ فروختن زمینی‌که درجهاد إسلامی فتح شده است . بی‌إجازهٔ حاکم شرع وفقیه مجتهد .

۲۹ـ فروختن مال وقف شده مگر درموارد ضرورت ومصلحت آن .

۳۰ـ فروختن دوجنس مکیل وموزون مشابه بازیادتی .

۳۱ـ فروختن محصولی‌که هنوز بدست نیامده .

۳۲ـ فروختن جنسی بمدّت غیرمحدود وأجل غیر معلوم .

۳۳ـ فروختن قرض بقرض ودین به‌دین .

۳٤ـ فروختن جنین درشکم حیوان مادرش وهمچنین تخم .

۳۵ـ فروختن سگها بجز سگ شکاری .

۳٦ـ فروختن خوك وخنزیر زمینی‌که نجس است و دریائی که وحشی است .

۳۷ـ فروختن پرندگان وحشی مگر شکاری .

۳۸ـ فروختن حیوانیکه با شیر خوك بزرگ شده باشد .

۳۹ـ فروختن حیوان جلّال نجاستخواری‌بی‌إستبراء وبی‌إعلام‌برای کشتن .

٤۰ـ فروختن حیوان حلال گوشتی‌که وطی‌شده که باید سوزانده شود بعداز کشتنش .

مُزدهای حرام

١ـ مزدگرفتن برانجام واجبات عینی که بخود شخص تعلّق یافته حرام است .

٢ـ مزدگرفتن برانجام واجبات کفائی عبادی بخود شخص تعلّق یافته حرام است .

٣ـ مزدگرفتن برانجام قضاوت شرعی حرام است .

٤ـ مزدگرفتن برأذان گفتن حرام است .

٥ـ مزدگرفتن برآواز خوانی وغنا حرام است .

٦ـ مزدگرفتن برزنادادن حرام است .

٧ـ مزدگرفتن برلواط نمودن حرام است .

٨ـ مزدگرفتن برتجسّس حرام حرام است .

٩ـ مزدگرفتن برقیادت و دونفر را بحرام بهمرساندن حرام است .

١٠ـ مزدگرفتن برسحروجادو وشعبده وچشم‌بندی نمودن حرام‌است.

١١ـ مزدگرفتن براعانت نمودن ظالمان درظلمشان حرام است .

١٢ـ مزدگرفتن برقتل وجرح بیگناه حرام است .

١٣ـ مزدگرفتن برعزاداری حرام ونَوح بباطل حرام است .

١٤ـ مزدگرفتن برهجو مؤمنین ودشنام آنان و غزلسرائی دروصف ناموس وعرض مسلمانان حرام است .

١٥ـ مزدگرفتن برشهادت وگواهی زور و دروغ حرام است .

١٦ـ مزدگرفتن برقذف مؤمن بیگناه وتهمت زدن باو حرام است .

١٧ـ مزدگرفتن برحمل ونقل‌وساختن شراب‌وآبجوومُخمّرحرام‌است.

١٨ـ مزدگرفتن برنَبش حرام قبور مؤمنان حرام است .

١٩ـ مزدگرفتن برساختن آلات لهو وصلیبها ومجسّمه‌ها حرام‌است.

٢٠ـ مزدگرفتن براِسقاط جنین ونطفهٔ مسلمان حرام است .

کسبهای مکروه

معاملات وکسبهائی‌که کراهت دارند اینهایند :

١ـ زرگری که از ربا وحرام ایمن نیست .

٢ـ دلالی‌که غالباً خلاف واقع ومبالغه ازاو شنیده میشود .

٣ـ کفن فروشی‌که راه ارتزاقش بآن منحصرباشدوآرزوی مرگ مردم را دارد .

٤ـ قصّابی وکشتار حیوانهاکه موجب قساوت دل است .

٥ـ گندم وجو وآرد فروشی‌که درمعرض اِحتکار آنهاست .

٦ـ معامله بالئیمان وأطفال وپست فطرتان .

٧ـ سوم وداخل‌شدن درمعاملهٔ دیگری با دیگری .

٨ـ خرید وفروش بین‌الطّلوعین از أذان صبح تاطلوع آفتاب .

٩ـ خرید وفروش کنیزان وغلامان وبردگان .

١٠ـ ملك فروشی بویژه فروش خانهٔ مسکونی منحصر بفرد .

١١ـ اِستقبال تجّار درخارج ازشهر پیش‌از ورودشان بشهر .

۱۲ـ کارهای پست وخوارکننده مانند مُقَنّی‌گری ونقل نجاسات و قاذورات .

أنواع خیارها

مواردیکه شرعاً اختیار فسخ وبهمزدن معامله میباشد اینهایند :

۱ـ خیار مجلس ، طـرفین معامله تا درمجلس عقـد معامله هستند میتوانند فسخ کنند .

۲ـ خیار غبن ، یکی‌از طرفین مغبون شده باشد وإثبات کند میتواند فسخ کند .

۳ـ خیار شرط ، طرفین یایکی از آندو شرط اختیار فسخ درضمن معامله کنند میتوانند فسخ کنند .

٤ـ خیار شرکت ، مقداری‌از جنس ومال بدیگری تعلّق داشته‌باشد میتوانند فسخ کنند .

٥ـ خیار تدلیس، یکی‌از طرفین کلاهبرداری درجنس یاثمن بنماید دیگری میتواند فسخ کند .

٦ـ خیار تخلّف شرط ، شرطی راکه ضمن معامله قرار داده بـود تحقق نیابد میتواند فسخ کند .

۷ـ خیار عیب ، درجنس یا عوض آن عیبی‌باشد که ذکر نشده‌میتواند فسخ کند .

۸ـ خیار رؤیت ، اگر نشانه وصفت مال غیراز آنچه قبلاً رؤیت‌شده

باشد میتواند فسخ کند .

۹ـ خیار تأخیر ، اگر مشتری در أدای ثمن وپول وفروشنده درأدای جنس تأخیر بسیارکند میتواند فسخ کند .

۱۰ـ خیار حیوان ، مشتری حیوان را تا سه روز میتواند برگرداند میتوانند فسخ کنند .

۱۱ـ خیار تعذّر تسلیم ، اگر فروشنده نتواند جنس راتحویل دهد میتوانند فسخ کنند .

۱۲ـ خیار تبعّض صفقه ، اگر چندین جنس باهم معامله شود وبعضی را برگرداند دربقیه هم اختیار فسخ فروشنده دارد .

احکام
مضاربه و حواله

قال تعالی ء —

(فإذا قضیت الصلاة فانتشروا فی‌الأرض وابتغوا من فضل‌الله)

سورهٔ جمعه آیه ۱۰

شرایط مُضاربه

عقد مضاربه که سرمایه ازیکی وتجارت وکار وصنعت از دیگریست شرایطش اینست :

١ـ بلوغ هردوطرف باید بالغ باشند .

٢ـ عقل هردوطرف باید عاقل باشند .

٣ـ إختیار هردوطرف باید إختیاردار باشند ومجبور ومکره‌نباشند .

٤ـ سرمایه باید عین باشد نه دین وقرض ومنفعت عین .

٥ـ سرمایه از طلا ونقره یا پولی‌که پشتوانه‌اش آنها باشد .

٦ـ إیجاب وقبول از طرفین .

٧ـ سرمایه مردّد بین دوچیز نباشد .

٨ـ سرمایه معیّن ومعلوم‌الوصف باشد .

٩ـ سود میان هردو مشاع باشد .

١٠ـ سهم هرکدام از سود معیّن گردد .

١١ـ سود میان هردو تقسیم شودوشخص ثالثی درآن شریکشان‌نباشد.

١٢ـ سرمایه باید بدست عامل باشد نه مالك .

١٣ـ باسرمایه تجارت شود نه زراعت .

١٤ـ باسرمایه بشود تجارت نمود نه‌آنکه کم باشدکه نشود .

١٥ـ تمکّن از تصرّف درسرمایه باشد نه‌آنکه ازتصرّف‌خارج باشد.

١٦ـ حقّ تصرف داشته باشند طرفین نه‌آنکه محجور ومفلس‌باشند.

١٧ـ زنده بودن طرفین‌شرط است پس‌بامرگ یکی‌ازآنان‌باطل‌میشود.

شرایط حواله

عقد حواله‌که شخصی بدهکاری خودرا بدیگری محوّل مینمایدکه بپردازد شرایطش اینست :

١ـ بلوغ درهرسه شخص حواله دهنده وگیرنده وپرداخت کننده.

٢ـ عقل درهرسه شخص حواله دهنده وگیرنده و پرداخت‌کننده .

٣ـ إختیار درهرسه شخص حواله دهنده وگیرنده وپرداخت‌کننده .

٤ـ قصد درهرسه شخص حواله دهنده وگیرنده وپرداخت کننده .

٥ـ إیجاب وقبول از حواله دهنده وکسیکه محوّل گشته حقّ او و طلبش .

٦ـ رضایت محال ، علیه که باید حواله را بپردازد .

٧ـ تنجیز حواله ومعلّق نبودن آن برچیزی که وجود ندارد .

٨ـ رضایت مُحیل و حواله دهنده .

٩ـ رضایت مُحتال‌که باید حقش را از غیر بدهکار بگیرد .

١٠ـ ثبوت مال حواله نه‌آنکه محتمل باشدکه درآینده برذمّه‌اش قرار گیرد .

١١ـ تعیّن مال پس باید مالی راکه حواله میدهند معیّن و معلوم باشد نه‌مجهول وکلّی .

١٢ـ تساوی مال‌که مالی راکه حواله میدهد مطابق ومساوی آنچه که برذمّه‌اش میباشد باشد .

موارد تعیین مُدّت

۱ـ درعقد متعه و ازدواج موقّت ومنقطع .

۲ـ درعقد کفالت .

۳ـ درعقد مُزارعه .

٤ـ درعقد مُساقات .

ه ـ درعقد ذمّه .

٦ـ درعقد أ مان .

۷ـ درعقد فروش نسیه .

۸ـ درعقد سلم وسلف .

۹ـ درعقد إجارهٔ زمین .

۱۰ـ درعقد إجارهٔ مُلك وساختمان .

۱۱ـ درعقد إجارهٔ وسایل وأبزار کار .

۱۲ـ درعقد إجارهٔ مرکوب وچهارپا .

۱۳ـ درعقد أجارهٔ شخصی برای کاری .

١٤ـ درعقد إجارهٔ غلامان وکنیزان .

۱۵ـ درعقد أجارهٔ ظروف غذاخوری ووسایل طبخ .

۱٦ـ درعقد إجارهٔ فرشها ورختخواب .

۱۷ـ درعقد ضمان .

۱۸ـ درعقد رهن .

۱۹ـ درعقد قرض ودین .

۲۰ـ در خیار شرط فسخ بیع .

۲۱ـ در ابقاع تسبیل منفعت وإباحهٔ تصرّف درمال وملك .

۲۲ـ در بیعانه‌دادن برای حقّ تقدّم درمعامله .

۲۳ـ درعقد بیمه .

٢٤ـ درعقد جُعاله .

۲۵ـ درعقد مسابقه اسب‌دوانی .

۲٦ـ درعقد مسابقهٔ تیراندازی .

۲۷ـ درعقد حواله .

۲۸ـ درعقد شرکت .

۲۹ـ درعقد هُدنه .

۳۰ـ درعقد مضاربه .

احکام ذمه و رهن

قال‌الله عزّ وجلّ :-

(فأتمّوا إليهم عَهدهم إلى مُدّتهم ان‌الله يُحبّ المتّقين)

سورهٔ توبه آیه ٤

شرایط عقد ذمّه

یهودیان ومسیحیان که میخواهند درمملکت إسلامی باشند شرایط ذمّه را اینگونه می‌پذیرند :

١ـ کسیکه مشمول‌قرارداد ذمّه میگردد باید بیکی‌از کتابهای‌آسمانی ایمان داشته باشد وبی‌دین نباشد .

٢ـ ملتزم به‌پرداخت مالیاتی که درقرارداد آمده = جزیه ـ باشند .

٣ـ عقد ذمّه را إمام معصوم یا نائب‌عام او در زمان غیبتش‌بارضایتش منعقد سازد .

٤ـ کاریکه برخلاف شرط أمانت انجام ندهند مانند محاربه و تجسّس وخیانت باسلام ومسلمین .

٥ـ تجاهر بمنکرات ومحرمّات دراسلام ننمایند مانند شراب وگوشت خوك خوردن علنی ونکاح محارم .

٦ـ زیر بار قوانین جزائی اسلام وقوانین اجتماعی آن بروند وقانون شکنی نکنند .

٧ـ مسلمانانرا أذیّت ننمایند وتعدّی برعرض وناموس آنان ننمایند با زنانشان زنا وباپسرانشان لواط نکنند .

٨ـ کلیسائی را درمملکت اسلامی احداث ننمایند لیکن کلیساهای موجود باقی میمانند .

٩ـ ناقوسها را بصدا درنیاورند مگر درأعیاد اسلامی وجشنهای

مسلمانان درموالید معصومین وغیره .

١٠ـ ساختمانهایشان را بلندتر از ساختمانهای مسلمانان نسازند .

١١ـ بمسجدالحرام وارد نشوند وحقّ ندارند درمساجد دیگر مکث یا عبور نمایند .

١٢ـ در حجاز ساکن نشوند لیکن إقامت موقّت مانعی ندارد .

١٣ـ کتابهای ضلال وگمراه‌کننده درمیان مسلمانان منتشر نسازند .

١٤ـ اگر یهودی یا نصرای یا مجوسی ازدین خود مرتّد شود اورا میان کشته شدن یا مسلمان شدن مخیّر مینمایند .

١٥ـ اگر مشمولین قرارداد ذمّه مسلمان شوند از حقوق مسلمانان کاملاً درهرمورد برخوردار میشوند مگر آنکه حلال‌زاده نباشند .

١٦ـ اگر أهل کتاب پس‌از اسلام آوردن باز مرتّد شوند بیدرنگ کشته نمیشوند مانند مسلمان مرتّد بلکه توبه‌شان پذیرفته میشود .

ممنوعیّت از رهن

چیزهائی که نمیشود گرو نهاد واگر رهن شوند ضمانت رهن ندارند اینهایند :

١ـ شخص إنسان آزاد .

٢ـ غلام وکنیز فراری وهمچنین حیوان فراری که دراختیارنیستند .

٣ـ مقابر مسلمین وآنچه که بآن تعلّق دارد مانند تابوت وغیره .

٤ـ مساجد وأثاث وابزارشان .

٥ـ أموال بيت‌المال مسلمانان مگر برای ولّی فقیه یا إمام معصوم .

٦ـ غنایم جهاد پیش‌از تقسیم آنها مگر برای ولّی‌فقیه یا إمام‌معصوم.

٧ـ شیر درپستان حیوان شیرده .

٨ـ شراب‌وآب‌جو وهرچیز مست‌کننده .

٩ـ چیزهای نجس‌العین که فروششان ممنوع است .

١٠ـ پشم وموی حیوانها پیش‌از چیدن آن مگر باخود حیوان‌گرو گذارده شود .

١١ـ غلام وکنیز مسلمان را درنزد کافر نمیتوان رهن نمود وگرو گذاشت .

١٢ـ غلام وکنیزکه مرتکب قتل وجرح وجنایت شده‌اند .

١٣ـ غلام وکنیزکه طفل شیرخواره است بی‌رضایت مادرش .

١٤ـ مال وملك دیگران بی‌إذن و رضایت آنان .

١٥ـ مال وملك وقف شده .

١٦ـ غلام وکنیز مرتّد فطری شده .

أحكام اجاره

قال تعالى ـ

(یا ابَتِ استأجِره إنّ خیر من‌استأجرت‌القوی الأمین)

سورهٔ قصص آیه ٢٦

شرایط اجاره

شرایطی که درعقد إجاره باید مراعات شود اینهایند :

۱ـ تعیین مـدّت إجاره .

۲ـ تعیین أجرت وبَدل الإجاره .

۳ـ تعیین عین مال وملك إجاره شده .

٤ـ تعیین عمل مورد إجاره کمّاً وکیفاً .

٥ـ تعیین منفعتی که باإجاره تملیك میگردد .

٦ـ طرفین که موجر ومستأجرند شرایط متعاقدین را دارا باشند .

۷ـ إجاره حرمت و ممنـوعیّت شرعـی نداشته باشد مانند إجاره مسجد الخ .

۸ـ منفعت مال الإجاره مُباح باشد نه مانند إجارهٔ ملك برای شراب سازی .

۹ـ منفعت مال الإجاره ارزش عقلائی داشته باشد نه مانند إجاره غایط.

۱۰ـ درمال الإجاره قابلیّت إنتفاع وبهره برداری بوده باشد .

۱۱ـ مال الإجاره ملك موجر باشد ومال غصبی نبوده باشد .

۱۲ـ مال الإجاره در تحت تصرّف موجر باشد ومانند غلام فراری نباشد یا حیوان گریخته .

ممنوعیّت از اجاره

چیزهائی که نمیشود آنها را إجاره داد اینهایند :

۱ـ إجاره‌دادن وإجاره نمودن موقوفه‌های عام مگرآنکه در وقف إجاره‌اش ذکر شده باشد .

۲ـ اجاره دادن واجاره نمودن مساجد وأثاث آنها .

۳ـ اجاره دادن واجاره نمودن ملك ومال مغصوب .

٤ـ اجاره دادن واجاره نمودن چیزهای نجس العین .

٥ـ اجاره دادن واجاره نمودن مالی که گرو ورهن است بی‌إذن صاحبش.

٦ـ اجاره دادن واجاره نمودن زن بی‌إذن شوهرش .

۷ـ اجاره دادن واجاره نمودن یتیم بی‌إذن ولیّش .

۸ـ اجاره دادن واجاره نمودن هرچیزیکه خرید وفروشش حرام است.

۹ـ اجاره دادن واجاره نمودن دروقت محدودیکه مخصوص واجبات عینی است مانند ماه رمضان که نیابت روزه درآن ممنوع است .

۱۰ـ اجاره دادن واجاره نمودن برای أدای واجبات کفائیّه کـه متعیّن شوند .

۱۱ـ اجاره دادن واجاره نمودن سایبان منازل ودرختان خارج از ملك.

۱۲ـ اجاره دادن واجاره نمودن پولهای رایج واسکناسها .

۱۳ـ اجاره دادن واجاره نمودن ممالك وسرزمینهای اسلامی به کفار.

۱٤ـ اجاره دادن واجاره نمودن عین مال زکـوی وخمس بی‌إذن

حاکم شرع ومستحقّین آن .

۱۵ـ اجاره دادن واجاره نمودن هرآنچه‌که برخود شخص مکلّف واجب عینی است .

حلالهای مجّانی

۱ـ هدیه‌ها وهبه‌ها وجائزه‌ها .

۲ـ جُعاله‌ها که درمقابل انجام مقصودی قرارداده شود .

۳ـ صدقات عمومی وزکوات واخماس برای مُستحقیّن آنها .

٤ـ موقوفات عمومی‌که برای همهٔ مردم وقف شده .

٥ـ أموال شخص محارب باحکم حاکم مباح میشود .

٦ـ گنجینه‌ایکه صاحب ندارد برای یابنده حلال است .

۷ـ لقطه‌ایکه قیمتش بیش‌از یکمثقال نقره نیست تملکّش‌جایزاست.

۸ـ گوسفند گمشده دربیابان که صاحبی ندارد میتوان تملّك نمود.

۹ـ چهارپایانی‌که صاحبانشان رهایشان نموده‌اند میتوان تملّك نمود.

۱۰ـ خوردن میوه‌های افتاده از درختان برای عابران بلکه مقدار کمی از میوه درختنها هم .

۱۱ـ نفقهٔ کسانیکه واجب‌النفقهٔ دیگری هستند حقّشان است .

۱۲ـ خوردن درخانه‌هائیکه درقرآن نامبرده شده ازأرحام وأصدقاء .

۱۳ـ میراثها برای ورثه‌که حلالند مگر درموارد عدم توارث .

١٤ـ دیات شرعی که بَدل از قصاص گرفته میشود .

۱۵ـ مهریّه‌ها برای زنان‌که بعقد صحیح باشد .

۱٦ـ حبوهٔ پسر أرشد که لباس وعصا وانگشتر پدراست ومانند آن .

۱۷ـ آب‌های عمومی که برای همهٔ مردم مباح هستند .

۱۸ـ هیزمهای بیابانها که برای همهٔ مردم مباح هستند .

۱۹ـ مراتع وعلوفه‌های عمومی که برای همهٔ مردم مباح هستند .

۲۰ـ حیوانات وحشی شکاری‌که برای همهٔ مردم مباح هستند .

۲۱ـ پرندگان آزاد آسمان‌که برای همهٔ مردم مباح هستند .

۲۲ـ حیوانات‌دریائی وجواهرات‌دریاکه برای‌همهٔ مردم مباح‌هستند.

احکام عتق

قال رسول‌الله صلّی‌الله علیه وآله

(مَن اعتَق رقبةً مؤمنةً وجَبَت له‌الجنّه)

وجوب عتق

کفّار حربی که در تملّك مسلمانان واقع میشوند بنده و برده میشوند گرچه مسلمان شوند وموارديكه لازمست يك بنده آزاد گردد اينهايند:

۱ـ کفارهٔ ظهار .

۲ـ کفارهٔ قتل خطا .

۳ـ کفارهٔ قتل عمد همراه دیه .

٤ـ کفارهٔ إفطار در إعتکاف .

۵ـ کفارهٔ إفطار عمدی درماه رمضان .

۶ـ کفارهٔ حنث یمین براءت وسوگند براءت از خدا ورسول .

۷ـ کفارهٔ کندن موهای خودرا درعزا ومصیبت .

۸ـ کفارهٔ پاره نمودن مرد لباسهایش را درعزای غیراز پدر ومادر .

۹ـ هنگامیکه کسی نذر میکند یك بنده آزادکند .

۱۰ـ هنگامیکه کسی سوگند میخورد بنده آزاد کند .

۱۱ـ هنگامیکه کسی عهد مینماید بنده آزاد کند .

۱۲ـ هنگامیکه وصیّت میکند بنده آزاد کند .

آزادشدگان قهری

کسانیکه خود بخود آزاد میشوند اینهایند :

۱ـ پدر هنگامیکه ملك فرزندش شود آزاد میگردد .

۲ـ فرزند هنگامیکه ملك پدرش شود آزاد میگردد .

۳ـ مادر هنگامیکه ملك فرزندش شود آزاد میگردد .

٤ـ فرزند هنگامیکه ملك مادرش شود آزاد میگردد .

۵ـ عمّه هنگامیکه ملك برادر زاده شود آزاد میگردد .

۶ـ خاله هنگامیکه ملك خواهر زاده شود آزاد میگردد .

۷ـ فرزند برادر هنگامیکه ملك عمویش شود آزاد میگردد .

۸ـ فرزند خواهر هنگامیکه ملك دائیش شود آزاد میگردد .

۹ـ بهمین نسبتهای فوق کسانیکه از راه شیر ورضاع منسوب باشند آزاد میشوند .

۱۰ـ غلام وکنیزی که کور شوند آزاد میگردند .

۱۱ـ غلام وکنیزی که دیوانه شوند آزاد میگردند .

۱۲ـ غلام وکنیزی که جذامی شوند آزاد میگردند .

۱۳ـ غلام وکنیزی که عاجز وزمینگیر شوند آزاد میگردند .

۱٤ـ غلام وکنیزی که ملك کافرحربی اندمسلمان شوند آزاد میگردند .

۱۵ـ غلام وکنیزی که قیمت خودرا بهأربابش ردّکند آزاد میگردد .

۱۶ــ غلام و کنیزی که آقایش اورا شکنجه نماید ومجروح سازد آزاد میگردند .

۱۷ــ غلام و کنیزی که بابت زکات اربابش اورا محسوب بدارد و بپردازد که یکی از موارد مصرف زکات آزاد نمودن برده گانست .

۱۸ــ غلام و کنیزی که آقایش باو گفته است اگر فلان کار را انجام دادی یا فلان مژده تحقّق یابد آزادی وآن کار را انجام دهد یا آن مژده تحقّق یابد آزاد میگردد .

احکام

مزارعه و مساقات

قال تعالی ء ــ

(افرأیتم ما تحرثون؟ ءَانتم تزرعونه ام نحن الزارعون ؟؟)

سورهٔ واقعه آیه ٦٣ و ٦٤

شرایط مُزارعه

شرایطی که درعقد مزارعه ونهالکاری ودرختکاری میوه بایدمراعات شود اینست :

۱ـ بلوغ درطرفین شرط است .

۲ـ عقل درطرفین شرط است .

۳ـ إختیار درطرفین شرط است .

۴ـ رشد ومحجور نبودن درطرفین شرط است .

۵ـ حاصل میوه میان هردو مشاع باشد .

۶ـ حصهٔ زارع معیّن باشد وسهم مالك زمین همچنین .

۷ـ مدّت مزارعه مشخّص باشد .

۸ـ زمین قابلیّت کشت وزرع را دارا باشد .

۹ـ آنچه راکه میخواهند زرع کنند معیّن باشد .

۱۰ـ زمین ومکان زرع مشخّص ومحدود باشد .

۱۱ـ مصارف کشت معیّن گردد که برکدام یك میباشد .

۱۲ـ إیجاب از صاحب زمین وقبول از زارع شرط است .

شرایط مُساقات

شرایطی که درعقد مساقات وآبیاری باید مراعات شود اینهایند :

۱ـ مالك درختها وکشاورز هردو بالغ باشند .

۳ـ مالك درختها وکشاورز هردو عاقل باشند .

۳ـ مالك درختها وکشاورز هردو مختار باشند نه‌مجبور .

۴ـ مالك درختها وکشاورز هردو محجور وسفیه نباشند .

۵ـ قرارداد ومعاملهٔ مساقات پیش‌از ظهور میوه باشد نه‌پس‌از آن .

۶ـ شرط نشود که تمامی حاصل برای مالك باشد .

۷ـ سهم هرکدام از حاصل تعیین گردد ومشخّص باشد .

۸ـ معاملهٔ مساقات بردرختهای میوه‌دار باشد نه بی‌میوه .

۹ـ معاملهٔ مساقات بربوته‌ها نباشد مانند خربزه وخیار .

۱۰ـ معاملهٔ مساقات دارای مدّت و وقت معیّن معلوم باشد .

احکام زمینها

قال رسول‌الله صلّی‌الله علیه وآله ء ـ

(مَن احیی ارضاً میتةً فَهی لَه)

وقال تعالی ء ـ

(هُوَ انشأکم من‌الارض واستَعمَرکُم فیها)

سورهٔ هود آیه ٦٠

أقسام زمین

١ـ زمینهای أنفال : که ملك إمام زمانست شامل دره‌ها وساحلها و جنگلها ونیزارها وقلهٔ کوهها .

٢ـ زمینهای فیئ : که ملك إمام زمانست که کفّار بی‌جنگ وجدال تسلیم نمایند .

٣ـ زمینهای مفتوحه : که ملك مسلمانان ونسلهای آنانست که باجهاد فتح شده باشد ومعمور باشد .

٤ـ زمینهای موات وبایر که برسه نوع‌اند : ـأ و ب و ج

أ ـ زمینهای موات بالأصل بیابانها وصحراها که سه قسمند :

١ـ بیابانها وصحراها که برای هر کس که بتواند إحیا کند آزادند و با إحیا تملّك میشود .

٢ـ زمینهای بایر محدودهٔ شهرها که حریم آنهاست وملك عموم مسلمانان است واختیارش بدست ولّی‌فقیه آنانست .

٣ـ زمینهای معدنی که دارای معادن هستند که آنهاهم ملك عموم مسلمانان است وإجازهٔ إستخراجشان بدست ولّی مسلمین است .

ب ـ زمینهای موات بالعرض که آباد بوده‌اند ومخروبه شده‌اند هم سه قسمند :

١ـ موات بالعرض که آثار قدیمه از أقوام گذشته است و صاحب

ندارد که درحکم موات بالأصل آزاد است .

٢ـ موات بالعرض که صاحبش مجهول است وشناخته نمیشود پس إجازه‌اش بدست ولّی فقیه است .

٣ـ موات بالعرضی که صاحب دارد ومعلوم است پس اختیارش هم در دست اوست .

ج ـ زمینهای موات وقفی که آباد بوده‌اند ومخروبه شده‌اند هم چندین قسم‌اند :

١ـ زمینهای موقوفه‌ایکه وقف طائفه‌ای شده‌است لیکن اثری از آنان نیست که با إذن ولّی‌فقیه هر کس إحیا کند مال او میشود .

٢ـ زمینهای موقوفه‌ایکه وقف جهتی شده مانند مسجد ومدرسه‌لیکن ازآن اثری نمانده که باإذن ولّی‌فقیه هر کس إحیا کند مال او میشود .

٣ـ زمینهای موقوفه‌ایکه مورد وقف آن هرگز معلوم نیست که باإذن ولّی‌فقیه هر کس إحیا کند مال او میشود .

٤ـ زمینهای موقوفه‌ایکه إجمالاً میدانیم وقف شده لیکن مردّد است میان وقف ذریّه ووقف جهت که باإذن ذریّه‌و ولّی فقیه هردوتصرف در آن جایز است .

٥ـ زمینهای موقوفه که جهت وقف‌آن‌معلوم وموقوف‌علیهم مشخّص میباشند که إجازهٔ تصرّف درآن دردست آنان است .

٦ـ زمینهائی که کیفیّت وقف‌آنها هرگز معلوم نیست ودلیلی بروقف بودنش دردست نیست که با إحیانمودن تملّك میشود .

أنواع حريم زمين

زمينهائيكه بصورتی إحيا ميشوند پس‌از إحيا شدنشان دارای حريم معتبر هستند از اينقرارند :

١ـ خانهٔ مسكونی ومنزل كه حريمش راه ورود وخروج وبرف‌اندازش وخاك‌انداز آن .

٢ـ حريم نهر وجوی دوحاشيهٔ آن بمقدار عبور از دوطرف آن .

٣ـ حريم چاه بمقدار إيستادن برای آب‌كشيدن يا نصب موتور و حيوان وتا صدمتر نميشود چاه ديگر كند .

٤ـ حريم چشمه وقنات وآب‌أنبار بمقدار إستفادهٔ آشاميدن وبرداشتن آب وتا پانصد متر نبايد قناتی كند .

٥ـ حريم باغ وبوستان پشت ديوارهايش باندازه‌ائيكه بتوان گل و گچ وآجر بجهت تعمير وترميم انداختن .

٦ـ حريم دهكده وقلعه وشهرك وهرجائيكه مسكن جماعتی است از اين قرار است :

١ـ مقدار خانه‌های مسكونی أهل آن دهكده وقلعه .

٢ـ مكان تغسيل ودفن أمواتشان .

٣ـ مكان إجتماع ومجالس وگردهم‌آيی آنان .

٤ـ مكان عبادت ونماز جماعت ومسجدشان .

٥ـ مكان مجالس مذهبی وعزاداری وتكيه و حسينيّه‌شان .

٦ـ مكان نگاهداری چارپايان و دامهايشان .

٧ـ مكان جمع‌آوری هيزم وسوختشان .

٨ـ مكان پذيرائی ميهمانان و واردين برآنان .

٩ـ مكان چراگاه دامها و حيواناتشان .

١٠ـ مكان جمع‌آوری محصولات وخرمنهايشان .

١١ـ مكان نگاهداری گندم وجو وسيلويشان .

١٢ـ مكان جمع‌آوری قاذورات وكود زمين وكشتشان .

١٣ـ مكان بازی وتفريحگاه بچّه‌هايشان .

١٤ـ مكان بارأنداز وفروش محصولات وميدان بارشان .

١٥ـ مكان حمّام وشستن خودشان .

١٦ـ مكان مكتب خانه يامدرسهٔ فرزندانشان .

احکام بیمه و حقوق

قال تعالی ء ــ

(والموفون بعهدهم إذا عاهدوا)

سورة بقره آیه ۱۷۷

شرایط عقد بیمه

شرایط عقد بیمه خواه بیمهٔ ملك یا مال وسرمایه یا درمقابل آتش ـ سوزی وغیره وصدمات وجراحات باشد اینست :

۱ـ إیجاب وقبول از طرفین .

۲ـ بلوغ وصغیر نبودن درطرفین گرچه ولیّ طفل اورا بیمه کند .

۳ـ عقل ودیوانه نبودن طرفین .

٤ـ محجور نبودن وسفیه نبودن ومفلّس نبودن طرفین .

٥ـ تعیین نمودن آنچه که بیمه شده .

٦ـ تعیین نمودن طرف بیمه کننده .

۷ـ تعیین نمودن طرف بیمه خواه .

۸ـ تعیین نمودن مبلغ بیمه که بیمه‌خواه پرداخت میکند .

۹ـ تعیین نمودن خطریکه درمقابلش بیمه میشود .

۱۰ـ تعیین نمودن أقساطیکه بابت بیمه دروقت معیّن میپردازند .

۱۱ـ تعیین نمودن مدّت و زمان بیمه .

۱۲ـ قصد بیمه‌نمودن وإلتفات وتوجّه طرفیکه قبول بیمه مینماید و قدرت برانجام آن داشته باشد .

۱۳ـ قصد جدّی بیمه خواه وقصد إیجاب و إلتزام إیجاب کننده بشرایط آن .

١٤ـ مشروع ومباح بودن بیمه نه‌آنکه شرعاً جایز نباشد مانند بیمهٔ شراب وخوك وآلات لهو وموسیقی وغیره .

حقهای مشروع ونامشروع

حقهای مشروع ازاین قبیل هستند :

۱ـ حقّ الشّفعه ، که برای شریك است .

۲ـ حقّ السبق ، که برای کسیستکه سبقت درأماکن عمومی وأوقاف عمومی نماید .

۳ـ حقّ الحضانة، که برای مادراست که پرورش و شیردادن فرزنداست.

٤ـ حقّ التّحجیر ، که هرکس زمینهای موات را برای إحیاتحجیر کند إختصاص می‌یابد .

٥ـ حقّ المضاجعه ، که برای زنان دائمی است برمردان همخوابی نمودن.

٦ـ حقّ السّرقفلی ، که برای مستأجریستکه چیزی برملك إضافه کرده است .

۷ـ حقّ الحصاد ، که برای هرفقیریستکه هنگام در و حاضر میشود باندازهٔ یکمشت .

۸ـ حقّ المّاره ، کـه برای عابرین از باغهـای میوه‌است خوردن میوه‌های بزمین افتاده است .

۹ـ حقّ التّولیه ، که برای متولّی موقوفه است که حق تصرف در آن دارد .

۱۰ــ حقّ القيّم ، که برای قيّم وسرپرست يتيمان است که فقير باشد ميتواند از مالشان بخورد .

۱۱ــ حقّ الجبابة ، که برای کسانيستکه زکوات راجمع آوری مينمايند.

۱۲ــ حقّ إمامت ، که برای إمام جماعت راتب است کـه باوجود او ديگری نميتواند درجايش إمامت کند .

حقوق غير شرعی اينهايند :

۱ــ حقّ طبع، که مينويسنده محفوظ است وقانونی است ليکن شرعی نيست.

۲ــ حقّ ضبط ، که صدا وآهنگ وسخنرانی وضبط نواری را قانونی ميدانند وشرعی نيست .

۳ــ حقّ ثبت فرزند ، کـه از پرورشگاه ميگيرند وبنام خـود ثبت ميکنند که شرعاً فرزند نميشود .

۴ــ حقّ استاندارد ، کـه صنعت وجنس را بثبت ميرسانند وقانونی است ليکن شرعی نيست وديگری حق دارد مانند آن را بسازد .

۵ــ حقّ إختراع ، که هرکسی که چيزی را إکتشاف يا إختراع کند بنام خود ثبت ميکند ليکن شرعاً ديگری هم إختراع کند حق دارد .

۶ــ حق تحديد قيمت ، که دولتها يا شرکتها برمشتريان تحديد قيمت ميکنند ليکن شرعاً مجبور نيستند که مقيّد بآن قيمت باشند .

۷ــ حقّ نمايش ، کـه فيلم سازان وشرکتهای فيلم سازی برای خود قانونی ميدانند ليکن شرعاً أثری ندارد وديگری ميتواند انجام دهد .

ممنوعين ازتصرف

چند دسته از تصرّف در أموالشان منـع ميشوند کـه حقّ تصرّف شرعاً ندارند :

۱ــ بچّهٔ نابالغ بی إذن وليّش .

۲ــ ديوانه بی إذن وليّش .

۳ــ سفيه بی إذن وليّش .

۴ــ مُحارب که اموالش از ملکيّتش بيرون ميرود .

۵ــ مرتدّ فطری که تمامی مايملکش به ورثه‌اش منتقل ميشود .

۶ــ محجور عليه که حاکم شرع اورا محجور شناخته باشد .

۷ــ مُفلّس که حاکم شرع حکم بافلاسش نموده باشد .

۸ــ مريضيکه درمرض مرگ است از تصرف دربيشتر از ثلث مالش بحکم حاکم .

۹ــ قاتليکه مالش کمتر از ديهٔ مقتول باشد .

۱۰ــ واقفيکه برای خودش توليت برمال موقوف قرار نداده .

۱۱ــ وارثيکه سهم الأرث او باصغيری بی قيّم وبی وليّ مشاع است ومشترك.

۱۲ــ کسيکه بانذر وعهد وسوگند براءت خودش را ازهمهٔ مايملکش بيرون ساخته وبديگری بخشيده .

احکام

ضمان و کفالت

قال رسول‌الله (ص)

(الزّعیم غارم)

قال‌تعالی —

(والّذین هم لاماناتهم وعهدهم راعون)

سوره مؤمنون آیه ۸

شرایط ضامن‌شدن

عقد ضمانت دارای شرایطی است که باید مراعات شود :

۱ـ ضامن وطلبکار هردو بالغ باشند .

۲ـ ضامن وطلبکار هردو عاقل باشند .

۳ـ ضامن وطلبکار هردو مختار باشند .

٤ـ ضامن وطلبکار هردو مفلّس نباشند .

٥ـ ضامن وطلبکار هردو سفیه نباشند .

٦ـ ضامن بتواند حقّ طلبکار را أدا کند .

۷ـ ضامن شرط فسخ ضمانت نکند .

۸ـ ضامن معتبر وموثوق باشد نه‌آنکه قصد فرار داشته باشد وقصد نکول کند .

۹ـ طلبکار ضمانت ضامن را بپذیرد .

۱۰ـ مدّت ضمانت معیّن باشد .

۱۱ـ مقدار ضمانت هم معیّن باشد .

۱۲ـ ضمانت مربوط بأمور عقلائی وإختیاری باشد نه‌مانند ضمانت بهشت مگر معصوم که میتواند .

مُبطلات کفالت

چیزهائی که عقد کفالت را باطل مینماید اینهایند :

۱ـ بالغ نبودن کفیل .

۲ـ عاقل نبودن کفیل .

۳ـ قادر نبودن کفیل برإحضار مکفول .

٤ـ سفیه بودن کفیل .

٥ـ مفلّس بودن کفیل .

٦ـ مجبور بودن کفیل .

۷ـ اگر بدهکار بمیرد .

۸ـ اگر کفیل بمیرد .

۹ـ اگر طلبکار از طلبش بگذرد .

۱۰ـ اگر طلب طلبکار أدا شود .

۱۱ـ اگر طلبکار کفیل را از کفالت رها سازد .

۱۲ـ اگر کفیل مکفول را به‌طلبکار تسلیم کند .

۱۳ـ اگر صاحب حقّ حقّش‌را بدیگری منتقل کند بحواله وغیره .

۱٤ـ اگر طلبکار خودش تقاص کند ازمال مدیون .

احکام
مسابقهٔ شرعی

قال الله عزّ شانه ء —

(واعِدّوا لهُم مااستطعتُم مِن قوّة ٍ ومِن رباط الخَیل)

سورة أنفال آیه ٦٠

شروط مسابقه با حیوان

عقد سبق ومسابقهٔ أسب‌سواری وهرحیوان دیگر شرایطی دارداینگونه:

۱ـ إیجاب وقبول درعقد مسابقه .

۲ـ معلوم بودن وسیلهٔ مسابقه که چه حیوانی است .

۳ـ مسافت واندازهٔ میدان مسابقه معلوم گردد .

٤ـ جائزه معیّن باشد برای سبقت گیرنده نه‌مجهول .

۵ـ وسیلهٔ مسابقه وحیوانیکه میخواهند باآن سبقت گیرند مشخص شود وعوض نکنند .

٦ـ کسانیکه درمسابقه شرکت‌میکنند همردیف باشند نه‌بچّه‌وبزرگ.

۷ـ حیوانهایٔ مسابقه هم یکسان باشند .

۸ـ حیوان وسیلهٔ مسابقه قابل إستفاده درجهاد باشد .

۹ـ همگی باهم دریك لحظه شروع درمسابقه نمایند .

۱۰ـ غرامت معیّن گردد که هرکس‌که می‌بازد بپردازد .

شرایط تیراندازی

عقد رمایه ومسابقهٔ تیراندازی باهرگونه تیرکه باشد شرایطش اینست:

۱ـ إیجاب وقبول مسابقه کنندگان .

۲ـ وسیلهٔ مسابقه معلوم ومشخّص گردد وعدد تیرها معیّن گردد .

۳ـ عدد إصابت به‌هدف معیّن گردد .

٤ـ کیفیّت برخورد وإصابت هدف معیّن گردد .

۵ـ خود هدف ونشانهٔ تیرها مشخّص گردد .

٦ـ مسابقه دهندگان درعددو أوصاف مساوی باشند .

۷ـ مسافت تا هدف معیّن گردد .

۸ـ مبلغ باخت معلوم گردد .

۹ـ مبلغ معیّن باخت را جائزه برای برنده قراردهند .

۱۰ـ تیراندازان وشرکت کنندگان درمسابقه معیّن باشند .

۱۲ـ إمکان إصابت هدف باشرط معیّن مسابقه بوده باشد .

احکام

نذر و عهد و سوگند

قال‌الله عزّ وجلّ —

(واوفوا بالعَهد إنّ العَهد کان مسؤلا)

سورهٔ إسراء آیه ٣٤

أحكام نذر

١ـ نذر شرعی آنست که بنام خدا منعقد گردد و وفای به‌آن واجب است اگر شرطش تحقّق یابد یا نذر بی‌شرطی باشد .

٢ـ نـذر کننده باید در آنچـه ملك یا حقّ اوست نـذرکند پس نذرنمودن مال‌دیگران‌یانذر نمودن والدین‌دختر رابرای کسی‌شرعی‌نیست.

٣ـ نذرکننده بالغ باشد .

٤ـ نذرکننده عاقل باشد .

٥ـ نذرکننده قصد وإلتفات داشته باشد .

٦ـ نذرکننده إختیار داشته باشد نه‌مجبور ومکره .

٧ـ نذرکننده محجور ومُفلّس نباشد .

٨ـ نذرکننده سُفیه ومبذّر نباشد .

٩ـ نذرکننده بی‌رضایت کسیکه إذنش شرط است نذر نکند مانند زن بی‌إذن شوهر یا غلام وکنیزی بی‌إذن آقا وفرزند بی‌إذن پدر .

١٠ـ آنچه راکه نذرکرده مقدورش باشد نه‌مانند پیاده بحجّ رفتن.

١١ـ آنچه راکه نذرکرده رُجحان عقلی داشته باشد .

١٢ـ آنچه راکه نذرکرده مشروعیّت شرعی داشته باشد .

شرایط عهد

احکام عهد شرعی‌همانند نذراست مگرآنچه باید جملهٔ (عاهدتُ الله) ویا (علیّ عهدُ الله) بگوید یا ترجمهٔ آن بهر زبان دیگر مانند آنکه بگوید (باخدا عهد میکنم) .

شرایط سوگند وقسم

مخالفت سوگند یا سوگند بدروغ خوردن حرام وکفارهٔ آن إطعام ده فقیر یا پوشاندنشان است .

شرایط سوگند شرعی از قرار ذیل است :

١ـ سوگند خورنده مسلمان باشد .

٢ـ سوگند خورنده بالغ باشد .

٣ـ سوگند خورنده عاقل باشد .

٤ـ سوگند خورنده ملتفت باشد .

٥ـ سوگند خورنده آرام باشد وعصبانی وغضبناك نباشد .

٦ـ سوگند خورنده درحال تقیّه نباشد .

٧ـ سوگند خورنده توریه ننماید مانند آنکه بگوید فلانی را ندیدم وهمان لحظه را قصد کند .

٨ـ سوگند خورنده درحال إحرام یا إعتکاف نباشد .

٩ـ سوگند خورنده یکی از أسماءالله سوگند خورد .

١٠ـ سوگند خورنده سوگند را بـزبان تلفّظ کند نه اشاره ونیّت مگر لال باشد .

١١ـ سوگند خورنده ازسوگند خوردن ممنوع نباشد مثلاً فرزند را پدر منع نکند یا زن را شوهر وبنده را آقا .

١٢ـ سوگند خورنده قدرت انجام آنچه که برایش سوگند خورده داشته باشد اگر برای انجام کاری باشد .

١٣ـ سوگند خورندهبرای کار مباح ومشروع سوگند بخورد نه حرام ومکروه ومرجوح .

١٤ـ سوگند خورندهمجبور ومکره برسوگند خوردن نباشد .

احکام

خوردن و آشامیدن

قال تعالی ـ

(کلوا واشربوا ولاتسرفوا انّه لایحبّ المسرفین)

سورة اعراف آیه ۳۱

(قل من حرّم زینةالله التی اخرج لعباده والطیّبات من الرزق ؟)

سوره اعراف آیه ۳۲

شرایط تذکیه

تذکیهٔ ماهیها مُردن درخارج ازآب است وتذکیهٔ شتر نحراست که کارد را درگلویش فرو میبرند وتذکیهٔ سایر حیوانات ذبح است که شرایط تذکیه وذبح حیوانات ازاین قرار است :

۱ـ باید کسیکه ذبح مینماید مسلمان باشد .

۲ـ باید کسیکه ذبح مینماید ممیّز باشد .

۳ـ باید کسیکه ذبح مینماید عاقل باشد .

۴ـ باید کسیکه ذبح مینماید نام خدا ببرد وبسم‌الله بگوید .

۵ـ باید کسیکه ذبح مینماید چهار رگ حیوان را بُبرد .

۶ـ باید کسیکه ذبح مینماید از پائین مُهرهٔ گلو ذبح کند .

۷ـ باید کسیکه ذبح مینماید روبقبله باشد .

۸ـ باید کسیکه ذبح مینماید حیوانرا روبقبله بکشد که سروگلو و سینه‌اش مقابل آن باشد .

۹ـ باید کسیکه ذبح مینماید باوسیلهٔ آهنین ذبح کند مگر بناچار با شیشه یا سنگ تیز .

۱۰ـ باید کسیکه ذبح مینماید سرحیوان را پیش ازجان دادن ازتن جدا نکند .

۱۱ـ لازمست که مقداری خون از حیوان بیرون آید از محلّ ذبح

۱۲ـ باید حیوان پس‌از ذبح مقداری حرکت کند .

شرایط شکار

شکار یا با أسلحه ویا باسگ شکاری شرایطی داردکه باید مراعات گردد :

۱ـ أسلحهٔ شکار بُرنده باشد وخفه‌کن نباشد .

۲ـ شکارکننده مسلمان باشد .

۳ـ هنگام پرتاب أسلحه نام خدا را برزبان آرد .

۴ـ وقتیکه بحیوان میرسد جان داده باشد وگرنه باید اورا ذبح کند.

۵ـ أسلحه را برای شکارنمودن پرتاب کند نه‌بقصد دیگر و تصادفاً بشکار بخورد .

۶ـ سگ شکاری باشد که برای شکار تربیت شده باشد .

۷ـ شکارچی اورا پی‌شکار بفرستد نه‌آنکه خودش برود .

۸ـ شکارچی مسلمان باشد .

۹ـ شکارچی وقت فرستادن سگ نام خدا را ببرد وبسم‌الله بگوید .

۱۰ـ شکار بوسیلهٔ زخم سگ کشته شود .

۱۱ـ پس‌از جان‌دادن شکار باو برسد وگرنه باید اورا ذبح کند.

۱۲ـ شکارکننده بجهت لهو ولعب شکار نکند بلکه راه إرتزاق و کسبش آن باشد .

حیوانهای حرام گوشت

۱ـ تمامی حیوانهای نجس‌العین مانند سگها وخوکها .

۲ـ تمامی حیوانهای وحشی و درندگان .

۳ـ تمامی حیوانهای مسخ شده مانند فیل ومیمون .

٤ـ تمامی حیوانهای پرورش یافته با شیرخوك .

٥ـ تمامی حیوانهای حشرات مگر ملخ با شرایطش .

٦ـ تمامی حیوانهای وطی شدهٔ إنسان .

۷ـ تمامی حیوانهای نجاستخوار وجلّال پیش‌از إستبراءشان .

۸ـ تمامی حیوانهای پرندگان چنگالدار .

۹ـ تمامی حیوانهای پرندگان از کلاغها .

۱۰ـ تمامی حیوانهای پرندگان‌که چینه‌دان وسنگدان وخارپشت پا ندارند .

۱۱ـ تمامی حیوانهای‌پرندگان‌که صفیفشان از دفیفشان بیشتر است در پرواز .

۱۲ـ تمامی حیوانهای پرندگان شب پره وطاووس .

۱۳ـ تمامی حیوانهای حلال‌گوشت‌که تذکیه نشده مرده‌اند .

١٤ـ تمامی حیوانهای ماهی‌که پولك ندارند .

۱۵ـ تمامی حیوانهای ماهی‌که داخل آب مُرده‌اند .

۱٦ـ تمامی أجزای حیوان زنده‌که از او جدا شوند .

۱۷ـ تمامی أجزای حرام حیوانهای حلال گوشت .

أجزای حرام حلال گوشت

تمامی أجزای حیوانهای حلال‌گوشت تذکیه شده حلال است مگر این أجزاء :

۱ـ خون ، مگر مشك درناف آهو .

۲ـ فضله ومدفوع حیوان .

۳ـ منی همهٔ حیوانها .

٤ـ نَری حیوان نر .

٥ـ فرج حیوان ماده .

٦ـ بچّه‌دان حیوان ماده .

۷ـ غدّه ودشول همهٔ حیوانات .

۸ـ تخم ودنبلان حیوان نر .

۹ـ نخود مغز کلّهٔ چهار پایان .

۱۰ـ مغز حرام تیره پُشت‌کمر حیوان .

۱۱ـ پی دوطرف تیره پُشت‌کمر حیوان .

۱۲ـ زهره‌دان حیوان .

۱۳ـ سپرز حیوان .

١٤ـ بول‌دان همهٔ حیوانها .

۱٥ـ حدقهٔ چشم یا مردمك .

۱۶ـ شاخ وسایر استخوانهای سخت .

مستحبات دامداری ومرغداری

حیوانهائی که مستحّب است پرورش ونگهداری آنها اینهایند :

۱ـ گوسفند که موجب برکت و روزی درخانه است .

۲ـ کبوتر که شرّ جّن را از أطفال دور میکند .

۳ـ خروس بویژه سفید تاجدار .

٤ـ بزّ شیرده .

٥ اسب واسب سواری هم مستحب است .

٦ـ قاطر سفید .

۷ـ گاو شیرده .

۸ـ کبك .

۹ـ زنبور عسل .

۱۰ـ هدهد .

۱۱ـ پرستو وأبابیل .

۱۲ـ شتر ماده‌ومستحب است که‌مرکب سفرباشد اگر حیوان‌لازم‌باشد .

غذاهای حرام

آنچه که در اسلام خوردنش حرام وممنوع است اینست :

۱ـ سموما‌ت کشنده .

۲ـ غذاهای مغصوب .

۳ـ تمامی مسکرات مست‌کننده .

٤ـ تمامی میته‌ها ومردارها .

٥ـ تمامی نجاستهای عینی .

٦ـ غذاهای متنجّس .

۷ـ حیوانات حرام گوشت .

۸ـ أجزای حرام حلال گوشت .

۹ـ غذاهای مضّر برای سلامتی .

۱۰ـ خبائث‌که طبع از آنها متنفّر است غالباً .

۱۱ـ غذاهای مضّر بدین از سفرۀ ظالمان وستمکاران وطاغوتان .

۱۲ـ غذاهائیکه باپول وکسب حرام تهیّه شده‌اند .

۱۳ـ خوردن برسر سفره‌ایکه شراب درآنست .

١٤ـ خوردن خاك وسنگ مگر تربت سیدالشهدا (ع) بجهت إستشفا کمتر از نخود .

آداب غذا خوردن

١ـ إبتدا نمودن بنام خدا مستحب است .

٢ـ شستن دستها پیش‌از غذا خوردن مستحب است .

٣ـ شستن دستها پس‌از غذا خوردن مستحب است .

٤ـ إبتدا نمودن بخوردن نمك وختم نمودن بآن مستحب است .

٥ـ خوب جویدن غذا مستحب است .

٦ـ با دست راست خوردن مستحب است .

٧ـ باسه انگشت وبیشتر خوردن نه‌کمتر مستحب است .

٨ـ لقمه را کوچك برداشتن مستحب است .

٩ـ از غذای پیش دست خوردن مستحب است .

١٠ـ آرام وباتأنی خوردن وعجله نکردن مستحب است .

١١ـ حمد وشکر خدا نمودن درمیان وپس‌از خوردن مستحب‌است .

١٢ـ خوردن ریزه‌های سفره مگر دربیابان مستحب است .

١٣ـ پس‌از غذا خلال نمودن باچوب مستحب است .

١٤ـ شستن میوه پیش‌از خوردنش مستحب است .

١٥ـ به‌پشت‌خوابیدن‌پس‌از غذاوپای راست‌برچپ‌نهادن‌مستحب‌است .

١٦ـ لیسیدن أنگشتان وپاك نمودن ولیسیدن ظرف غذا مستحب‌است.

مکروهات غذاخوردن

١ـ خوردن أجزاء مکروه حیوانها مانند دل وقلوه مکروه است .

٢ـ خوردن پنیر در روز مگر روز اول ماه مکروه است .

٣ـ خوردن غذای داغ مکروه است .

٤ـ خوردن سؤر موش مکروه است .

٥ـ خوردن سؤر زن ناپاك که طهارت را رعایت نکند مکروه است.

٦ـ خوردن درحال خوابیدن و درازکشیدن مکروه است .

*٧ـ خوردن درحال راه رفتن و درحال خنده وقهقهه مکروه است .

٨ـ خوردن درحال تخلّی و درحال جماع مکروه است .

٩ـ خوردن گوشتهای مانده مکروه است .

١٠ـ خوردن درمسجدها وحرمهای مطّهر مکروه است .

١١ـ خوردن زیاد وپرخوری مکروه است .

١٢ـ خوردن در ظروف شکسته مکروه است .

١٣ـ خوردن میوهٔ نشسته ونیمه‌خوردن میوه وبدورانداختن باقی مکروه است .

١٤ـ فوت‌کردن بغذا مکروه است .

١٥ـ بریدن نان با کارد مکروه است .

١٦ـ نگاه‌کردن بلقمه و دهان دیگران مکروه است .

١٧ـ تمیزکردن أستخوانها کاملاً مکروه است .

١٨ــ کندن پوست میوه‌ایکه باپوست خورده میشود مکروه است .

١٩ــ گذاردن نان درزیر ظروف غذا مکروه است .

٢٠ــ إنتظار غذا پس‌از حضورنان درسفره مکروه است .

مستحبّات آشامیدن

١ــ بسم‌الله گفتن پیش‌از آشامیدن آب وغیره مستحبّ است .

٢ــ الحمدلله گفتن پس‌از آشامیدن آب وغیره مستحبّ است .

٣ــ به‌سه نفس آشامیدن مستحبّ است .

٤ــ آب زمزم آشامیدن مستحبّ است .

٥ــ آب فرات آشامیدن مستحبّ است .

٦ــ آب باران آشامیدن مستحبّ است .

٧ــ آب‌دادن به‌تشنگان مستحبّ است .

٨ــ تشنگان را برخود مقدّم داشتن درآشامیدن مستحبّ است .

٩ــ از روی رغبت ومیل آشامیدن نه درحال سیرآبی مستحبّ‌است .

١٠ــ أطفال را بربزرگسالان مقدّم داشتن درآب‌دادن مستحبّ‌است.

١١ــ سلام برحسین (ع) ویارانش فرستادن‌پس‌از آشامیدن‌مستحب‌است.

١٢ــ لعنت برقاتلان حسین (ع) ویارانش فرستادن پس‌از آشامیدن مستحبّ است

١٣ــ آشامیدن آب بطور مکیدن نه‌قورت‌دادن باصدا مستحبّ‌است .

١٤ــ باقیماندۀ آب مؤمن سالم را آشامیدن‌که سؤر مـؤمن شفاست

مستحبّ است

١٥ــ باقیماندۀ آب‌که گربه ازآن خورده را آشامیدن‌کـه هوش را میافزاید مستحبّ است .

مکروهات آشامیدن

١ــ إفراط درآشامیدن آب مکروه است .

٢ــ درشب إیستاده آشامیدن آب مکروه است .

٣ــ آشامیدن آب پس‌از غذای چرب مکروه است .

٤ــ آشامیدن آب ونَدادن آن به‌تشنگان مکروه است .

٥ــ از طرف دستۀ ظرف نوشیدن مکروه است .

٦ــ از طرف شکستگی ظرف نوشیدن مکروه است .

٧ــ از آبهای راکد وآلوده آشامیدن مکروه است .

٨ــ از پس‌ماندۀ حیوانات بجز گربه نوشیدن مکروه است .

٩ــ درتشنگی بیك جُرعۀ متصّل آشامیدن مکروه است .

١٠ــ ریختن باقیماندۀ آب آشامیدنی مکروه است .

١١ــ از آبی‌کـه درآن بـدن یا بعض أعضایش شسته شده آشامیدن مکروه است .

١٢ــ آشامیدن‌از کـوزه وظرفیکـه‌سرش بازبوده و احتمال ورود حشرات درآن باشد مکروه است .

غذاهای مستحبّ

إمتثال أمرإلهی- کلوا من طیبّات مارزقناکـم - مستحبّ است و غذاهائیکه معصومین تأکید فرموده‌اند اینهایند :

۱- خرما و رُطب ، که پیامبر (ص) فرمودند : إنّی لاحبّ للرّجل أن یکون تمّریاً .

۲- آب گوشت ، که پیامبر (ص) فرموده‌اند خیرُ طعامکم الثّرید ، یعنی ترید آن .

۳- پلو وبرنج ، که حضرت صادق (ع) فرمودند : نعم الطّعام الأرز و إنّا لندّخره لمرضانا .

۴- جوجه کباب ، که حضرت أمیرالمؤمنین (ع) فرمودند : إن أطیب اللحمّان لحم فرخ قدنهض اوکاد أن ینهض .

۵- کباب گوشت ، که حضرت صادق (ع) فرمودند : الکباب یذهب بالحمّی .

۶- حلیم ، که أمیرالمؤمنین (ع) فرمودند : علیکم بالهریسه .

۷- حلوا ، که حضرت صادق (ع) فرمودند : إنا أهل بیت نحبّ الحلوا .

۸- عسل ، که خداوند فرموده : فیه شفاء للنّاس .

۹- شیر وکره ، که پیامبر (ص) فرمودند : اللّهم بارک لنافیه وحضرت صادق (ع) فرمودند اللّبن طعام المرسلین .

۱۰- گوشت ، که پیامبر (ص) فرمودند: علیکم باللّحم وهوسیّد الطعام

فی الدنیّا والآخرة

۱۱- سرکه ، که حضرت باقر (ع) فرمودند : نعم الأدام الخلّ .

۱۲- نان جو و گندم ، که حضرت رضا (ع) فرمودند : فضل الشّعیر علی البّر کفضلنا علی النّاس .

۱۳- ماهی با خرما ، که حضرت کاظم (ع) فرمودند: علیکم بالسّمک الخ.

۱۴- کلّه پاچهٔ گوسفند ، که پیامبر (ص) فرمودند : لودعیتُ إلی کراع فی کراع لأجبتُ .

۱۵- تخم مرغ با گوشت ، که حضرت صادق (ع) فرمودند: کُل اللّحم بالبیض .

۱۶- روغن زیتون بازیتون ، که پیامبر (ص) فرمودند : کلوا الزّیت وادهنوا به .

۱۷- گردو وپنیر باهم بویژه روز اول ماه پیامبر (ص) فرمودند : إذا اجتمعا صارا دواءً .

۱۸- سبزیجات ، که امیرالمؤمنین (ع) فرمودند سفره نباید ازسبزی خالی باشد . *

۱۹- حبوبات وبقولات بویژه نخود ولوبیا وعدس وباقلا .

۲۰- میوه‌جات، بویژه أنار وسیب وبه و گلابی وأنگور ومویز وأنجیر.

احکام وقف

قال الامام الحسن بن علی العسکری (ع) —

(الوقوف علی حسب ما یقفها اهلها، ان شاءالله)

وسائل کتاب الوقوف باب ۲

شرایط وقف و واقف

شرایط وقف اینست :

۱ـ إنشاء وقف بهر لفظی که بر آن دلالت کند .

۲ـ قبض موقوف علیه اگر وقف برشخص یا أشخاص است .

۳ـ وقف دائمی باشد نه‌برای مدّت محدودی .

٤ـ وقف مُنَجّز باشد نه‌معلّق بروقتی یا شرطی .

٥ـ نیّت وقصد قربت در وقف نمودن .

٦ـ تصرّف حلال باشد نه حرام وممنوع مانند وقف شراب یا مال غصبی یا مال وملك دیگران .

وشرایط واقف وقف کننده اینست :

۱ـ بالغ باشد .

۲ـ عاقل باشد نه‌دیوانه .

۳ـ مُختار باشد ومکره ومجبور نباشد .

٤ـ محجور ومفلّس نباشد .

٥ـ خودش را از وقف بیرون کند وبرای خود وقف نکند .

شرایط وقف شده وموقوف علیه

شرایط موقوفه از اینقرار است :

۱ـ عین مال موقوفه وجود خارجی داشته باشد نه‌محتمل‌الوجود .

۲ـ عین مال موقوفه دین وطلب که برذمّهٔ دیگریست نباشد .

۳ـ عین مال موقوفه منفعت که بدست نیامده نباشد .

٤ـ عین مال موقوفه مشخّص باشد ووقف کلّی نباشد .

٥ـ عین مال موقوفه ملك واقف باشد نه‌چیزی که ملك اونیست یاملك إمام (ع) است یا دیگری مگر بارضایتش .

٦ـ عین مال موقوفه قابل إنتفاع از آن باماندن أصلش باشد نه‌مانند خوراکی .

۷ـ عین مال موقوفه إنتفاع محلّله داشته باشد نه‌مانند شراب وآلات لهو وغیره .

شرایط موقوف علیه هم اینست :

۱ـ موقوف علیه معیّن باشد ومشخّص ومُرَدّد میان چند نفر یاچند جهت نباشد .

۲ـ موقوف علیه ممنوعیّت شرعی نداشته باشد مانند آنکه برای تار وموسیقی و درقمار وشراب مصرف شود .

۳ـ موقوف علیه وجود خارجی داشته باشد نه‌آنکه احتمال وجودش درآینده باشد .

٤ـ موقوف علیه بسبب وقف درمعرض خطر وهلاك نباشد پس وقف کردن سمّ یا مـوّاد إعتیاد برای کسی باطل است .

٥ـ موقوف علیه شخص یا أشخاصی نباشند که شرعاً یاری و کمك بآنها حرام باشد مانند وقف برأهل ضلال وبدعت وظالمان وفاسقان .

احکام نکاح

قال رسول الله صلّی الله علیه وآله ـ

(النّکاح سنّتی فمن رغب عن سنّتی فلیس منی)

وقال تعالی ـ

(وانکحوا الایامی منکم والصّالحین من عبادکم وإماءکم إن یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله)

سورة نور آیه ۳۲

شرایط عقد وازدواج

عقد نکاح دارای شرایطی است که باید مراعات گردد از اینقرار :

۱ـ مرد وزن حرمت نسبی نداشته باشند ومحارم یکدیگر نباشند .

۲ـ مرد وزن حرمت سببی نداشته باشند .

۳ـ قصد إنشآء در ایجاب وقبول بنمایند .

٤ـ إیجاب از جانب زن باشد که بگوید زوجتك نفسی یا أنکحتك نفسی علی المهر .

۵ـ قبول از جانب مرد باشد که بگوید قبلتُ التزویج علی المهر .

٦ـ زن رضایت بعقد داشته باشد .

۷ـ مرد مجبور بقبول ومکره بآن نباشد .

۸ـ اگر عقد بوکالت است زن وکالت بایجاب ومرد توکیل بقبول نموده باشد .

۹ـ اگر عقد بوکالت است کسیکه عقد میکند زن ومرد را تعیین کند.

۱۰ـ اگر عقدبوکالت است کسیکه عقد میکندبالغ وعاقل وملتفت باشد.

۱۱ـ مهریه باید معلوم ومعیّن باشد .

۱۲ـ مرد قصد پرداخت مهریه را داشته باشد .

۱۳ـ طرفین عقد زنده وموجود باشند نه جنین یا میّت .

۱٤ـ عیبهائی که موجب فسخ عقد است درمیان نباشد که مخفی کنند.

موجبات فسخ عقد

عیبهائی که موجب بهم خوردن عقد ازدواج است اینهایند :

۱ـ اگر زن دیوانه باشد .

۲ـ اگر زن مرتد شود .

۳ـ اگر زن إفضا شود که مخرج غایط وحیضش یکی شود .

٤ـ اگر زن استخوان یاگوشتی درفرجش مانع باشد .

۵ـ اگر زن مرض خوره داشته باشد .

٦ـ اگر زن مرض برص وپیسی داشته باشد .

۷ـ اگر زن کور باشد .

۸ـ اگر زن زمینگیر باشد .

۹ـ اگر مرد دیوانه باشد .

۱۰ـ اگر مرد عنّین وبی‌شهوت باشد .

۱۱ـ اگر مرد آلت مردی نداشته باشد .

۱۲ـ اگر مرد مرتّد شود .

مستحبات تزویج

مستحّب است زنی که میخواهند با او ازدواج نمایند دارای این اوصاف باشد :

۱ـ زن باکره باشد .

۲ـ زن دین‌دار باشد .

۳ـ زن شرافت خانوادگی داشته باشد .

٤ـ زن بچّه‌زا باشد .

٥ـ زن خوش زبان باشد .

٦ـ زن زیبامو وخوشرو باشد .

۷ـ زن خوش رفتار ومونس باشد .

۸ـ زن دهانش خوشبو باشد .

۹ـ زن چهارشانه باشد .

۱۰ـ زن پاشنهٔ پر گوشت داشته باشد .

۱۱ـ زن درنزد خویشان عزیز ومحترم باشد .

۱۲ـ زن در نزد شوهرش فروتن ومتواضع باشد .

مُستحبّات ازدواج

مُستحبّاتی دربارهٔ ازدواج آمده‌که رعایت آنها تأکید شده‌است از این قبیل :

۱ـ سعی‌نمودن در امر ترویج مؤمن .

۲ـ تعجیل درأمر إزدواج دختران درصورت إمکان .

۳ـ نگاهداری زن درخانه که بیرون نرود مگر بناچار وضرورت .

٤ـ تخفیف مهریهٔ زن‌که درحدّ مهریهٔ أهل‌بیت علیهم‌السلام باشد .

٥ـ تخفیف مخارج ازدواج وسبك وآسان‌گرفتن آن .

٦ـ بیرون آوردن کفشهای عروس درحجله .

۷ـ شستن پاهای عروس درحجله شب زفاف وعروسی .

۸ـ پاشیدن آب از درب‌خانه تا انتهای خانه شب عروسی .

۹ـ منع نمودن عروس‌از لبنیّات وسیب‌ترش وسرکه درهفتهٔ عروسی.

۱۰ـ مُداعبه وملاعبه‌نمودن بازن پیش‌از جماع‌که بسیار تأکید شده .

۱۱ـ نام خدا را بُردن وطلب فرزند صالح از خدا نمودن هنگام انعقاد نُطفه .

۱۲ـ عجله ننمودن مرد وإدامه دادن جماع تا حدّ إشباع زن و لذت بردنش .

زنانیکه ازدواج با آنان مکروه است

چند دسته از زنان‌باآنکه ازدواج باآنان جایزاست لیکن کراهت‌دارد :

۱ـ أهل کتاب و زنان مسیحی ویهودی بعقد منقطع .

۲ـ مخالفین از مسلمانان که پیرو أهل‌بیت نیستند .

۳ـ کنیزان و بردگان .

٤ـ زن زناکار و فاحشه .

٥ـ سیاه پوستان حبشه .

٦ـ زنان پیر فرتوت وعجوزه خمیده .

۷ـ زن عقیم و نازا نه بسبب یأس .

۸ـ زن پست وحسود وحقود و کینه توز .

۹ـ زن إسرافکار ومُبذّر و ولخرج .

۱۰ـ زن بی‌حجاب وهرزه وهمیشه درگردش .

۱۱ـ زن بدأخلاق وعبوس ومتکّبر .

۱۲ـ زن بد زبان وسلیطه وفحّاش .

۱۳ـ زنیکه سُست إیمان وبی‌بندبار وبی‌حیا وبی‌طهارت وبی‌نمازاست.

۱٤ـ زنیکه با مادر یا خواهرش قبلاً زنا نموده است .

زنهائیکه حرام أبدی هستند

۱ـ مادران و مادران آنان .

۲ـ دختران و دختران آنان .

۳ـ خواهران إنسان و دختران آنان .

۵ـ عمّه‌های إنسان .

٦ـخاله‌های إنسان .

۷ـ دختران برادر إنسان .

۹ـ مادران زن إنسان .

۹ـ دختران همسریکه باو دخول شده .

۱۰ـ مادران و دختران کنیزانی‌که بآنان دخول شده .

۱۱ـ همسران پدران .

۱۲ـ همسران پسران .

۱۳ـ زنیکه درعدّه دیگریست وعقدش‌کند .

۱٤ـ زن محصنه که بااو زنا نموده گرچه از شوهرش جدا شود .

۱۵ـ زنیکه نُه طلاقه میشود .

۱٦ـ زنیکه بااو ملاعنه میشود .

۱۷ـ زنیکه لال است وقذف میشود .

۱۸ـ دختر نابالغی‌که إفضا شود .

۱۹ـ دختران ومادران وخواهران پسری‌که بااو لواط نموده .

۲۰ـ دختران عمّه وخاله‌ایکه با مادرانشان پیش‌از عقد زنا نموده .

آنچه که ازدواج را بهم میزند

أموری‌که قهراً موجب بهم‌خوردن ازدواج زن ومرد است اینهایند :

۱ـ مرگ ومردن یکی از آنان یا هردو .

۲ـ مرتّد شدن یکی از آنان یا هردو .

۳ـ ملاعنه نمودن هردوباهم .

٤ـ طلاق بائن‌دادن مرد زن را .

۵ـ مسلمان شدن زن مرد کافر وباقی‌ماندن مرد برکفر .

٦ـ مسلمان شدن شوهر زن کافر وباقی‌ماندن زن برکفر .

۷ـ قذف‌نمودن زن لال‌که بی‌طلاق ازهم جدا میشوند .

۸ـ إجازه ندادن عمّه وخاله ازدواج بادختر برادر وخواهرشان را بشوهر خود .

٩ـ إجازه ندادن صغیر بعقدش هنگام بلوغش .

١٠ـ إستفاده از حقّ فسخ درموجبات فسخ و مواردش .

مواردیکه نگاه بنامحرم جایز

درچند مورد نگاه بزن نامحرم تجویز شده‌است بشرط آنکه نگاه‌ریبه وبشهوت نباشد :

١ـ نگاه بزنان کفّار بت‌پرست ومشرکین وملحدین بی‌دین .

٢ـ نگاه بسر وکلّهٔ زنان بادیه‌نشین .

٣ـ نگاه بسروکلّهٔ زنانی‌که نهی میشوند از بی‌حجابی ونمی‌پذیرند .

٤ـ نگاه بزنان أهل‌کتاب که محجوب نیستند .

٥ـ نگاه طبیب معالج بزن مریض جهت معالجه .

٦ـ نگاه بزنی‌که میخواهد با او ازدواج کند .

٧ـ نگاه به‌پیرزنیکه امید ازدواج ندارد .

٨ـ نگاه بصورت و دودست زن بی‌آرایش وبی‌شهوت بمقدارضرورت.

٩ـ نگاه کسیکه میخواهد شاهد برزنی نزد قاضی شرع شود .

١٠ـ نگاه حاکم وقاضی شرع به‌زنی‌که میخواهد او را در قضاوت إحضار کند .

١١ـ نگاه بزنی‌که درمعرض تلف وغرق‌شدن یا سوختن وغیرِه است برای گرفتن ونجاتش .

١٢ـ نگاه بزن میّته‌که زن ومحرمی نباشد اورا غسل وکفن و دفن نماید بمقدار ضرورت .

زنهائیکه موقتاً حرام‌اند

١ـ زنی‌که درعقد مرد دیگر است .

٢ـ خواهر زن تا وقتیکه درعقد است .

٣ـ زنیکه إحرام دارد وندانسته عقدش‌نموده تاإحرام دارد حرام‌است.

٤ـ زنیکه درعدّه است وعقدش نموده اشتباهاً ودخول ننموده .

٥ـ دختر زن إنسان‌که بمادرش دخول ننموده تا درعقد اوست .

٦ـ زن کنیز را برزن آزاد عقد نمودن بی‌إجازه‌اش جایز نیست .

٧ـ دختر برادر زن را بی‌رضایتش نمیتوان عقد کرد .

٨ـ دختر خواهر زن را بی‌رضایتش نمیتوان عقد کرد .

٩ـ سومّین زن‌کنیز برای مرد غیر آزاد جایز نیست .

١٠ـ پنجمین زن دائمی برای مرد آزاد جایز نیست .

١١ـ سومّین زن آزاد برای مرد غیرآزاد جایز نیست .

١٢ـ پنجمین زن‌کنیز برای مرد آزاد جایز نیست .

١٣ـ زنان کتابی یهودی ومسیحی ومجوسی بعقد دائم جایز نیست .

١٤ـ عقد زنان مشرك وغلات ونواصب پیش‌از توبه‌شان جایزنیست .

١٥ـ دخول نمودن به‌دختر نابالغ جایز نیست .

١٦ـ دخول درقُبُل زنیکه درحیض است جایزنیست وکفّاره دارد که یکمثقال طلا دراول آن ونیم مثقال در وسط وربع مثقال درآخر .

١٧ـ دخول نمودن بزنیکه إحرام نموده وهنوز طواف نسآء ننموده جایز نیست .

١٨ـ دخول نمودن بزنیکه با او ظهار نموده پیش‌از دادن کفّاره ظهار جایز نیست .

١٩ـ دخول نمودن‌بزنیکه مریض‌است وجماع مضّرباو ومهلك اوست جایز نیست .

٢٠ـ عقد خواهر کنیزی که ملك إنسانست وباو دخول نموده .

٢١ـ عقد زنی‌که سه طلاقه نموده ومحلّل ندیده یا باو دخول ننموده تا محلّل باو دخول نماید وطلاقش دهد .

أحکام متعه

عقد ازدواج موقّت ومنقطع أحکام مخصوصی دارد که إینست :

١ـ درعقد متعه تعیین مدّت شرط است .

٢ـ درعقد متعه زن حقّ همخوابی ندارد .

٣ـ درعقد متعه زن حقّ نفقه نداردمگر شرط کند .

٤ـ درعقد متعه زن میتواند شرط کند دخول نشود .

٥ـ درعقد متعه باتمام شدن مدّت یا بخشیدن آن جدا میشوند .

٦ـ درعقد متعه پیش‌از تمام شدن عدّه میشود آن‌را مجدّداً عقدنمود.

٧ـ درعقد متعه زن یائسه عدّه ندارد مانند دائمه .

٨ـ درعقد متعه زنیکه باو دخول نشده عدّه ندارد مانند دائمه .

٩ـ درعقد متعه زن إرث نمی‌برد مگر آنکه شرط کند .

١٠ـ درعقد متعه فرزند مال پدر أوست و حلال‌زاده وبا سایرین فرقی ندارد .

موارد کراهت عقد وجماع

١ـ عقد نمودن هنگامیکه قمر درعقرب است مکروه است .

٢ـ عقدنمودن‌هنگامیکه قمر درمحاق و تحت‌الشعاع باشدمکروه‌است.

٣ جماع نمودن درشب اول ماه مگر رمضان مکروه است .

٤ـ جماع نمودن درشب نیمهٔ هرماه مکروه است .

٥ـ جماع نمودن درشب آخر هرماه مکروه است .

٦ـ جماع نمودن هنگام خسوف ماه مکروه است .

٧ـ جماع نمودن هنگام کسوف آفتاب مکروه است .

٨ـ جماع نمودن هنگام بازگشت ازسفر مکروه است .

٩ـ جماع نمودن درشب عزیمت بسفر مکروه است .

١٠ـ جماع نمودن درشب عید قربان مکروه است .

١١ـ جماع نمودن هنگام زلزله وطوفانها مکروه است .

١٢ـ جماع نمودن درفاصلهٔ میان أذان و إقامهٔ نماز مکروه است .

١٣ـ جماع نمودن درفاصلهٔ میان‌إذان صبح وطلوع آفتاب‌مکروه‌است.

۱٤ــ جماع نمودن درفاصلهٔ میان إذان مغرب وغروب خورشید مکروه است .

۱٥ــ جماع‌نمودن مقابل قبله وپشت بقبله بودن مکروه است .

۱٦ــ جماع نمودن روبروی قرص آفتاب و خورشید مکروه است .

۱۷ــ جماع نمودن درحال إیستادن وجماع با زن باردار بی‌وضو مکروه است .

۱۸ــ جماع نمودن داخل آب و درزیر درخت و درپشت بام وصحنهٔ کشتی مکروه است .

۱۹ــ جماع نمودن درحالیکه خضاب باحنانموده و در حالیکه محتلم شده پیش از إستبراء مکروه است .

۲۰ــ جماع نمودن در دُبُر ونگاه‌کردن بفرج وسخن‌گفتن درحال جماع و بیرون ریختن منی از زن آزاد مکروه است .

مکروهات شبها

۱ــ خوابیدن درجائی‌که تنها باشد مکروه است .

۲ــ خوابیدن پیش‌از خواندن نماز عشاء مکروه است .

۳ــ خوابیدن با دست چرب نشسته از غذا مکروه است .

٤ــ خوابیدن پس‌از نماز شب تاطلوع فجر مکروه است .

٥ــ خوابیدن بین‌الطلّوعین ازاذان صبح تاطلوع آفتاب‌مکروه‌است .

٦ــ نخوابیدن تمامی شب مگر شبهای إحیا درسال مکروه است .

۷ــ شکار نمودن حیوانات وحشی درشب مکروه است .

۸ــ کشتن وسربریدن حیوانات درشب مکروه است .

۹ــ شکار ماهی درشب مکروه است .

۱۰ــ غواصّی نمودن درشب مکروه است .

۱۱ــ إیستاده آب آشامیدن درشب مکروه است .

۱۲ــ داستانسرائی نمودن درشب مکروه است .

۱۳ــ شعر خواندن درشب مکروه است .

۱٤ــ صنعت کاری نمودن درشب مکروه است .

۱٥ــ دفن أموات مگر بوصیّت میّت درشب مکروه است .

۱٦ــ میوه چیدن از درختان درشب مکروه است .

۱۷ــ خرما چیدن از درخت درشب مکروه است .

۱۸ــ درو نمودن گندم وجو وبرنج درشب مکروه است .

۱۹ــ خوابیدن بربام بی‌دیوار ومحجّر درشب مکروه است .

۲۰ــ برداشتن جوجه‌های پرندگان ازآشیانه درشب مکروه است .

موارديكه طَرب جايز است

لهو ولعب وغنا وطرب حرام است مگر درچند مورد :

۱ــ دف ودایره زدن درعروسی وشب زفاف .

۲ــ دف ودایره زدن درختنه سرونی .

۳ــ طبل وشیپور زدن میان ارتش برای تهییج سربازان إسلام و

تشويقشان .

٤ـ آوازخوانى قرآن بتجويد .

٥ـ آوازخوانى مدايح ومناقب ومراثى معصومين (ع) .

٦ـ آوازخوانى براى قافله سالار شتران كه هُدى وحدآء است .

٧ـ آوازخوانى ولالائى براى آرام نمودن وبخواب رفتن أطفال .

٨ـ آوازخوانى مناجات وأدعيهٔ مأثوره .

٩ـ آوازخوانى شعرهاى هجو مشركان وكفّار وناصبيان .

١٠ـ آوازخوانى أشعار مواعظ وپند وأندرز مانند= باتواعلى قُلل الأجبال تحرسُهم =كه حضرت هادى إمام علىّالنقىّ عليه‌السّلام براى متوكّل سرودند وأشعار مدح = مانند قصيدهٔ بُرده ويا قصيدهٔ كوثريّهٔ سيّدرضا هندى كه مطلعش اينست :

أمُفلّج ثغرك أم جـوهر ورحيق رضا بك أم سُكّر

ويا قصيدهٔ مرحوم سيّد اسماعيل شيرازى درمدح أميرالمؤمنين (ع) بنام وليدالكعبه ويا قصيدهٔ تائيّهٔ دعبل كـه بـراى حضرت إمام رضا (ع) مرثيّه خواند .

ويا قصيدهٔ فرزدق درمدح زين‌العابدين (ع) درحضور هشام أموى ملعون ويا مانند اينها از اشعار فارسى كه فراوان وبسيارند بحمدالله .

مستحبّات ومكروهات خوابيدن

آنچه كه دربارهٔ خوابيدن إستحباب ياكراهت دارد اينهايند :

١ـ مستحبّ است باطهارت خوابيدن .

٢ـ مستحبّ است پاى بسمت قبله خوابيدن .

٣ـ مستحبّ است برطرف راست خوابيدن .

٤ـ مستحبّ است پيش‌ازظهر يكساعت خوابيدن .

٥ـ مستحبّ‌است در نزد مرقد أميرالمؤمنين (ع) خوابيدن .

٦ـ مكروه است بررو خوابيدن .

٧ـ مكروه است باجنابت خوابيدن .

٨ـ مكروه است زياد خوابيدن .

٩ـ مكروه است پس‌از نماز صبح خوابيدن .

١٠ـ مكروه است ميان نماز مغرب وعشا خوابيدن .

١١ـ مكروه است باحبس غائط و إدرار خوابيدن .

١٢ـ مكروه است تنها درشب خوابيدن .

١٣ـ مكروه است دربام بى‌ديوار خوابيدن .

١٤ـ مكروه است درمسيل سيل و رودخشك خوابيدن .

١٥ـ مكروه است درسرزمين درندگان و خزندگان خوابيدن .

١٦ـ مكروه است درميان كفّار ومنافقين وفاسقان متجاهر ودشمنان غدّار خوابيدن .

احکام رضاع

قال تعالی :

(وامّهاتکم اللّاتی ارضعنکم واخواتکم من الرّضاعة)

سوره نساء آیه ۲۳

قال رسول‌الله صلّی‌الله علیه وآله :

(یحرم بالرّضاع ما یحرم بالنّسب)

کسانیکه با شیر محرم میشوند

۱ـ زنیکه شیر میدهد که مادر رضاعی است .

۲ـ شوهر زنیکه شیر میدهد که پدر رضاعی است اگر شیر مال اوست.

۳ـ پدر ومادر آن زن گرچه رضاعی باشند .

٤ـ أولاد آن زن .

٥ـ فرزندان أولاد آن زن .

٦ـ خواهر و برادر آن زن گرچه رضاعی باشند .

۷ـ عموهای آن زن .

۸ـ عمّه‌های آن زن .

۹ـ دائیهای آن زن .

۱۰ـ خاله‌های آن ز ن.

۱۱ـ أولاد شوهر آن زن .

۱۲ـ پدر ومادر شوهر آن زن .

۱۳ـ خواهر و برادر شوهریکه صاحب‌لبن است .

۱٤ـ عموی شوهر آن زن‌که صاحب‌لبن است .

۱٥ـ عمّهٔ شوهر آن زن‌که صاحب‌لبن است .

۱٦ـ دائی شوهر آن زن‌که صاحب لبن است .

۱۷ـ خاله شوهر آن زن‌که صاحب‌لبن است .

شرایط رضاع

شیر خوردنی که موجب محرم شدن میشود باید حایز این شرایط باشد:

۱ـ بچّه شیر زن زنده را بخورد .

۲ـ شیر زن از حرام واز زنا نباشد .

۳ـ بچّه شیررا از خود پستان بمکد نه ازظرف بخورد .

٤ـ شیر خالص باشد وبا چیز دیگر مخلوط نگردد .

٥ـ شیر ازیك شوهر باشد .

٦ـ بچّه شیررا برنگرداند و إستفراغ نکند .

۷ـ بچّه پانزده بار پی‌درپی شیر بخورد .

۸ـ بچّه درضمن دوسال شیر بخورد وبیش‌از دوساله نباشد .

۹ـ پانزده بارازیك زن باشد نه‌از دوزن‌که همسر یك مرد هستند .

احکام طلاق

قال تعالی :

(وإن عزموا الطّلاق فإنّ الله سمیع علیم)

سوره بقره آیه ۲۷۷

قال رسول‌الله صلّی‌الله علیه وآله :

(ابغض الحلال إلی‌الله الطّلاق)

أقسام طلاق

١ـ طلاق رجعی، که میشود درعدّه رجوع نماید .

٢ـ طلاق خلع ،که زن مهرّیه اشرا می‌بخشد تاطلاقش دهد .

٣ـ طلاق مبارات ،که همدیگر را نخواهند وزن پولی بمرد میدهد تا طلاقش دهد .

٤ـ طلاق بائن ،که حقّ رجوع ندارد که آن‌هم پنج قسم است :

١ـ طلاق دختر صغیرهٔ نابالغ .

٢ـ طلاق زن یائسه که حیض نمی‌بیند .

٣ـ طلاق زنی که هنوز باو دخول ننموده .

٤ـ طلاق زنی که اورا سه بار طلاق داده .

٥ـ طلاق زنی که باخلع ومبارات طلاق خواسته .

درطلاق رجعی از سه راه رجوع مـحقّق میشود :

١ـ مرد باگفتار یا نوشته رجوعش را به‌زن إبلاغ نماید .

٢ـ با هر کاری که با قصد رجـوع أنجام شود مانند نگاه بشهوت یا بوسه ولمس .

٣ـ باجماع نمودن گرچه بی‌قصد هم باشد رجوع تحقّق می‌یابد و قصد جماع قصد رجوع است .

شرایط طلاق

درمذهب أهل‌البیت طلاق دارای شرایطی است کـه باید مـراعات شوند إینگونه :

١ـ با صیغهٔ شرعی عربی صحیح طلاق را جاری کند .

٢ـ طلاق در حضور دوشاهد عادل واقع شود .

٣ـ طلاق در حال غضب وعصبانیّت وحدّت نباشد .

٤ـ طلاق دهنده بالغ باشد .

٥ـ طلاق دهنده عاقل باشد .

٦ـ طلاق دهنده مختار باشد ومجبور ومکره نباشد .

٧ـ طلاق دهنده ملتفت ومتوجّه باشد نه‌مست وخواب ودربیهوشی .

٨ـ طلاق دهنده طلاق را درپاکی وطهری که درآن دخول ننموده جاری سازد .

٩ـ زنی راکه طلاق میدهند از حیض ونفاس پاك باشد .

أقسام عده‌ها

عدّه‌هائی که برزنان واجب میشود چندگونه هستند :

١ـ عدّه طلاق زن آزاد وحرّه که دوحیض و دوپاکی است .

٢ـ عدّه طلاق زن کنیز وغیرآزاد چهل وپنج روز است .

٣ـ عدّه زن کتابیّه که شوهرش مرتّد شده چهل وپنج روز است .

٤ـ عدّه زن مسلمان که شوهرش مرتد شده عدّه وفات است .

٥ـ عدّه وفات هر زن مسلمان که شوهرش مرده چهار ماه وده روز است.

٦ـ عدّه وفات هر زن باردار که شوهرش مرده أبعد الأجلین یا چهار ماه و ده روز ویا وضع حمل اگر بیشتر باشد .

٧ـ عدّه طلاق زن باردار وحامله وضع حمل أوست .

٨ـ عدّه زنی که متعه است چهل وپنج روز است .

٩ـ عدّه زنهائیکه درسّن حیض هستند لیکن حیض نمی‌بینند سه ماه است .

١٠ـ زنهای یائسه وصغیره وزنیکه باو دخول نشده عدّهٔ طلاق ندارند وعدّه وفات دارند .

احکام
ولادت تا وفات

قال امیرالمؤمنین علیه افضل الصّلاة والسّلام

(لِدوا للموت وابنوا للخراب)

قال تعالی :

(اینما تکونوا یدرککم الموت ولو کنتم فی بروج مشیّدة)

سورهٔ نساء آیه ۷۸

واجبات ومستحبّات ولادت

۱ـ واجب است ماما وقابله زن باشد مگر بناچار واضطرار .

۲ـ واجب است محافظت ونگاهداری جنین درشکم مادر تا ولادتش.

۳ـ واجب است إقرار به‌نسب فرزند بر پدر و مادرش و إنکارش حرام است .

۴ـ واجب است ختنه‌نمودن‌پسر برپدر وولّی او و اگر ننمودندهنگام بلوغ برخودش واجب میشود .

۵ـ واجب است غسل نفاس نمودن مادر اگر خون نفاس دیده است پس‌از پاك شدن .

مستحبّات ولادت نوزاد ازاین قرار است :

۱ـ کام نوزاد را باآب فرات وتربت إمام حسین (ع) بردارند .

۲ـ أذان وإقامه درگوش راست وچپ نوزاد بگویند .

۳ـ نام نیك برایش گذاردن وبهترین نام آنست که درآن عبودیّت خدا یا أسماء معصومین (ع) باشد .

۴ـ إطعام نمودن ودعوت مؤمنین بمناسبت تولّدش .

۵ـ عقیقه نمودن روز هفتم وچنانچه ننمایند هنگام بلوغش برخودش تاآخر عمر مستحبّ است .

۶ـ ختنه‌نمودن پسر در روز هفتم تأکید شده است وهمچنین دختر وارد است .

۷ـ تراشیدن موی سرش روز هفتم وصدقه دادن بوزن آن یا طلا ویا نقره بفقیر .

۸ـ مستحبّ است که ران عقیقه را به‌قابله بدهند که مامایش بوده .

۹ـ مستحبّ است غسل دادن نوزاد هنگام ولادتش .

۱۰ـ مستحبّ است مادر أولّین شیرخودرا بفرزندش ازپستانش بدهد.

شرایط وصیّت وکنندهٔ آن

آماده‌کردن وصیتنامه مستحبّ است وشبها درزیر بالین گذاشتن آن وکسیکه بی‌وصیّت بمیرد ثلث ندارد وبرجاهلیّت مرده است :

شرایط وصیّت اینست :

۱ـ وصیّت یا تملیکی یا عهدی باشد مانند تعیین محل دفن و نماز و روزه وغیره .

۲ـ وصیّت به‌تصرّف غصبی درمال‌دیگران وغصب حقوق‌آنان نباشد .

۳ـ وصیّت به‌بدعت وتغییر سنّت وترك واجب شرعی نباشد .

۴ـ وصیّت به‌معصیت وگناه وحرام وفسق نباشد .

۵ـ وصیّت به‌تملیك تمامی ترکه بخود یا دیگری ومحروم‌کردن وارثان نباشد .

شرایط وصیّت‌کننده وموصی از قرار ذیل است :

۱ـ بالغ باشد گرچه ولّی طفل نابالغ میتواند وصیّتش را إمضا کند

یا نکند .

٢ـ عاقل باشد پس وصیّت دیوانه خواه در تمامی عمر بوده یا آخر عمر نافذ نیست .

٣ـ مختار باشد وکسی اورا بزور إکراه وإجبار نکرده باشد .

٤ـ آزاد باشد گرچه وصیّت برده گان با إذن آقایانشان معتبر است.

٥ـ مالك ثلث باشد پس اگر خودش را بنحوی از أنحاء از ملکیّت خارج نموده نافذ نیست .

٦ـ خودکشی نکند کسیکه عمداً خودکشی کندوصیّت اونافذ نیست.

٧ـ محجور علیه نباشد که حاکم شرع اورا محجور بشناسد .

٨ـ سفیه نباشد خواه أبله وبی‌شعور باشد ویا عاقلی مانند سفیه‌ثروتش را تلف کند .

٩ـ مفلّس نباشد که حاکم شرع حکم إفلاس اورا صادر کرده باشد.

١٠ـ مدیون به‌بیش‌از ترکه نباشد زیرا درآن صورت تمامی ماترك او به‌طلبکار تعلّق دارد .

بهترین شکل وصیّتنامه

خوبست وصیّتنامه شامل امور ذیل باشد :

١ـ أمر به‌پرداخت دیون شرعی از خمس وزکات وکفّارات و حجّ اگر مدیونست .

٢ـ إقرار بدیون ومطالبات شخصی باجزئیّات مبلغ ونام أشخاص .

٣ـ ثبت مطالبات وأماناتی‌که درنزد دیگران دارد .

٤ـ ثبت عبادتهائی‌که برذمّه دارد مانند نماز و روزه وغیره .

٥ـ تعیین مبلغی برای ردّ مظالم عبادکه برذمّه دارد .

٦ـ تعیین وصیّ مؤمن متدیّن پرهیزکار دانا وباتجربه .

٧ـ تعیین ناظر دلسوز متشرّع مسأله‌دان یا عالم فقیه .

٨ـ تعیین قیّم برصغار اگر باشند کسیکه واقعاً بجای پدر باشد .

٩ـ تعیین مکان ومحل دفن‌که دریکی از مشاهد مشرّفه باشد .

١٠ـ خیرات ومبرّات وإحسان برای خویشاوندان .

١١ـ کمك به‌أیتام فقیر وسادات بویژه تزویج علویّات .

١٢ـ إقامهٔ مجالس جشن وعزاداری أئمّه معصومین سلام‌الله علیهم‌أجمعین .

١٣ـ چاپ ونشر کتابهای دینی ومذهبی وولایتی علماء وفقهاء .

١٤ـ تقویت حوزه‌های علمیّه شیعه وطلّاب علوم دینی و روحانیون عظام .

من آنچه راه نجاتست بهر تو گفتم

توخواه رفته در این راه یا بگمراهی

(مؤلّف)

شرایط وصّی

کسیکه باو وصّیت میشود وباید بعهده بگیرد اگر پذیرفت شرایطش اینست :

١ـ وصّی باید بالغ باشد .

٢ـ وصّی باید عاقل باشد .

٣ـ وصّی باید مسلمان باشد .

٤ـ وصّی باید مرتّد نشود .

٥ـ وصّی باید محجور علیه وسفیه نباشد .

٦ـ وصّی باید وصی‌شدن را پذیرفته باشد وردّ ننموده باشد .

٧ـ وصّی باید قدرت وتمکّن ازعمل بوصّیت داشته باشد .

٨ـ وصّی باید از وصّی‌بودن عزل نشده باشد .

٩ـ وصّی باید وصّیت باو محدود بوقت معیّن نباشد مانند وقت مسافرت موصی .

١٠ـ وصّی باید وصّیتنامه را بطور صحیح وکامل إجرا کند .

واجبات ومُستحبّات محتضر

١ـ واجب است محتضر را بسوی قبله خوابانیدن‌که پاهایش بطرف آن باشد مگر مسلوس ومبطون .

٢ـ مستحّب است محتضر را بشهادتین وشهادت ثالثه تلقین نمایند .

٣ـ مستحّب است محتضر را بکلمات فرج ودعاها وإستغفار تلقین نمایند.

٤ـ مستحّب است خواندن قرآن نزداو بویژه یس وصافّات وآیة الکرسی.

٥ـ مستحّب است اورا درجای نما زخودش بخوابانند .

٦ـ مستحّب است بانزع روحش دهان وچشمانش را ببندند بازنماند .

٧ـ مستحّب است اورا باتحت الحنك چانه‌اش رابه‌بندند دستانش بازنشود.

٨ـ مستحّب است اورا بپوشانند واز أنظار تماشاگران مستور بدارند.

٩ـ مستحّب است دو دست اورا به‌پهلویش درازکنند .

١٠ـ مستحّب است شب درمکان نزع روحش چراغ روشن کنند .

١١ـ مستحّب است مؤمنین را برای تشییع جنازه‌اش خبر دهند .

١٢ـ مستحّب است تعجیل درتجهیز ودفن او بنمایند .

١٣ـ مستحّب است إبراء ذمّهٔ او بنمایند و اورا حلال بدارند ازهر حقّی‌که براو دارند .؟

١٤ـ مستحّب است برای او طلب رحمت ومغفرت وآمرزش نمایند .

مکروهات محتضر

مکروهاتی دربارهٔ حال إحتضار آمده‌که گاهی بعنوان ثانوی إشکال هم دارد :

١ـ مکروه است کسی باجنابت نزد أو حاضر شود .

٢ـ مکروه است زنیکه درحال حیض است درنزدش حاضر شود .

۳ـ مکروه است إجازه دادن به‌دشمنان ومخالفان او درنزدش حاضر شوند .

٤ـ مکـروه است درلباس زره وأسلحه کلاه‌خود یا غـّل وزنجیر و کفش بماند .

٥ـ مکروه است هرچیز سنگین را روی شکمش قراردادن .

٦ـ مکروه است محتضر را تنها گذاردن هنگام جان‌کندن .

۷ـ مکروه است دست بربدن او گذاردن که متأذّی میشود .

۸ـ مکروه است بسیار سروصدا وقال وقیل نمودن نزد او چنانکه در نزد پیامبر(ص) نمودند .

۹ـ مکروه است نزد او گریه وزاری وشیون نمودن .

۱۰ـ مکروه است پیش‌از جان‌دادن غسّال وقبرکن را نزدش‌آوردن.

۱۱ـ مکروه است زنها را بتنهائی نزد او گذاشتن .

۱۲ـ مکروه است تعجیل‌نمودن دردفنش اگر سکته نموده است بلکه یك شبانه روز صبرکنند خوبست .

واجبات غسل میّت

آنچه‌که واجب است درغسل میّت مسلمان مراعات‌گردد اینست :

۱ـ قصد قربت نمودن برای غسل دادن میّت .

۲ـ إزالهٔ نجاست از بدن میّت پیش‌از غسل .

٤ـ أولّین غسل را باآب سدر بدهند .

٥ـ دومیّن غسل را باآب کافور بدهند .

٦ـ سومیّن غسل را باآب مطلق وقراح بدهند .

۷ـ واجب است آب غسل پاك باشد .

۸ـ واجب است آب غسل مباح باشد .

۹ـ واجب است آب غسل مطلق باشد .

۱۰ـ واجب است مکان غسل مباح باشد .

۱۱ـ واجب است فضای غسل مباح باشد .

۱۲ـ واجب است مجرای آب غسل مباح باشد .

۱۳ـ واجب است مراعات ترتیب میان سه غسل .

۱٤ـ واجب است مراعات ترتیب أجزای هرغسل مانند جنابت .

مستحبّات غسل میّت

۱ـ میّت را برسکوئی یا تخته‌ای بگذارند .

۲ـ میّت را روبقبله همانند حالت إحتضار قرار دهند .

۳ـ پیراهنش را از جانب پاهایش بیرون کنند .

٤ـ در زیر سقف یاخیمه غسلش دهند .

٥ـ عورت اورا بپوشانند .

٦ـ دستها وانگشتانش را قبلاً مالش دهند نرم شود .

۷۷ـ دستهایش را پیش‌از هرغسل تانیمهٔ ذراعش سه‌بار بشویند .

۸ـ پیش‌از غسل سرش را باخطمی یاکف سدر بشویند .

۹ـ غسّل دهنده دستکش یا خرقه‌ای دردست کند که اورا لمس نکند
۱۰ـ دست برشکمش بهمواری بمالد مگر آنکه زن باردار باشد .
۱۱ـ إبتدا از جانب راست سراو غسّلش دهد .
۱۲ـ غسّل دهنده برجانب راست میّت بایستد .
۱۳ـ غسّل دهنده بعداز غسّل دستهایش را تابالای آرنج بشوید .
۱٤ـ آب غسل بأندازهٔ شش مشك باشد .
۱۵ـ پس‌از غسّل اورا خشك کنند .
۱٦ـ درهر غسّل هرقسمت از بدنش را سه‌بار بشویند .
۱۷ـ غسل دهنده بذکر خدا از اول تاآخر مشغول باشد .
۱۸ـ پس‌از غسّل غسّل دهنده پیش‌ازتکفین او پاهای‌خودرا بشوید.
۱۹ـ پیش‌از دوغسّل اول میّت را وضو دهد .
۲۰ـ گودی آب غسّاله را درسمت پای او قرار دهند .

موارد حُرمت غسل میّت

مُحَرّماتی‌که دربارهٔ غسّل میّت مسلمان آمده اینهایند :
۱ـ میّت اگر شهید دارای شرایط است حرام است غسّل دادنش .
۲ـ اگر آب جَسَد میّت را متلاشی میکند حرام است غسّل‌دادنش وتیمم میشود .
۳ـ اگر میّت بی‌غسّل دفن شده و درزیر آوار مانده‌که اگر بیرون آورند متلاشی میشود حرام است غسّل دادنش .

٤ـ اگر میّت‌درحال‌إحرام مرده حرام است‌باکافور اورا غسّل‌دهند.
۵ـ اگرمیّت درحال إحرام مرده حرام است اورا حنوط نمودن‌مگر بعداز طواف مرده باشد .
٦ـ حرام است میّت را باآب غصبی غسّل دادن .
۷ـ حرام است میّت را باآب نجس غسّل دادن .
۸ـ حرام است میّت را باآب مضاف غسّل دادن .
۹ـ حرام است میّت را درمکان مغصوب غسّل دادن .
۱۰ـ حرام است میّت را درفضای مغصوب غسّل دادن .

واجبات کفن

آنچه‌که درکفن‌میّت‌مسلمان واجب‌است رعایت‌گردد ازاین‌قراراست:
۱ـ کفن سه قطعهٔ پارچه باشد "لنگ وپیراهن وسرتاسری .
۲ـ کفن از ابریشم خالص نباشد .
۳ـ کفن طلاباف وطلادوز نباشد .
٤ـ کفن از اجزای مردار ومیته نباشد .
۵ـ کفن از پوست وجلد حیوانها نباشد .
٦ـ کفن از پشم وکرك وموی حیوانهای حرام‌گوشت نباشد .
۷ـ کفن از لباسهای دوخته وپوشاکهای رنگین نباشد .
۸ـ کفن پاك وطاهر باشد ونجس ومتنجّس نباشد .
۹ـ کفن مباح وحلال باشد وحرام وغصبی نباشد .

۱۰ـ کفن ساتر میّت باشد ونازك ورقیق نباشد که اورا نپوشاند .

مستحبّات کفن

۱ـ مستحب است کفن از پارچهٔ پنبه‌ای باشد .

۲ـ مستحب است کفن از پارچهٔ خوب وقیمتی باشد .

۳ـ مستحب است کفن از پارچهٔ إحرام ونمازش باشد .

٤ـ مستحب است کفن را خود انسان آماده کند .

٥ـ مستحب است عمامه بستن برای میّت مرد .

٦ـ مستحب است مقنعه بستن برای میّت زن .

۷ـ مستحب است لفّافه بستن برای میّت زن که پستانها را ببندد .

۸ـ مستحب است خرقه بستن برای میّت که میان اورا ببندد .

۹ـ مستحب است پارچهٔ ران بستن برای میّت که پاهایش را ببندد .

۱۰ـ مستحب است بُردیمانی سرتاسری وهربُرد دیگر وسومیّن برد برای زن .

۱۱ـ مستحب است عورتین‌را باپنبه حشو کنند وبااحتمال خون‌دماغی دربینی او .

۱۲ـ مستحب است جانب راست بُرد را برچپ وجانب چپش را بر راست بپیچند .

۱۳ـ مستحب است کفن‌را بانخهائی ازخودش وصل نمایند وبدوزند اگر لازم شود .

۱٤ـ مستحب است إسم میّت را باشهادات ثلاث وإقرار بامامت‌أئمّه برعمامه ومقنعه نویسند .

۱٥ـ مستحب است تمامی قرآنرا ودعای جوشن‌کبیر وصغیر را برکفن بنویسند .

۱٦ـ مستحب است مقداری ذریره وکافور برکفنش بریزند .

۱۷ـ مستحب است درهنگام کفن‌کردن اورا روبقبله بحال إحتضار بخوابانند .

۱۸ـ مستحب است کفن‌کننده اگر غیر ازغسل دهنده باشد باطهارت باشد .

مستحبّات تشییع

تشییع جنازهٔ مؤمن ثواب فراوان دارد که درهرقدم برداشتن یك حسنه ثواب نوشته میشود ویك سیّئه آمرزیده میشود وثوابهای دیگر و مستحبات تشییع اینهایند :

۱ـ هنگام‌دیدن‌جنازه بگوید‌لاإله‌إلاالله، وهمچنین إنّالله‌وإنااليه‌راجعون مستحب است .

۲ـ چهل نفر برای میّت بخوبی شهادت دهندوبگویند اللّهم إنا لانعلم منه إلاخیرا مستحب است .

۳ـ دروقت برداشتنش بگویند بسم‌الله وبالله وصلی‌الله علی محمّد و آل محمّد اللّهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات مستحب است .

٤ـ حدّأقلّ هرتشییع کننده چهارده متر بیشتر تشییع کند وتاآخر ماندن تأکید شده مستحب است .

٥ـ صاحب مصیبت شعار حزن وعزا داشته باشد پای برهنه و بی‌ردا باشد مستحب است .

٦ـ حاملان جنازه تربیع کنند وهرچهار گوشهٔ جنازه را دور بزنند مستحب است .

٧ـ جنازه را باپرده وپارچهٔ آبرومندی بپوشانند مستحب است .

٨ـ پشت سرجنازه راه روند نه دوطرف وجلوآن مستحب است .

٩ـ تشییع کننده ساکت‌ومتفکّر باخشوع‌باشدوذکر بگویدمستحب‌است.

١٠ـ کمترین عدد حاملین جنازه چهار نفرباشند مستحب است .

١١ـ جنازه را بردوش‌بردارند نه بروسیلهٔ دیگر یاحیوان‌مستحب‌است.

١٢ـ تشییع کننده‌گان پیاده باشند نه‌سواره مستحب است .

١٣ـ طواف دادن جنازه مؤمن بدورخانهٔ‌کعبه ومراقد معصومین(ع) مستحب است .

١٤ـ تجلیل نمودن درتشییع جنازهٔ علما وفقها وشهدا هرچه بیشتر مستحب است .

مکروهات تشییع

آنچه که برتشییع کننده‌گان مکروه است اینهایند :

١ـ تشییع کننده خورسند وخندان ومتبسّم باشد مکروه است .

٢ـ تشییع کننده مشغول خوردن وجویدن غذا باشد مکروه است .

٣ـ تشییع کننده سرعت در راه رفتن نماید مکروه است .

٤ـ تشییع کننده بی‌رداء وپای برهنه باشد بجز صاحبان مصیبت مکروه است .

٥ـ تشییع کننده دست روی دست بکوبد یا بزانو وسینه بزند برای غیر معصوم وفقیه وشهید مکروه است .

٦ـ تشییع کننده که صاحب مصیبت است بگوید باو رحم کنید اورا کجا میبرید اورا نبرید ومانند اینها مکروه است .

٧ـ همراه جنازهٔ میّت بخور ومنقل آتش بردارند مکروه است .

٨ـ زنان باگریه وزاری درتشییع جنازه شرکت کنند مکروه است.

٩ـ هنگام عبور جنازه کسانیکه نشسته‌اند برپا خیزند وملحق نشوند مکروه است .

١٠ـ منافق وفاسق متجاهر بالفسق مؤمن را تشییع کند مکروه است.

١١= مؤمن پرهیزکار درتشییع فسّاق وأهل کبائر شرکت کند مکروه است .

١٢= بازگوکردن إشتباه وخطا ولغزش وعیوب میّت مؤمن اگر غیبت نباشد مکروه است .

واجبات نماز میّت

١ـ میّت را به پشت بخوابانند .

٢ـ سرمیّت بسمت راست وپایش بسمت چپ نمازگذار باشد .

٣ـ میّت روبروی نمازگذا رباشد نه پشت سر وغیره .

٤ـ میّت حاضر باشد ونماز برمیّت غایب صحیح نیست .

٥ـ حائلی میان میّت ونمازگذار نباشد گرچه پرده باشد .

٦ـ فاصلهٔ زیادی میان میّت ونمازگذار نباشد مگر مأموم درصفها .

٧ـ درمیان میّت ونمازگذار پستی وبلندی بیش‌از متعارف نباشد .

٨ـ بکیفیّت صحیح پنج تکبیرکه پس‌از اولّی شهادتین و دومی صلوات وسومی دعای برای مؤمنین وچهارمی دعا برای میّت بخواند .

٩ـ إستقرار و إطمینان بدن داشته باشد و درجای غیر ثابت نایستد .

١٠ـ نماز را پس‌از غُسل دادن میّت وکفن وحنوطش بخوانند .

١١ـ نماز را درحالیکه ستر عورت میّت شده درصورت تعذّر کفن بخوانند .

١٢ـ نماز را پیش‌از دفن میّت بخوانند .

١٣ـ نماز را با إذن ولّی میّت بخوانند .

١٤ـ مُوالات میان تکبیره‌ها را رعایت کنند .

١٥ـ نمازگذار روبقبله بایستد وحتّی‌الإمکان .

١٦ـ نمازگذار میّت را تعیین کند وقصد نماید .

١٧ـ نمازگذار قصد قربت داشته باشد .

١٨ـ نمازگذار نماز را إیستاده بخواند تا میتواند .

مستحبّات نماز میّت

مستحبّاتی دربارهٔ نماز برمیّت مسلمان آمده که ثواب عظیم دارد از این قبیل :

١ـ نمازگذار برمیّت باطهارت باشد .

٢ـ نمازگذار برمیّت کفش از پا درآورد .

٣ـ نمازگذار برمیّت درتکبیر دستها را تابگوش بلند کند .

٤ـ نمازگذار برمیّت نزدیك جنازه بی‌فاصله بایستد .

٥ـ نمازگذار برمیّت اگر إمام است بلند بخواند .

٦ـ نمازگذار برمیّت اگر مأموم است آهسته بخواند .

٧ـ نمازگذار برمیّت پس‌از نماز در أماکن إجتماع مردم مکث کند تا جنازه را بردانند .

٨ـ نمازگذار برمیّت نماز را درمساجد نخواند مگرمسجدالحرام .

٩ـ نمازگذار برمیّت نماز بجماعت بخواند اگرتنها نباشد .

١٠ـ نمازگذار برمیّت اگر مأموم است پشت سرإمام بایستد .

١١ـ نمازگذار برمیّت در دعا برای میّت ومؤمنین کوشش نماید .

١٢ـ نمازگذار برمیّت پیش‌از نماز بَدل ازأذان سه‌بارالصّلاة‌بگوید.

١٣ـ نمازگذار برمیّت اگر زن حایض است درصف تنها بایستد .

١٤ـ نمازگذار برمیّت نماز را درأماکن إجتماع مردم بخواند .

١٥ـ نمازگذار برمیّت نزد شکم مرد وسینهٔ زن بایستد .

١٦ـ نمازگذار برمیّت پس‌از نماز میّت قنوت نماید ودعا کند .

واجبات ومحرّمات دفن

واجبات دفن اینهایند .

١ـ زیر خاك نمودن میّت بطوریکه از خطر حیوانات درأمان باشد اگر مسلمان باشد واجبست .

٢ـ أجزای منفصله از میّت راهم بااو دفن کنند.

٣ـ اگرجزئی‌ازبدن‌زنده جدا شودکه دارای جان‌باشد بایددفن گردد.

٤ـ مکان دفن میّت باید مُباح وحلال باشد .

٥ـ میّت‌را روبقبله وبجانب راست‌بخوابانندکه صورتش‌روبقبله‌باشد.

٦ـ اگر میّت درکشتی بمیرد ونتوان اورا به‌خشکی رساند درصندوق یا حبّی با ثقلی بقعر دریا اندازند .

٧ـ واجبست منع نمودن دفن کفّار ومرتدّین درمقابر مسلمین .

و محرّمات دفن میّت اینهایند :

١ـ درمکان غصبی دفن نمودن میّت حرام است .

٢ـ در مساجد دفن نمودن میّت حرام است مگر زیر طبقهٔ

هم کف مسجد نباشد .

٣ـ در زمینهای موقوفه بی‌إذن متولّی وحاکم شرع دفن نمودن ممنوع است .

٤ـ درأماکن کثیف ونجس وأماکن زباله‌دانها وقاذورات دفن‌نمودن حرام است .

٥ـ درهرجائی‌که موجب هتك حرمت میّت میشود یا خطر نبش و متلاشی شدن اوست حرام است .

٦ـ آهك یا زرنیخ یا تیزاب ریختن‌درلحدمیّت‌که رسم بعض‌مخالفین است حرام است .

٧ـ میّت را با زر وزیورآلات برسم کفّار دفن‌نمودن حرام است .

٨ـ مومیایی نمودن جسد میّت وتحنیط او مانند فراعنه حرام است. وبرای باقی‌ماندن ومتلاشی نشدن درقبر مداومت برغسل جمعه وارداست.

٩ـ نبش قبر میّت مسلمان حرام است مگرجهت ضرورتی‌که موجب شود .

١٠ـ نقل میّت از مشاهد مشرّفه بأماکن دیگرحرام وازآنها به‌مشاهد مشرّفه جایز است .

کیفیّت تلقین میّت

تلقین‌کننده دست‌راستش‌را برشانهٔ راست میّت و دست چپش رابرشانه چپش گذارد وتکانش دهد ونزدیك گوشش بگوید إفهم یا فلان‌بن فلان سه مرتبه سپس بخواند :

هَل أنت على العهد الّذي فارقتنا عليه من شهادة أن لا إله الا الله وحده لاشريك له وأن محمّداً صلّى الله عليه وآله عبده ورسوله وسيّد النبيّين وخاتم المرسلين وأن علياً أمير المؤمنين وسيّد الوصيّين وإمام إفترض الله طاعته على العالمين وأنّ فاطمة الزّهراء سيّدة نسآء العالمين وأنّ الحسن والحسين وعلىّ بن الحسين ومحمد بن على وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلىّ بن موسى ومحمّد بن على وعلى بن محمد والحسن بن على والقائم ـ الحجة المهدى صلوات الله عليهم أئمّة المؤمنين وحجج الله على الخلق أجمعين أئمتك أئمّة هدًى بك أبرار ؟؟

يا فلان بن فلان إذا أتاك الملكان المقرّبان رسولين من عند الله تبارك و تعالى وسألاك عن ربّك وعن نبيّك وعن دينك وعن كتابك وعن قبلتك وعن أئمتك فلاتخف ولاتحزن وقل فى جوابهما الله جلّ جلاله ربّى ومحمّد صلّى الله عليه وآله نبيّى والإسلام دينى والقرآن كتابى والكعبة قبلتى و أمير المؤمنين علىّ بن أبيطالب إمامى والحسن بن علىّ المجتبى إمامى والحسين بن على الشّهيد بكربلا إمامى وعلى زين العابدين إمامى ومحمّد الباقر إمامى وجعفر الصادق إمامى وموسى الكاظم إمامى وعلى الرضا إمامى ومحمّد الجواد إمامى وعلىّ الهادى إمامى والحسن العسكرى إمامى والحجة المنتظر امامى هؤلاء صلوات الله عليهم اجمعين أئمتّى وسادتى وقادتى وشفعائى بهم أتولّى ومن أعدائهم أتبرءّ فى الدّنيا والآخرة .

ثمّ اعلم يا فلان بن فلان أنّ الله تبارك وتعالى نعم الرّب وأنّ محمّداً صلّى الله عليه وآله نعم الرسول وأنّ على بن أبيطالب و أولاده المعصومين

الأئمة الإثناعشر نعم الأئمّة وإنّ ماجاء به محمّد صلّى الله عليه وآله حقّ وأنّ الموت حقّ وسؤال منكر ونكير حقّ والبعث والنّشور حقّ والصراط حقّ والميزان حقّ وتطاير الكتب حقّ وأن الجنّة والنار حق وأن الساعة آتية لاريب فيها وأنّ الله يبعث من فى القبور ، سپس ميگويد أفهمت يافلان؟؟ آيا فهميدى إى فلانى .

سپس بگويد : ثبتّك الله بالقول الثّابت وهداك الله إلى صراط مستقيم عرّف الله بينك وبين أوليائك فى مستقرّ رحمته ، سپس دعا ميكند برايش و ميگويد :

اللّهم جاف الأرض عن جنبيه وأصعد بروحه إليك ولقّه منك برهاناً اللّهم عفوك عفوك وخوبست تلقين را بزبان مادرى ميّت هم بخواند كه اگر فارسى زبان است فارسى واگر تركى به تركى وانگليسى به انگليسى بخواند.

مستحبّات دفن

١ـ قبر را مربّع ولحد را صاف ومسطّح بسازند .

٢ـ گودى قبر يك قامت باشد بقامت انسان متوسط القامه .

٣ـ لحد ميّت را وسيع بسازند .

٤ـ درنزديكى شهر ومسكن وخانه اش دفنش كنند نه جاى دوردست.

٥ـ درمقابر مسلمين دفن شود مگر مرتّد باشد كه نبايد با مسلمانان دفن شود .

٦ـ به مشاهد وأماكن مقدسه نقل ودفن شود بويژه به نجف وكربلا و

مدینه و مشهد .

۷ـ پیش از دفن اورا به‌سه دفعه نزدیك قبر آورند .

۸ـ مرد را از سر وزن را از پهلو بقبر وارد سازند .

۹ـ زن راکه بقبر میبرند پردهٔ ساتری برروی قبر بکشند .

۱۰ـ میّت را بارفق ومدارا از تابوت بیرون‌کنند وبسم‌الله وبالله و علی ملّة رسول‌الله بگویند .

۱۱ـ پس‌از گذاشتن میّت درقبر گره‌های اورا بازکنند .

۱۲ـ در پشت میّت سنگ یا آجر گذارندکه نغلطد .

۱۳ـ تربت إمام حسین (ع) درمقابل رویش گذارند .

۱۴ـ پیش‌از بستن لحد اورا تلقین کنند .

۱۵ـ لحد را با خشت بپوشانند تاخاك برمیّت نریزد .

۱۶ـ کسیکه وارد قبر شده از جانب پاهایش بیرون رود .

۱۷ـ کسیکه اورا دفن میکند با طهارت باشد .

۱۸ـ حضّار با پشت دستها خاك درقبر بریزند مگر ارحام میّت که موجب قساوت میشود .

۱۹ـ مُباشر دفن زن شوهر او یا أرحامش باشند .

۲۰ـ خاك وبنای قبر را بأندازهٔ چهار انگشت بالا بیاورند .

۲۱ـ آب پاك ومطلق تاچهل روز برروی قبر بریزند .

۲۲ـ پس‌از ریختن آب حضّار انگشتانرا درخاك فرو برند وفاتحه

بخوانند .

۲۳ـ نشانهٔ مشخصّه وعلامتی برای قبر بسازندکه معیّن باشد .

۲۴ـ پس‌از رفتن حضّار دومرتبه میّت را تلقین‌کنند نزدیکانش .

۲۵ـ إسم میّت را روی قبر برسنگ یالوحی بنویسند .

۲۶ـ نگین عقیق‌کـه‌نام پنج‌تن آل‌عبا دارد در دهان میّت گذارند اگر وصیّت بآن کند .

۲۷ـ مقداری سنگریزه وریگ برروی قبر بچینند یا بگذارند .

۲۸ـ بعد از دفن به‌صاحبان مصیبت تعزیت گفته شود .

۲۹ـ تا سه روز برای خانوادهٔ میّت غذا وطعام بفرستند .

۳۰ـ هنگام دفن صاحبان مصیبت مصیبتهای پیامبر (ص) وآلش را یادکنند وبرای آنان گریه‌کنند .

۳۱ـ هنگام دفن مؤمن حضّار براو گریه باقصد قربت‌کنند .

۲ ـ برمصیبت او صبر نمایند وجزع وبی‌تابی نکنند .

۳۳ـ چهل مؤمن بخوبیش شهادت دهند وبگویند اللّهم‌لانعلم‌منه‌إلا خیرا وأنت أعلم به‌منّا .

۳۴ـ بنای قبر ولحد را محکم ومتین‌که ریزش نکند بسازند .

۳۵ـ خویشاوندان را نزدیك هم دفن‌کنند دریکجا .

۳۶ـ قبور مؤمنین را زیارت‌کنند وقرآن برایشان بخوانند وصدقه برایش بدهند بویژه شب اول .

۳۷ـ مستحبّ مؤکّد است انسان خودش قبر خودش را مهیّا کند

پیش‌از مردنش .

۳۸ـ نزد قبر والدین طلب رحمت وحاجت نمایندکه از جمله أماکن استجابت دعا است .

۳۹ـ درشب دفن مؤمن نماز وحشت برایش‌بخوانند دورکعت دراولیّ آیةالکرسی و در دومیّ ۱۰ مرتبه إنا أنزلناه .

۴۰ـ درتذکّر مصیبت إنالله وإنّاإلیه راجعون و درمرگ فرزند الحمدلله گفتن خوبست وثوابش عظیم است‌که خداوند متعال میفرماید : الّذین إذا أصابتهم مصیبة قالوا إنّالله وإنّاالیه راجعون اؤلئك علیهم صلوات من ربّهم و رحمة .

مکروهات دفن

۱ـ تکیه دادن بقبر مکروه است.

۲ـ نشستن روی قبر مکروه است .

۳ـ راه رفتن برقبور مکروه است .

۴ـ گچ‌کاری نمودن داخل قبر مکروه است .

۵ـ ورود پدر برقبر فرزندش مکروه است .

۶ـ بنای کوهانی برقبر ساختن مکروه است .

۷ـ دومیّت دریك قبرگذاشتن مکروه است .

۸ـ یکسره بردن میّت از تابوت بلحد مکروه است .

۹ـ دفن میّت درخانهٔ مسکونی مکروه است .

۱۰ـ بلند ساختن روی قبر را بیش‌از چهارانگشت مکروه است .

۱۱ـ خندیدن درگورستان ومقابرمسلمین مکروه است .

۱۲ـ مقابر را مساجد قراردادن مگر حرمهای شریفه مکروه است.

۱۳ـ پُر نمودن قبر باچیز دیگری غیراز خاك وشن مکروه است .

۱۴ـ فرش نمودن زمین قبر بسنگ یا ساج وآجر مگر بضرورت مکروه است .

۱۵ـ خاك ریختن أرحام برقبر که موجب قاوت است مکروه است.

۱۶ـ تجدید نمودن قبورکهنه ومندرس مگر قبر معصومین وأولیا و علما مکروه است .

۱۷ـ مقبره ساختن برای غیر از معصومین و علما وفقها و أولیا مکروه است .

۱۸ـ شب ماندن ومبیت نزد قبور و درقبرستان مکروه است .

۱۹ـ قضای حاجت وتخلیه‌درنزد قبور اگر هتك‌حرمت نباشد وگرنه حرام است .

۲۰ـ نقل میّت از قبری به‌قبر دیگر مگر برای ضرورت ونقل‌بأعتاب مقدسه واگر متلاشی شود حرام است .

احکام ارث

قال‌الله عزوجل :

(للرّجال نصیب مما ترك الوالدان والاقربون وللنّساء نصیب مما ترك الوالدان والاقربون ممّا قلّ منه أوکثر نصیباً مفروضاً)

سورة نساء آیه ٦

موجبات وموانع ارث

موجبات إرث دوقسم‌اند یانسب ویا سبب وهر کدام بچند دسته تقسیم میشوند :

أ ـ إرث به‌نسب دارای سه طبقه است :

١ـ طبقهٔ اول شامل پدر ومادر متصّل وأولاد از هرنسل که باشند .

٢ـ طبقهٔ دوم شامل جدّ وجدّه هرچه بالاروند وبرادران وخواهران و فرزندانشان .

٣ـ طبقهٔ سوم شامل عموها ودائیها هرچه بالاروند و فرزندانشان هرچه پائین آیند .

ب = إرث به‌سبب هم پنج نوع است :

١ـ سبب ولاء إمامت ، کسیکه وارث ندارد إمام وارث بالولاء اوست.

٢ـ سبب ولاء ضامن جریره ، کسیکه دیه ازجانب جریره میپردازد اگر وارث ندارد وارثش میشود .

٣ـ سبب ولاء عتق ، آقائی که بنده‌اش وارث جزاو ندارد بولاء عتق وارث اوست .

٤ـ سبب ولاء زوجیّت وهمسری ، زنیکه وارثی جز شوهر ندارد تمامی إرث را میبرد .

موانع إرث هم از قرار ذیل است :

١ـ کفروإرتداد ، هروارثی که کافر یا مرتدّ باشد از إرث محروم

است لیکن میان کفّار توارث هست .

٢ـ قتل ، هرقاتلی از ارث مقتول محروم است درقتل عمد و درخطا از ارث دیه ممنوع است .

٣ـ زنا ، هر زناکننده از فرزند زنا زاده‌اش ونزدیکانش إرث نمیبرد .

٤ـ رق ، هرغلام وکنیز غیرآزاد از إرث آقایش محروم است گرچه آقایش از او إرث می‌برد .

٥ـ إنکار نسب ، مردیکه زنش را قذف کند وملاعنه نماید ومنکر فرزندش شود میان آنان توارث نیست .

فروض ارث وأقسام وراث

فروض وسهم‌های إرث که درقرآن مذکور است اینهاپند :

١ـ نصف یك دوم ، برای یك دختر تنها ویك خواهر تنها وشوهر بانداشتن اولاد .

٢ـ ربع یك چهارم ، برای شوهر باوجود اولاد وزن یا زنان بانبودن اولاد شوهر .

٣ـ ثمن یك هشتم ، برای زن است باوجود اولاد شوهر و باتعدّد زنان درآن مشترکند .

٤ـ دوثلث دو سوم ، برای دودختر یا بیشتر بانبودن پسر مساوی یا دوخواهر پدری یا أبوینی بانبودن برادر .

٥ـ یك ثلث یك سوم ، برای مادر بانبودن اولاد شوهر وبرادرانش

وبرادر وخواهران مادری .

۶ـ یك ششم ، برای هریك از پدر ومادر باوجود فرزند وبرای مادر باوجود برادران پدری یا أبوینی یا مادری تنها .

أقسام وُراث هم پنج دسته هستند ازاین قرار :

۱ـ وارث بالفرض، مانند زوجه‌که یك چهارم ربع بی‌اولاد وثمن یك هشتم با اولاد می‌برد .

۲ـ وارث بالفرض والرّد ، مانند مادرکه یك سوم ثلث بانبودن‌اولاد و یك ششم سدس با اولاد وزیادی هم باو ردّ میشود و زوج بانبودن وارث دیگر .

۳ـ وارث بالقرابه ، که جز باقرابت إرث نمی‌برد مانند فرزند وبرادر وعمو ودائی وجدّ .

٤ـ وارث بالولاء نه‌بالفرض ونه‌بالقرابه ، مانند إمام علیه‌السّلام و ضامن جریره وهمسر .

٥ـ وارث بالفرض والقرابه ، که گاهی بالفرض وگاهی بقرابت‌إرث می‌برد مانند پدر ودختر وخواهر .

نقصان سهم مادر

بابودن حاجب‌سهم ثلث مادر بسدس مبدّل میشود گرچه حاجب‌إرث نبرد مانند برادر داشتن میّت‌که باوجود پدر ومادر إرث نمی‌برند لیکن إرث مادر تقلیل می‌یابد باشرایطی :

۱ـ بودن پدر .

۲ـ برادران از دونفر کمتر نباشند .

۳ـ اگر برادر نباشد خواهران کمتر از چهار نفر نباشند .

٤ـ برادران وخواهران أبوینی یا پدری باشند نه‌مادری .

٥ـ برادران و خواهران مسلمان باشند .

٦ـ برادران وخواهران آزاد باشند نه برده .

(إرث برادران)

برادر وخواهر طبقه دوم إرث هستند وباوجود پدر ومادر و اولاد إرث نمی‌برند وبانبودشان چند شکل است .

۱ـ فقط یك برادر یا یك خواهر باشد تمامی إرث مال اوست .

۲ـ اگر متعدّد باشند بطور مساوی إرث میان آنان تقسیم میشودواگر برادر باشند ویا خواهر فقط أمّا اگر برادر وخواهر باهم باشند برادر دو سهم وخواهر یك‌سهم میبرداگر برادر وخواهر أبوینی یا پدری فقط‌باشند

۳ـ اگر چند برادر وخواهر مادری باشند بطور مساوی در إرث

شریکند وخواهر وبرادر یکسانند .

٤ـ اگر هم برادران أبوینی وهم برادر پدری دارد إرث مال برادران أبوینی است وپدری چیزی نمی برد .

٥ـ اگرهم برادران أبوینی وبا نبودنشان برادران پدری وهم برادر یا خواهر مادری دارد یك سُدس بەبرادر یا خواهر مادری میرسد وباقی را سایر برادران وخواهران می‌برند که برادر دوبرابر خواهرإرث دارد.

٦ـ اگر برادران وخواهران أبوینی یا پدری باشند با برادران و خواهران مادری تمامی إرث سه قسمت میشود یك قسمت را برادران و خواهران مادری و دوقسمت دیگر را برادران وخواهران أبوینی یا پدری می‌برند .

٧ـ اگر برادران وخواهران أبوینی با برادران پدری بایك برادر مادری یا خواهر مادری باشند برادران پدری محروم‌اند وبرادر یا خواهر مادری یك ششم می‌برد .

٨ـ اگر برادران وخواهران أبوینی بابرادران پدری وچند برادر مادری باشند باز برادران پدری محروم‌اند ویك‌ثلث إرث بەبرادران‌مادری و دوسوم دیگر بەبرادران وخواهران أبوینی تعلّق دارد که برادران دو برابر خواهران می‌برند .

احکام قضاوت

قال‌الله عزوجل :

(ومن لَم يحكُم بماأنزَل‌الله فأولئك هم الفاسقون ،

..... هُم الظالمون ،

..... هُم الكافرون .)

سورة مائده ٤٧ و ٤٥ و ٤٤

شرایط قاضی

کسیکه میخواهد قضاوت نماید باید دارای این شرایط باشد :

۱ـ باید مسلمان مؤمن باشد .

۲ـ باید بالغ باشد .

۳ـ باید عاقل باشد.

٤ـ باید مرد باشد .

٥ـ باید حلال‌زاده باشد .

٦ـ باید مجتهد مطلق باشد .

۷ـ باید فراموشکار و وسواسی نباشد .

۸ـ باید عادل وپرهیزکار باشد .

۹ـ باید خواندن ونوشتن کاملاً بلد باشد .

۱۰ـ باید کور ونابینا نباشد .

۱۱ـ باید ناشنوا وگنگ نباشد .

۱۲ـ باید بخیل وحریص وطمّاع ولیئم نباشد .

۱۳ـ باید دوطرف نزاع ومخاصمه ازاو قضاوت خواسته باشند وگرنه نباید قضاوت‌کند بلکه اگر یك طرف دعوی فقط بنزد او بیاید نباید قضاوت‌کند .

١٤ـ درمواردیکه باید قاضی را إمام معصوم یا نائبش نصب‌کند منصوب باشد .

وظایف قاضی

وظایفی‌که برقاضی میباشد وباید آنها را مراعات‌کند اینست :

۱ـ مراعات تساوی میان‌شاکیان ومتخاصمان درمجلس قضاوت‌بنماید.

۲ـ کسی از اطراف دعوی را بهچیزی‌که موجب غلبهٔ او بردیگران است تلقین ننماید .

۳ـ مراعات ترتیب ورود خصوم بترتیب شنیدن أقوالشان بنماید .

٤ـ مراعات ترتیب شکایات را بنماید وهرکس پیش‌تر شکایت کند اول باو رسیدگی نماید .

٥ـ باید حقّ وحقیقت وعدالت وحکم‌الله را درنظر بگیرد نه‌چیز دیگری را .

٦ـ قاضی‌نباید ازکسی أجرت ومزدی برقضاوت بگیرد زندگی او از بیت‌المال تأمین میشود .

۷ـ قاضی نباید رشوه ازکسی بگیردکه موجب بطلان قضاوت وفسق او وعزلش میشود .

۸ـ قاضی اگر بغیر ما أنزل‌الله حکم‌کند عمداً مرتّد میشود واگر سهواً إشتباه کند مسئول وضامن است ازبیت‌المال میپردازد .

۹ـ قاضی باید دارای شرایط قضاوت باشد وشرایط مجلس قضاوت را مراعات کند .

۱۰ـ اگر دوخصم بریکدیگر شکایت نمودند اول باید به‌شکایت‌شاکی اول رسیدگی کند .

آداب قضاوت

قضاوت آدابی داردکه قاضی باید بآنها مُلتزم باشد ازاین قرار :

۱ـ قاضی باید مریض نباشد و درحال مریضی قضاوت نکند .

۲ـ قاضی بایدخواب‌آلود نباشد ودرحال چُرت وکسالت قضاوت نکند.

۳ـ قاضی باید گرسنه وتشنه نباشد هنگام قضاوت نمودن .

٤ـ قاضی باید درفشار إدرار وغایط نباشد هنگام قضاوت نمودن .

٥ـ قاضی باید درحال غضب وعصبانیّت نباشد هنگام قضاوت نمودن.

٦ـ قاضی باید تاکاملاً بررسی نکرده قضاوت نکند ونظر ندهد .

۷ـ قاضی باید شاهدان را جدا ازهم إستنطاق نماید .

۸ـ قاضی باید یکی ازطرفین را بردیگری درخطاب وجایگاه ترجیح ندهد درمجلس قضاوت .

۹ـ قاضی باید کاملاً بی‌طرف باشد و دوست وناآشنا درنزدش مساوی باشند .

۱۰ـ قاضی باید قاعدهٔ یَد را مراعات کند تا وقتیکه خلاف آن ثابت نشده باشد .

۱۱ـ قاضی باید هنگام سوگند دادن باسوگندهای شرعی غلیظ سوگند دهد .

۱۲ـ قاضی باید حکم غیابی دربارهٔ کسانیکه ازحضور مُمتنع‌اند صادرکند مگر آنکه معذور باشند از حضور .

شرایط پذیرش دعوی

کسانیکه شکایت‌ودعویشان‌پذیرفته میشودباید دارای این‌شرایط‌باشند:

۱ـ بلوغ ، پس شکایت نابالغ پذیرفته نیست مگربادن ولـیّش .

۲ـ عقل ، پس شکایت دیوانه پذیرفته نیست .

۳ـ طرف دعوی باشد ، پس شکایت‌کسیکه أجنبی از دعـوی است مردود است .

٤ـ مدعی باید مدعی علیه داشته باشدکه برعلیه اوشکایت کند .

٥ـ إدعّای مدعی مردود نباشد مانند شاکی برعلیه معصوم یا نسبت قذف به‌گنگ ولال .

٦ـ مدعی خصمش را معیّن‌کند نه‌آنکه بگوید نمیدانم چه‌کسی مال مرا بُرده .

۷ـ مدعی جزم در إدعّا نسبت به‌خصم داشته باشد نه حدس وشك و إحتمال وخیال .

۸ـ مورد إدعّا معلوم باشد نه‌مجهول مطلق‌که بگوید چیزی که‌نمیدانم چیست از فلانی طلبکارم .

۹ـ شکایت أثر عقلائی داشته باشد نه آنکه شاکی باشدکـه ازکسی زمینی درکره ماه خریده .

۱۰ـ مدعی وشاکی ممنوع‌التصّرف ومحجور علیه وسفیه نباشد .

۱۱ـ مدعی مختار باشد نه مجبور ومکره برشکایت .

۱۲ـ مدعی ملتفت باشد وقصد شکایت داشته باشد نه‌مزاح یا هذیان و در مستی وخواب .

شرایط قبول شهادت

کسیکه میخواهد درنزد قاضی‌شهادت دهد باید دارای این‌شرایط‌باشد :

۱ـ بالغ باشد .

۲ـ عاقل باشد .

۳ـ مسلمان مؤمن باشد .

۴ـ عادل باشد .

۵ـ حلال زاده باشد .

۶ـ متهّم وظنین بعداوت نباشد .

۷ـ خصم وطرف دعوی نباشد .

۸ـ سائل به‌کف حرفه‌ای نباشد .

۹ـ دفع ضرر ازخود باشهادتش‌نکندپس شهادت عاقله یاوکیل برعلیه خصوم موکّل پذیرفته نیست .

۱۰ـ شاهد داخل درمورد شهادت نباشد پس شهادت شریك درشرکت ووصی در وصیت نباشد .

۱۱ـ شهادت حسّی باشد وحدسی وخیالی وظنّی وإحتمالی نباشد .

۱۲ـ درمواردیکه شهادت زن پذیرفته نیست شاهد مرد باشد .

أقسام انکار دعوی ملکیّت

۱ـ منکر اگر سکوت نماید ، حاکم اورا مجبور مینماید جواب دهد وگرنه زندان میرود تاجواب دهد .

۲ـ منکر اگربگوید مال خودم است باسوگند بنابرقاعدهٔ یَد مالك آنست .

۳ـ منکر اگر بگوید نمیدانم ، پس اگر مدعی بگوید میدانی خودش باید سوگند خورد وگرنه مال منکر است .

۴ـ منکر اگر بگوید مال شخص معیّن است‌که حاضراست پس‌اگر آن شخص سوگند بخورد مال اوست .

۵ـ منکر اگر بگوید مال شخص غایب است، پس مدعی اگر بیّنه دارد باکفالت مال را میگیرد وگرنه تاآمدن غایب صبرکند .

۶ـ منکر اگر بگوید مال مجهول‌المالك است، پس اگر مدعی بیّنه داشت مال اوست وگرنه به حاکم شرع برمیگردد .

۷ـ منکر اگربگوید مال بیت‌المال است، پس اگر مدعی بیّنه داشت مال اوست وگرنه به حاکم شرع برمیگردد .

۸ـ منکر اگر بگوید مال لقطه‌است ، پس اگر مدعی بیّنه داشت مال اوست وگرنه به حاکم شرع برمیگردد .

۹ـ منکر اگر بگوید مال کفّار حربی ومحاربین است، پس اگـر مدعی بیّنه داشت مال اوست وگرنه به حاکم شرع برمیگردد .

۱۰ـ منکر اگر بگوید مال وقف غیر معیّن است، پس اگر مدعـی بیّنه داشت مال اوست وگرنه به حاکم شرع برمیگردد .

۱۱ـ منکر اگر بگوید مال وقف معیّن است، پس تولیتش را اگر ثابت نمود در دستش میماند واگر مدعی بیّنه داشت مال او وگرنه بحاکم برمیگردد .

۱۲ـ منکر اگر بگوید مال إرث بمن رسیده ، باسوگند مال اومیشود واگرنه مدعی با بیّنه یا سوگند آن را میگیرد .

۱۳ـ منکر اگر بگوید مال گنج یافته است، باسوگند مال او میشود وگرنه مدعی بابیّنه یا سوگند آن را میگیرد .

۱٤ـ منکر اگربگوید مال مباح را حیازت کرده ، باسوگند مال او میشود وگرنه مدعی بابیّنه یا سوگند آن‌را میگیرد .

۱۵ـ منکر اگربگوید مال‌را خریده است ، پس فروشنده اگر منکر شود سوگند میخورد وگرنه ضامن است به‌مدعی .

۱٦ـ منکر اگربگوید مال رهن است ، پس راهن اگـر منکر شود سوگند میخورد وگرنه ضامن است به‌مدعی .

۱۷ـ منکر اگربگوید مال إجاره است ، پس موجر اگـر منکر شود سوگند میخورد وگرنه ضامن است به‌مدعی .

۱۸ـ منکر اگربگوید مال أمانت است ، أمانت‌گذار اگر منکر شود

سوگند میخورد وگرنه ضامن است به‌مدعی .

۱۹ـ منکر اگر بگوید مال طفل است، پس ولّی طفل اگر سوگند بخورد مال طفل است وگرنه مدعی با بیّنه یا سوگند میگیرد .

۲۰ـ منکر اگر بگوید مال دیوانه است، پس ولّی‌او اگـر سوگند بخورد مال اوست وگرنه مدعی بابیّنه یاسوگند میگیرد .

۲۱ـ منکر اگربگوید مال جهیزیّه است، باسوگند مال اوست وگرنه مدعی بابیّنه یا سوگند آن‌را میگیرد .

۲۲ـ منکر اگر بگوید مال‌را مدعی بمن فروخته یاهبه یا مصالحه و مانند آنهانموده پس‌منکر مدعی میشود ومدعی‌منکر که باید سوگندبخورد.

موارد قبول شهادت زن

مواردیکه گواهی وشهادت زنان شرعاً پذیرفته است اینهایند :

۱ـ شهادت زنان راجع به‌بکارت زنان وإزالهٔ آن .

۲ـ شهادت زنان راجع بولادت طفل .

۳ـ شهادت زنان راجع باثبات وصّیت میّت .

٤ـ شهادت زنان راجع به‌مهّریه زنان .

٥ـ شهادت زنان راجع به‌دیون وقروض .

٦ـ شهادت‌زنان‌راجع‌به إفضا شدن زن‌که مخارج غایط وحیضش‌یکی شود .

۷ـ شهادت زنان‌راجع بعفَل ومانع درفرج زن چه‌گوشت یااستخوان

باشد .

۸ـ شهادت زنان راجع بهعدّهٔ زن .

۹ـ شهادت زنان راجع بهنفقه خود ودیگران .

۱۰ـ شهادت‌زنان‌راجع‌به عیوب موجب فسخ عقد مانند کـوری و فلج بودن .

۱۱ـ شهادت زنان دربارهٔ أیام عادت حیض یانفاس زنان .

۱۲ـ شهادت زنان‌راجع به‌بلامانع بودن زنی وبی‌شوهریش‌بااقرارش.

وألبّته باید حایز شرایط قبول شهادت باشند پس اگر عادله نباشند شهادتشان مردود است وهمچنین سایر شرایط .

موارد رد شهادت زن

مواردیکه شهادت زنان گرچه چهار زن عادل هم باشند پذیرفته‌نیست اینهایند :

۱ـ شهادت بر زنا اگر با شهادت مرد نباشد .

۲ـ شهادت برقذف اگر با شهادت مرد نباشد .

۳ـ شهادت برشرب خمر اگر با شهادت مرد نباشد .

٤ـ شهادت برسرقت‌که موجب قطع دست است .

٥ـ شهادت برجنایتی‌که موجب قصاص است .

٦ـ شهادت برإثبات وصّی بودن کسی .

۷ـ شهادت بر رؤیت هلال .

۸ـ شهادت برنسب وإثبات أنساب .

۹ـ شهادت بر وکالت .

۱۰ـ شهادت برعتق وآزادی برده‌گان .

۱۱ـ شهادت برظهار که بمردی نسبت دهندکه منکر آن باشد .

۱۲ـ شهادت بر رجوع‌که بمردی نسبت دهندکه منکر آن باشد .

۱۳ـ شهادت برخلع که بمردی نسبت دهندکه منکر آن باشد .

١٤ـ شهادت برطلاق که بمردی نسبت دهندکه منکر آن باشد .

۱٥ـ شهادت برإیلاء که بمرد نسبت دهندکه منکر آن باشد .

١٦ـ شهادت بر رضاع وشیرخوردن موجب محرمّیت بدیگران .

۱۷ـ شهادت بر إرتداد هرکه منکر آن باشد .

کسیکه اقرارش حجّت است

کسانیکه قول خودشان دربارهٔ أمور خودشان وأمور مربوطهٔ بآنان إقرار است وحجّت است إینهایند :

۱ـ حاکم شرع وفقیه مجتهد درهرچه‌کـه بمقام حکـومت شرعیّه مربوط است .

۲ـ امین وصندوقدار حاکم شرع نسبت بوجوهات وأموال‌که دردست اوست .

۳ـ پدر نسبت به‌فرزند وآنچه مربوط باوست .

٤ـ جدّ نسبت بأولاد فرزند وآنچه مربوط باوست .

۵ـ وصیّ نسبت به‌وصیّت وإجرای آن وآنچه‌که بآن تعلّق دارد .

۶ـ وکیل دربارهٔ وکالتش وهرچه‌که مربوط بآنست .

۷ـ عاریت گیرنده نسبت بعاریه که گرفته است .

۸ـ ودیعت‌پذیر نسبت به‌أمانت و ودیعه‌که ازآن نگاهداری مینموده .

۹ـ مستأجر نسبت به‌مال‌الإجاره وآنچه‌که متعلّق بآنست .

۱۰ـ چوپان نسبت بحیوان ونگاهداری وچرای آن یا تلفش .

۱۱ـ شریك نسبت به‌شرکتش وآنچه مربوط بآنست .

۱۲ـ مضارب نسبت به‌مال‌المضاربه وتجارت بـآن و سود وزیان حاصله ازآن .

۱۳ـ مزارع نسبت به‌مزارعه ونهالکاری وخرج ودخل آن .

۱۴ـ مساقی نسبت به‌مساقات وآبیاری درختان میوه و آنچه مربوط بآنست .

۱۵ـ سمسار درآنچه که سمساری نموده است .

۱۶ـ قبّان وترازودار نسبت بآنچه که وزن وکیل نموده است .

۱۷ـ ناقد نقد وضرّاب سکّه نسبت به‌آنچه که سکّه زده است .

۱۸ـ جارکش ومنادی دربارهٔ آنچه‌که جارزده واعلام نموده آنرا .

کسیکه اقرارش حجّت نیست

کسانیکه اگر قولشان راست هم باشد إقرارشان حجّت نیست‌اینهایند:

۱ـ دیوانه چه أطباقی یا أدواری .

۲ـ طفل ونابالغ مگر معصوم علیه‌السّلام .

۳ـ سفیه ونادان أبله .

۴ـ بَرده وغلام وکنیز .

۵ـ کسیکه مست است .

۶ـ کسیکه بیهوش است .

۷ـ کسیکه خواب است .

۸ـ کسیکه مجبور ومکره است .

۹ـ کسیکه مبذّر وإسراف‌کننده است .

۱۰ـ کسیکه مفلّس است اگر إقرار بقرض کند پس‌از إفلاسش .

۱۱ـ راهن نسبت به‌غیر ازکسیکه ازاو رهنی‌نموده وإقرار دارد .

۱۲ـ کسیکه درمرض مرگ إقرار بقرض بیش‌از ثلث نماید .

۱۳ـ إقرار بازدواج نمودن زانی وزانیه پس از ثبوت زنایشان .

۱۴ـ إقرار مرتدّیکه محکوم بقتل شده بشهادتین .

۱۵ـ إقرار درزیر شکنجه وآزار شلّاق .

۱۶ـ إقرار بی‌قصد وإلتفات بلکه مزاح وشوخی وهذیان .

موارد قبول ادعا

۱ـ إدعّای معصوم مطلقاً قبول است .

۲ـ إدعّای حاکم شرع تا علم بخطایش نباشد پذیرفته است .

۳ـ ادعای کسیکه مدعی یافتن گنج میباشد پذیرفته است .

۴ـ ادعای کسیکه‌مدعی بالغ‌شدن میباشد پذیرفته است .

۵ـ ادعای کسیکه مدعی پرداخت زکات یاتلف آن میباشدپذیرفته است.

٦ـ ادعای کسیکه مدعی حیض ویاپاکی و طهراست پذیرفته است .

۷ـ ادعای کسیکه مدعی مسلمانی با إجرای شهادتین است پذیرفته است.

۸ـ ادعای زنیکه محلّل او مرده ومیگوید دخـول نمـوده است پذیرفته است .

۹ـ ادعای کسیکه بیّنه و دوشاهد عادل برزنای او إقامه شود لیکن او مدعی إکراه گردد پذیرفته میشود .

۱۰ـ ادعای تازه مسلمانیکه زنا نموده وبگوید جاهل بحرمت زنابوده پذیرفته میشود .

۱۱ـ ادعای غلام که اربابش وآقایش باâو لواط کند ومدعّی شدکه إکراهش نموده است پذیرفته میشود .

۱۲ـ ادعای کنیزیکه خانم او باâو مساحقه نماید ومدعّی شودکه إکراهش نموده است پذیرفته میشود .

۱۳ـ ادعای مرد وزنیکه بلامانع هستند ومدعّی همسری وتزویج شوند پذیرفته میشود .

۱٤ـ ادعای دومرد یا دوپسر لخت درزیر یك لحاف دیده شوند و مدعّی شوندکه مضطّر شده‌اند جهت سرما پذیرفته میشود .

۱۵ـ ادعای کسیکه بگوید بهشاکی ازاوکه گفته من اورا قذف نمودم إشتباه نموده قذفش نکرده‌ام پذیرفته میشود .

۱٦ـ ادعای متولّی وقف دربارهٔ تصرّف دروقف وعمل بوقفنامه تا

ثبوت خلاف آن پذیرفته میشود .

۱۷ـ ادعای وصّی دربارهٔ خصوص وصیتنامه وعمل بآن ومانند آن تا خلافش ثابت نشود پذیرفته میشود .

۱۸ـ ادعای کسیکه مدعّی است‌که آزاد نیست وغلام یاکنیز دیگری است پذیرفته میشود .

۱۹ـ ادعای امین وصندوقدار حاکم شرع وحافظ بیت‌المال دربارهٔ أمور مربوط به‌أمانات وأموال پذیرفته میشود .

۲۰ـ ادعای زنیکه میگوید بلامانع است وبی‌شوهـر ودر عقد کسی نیست ازاو پذیرفته‌میشود .

احکام

حد و قصاص و دیه

قَولُهُ تعالی:

(ولکُم فی‌القصاص حیاة یا اُولی‌الألباب)

(لعلّکم تتّقون)

سورة بقره ۱۷۹

موارد حد قتل

کسانیکه محکوم بقتل میشوند وبرآنها حدّ قتل واجب است اینهایند:

۱ـ قاتل عَمد که ومن قتل مؤمناً متعمّداً فجز اؤه جهنم خالداً فیها.

۲ـ مرتّد فطری که مسلمان زاده است ومرتّد میشود .

۳ـ زانی بمحارم وزنان محرم مانند عمّه وخاله یا مادر زن وزن پدر وغیره .

۴ـ زانی بمُحصنهٔ شوهردار .

۵ـ مرد محصن زناکننده باآنکه زن دارد ومتمکّن از اوست نه‌آنکه درحکم مُجرّد باشد .

۶ـ زن محصنه زانیه باآنکه شوهر دارد زنا میکند .

۷ـ مُحارب مُفسد که باأسلحه‌بمسلمانان صدمه‌زندو گرنه کشته‌نمیشود

۸ـ کافر حربی ومُهاجم از هردسته از کفّار که باشدکه به‌مسلمانان هجوم کند .

۹ـ دشنام دهنده بمعصوم (ع) چه پیامبر (ص) ویاأهل‌بیتش (ع) باشند عمداً وبا قصد وإلتفات .

۱۰ـ مستحّل رباکه ممتنع نگردد از خوردن ربا باحکم حاکم شرع.

۱۱ـ مستحّل إفطار عمدی با إصرار پس‌از تعزیر وتأدیبش باحکم حاکم شرع .

۱۲ـ خارجی وباغی برإمام معصوم (ع) وهرکس که بامعصوم‌بجنگد.

۱۳ـ شراب خوار پس‌از سه‌بار حدّ شراب خوردن وإصرار برآن با حکم حاکم .

۱۴ـ کسیکه خانه ومسکن دیگری را آتش زند وبسوزاند عمداً وبا قصد وإلتفات با حکم حاکم .

۱۵ـ ساحریکه مرتکب کبائر وجنایت باسحرش شود با إصرار و إمتناع ازتوبه وإلتفات باحکم حاکم .

۱۶ـ کسیکه تعدی وتماشا به‌عرض وناموس‌مردم داخل خانه ومسکن آنان مینماید واز تماشا منع وردع نمیشود مگر بقتل وکشتن او .

۱۷ـ کسیکه داخل خانهٔ کعبه مرتکب جنایت وفسق کبیره مانندشراب، و زنا ولواط شود .

۱۸ـ کسیکه مشرکین وکفّار حربی اورا سپر خود قرار دهند در هجومشان وبرای دفعشان بناچار باید کشته شود .

۱۹ـ کسیکه بزور تجاوز بعرض وناموس زن مسلمان بکند و او را تصرّف نماید و دخول کند .

مواردیکه دست قطع نمیشود

حدّ دزدی وسرقت بریدن چهار انگشت دست است بشرط آنکه یکی از موارد ذیل نباشد :

۱ـ پدرکه از فرزندش سرقت کند .

۲ـ شوهرکه از زنش سرقت کند .

۳ـ بنده و کنیز که از آقایش سرقت کند .

٤ـ زن که از شوهر باندازهٔ نفقه سرقت کند .

٥ـ بچهٔ نابالغی که سرقت کند .

٦ـ دیوانه‌ایکه درآنحال سرقت کند .

۷ـ مضطر گرسنه که غذا وقوتش را سرقت کند .

۸ـ کسیکه مالی راکه قیمتش کمتر از ربع مثقال طلا است سرقت کند.

۹ـ غلام و کنیزی که از جملهٔ أموال غنیمت هستند و از غنائم سرقت کنند.

۱۰ـ کسیکه مال مسروقه را هنوز از مکانش بیرون نساخته .

۱۱ـ کسیکه درأماکن عمومی مساجد ومدارس ومعابر سرقت کند .

۱۲ـ کسیکه از جیب بیرون لباس که بازاست سرقت کند .

۱۳ـ کسیکه پیش از قیام بیّنه برسرقت او توبه نموده باشد.

١٤ـ کسیکه خودش إقرار بسرقت کند سپس از إقرارش برگردد .

۱٥ـ کسیکه فقط یك شاهد برسرقتش شهادت دهد .

١٦ـ کسیکه خرما یا أنگور را از درختش سرقت کند .

۱۷ـ کسیکه درسال قحطی وگرانی غذا را سرقت کند .

۱۸ـ کسیکه پرندگان را گرچه پرواز نکنند مانندخروس ومرغ ومرغابی وغیره را سرقت کند .

۱۹ـ کسیکه چیزی را که محافظت ونگاهداری نشده سرقت کند .

۲۰ـ کسیکه مال را بنزدش أمانت سپرند وآنرا سرقت کند .

۲۱ـ کسیکه مالی را باجاره دهد سپس ازمستأجر سرقتش کند .

۲۲ـ کسیکه مدّعی شود که با إذن صاحب مال آنرا برداشته .

۲۳ـ کسیکه علناً بزور ما لدیگری را ازو غصب وسرقت نماید .

٢٤ـ کسیکه مدّعی شود که مالرا سرقت نکرده بلکه باو بخشیده‌اند.

۲٥ـ کسیکه شریك است ومال شریکش را بقصد أدای آن سرقت کند .

۲٦ـ کسیکه مجبور ومکره بسرقت‌نمودن مالی‌شود وسرقت کند آنرا.

۲۷ـ کسیکه درحال خواب آلودگی یا مستی وگیجی بی إلتفات سرقت کند .

۲۸ـ کسیکه سنگهای ساختمانی وسنگفرش را سرقت کند .

۲۹ـ کسیکه بزور وشکنجه وشلاق إقرار نماید که سرقت نموده .

۳۰ـ کسیکه دست ویا ندارد ومعلول وعاجزاست سرقت کند .

۳۱ـ کسیکه مالی‌را بەرهن وگروبه‌کسی‌داده وآنرا سرقت کند ازاو.

۳۲ـ کسیکه از دست کسی چیزی را برباید واختلاس نماید وفرار کند .

۳۳ـ کسیکه ازمالی که حقّی درآن دارد بهرنحوکه‌باشد سرقت کند.

٣٤ـ کسیکه سیّد مستحقّ خمس است وازمال کسی‌که ممتنع از خمس است سرقت کند خمس را .

۳٦ـ کسیکه مستحقّ زکات است وازمالی‌که زکات عیناً درآن هست باندازهٔ آن سرقت کند .

موارد محاصرهٔ غذائی

دربعض موارد عدّه‌ای محکوم بمحاصرهٔ آب وغذا ومحرومیّت از آنها میشوند که عبارتند از :

۱ـ کسیکه درخارج ازحرم جنایت کند وبداخل مسجدالحرام پناه آورد محاصره میشود تا بیرون آید .

۲ـ کسیکه ظهار نموده و حاکم او را بهطلاق یا کفّاره محکوم نموده وتا سه ماه إطاعت نکند محاصره میشود تا مجبور شود .

۳ـ کسیکه مسلمان شود وبیشتر ازچهار زن دائمی دارد واز رها نمودن امتناع میکند محاصره میشود تا مجبور شود .

۴ـ کسیکه إقرار به مدیون بودن به چیزی به‌کسی مینماید لیکن ازتعیین آن امتناع دارد محاصره میشود تا مجبور شود .

۵ـ کسیکه دیگری براو مّدعی شود واو درمقابل نه ردّ ونه قبول نماید پس‌ازمُهلت قاضی محاصره میشود تا مجبور شود .

۶ـ کسیکه مُحارب است أمّا کسیرا نکشته ومالی را غصب نکرده لیکن توبه ننماید محاصره میشود تا مجبور شود .

۷ـ کسیکه شخصی را گروگان گرفته وحبس نموده تا باج بگیرد برای آنکه او را آزاد کند محاصره میشود تا مجبور شود .

۸ـ کسیکه تجاهر بافطار عمدی وخوردن وآشامیدن درماه رمضان میکند وپس‌ازتعزیر هم إصرار میورزد محاصره غذائی میشود .

محکومین بحبس أبد

کسانی‌که بحبس أبد محکوم میشوند اینهایند :

۱ـ زنی‌که مرتّد شده وهرگز توبه ننماید .

۲ـ کسیکه شخصی را بگیرد تا دیگری اورا بقتل برساند .

۳ـ دزدی‌که چهار بار حدّ سرقت براو جاری شده بازهم سرقت کند.

۴ـ کسیکه حدّ زنای محارم براو جاری شود وزنده بماند .

۵ـ غلام وکنیزی‌که اربابشان فرمان قتل بدهد وکسیرا بکشند .

۶ـ ساحریکه مرتکب جنایتی نشود اما مردم را باسحرش گمراه کند.

۷ـ کسیکه دیگری را بکشتن کسی امرکند واو مرتکب قتل بشود .

۸ـ کسیکه باتظاهر به‌تقوی‌وصلاح وریاضت‌بدعت‌گذارد ومسلمانانرا گمراه سازد .

۹ـ کسیکه دیگری را تهدید بقتل نماید وبرای منعش چاره‌ای جز جلبش نباشد .

۱۰ـ کسیکه قصد پیوستن‌به‌کفّار حربی‌را دارد وبرآن‌إصرارمیورزد.

موجبات حد

۱ـ نکاح محارم ، که حدّش قتل است .

۲ـ لواط ، که حدّش قتل است .

۳ـ إدعّای نبّوت ، که حدّش قتل است .

٤ــ إرتداد فطری ، که حدّش قتل است .

٥ــ إصرار برسحر ، که حدّش قتل است .

٦ــ مستحلّ خمر ، که حدّش قتل است .

٧ــ مستحلّ ربا ، که حدّش قتل است .

٨ــ سبّ معصومین ، که حدّش قتل است .

٩ــ زنای محصنه ، که حدّش سنگسار است .

١٠ــ زنا ، که حدّش صد تازیانه است .

١١ــ مساحقه دو زن ، که حدّش صد تازیانه است .

١٢ــ تفخیذ دومرد ، که حدّش صد تازیانه است .

١٣ــ تلاحف دوعریان درزیر یك لحاف ، که حدّش صدتعزیراست.

١٤ــ بوسیدن محرم جوانی را بشهوت ، که حدّش صد تازیانه باعلم بحرمت وتعزیر باجهل بآنست .

١٥ــ قیادت ، که حدّش هفتاد وپنج تازیانه است .

١٦ــ قذف بیگناه وتهمت‌زدن باو ، که حدّش هشتاد تازیانه است .

١٧ــ شراب خوردن ، که حدّش هشتاد تازیانه است .

١٨ــ ترویج ذمّیه برمسلمان، که حدّش یك‌هشتم حدّ زناتازیانه‌است.

١٩ــ سرقت ، که حدّش قطع چهار انکشت است باشرایطش .

٢٠ــ فروش انسان حرّ وآزاد ، که حدّش قطع چهارانگشت است.

٢١ــ محارب که جنایت نکرده ، که حدّش نفی بلد است .

٢٢ــ محارب جانی که حدّش قطع دست وپا ونفی است .

ثبوت قصاص وشرایطش

راه ثابت شدن حقّ قصاص بالمثل اینست :

١ــ إقرار شخص جانی باحجّت‌بودن إقرارش درنزد حاکم شرع .

٢ــ قیام بیّنه دوشاهد عادل درنزد حاکم شرع .

٣ــ علم قطعی‌خود حاکم شرع وقاضی‌مانند دیدن سرقتی‌یاقتلی‌وغیره.

٤ــ قسامه‌که پنجاه سوگند برای قتل عمد وبیست وپنج سوگند درقتل خطاکه یك شاهد میخورد .

أمّا شرایط معتبر درقصاص که باید مراعات گردد اینست :

١ــ بلوغ درقصاص لازم وبچّه نابالغ هرگز قصاص نمیشود .

٢ــ عقل درقصاص لازم ودیوانه هرگز قصاص نمیشود .

٣ــ تساوی دردین درقصاص لازم پس مسلمانرا درمقابل کافر قصاص نمیتوان نمود .

٤ــ تساوی درجنس درقصاص لازم مساوات میان زن ومرد درقصاص مراعات میشود .

٥ــ تساوی میان‌بنده وآزاد نیست پس آقائی‌که برده‌اش را مجروح کند دیه میپردازد وقصاص نمیشود تا حدّیکه آزاد میشود .

٦ــ حرمت پدری درقصاص مراعات میشود پس پدر را درمقابل فرزندش قصاص نمیکنند .

٧ــ حرمت إمامت‌وو لایت درقصاص مراعات میشود پس إمام (ع) را

درمقابل رعیتش قصاص نباید نمود .

۸ـ مساوات در نسب درقصاص مراعات نمیشود پس حلال‌زاده را در مقابل زنازاده قصاص میکنند اگر مسلمان باشد .

۹ـ مساوات درشأن وشرافت درقصاص مراعات نمیشود پس اشراف‌را درمقابل طبقهٔ ضعیف باید قصاص نمود .

۱۰ـ مساوات أهل کتاب درقصاص مراعات میشود پس یهودی را در مقابل نصرانی وبالعکس قصاص مینمایند .

۱۱ـ مستحق‌القتل نبودن درقصاص مراعات میشود پس اگر کسی مرتد یا مهدورالدم وواجب‌القتل را بکشد قصاص نمیشود .

قانون قصاص اعضا

قصاص نمودن درمقابل جراحتهای اعضا شرایطی داردکه بایدمراعات گردد و درمواردیکه قصاص ساقط است دیه ثابت است وتعزیر هم دارد :

۱ـ قصاص جایز باشد مثلا در مقابل زنا نمودن‌نمیتوان زنانمود وهمچنین إزالهٔ بکارت ولواط قصاص بالمثل جایز نیست .

۲ـ مساوات دراسلامیت مثلا درمقابل انسان کافر مسلمان قصاص نمیشود .

۳ـ مساوات درآزادی مثلا درمقابل انسان برده آزاد قصاص نمیشود.

٤ـ پدرنبودن ، درمقابل فرزند پدر را قصاص نمیکنند .

٥ـ بلوغ جانی ، که طفل‌نابالغ را قصاص‌نمیکنندبلکه دیه‌از عاقله‌اش میگیرند .

٦ـ عقل جانی، که دیوانه هرگز قصاص نمیشود بلکه دیه از عاقله‌اش میگیرند .

۷ـ تساوی عضو ، درمقابل‌دست ناقص‌وچلاق‌دست‌سالم قصاص‌نمیشود.

۸ـ تساوی محل جرح، درمقابل‌دست راست دست چپ قصاص‌نمیشود.

۹ـ تساوی‌مساحت، بیش‌از اندازهٔ جراحت‌وارده نمیتوان‌قصاص‌نمود.

۱۰ـ تساوی آلت، اگر باچوب‌جنایت کرده باآهن‌نمیتوان‌قصاص‌نمود.

۱۱ـ شکستن استخوان نباشد ، پس درمقابل استخوان شکسته‌شده دیه میدهد وتعزیر میشود وقصاص نمیشود .

۱۲ـ آلت کشنده نباشد ، پس باوسیلهٔ قتاله‌که مسموم‌کننده یا خفه‌کننده وغیره باشد قصاص ممنوع است .

۱۳ـ خطر تلف‌نباشد، پس باقصاص‌نمودن عضو جانی جانش درمعرض تلف است قصاص نمیشود .

۱٤ـ عفو نشده باشد ، پس اگر رضایت دهد دیـه میگیرد وقصاص ساقط میشود .

۱٥ـ دندان طفل نباشد ، چونکه دندانهای طفل بازمیروید دیه‌میگیرد و درمقابل آن قصاص نمیشود بزرگ .

اقسام دیه‌ها

دیهٔ قتل عمد ازاین قرار است :

۱ــ یا ۱۰۰ صد عدد شتر .

۲ــ یا ۲۰۰ دویست عدد گاو .

۳ــ یا ۱۰۰۰ هزار عدد گوسفند .

٤ــ یا ۲۰۰ دویست عدد لباس کامل .

٥ــ یا ۱۰۰۰ هزار دینار طلا .

٦ــ یا ۱۰۰۰۰ ده‌هزار درهم نقره .

ودیهٔ قتل شبیه عمد ازاین قرار است :

۱ــ یا ۳۳ سی‌وسه شتر دوساله .

۲ــ یا ۳۰ سی شتر سه‌ساله .

ودیهٔ قتل خطا ازاین قرار است :

۱ــ یا ۲۵ بیست وپنج شتر پنجساله .

۲ــ یا ۲۰ بیست عدد شتر شیرده .

اختلاف دیه‌ها

۱ــ دیهٔ مرد مسلمان آزاد = هزار مثقال طلای ۱۸ نخودی یا معادل آن است .

۲ــ دیهٔ مرد مسلمان غیرآزاد = نصف دیهٔ مرد آزاد است .

۳ــ دیـهٔ زن مسلمان آزاد = نصف دیـهٔ مرد آزاد است وجراحاتش یك سوم است .

٤ــ دیـهٔ زن مسلمان غیرآزاد = یك چهارم دیهٔ مرد آزاد است .

٥ــ دیهٔ مرد ذمّی غیر مسلمان آزاد = ۸۰۰ هشتصد درهم نقره است که هر درهم یکمثقال است .

٦ــ دیهٔ مرد ذمّی غیرمسلمان برده = ٤۰۰ چهارصد درهم نقره است.

۷ــ دیهٔ زن ذمیّه غیرمسلمان آزاد = ٤۰۰ چهارصد درهم نقره است.

۸ــ دیهٔ زن ذمیّه غیرمسلمان برده = ۲۰۰ دویست درهم نقره است .

۹ــ دیهٔ قتل‌درماه حرام = بمقداریك‌سوم دیه براصل دیه‌اضافه میشود.

۱۰ــ دیهٔ‌جنین= مراتبی دارد‌که کامل‌الخلقه‌اش صد مثقال طلا است وجان‌دارش دیهٔ کامل زنده .

موارد سقوط دیه

۱ــ کسیکه خودکشی نماید وإنتحارکند دیه ندارد .

۲ــ کسیکه شخص مهاجم را دفع‌کند واورا بکشد دیه‌اش ساقط است.

۳ــ کسیکه مرتّد فطری را بکشد دیه نمی‌پردازد .

٤ــ کسیکه دشنام دهندهٔ به‌پیامبر(ص) وإمام(ع) را بکشد چــون مستحق قتل است دیه ندارد .

٥ــ کسیکه اورا درمقابل قتل عمد قصاص کنند دیه ندارد .

۶ـ کسیکه با حدّ سنگساری کشته شود دیه ندارد .

۷ـ کسیکه محارب وانسان حربی رابکشد که واجب‌القتل است دیه نمیپردازد .

۸ـ کسیکه پدر است وفرزندش‌را بخطا بکشد نه‌عمداً دیه‌براونیست .

۹ـ کسیکه درفشار جمعیّت پایمال شود وبمیرد دیه ندارد .

۱۰ـ کسیکه زنست و درحال جماع در زیر مرد بمیرد بی‌آنکه مرد قصد کشتنش را داشته باشد .

۱۱ـ کسیکه طفل است وبخانهٔ کسی وارد شود وبچاه افتد وبمیرد دیه ندارد .

۱۲ـ کسیکه حیوانی را ازخود دورکند وآن حیوان دیگری‌رابکشد دیه براو نیست .

۱۳ـ کسیکه چهارپائی را بکسی بکرایه وبأجرت دهد پس اورابزمین زند وبمیرد او مقصّر نیست .

۱۴ـ کسیکه خودش‌بادیوانه‌ای طرف‌شود ودیوانه اورابکشدمستحق دیه نیست .

۱۵ـ کسیکه از بلندی بر کسی بیفتد واو کشته شود دیه نمی‌پردازد.

۱۶ـ کسیکه برحذر بدارد دیگرانرا هنگام پرتاب اسلحه یا چیزدیگر را ودیگری اعتنا نکند وبمیرد دیه‌اش ساقط است .

۱۷ـ کسیکه بی‌اجازه داخل خانهٔ شخصی شود وسگ او اورا بکشد دیه‌اش پامال است .

۱۸ـ کسیکه شتر آرام را رهاکند که بچرد وسرکش شود وکسی را بکشد دیه براو نیست .

۱۹ـ مسلمانیکه در نزد کفّار ومشرکین ومحاربین باشد واورا سپرکنند وکشته شود دیه ندارد .

۲۰ـ کسیکه حیوان غیرسرکشی را ازخود دفع‌کند واو سوارخودرا برزمین زند وبکشد ضامن دیه نیست .

دیهٔ جنین

دیهٔ جنین در رحم زن از ابتدای نطفه تاآخر باین ترتیب است :

۱ـ نُطفه = اگر منی در رحم مستقر شود اسقاطش ۲۰ مثقال طلا دیه دارد .

۲ـ علقه = اگر نطفه منعقد گردد وقطعهٔ خون شود اسقاطش چهل مثقال طلا دیه دارد .

۳ـ مُضغه = اگر علقه بقطعهٔ گوشت مُبدل شود اسقاطش شصت مثقال طلا دیه دارد .

۴ـ عظام = اگرمُضغه به‌اسکلت استخوانی مُبدل شود اسقاطش‌هشتاد مثقال طلا دیه دارد .

۵ـ بدن= اگر عظام دارای‌گوشت وپوست شوند اسقاطش صد مثقال طلا دیه دارد .

۶ـ جنین زنده = اگر بدن گوشتی جنین جان‌دار و روح‌دار شود

اسقاطش هزار مثقال طلا دیه دارد پسر و ۵۰۰ مثقال دختر .

۷ـ دوقلو = دو دیه گرفته میشود درهر رتبه که باشد .

۸ـ خنثی = اگر خنثی مؤنث باشد دیه زن واگر مذکّر دیهٔ مرد و اگر مشکله است سه چهارم دیه دارد .

دیهٔ جراحتها

هرگونه زخم وجراحت وارده بربدن انسان نامی ودیه‌ای دارد که اینهایند :

۱ـ حارصه = که پوست کنده شود لیکن‌خون نیاید‌دیه‌اش یک‌شتراست.

۲ـ دامیهٔ = که‌گوشت را ببُرد وخون آید دیه‌اش دو شتر است .

۳ـ باضعه =که گوشت را بشکافد وازهم جداکند دیه‌اش سه‌شتراست.

۴ـ سمحاق = که گوشت را بدرد و بنزدیکی استخوان برسد دیه‌اش چهار شتر است .

۵ـ موضحّه =که گوشت را بشکافد وباستخوان برسد دیه‌اش پنج شتر است .

۶ـ هاشمه =که استخوان راهم خورد کند دیه‌اش ده شتر است .

۷ـ منقله = اگر لازم باشد استخوان شکسته جابجا گردد دیه‌اش پانزده شتر است .

۸ـ مأمومّه اگر کسی استخوان کلّه را بشکند وبنزدیکی مغزسربرسد دیه‌اش سی‌وسه شتر است .

۹ـ دامغه = بخود مغز سرإصابت‌کند اگر نمیرد وناقص نشود دیه‌اش بیش‌از ثلث دیهٔ کامل است .

۱۰ـ جائفه = بجوف شکم ازپهلو یاکمر یاشکم برسد دیه‌اش ثلث دیهٔ کامل است .

۱۱ـ لطم = سیلی‌زدن بصورت اگر سیاه‌کند شش مثقال واگرکبود سه مثقال واگر سرخ یکمثقال ونیم طلا دیه دارد .

۱۲ـ لکم = مشت‌کوبیدن ببدن اگر سیاه کند سه مثقال واگر سبز شود یك مثقال‌ونیم واگر سرخ شود سه چهارم مثقال دیه دارد .

دیهٔ میّت وأعضایش

حرمت جسد میّت مسلمان باید مراعات شود ومثله‌اش حرام است گرچه تشریح طبّی‌باشد ودیهٔ جراحتهای جسد میّت‌که بخود میّت تعلق میگیرد وبرای‌او باید مصرف‌خیرات ومبرّات‌بشودوبورثه نمیرسداینهایند:

۱ـ دیهٔ جداکردن سرمیّت یکصد مثقال ۱۸ نخودی طلا میباشد .

۲ـ دیهٔ بریدن زبان میّت یکصد مثقال ۱۸ نخودی طلا میباشد .

۳ـ دیهٔ بریدن عورت میّت یکصد مثقال ۱۸ نخودی طلا میباشد .

۴ـ دیهٔ بریدن بینی میّت یکصد مثقال ۱۸ نخودی طلا میباشد .

۵ـ دیهٔ کندن یك چشم پنجاه مثقال وهردو یکصد مثقال ۱۸ نخودی طلا میباشد .

۶ـ دیهٔ کندن یك‌گوش پنجاه مثقال وهردو یکصد مثقال۱۸ نخودی

طلا میباشد .

٧ـ دیهٔ کندن یکدست پنجاه مثقال وهردو یکصد مثقال ١٨ نخودی طلا میباشد .

٨ـ دیهٔ کندن یك پا پنجاه مثقال و هردو یکصد مثقال ١٨ نخودی طلا میباشد .

٩ـ دیهٔ بریدن یك انگشت ده مثقال ١٨ نخودی طلا میباشد .

١٠ـ دیهٔ بریدن تمامی انگشتان دست یا پا یکصد مثقال ١٨ نخودی طلا میباشد .

دیهٔ أعضای زنده

١ـ عقل = زایل‌نمودن عقل ودیوانه نمودن‌کسی موجب دیهٔ کامل انسانست .

٢ـ موی‌سر = زایل‌نمودن آن‌که دیگر نروید وکچل شود موجب دیهٔ کامل انسانست .

٣ـ موهای صورت = زایل‌نمودن پلك و ریش وابرو که دیگر نروید موجب دیهٔ کامل انسانست .

٤ـ چشمان = اگر یکی را ازبین ببرد نصف دیه و هردو موجب دیهٔ کامل انسانست .

٥ـ پلکها = نابودکردن پلك بالا موجب ثلث دیه وزیرین نصف دیه است.

٦ـ بینی = اگر قطع شود تمام دیه واگر ناقص شود بنسبت نقص از

دیه محسوب میشود وحسّ بویائی همچنین .

٧ـ بینائی = اگر دوچشم سالم است لیکن بینائی را ازبین ببرد دیهٔ کامل میپردازد .

٨ـ گوشها = اگر یك گوش قطع شود نصف دیه و هردو دیهٔ کامل وبعضی بنسبتش .

٩ـ شنوائی = اگر حسّ شنوائی هردو را ازبین ببرد دیهٔ کامل میپردازد واگر یکی را نصف دیه .

١٠ـ لبها = هردولب را قطع کند دیهٔ کامل ویکی نصف دیه واگر مُنشّق شود ثلث دیه .

١١ـ زبان = اگر قطع شود دیهٔ کامل واگر مقداری ازآن قطع‌شود بنسبتش محسوب میشود .

١٢ـ گفتار = ازبین بردن قدرت تکلّم دیهٔ کامل وضایع شدن بعض مخارج حروف بنسبتش محسوب .

١٣ـ دندانها = همگی را نابودکند دیهٔ کامل وبعضی ازآنها بنسبت تقسیم دیه برآنها محسوب .

١٤ـ گردن = اگر گردن را بشکند دیهٔ کامل واگر معیوب‌کند و ناقص شود بنسبت نقص محسوب .

١٥ـ دستها = هردو دست را اگر قطع کند دیهٔ کامل و یکی نصف دیه دارد .

١٦ـ بندانگشتان = هربند انگشت یك سوم عشر دیه وهرناخن ده

مثقال اگر نروید وپنج مثقال اگر بروید .

١٧ـ انگشتان = اگر تمامی انگشتانرا نابودکند دیهٔ کامل وهریك انگشت یك دهم دیه .

١٨ـ تیرهٔ کمر = اگر بشکند دیهٔ کامل واگر معالجه شود وخوب‌شود صد مثقال طلا دیه دارد .

١٩ـ نخاع = قطع نخاع موجب دیهٔ کامل ومقداری ازآن اگرناقص شود باندازه‌اش محسوب میشود .

٢٠ـ پستان زن = هردو پستان را اگر نابود کند دیهٔ کامل ویکی نصف دیه دارد .

٢١ـ پستان مرد = هردو باهم یك چهارم دیه‌کامل ویکی نصف آن که یك هشتم دیهٔ کامل است ..

٢٢ـ ذکر مرد = از حشفهٔ ببالا تمامی دیـه واگر کمتر بنسبت آن محسوب میشود .

٢٣ـ ذکر عنیّن = ذکر مردیکه اصلاً حرکت ندارد یك سوم دیـهٔ سالم است .

٢٤ـ بیضه‌ها = هردو تخم مرد باهم دیهٔ کامل وهریك نصف‌دیه‌دارد.

٢٥ـ فرج زن = هردولب فرج را نابودکند دیهٔ کامل ویك طـرف نصف دیه دارد .

٢٦ـ إفضای زن = مخارج بول وغایط اگر یکی شود دیهٔ‌کامل دارد.

٢٧ـ نشیمنگاه = هردو دنبه نشیمنگاه باهم دیهٔ کامل ویکی ازآنها

نصف دیه .

٢٨ـ پاها = هردو پا دیـهٔ کامل ویك پا نصف دیـه وأجزای آن بنسبتش محسوب .

٢٩ـ دنده‌ها = دنده‌های سینه‌که بقلب متّصلند هریکی بیست و پنج مثقال وسایر دنده‌ها هریك ده مثقال .

٣٠ـ شانه‌ها = هردوشانه باهم موجب دیهٔ کامل ویکی‌که معالجه‌شود وخوب شود چهل مثقال طلا .

٣١ـ عُصعُص=استخوان‌مقعد اگر بشکند ونتواند از غایط‌جلوگیری کند دیهٔ کامل دارد .

٣٢ـ بکارت = اگر بکارت دختری را ازبین ببرد موجب مهرالمثل زنهای خویشاوند اوست .

٣٣ـ مثانه = اگر کسی مثانه کسی را پاره کند موجب دیهٔ‌کامل‌است.

٣٤ـ اگر کسی میان دوعورت کسی بزندکه نتواند دیگر از ادار و غایط جلوگیری کند موجب دیهٔ کامل است .

٣٥ـ اگر کسی شکم کسی را لگدکند تا خودرا نجس‌کند یك سوم دیه باید بپردازد .

٣٦ـ کسیکه عضوی را بشکند وخوب‌شودیك پنجم دیه آنرا میپردازد واگر جزئی ازعضو کسی را معیوب سازد یك سوم دیهٔ آنرا میپردازد .

مواردیکه دیه برعاقله نیست

عاقله که دیهٔ جنایت خطا را میپردازد درچند مورد از پرداخت آن مُعاف است :

۱ـ زنان عاقله ، اگر عَصبهٔ جانی زن باشد مانند عمّه ودختر عمو و غیره برآنان چیزی نیست .

۲ـ عَصبهٔ نابالغ ، اگر خویشاوندان پدری بحّد بلوغ نرسیده باشند برآنان چیزی نیست .

۳ـ عاقلهٔ بی‌عقل ، اگــر عاقلهٔ جانی چه عصبه وغیره دیوانه باشند برآنان چیزی نیست .

٤ـ جنایت عمد، اگر ثابت شودکه‌جانی عمداً جنایت‌نموده برعاقله‌اش چیزی نیست .

۵ـ إقرار جانی ، اگر جانی إقرار بجنایت عمدی‌کند نزد حاکم‌شرع برعاقله‌اش چیزی نیست .

٦ـ تصالح جانی ، اگر جانی بااولیای مقتول بردیه مصالحه‌کند برـ عاقله‌اش چیزی نیست .

۷ـ جانی ذمّی ، اگر جانی ازأهل ذمّه وکتابی باشد ومالی نداشته باشد ولّی مسلمین از بیت‌المال میپردازد .

۸ـ جروح خفیفه ، اگرجنایت جانی‌کمتر از زخم موضّحه باشد دیه برخو داوست نه برعاقلهٔ او .

۹ـ جنایت برخود ، اگر جانی إشتباهاً برخــودش جنایت‌کند ربطی به عاقله‌اش ندارد .

۱۰ـ جنایت حیوان ، اگر حیوان‌کسی مرتکب‌جنایتی‌شود دیه‌برمالك حیوان است نه برعاقلهٔ او .

۱۱ـ إتلاف مال ، اگر جانی مال‌کسی را تلف‌کند خودش ضامن است نه عاقله‌اش .

۱۲ـ جانی برده ، برده‌گان هرجنایتی را مرتکب شوند دیه برخودشان است نه برآقایانشان وعاقله‌شان .

٣٢١

خاتمه

در چند موضوع فقهی

قال‌الله عزوجل :

(ختامه مسك وفى ذلك فليتنافس المتنافسون)

سورهٔ مطففين آيه ۲۶

چند کتاب فقهی

کسیکه بخواهد إطّلاع کامل ازفروع فقهی بیابد باین کتابها مراجعه نماید :

١ــ الخلاف شیخ طوسی قدّس سرّه .

٢ــ المبسوط شیخ طوسی قدس سرّه .

٣ــ النّهایة شیخ طوسی قدس سرّه .

٤ــ جامع المقاصد شیخ حرّ عاملی قدّس سرّه .

٥ــ اللمعة الدّمشقیه شیخ شهید اول قدّس سرّه .

٦ــ الرّوضة البهیّه شیخ شهید ثانی قدّس سرّه .

٧ــ المکاسب شیخ مرتضی أنصاری قدّس سرّه .

٨ــ شرایع الإسلام شیخ محقّق حلّی قدّس سرّه .

٩ــ جواهر الکلام شیخ صاحب جواهر شیخ حسن نجفی قدس سرّه .

١٠ــ مستمسک العروة سیّد محسن حکیم طباطبائی قدس سرّه .

١١ــ مبانی تکملة المنهاج سیّد ابوالقاسم خوئی مدّظلّه .

١٢ــ محاضرات سیّد محمد هادی میلانی قدس سرّه .

(چاپ ایران.

١٣ــ تحریر الوسیله سیّد روح الله خمینی مدّظلّه العالی .

١٤ــ عروة الوثقی سیّد محمد کاظم یزدی قدس سرّه .

١٥ــ السرائر شیخ ابن إدریس قدس سرّه .

١٦ــ التذکره شیخ علّامهٔ حلّی قدس سرّه .

١٧ــ التبصره شیخ علّامهٔ حلّی قدس سرّه .

١٨ــ الأشباه والنّظائر شیخ یحیی ابن سعید هذلی قدس سرّه .

چند کتاب حدیث

١ــ نهج البلاغه امیر المؤمنین علیه السلام .

٢ــ کافی شیخ کلینی قدس سرّه .

٣ــ تهذیب شیخ طوسی قدس سرّه .

٤ــ إستبصار شیخ طوسی قدس سرّه .

٥ــ من لایحضره الفقیه شیخ ابن بابویه قدس سرّه .

٦ــ وسائل الشیعه شیخ حرّ عاملی قدس سرّه .

٧ــ مستدرک الوسائل شیخ میرزای نوری قدس سرّه .

٨ــ بحار الأنوار شیخ مجلسی قدس سرّه .

٩ــ کامل الزیّارة شیخ ابن قولویه قدس سرّه .

١٠ــ دعائم الإسلام شیخ قاضی نعمان قدس سرّه .

١١ــ تحف العقول شیخ ابن شعبه قدس سرّه .

١٢ــ بصائر الدرجات محمد بن الحسن صفار قدس سرّه .

١٣ــ إختصاص شیخ مفید قدس سرّه .

١٤ــ کتاب سلیم بن قیس هلالی قدس سرّه .

١٥ــ عیون ومحاسن شیخ برقی قدس سرّه .

١٦ــ أمالی شیخ صدوق قدس سرّه .

١٧ـ قرب‌الأسناد شیخ حمیری قمّی قدس سرّه .

١٨ـ أشعثیّات محمدبن محمّد الأشعث قمی قدس سرّه .

١٩ـ جامع أحادیث‌الشیعه آیةالله بروجردی قدس سرّه .

تألیفات نگارنده

١ـ تقریرات خارج فقه آیةالله خوئی خطّی عربی .

٢ـ تقریرات خارج أصول آیةالله خوئی خطّی عربی .

٣ـ تفسیر أهل‌البیت (ع) خطّی عربی .

٤ـ معجم‌المصطلحات الکلامّیة عندالإمامیّه خطّی عربی .

٥ـ معجم‌المصطلحات الأصولیه خطّی عربی .

٦ـ ألخلاصة‌لفقه الشّیعةالإمامّیة خطّی عربی .

٧ـ ألبلاسم فی‌حلّ‌الطّلاسم = فلسفۀ منظوم = خطّی عربی .

٨ـ هفوات‌العظمآء = اشتباههای بزرگان = خطّی عربی .

٩ـ الدّیوان‌النّصیری = سروده‌های عربی خود = خطّی عربی .

١٠ـ دیوان نصیر = شعرهای فارسی خود = خطّی فارسی .

١١ـ خلاصةالفقه همین کتاب .

١٢ـ راهنمای ولایت خطّی فارسی .

١٣ـ داستان از مردان = داستانهای رجال خوئی = خطّی فارسی .

١٤ـ سنّت وتسنّن = در أحادیث مجعولۀ صحاح ستّه = خطّی فارسی.

١٥ـ أصول دین وفروع دین از قرآن خطّی فارسی .

١٦ـ جفر محمّدی = علوم غریبه = خطّی فارسی .

١٧ـ السّنة فی‌أعمال‌السّنه = أعمال مستحب ایّام سال = خطی عربی.

١٨ـ بشارت به‌بشریّت = درعلائم ظهور = خطّی فارسی .

١٩ـ أبوذرالصّدیق خطّی عربی .

٢٠ـ قصّه‌الإنسان من‌البدء إلی‌الأبد خطّی عربی .

٢١ـ آخرین پیام پیامبر (ص) خطّی فارسی .

فهرست أبواب کافی

عناوین مطالب کتاب کافی اینهایند :

جزء اول شامل چهارباب است = کتاب =

١= کتاب‌العقل والجهل، خرد ونادانی .

٢ـ کتاب فضل‌العلم ، فضیلت دانش .

٣ـ کتاب التّوحید ، یکتاپرستی .

٤ـ کتاب الحجّة ، حجّت بودن إمامان (ع) .

جزء دوم شامل چهارباب است :

١ـ کتاب الإیمان والکفر ایمان وکفر .

٢ـ کتاب الدّعاء نیایش .

٣ـ کتاب فضل‌القرآن ـ ثواب قرآن .

٤ـ کتاب العشرة ـ رسم زندگی .

جزء سوم شامل پنج باب است :

۱ـ کتاب الطّهاره وضو وغسل وتیمّم .

۲ـ کتاب الحیض عادت زنان .

۳ـ کتاب الجنائز أحکام أموات .

۴ـ کتاب الصلاة نماز .

۵ـ کتاب الزّکاة زکات .

جزء چهارم شامل سه‌باب است :

۱ـ تتمّه الزکات بقیهٔ زکات .

۲ـ کتاب الصّیام روزه .

۳ـ کتاب الحجّ حجّ وعمره .

جزء پنجم شامل سه باب است :

۱ـ کتاب الجهاد جهاد .

۲ـ کتاب المعیشه برنامهٔ اقتصادی .

۳ـ کتاب النکاح ازدواج .

جزء ششم شامل نه باب است :

۱ـ کتاب العقیقه عقیقه نوزاد .

۲ـ کتاب الطّلاق طلاق .

۳ـ کتاب العتق والتدبیر ـ آزادی از بردگی .

۴ـ کتاب الصیّد شکار .

۵ـ کتاب الذّبائح گوشتهای حلال .

۶ـ کتاب الأطعمة خوراکیها .

۷ـ کتاب الأشربه آشامیدنیها .

۸ـ کتاب الزّی والتجمّل آرایش وپوشش .

۹ـ کتاب الدواجن مرغداری .

جزء هفتم شامل هفت باب است :

۱ـ کتاب الوصایا وصیّتها .

۲ـ کتاب المواریث ارثها .

۳ـ کتاب الحدود حدّ شرعی وقصاص .

۴ـ کتاب الدّیات دیه‌ها .

۵ـ کتاب الشهادات ـ گواهی شرعی .

۶ـ کتاب القضاء قضاوت .

۷ـ کتاب الإیمان والنّذور سوگند ونذر .

جزء هشتم که روضهٔ کافی است .

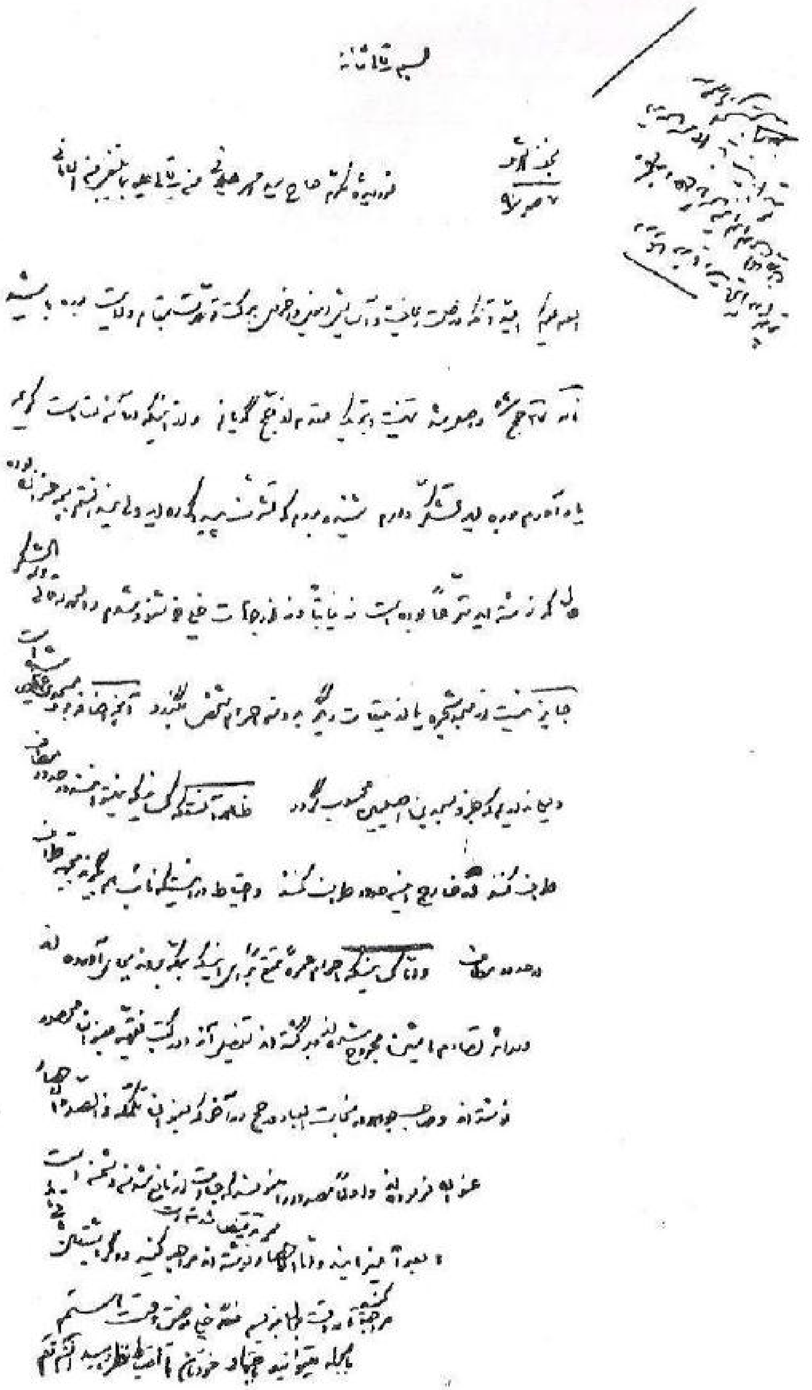

مرقومهٔ شریفه فقهی

مرحوم آیت‌الله‌العظمی
آقای حاج سیّدمحمّدهادی حسینی‌میلانی قدس‌سرّه به‌نگارنده

بسم‌الله تعالی شأنه

نجف اشرف ـ ۷ صفر ۹۰

نوردیدهٔ مکرّم حاج سیّد محمّد میلانی من‌الله تعالی علیه‌بمایبتغی من‌الأمانی : السلام علیکم ، امید آنکه درصحّت وعافیت وآسایش دنیوی وأخروی ببرکت توسّلات بمقام ولایت بوده باشید نامهٔ ۲۷ ذیحجه ۸۹/ واصل شد تهنیت وتبریک مقدم از حج گویانم واز اینکه درآن مقامات کریمه یاد آورم بوده‌اید تشکّر دارم .

شنیده‌بو دم‌که تشرّف پیدا کرده‌اید ولی نمیدانستم بچه عنوان بوده حال که نوشته‌اید تبرّعاً بوده است نه نیابتاً ونه از وجوهات خیلی‌خوشنود شدم والحمدلله تعالی وله‌الشّکر .

[جایز نیست‌ازمسجد شجره یاازمیقات‌دیگر بدون‌إحرام شخص‌بگذرد]

[آنچه إضافه برمسجدین عظیمین شده‌است دلیلی نداریم‌که جزو مسجدین أصلیّین محسوب گردد .

[ظاهر آنست‌که کسانیکه نمیتوانند درحدود مطاف طواف‌کنند از خارج این حدود طواف‌کنند وإحتیاط دراین است‌که نائب هم بگیرند

بجهت طواف در حدود مطاف] .

[وأمّا کسانیکه إحرام عمرهٔ تمتّع را برای اینکه بمکّه بروند بجای آورده‌اند و دراثر تصادم ماشین مجروح شده‌اند وبرگشته‌اند تفصیل آن را در کتب فقهیّه بعنوان محصور نوشته‌اند] [وصاحب جواهر درنجاة العباد درحجّ درآخر که بعنوان تکملة فی الصدّ والإحصار عنوان فرموده‌اند و أولاً مصدور رامینویسند که عبارت ازمانع شدن دشمن است] [وبعداً میفرمایند: و امّا الإحصار ـ که مریض شدن است ـ نوشته‌اند مراجعه کنید واگر اشتباهی باقی ماند مراجعه کنید تا در وقت مجال بنویسم] فعلاً خیلی در ضیق وقت هستم] بالجمله میتوانید باجتهاد خودتان با إحتیاط نظر دهید إنشاءالله تعالی] در دعاوزیارت یادآورم شوید وهکذا علی قبر الوالدین الماجدین قدس سرّهما نیابت نمائید . سید محمّدهادی الحسینی المیلانی.

وظایف امّت نسبت بامام (عجّ)

فقهای عظام قدّس الله أسرارهم وظایف أمّت را نسبت بامام زمان ارواحنافداه چنین نوشته‌اند :

۱ـ حالت انتظار واقعی داشتن که افضل عبادات است وإنتظار الفرج من الفرج .

۲ـ دعانمودن برای تعجیل فرج آنحضرت درنمازها ودعاها وتوسّلات.

۳ـ تسلیم ورضا بغیبت هرچند بدرازا بکشد وچون وچرا ننمودن .

٤ـ دعانمودن صبح وشام وهمیشه باین دعا بسم الله الرّحمن الرّحیم اللهمّ کن لولیك الحجة بن الحسن المهدی صلواتك علیه وعلی آبائه فی هذه الساعة وفی کلّ ساعة ولیّاً وحافظاً وقائداً وناصراً ودلیلاً وعیناً حتّی تسکنه أرضك طوعا وتمتّعة فیها طویلا .

۵ـ صدقه دادن برای سلامتی وجود مبارك آنحضرت .

٦ـ برخاستن باحترام هنگام لقب مبارك قآئم بُردن وشنیدن .

۷ـ خواندن صلوات مأثوره و درود فرستادن برآنحضرت .

۸ـ زیارت نمودن وسلام فرستادن از دور به‌آنحضرت .

۹ـ تشرّف بمقامهای منسوبه بآنحضرت مانند حرمهای مطهّره و سرداب غیبت وجمکران وسهله .

۱۰ـ در حوائج ومشکلات وگرفتاریها متوسّل شدن بذیل عنایت آنحضرت .

۱۱ـ تسلیم نمودن حقوق وسهم مبارك وتأخیر ننمودن در أدای حقّ آنحضرت .

۱۲ـ آماده ومهیّا بودن برای إمتثال امر وفرمان آنحضرت .

۱۳ـ مهیّا ساختن أسلحه ووسایل جهاد برای یاری ونصرت آنحضرت.

۱٤ـ دعوت مردم بویژه خویشاوندان ونزدیکانرا بگرویدن به آنحضرت.

۱۵ـ ازخدا خواستن اینکه توفیق ولیاقت دهد ومارا ازیاران آنحضرت قرار دهد .

۱٦ـ دوستی ومودّت وهمبستگی واتحاد ووحدت نمودن با عاشقان و یاران آنحضرت .

۱۷ـ تجدید عهد وبیعت نمودن بویژه باخواندن دعای عهد مأثور هرچند وقتی باآنحضرت .

۱۸ـ دشمنی وعداوت ومبارزه نمودن با دشمنان ومخالفان آنحضرت.

۱۹ـ زمینه‌سازی برای حکـومت جهانی آنحضرت وقیام و انقلاب جهانی آنحضرت .

۲۰ـ دعوت تمامی مردم جهان وبشارت دادن آنان بحکومت عدل و مساوات آنحضرت که یگانه منجی عالم بشریّت است که یملاءها قسطاً وعدلاً بعد ماملئت ظلماً وجورا . عجّل الله تعالی فرجه .

قواعد فقهی

درفقه شیعه چندین قاعدهٔ مسلّمه هست که مورد تمسّك فقهاست از این قبیل :

۱ـ قاعدهٔ ـ یَد ، هرکس هرچه دردست تملّك دارد مالك آنست مگر خلاف آن ثابت شود .

۲ـ قاعدهٔ ـ من ملك ، هرکس مالك هرچیزی که هست إقرار مربوط بآن راهم مالك است .

۳ـ قاعدهٔ ـ إمکان ، تا وقتیکه إمکان داشته باشد خـون زن حیض محسوب شود حکم آنرا دارد .

٤ـ قاعدهٔ ـ لاضَرر ، کسی حقّ ضرر زدن بدیگری را ندارد وهر موردیکه عبادت ضرری شود تکلیف ساقط است .

۵ـ قاعدهٔ ـ نفی السّبیل، بفرمودهٔ : لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلا ، کافر حقّ تسلّط برمسلمان را ندارد .

٦ـ قاعدهٔ ـ إصالة الصّحة ، تمامی أعمال مسلمانان إبتداءً محکـوم بصّحت است بلکه إستصحاباً هم مگر خلافش ثابت شود .

۷ـ قاعدهٔ ـ غرور ، کسیکـه دیگری را إغفال نماید وضرری باو رساند ضامن آن میشود .

۸ـ قاعدهٔ ـ فراغ وتجاوز ، پس از گذشتن وقت وتجاوز ا زمحلّ عبادت شك نمودن أثری ندارد .

۹ـ قاعدهٔ ـ حرمت إعانت ، حرام بودن کمك ویاری‌نمودن بر إثم وگناه وهمکاری برمعصیت و حرام .

۱۰ـ قاعدهٔ ـ إشتراك ، هرحکمی‌که عمومی باشد درشرع تمامی مکلّفین درآن مشترکند .

۱۱ـ قاعدهٔ ـ إتلاف ، هرکس مال دیگری را تلف‌کند بی‌رضایت و إذنش ضامن آنست .

۱۲ـ قاعدهٔ ـ عدم ضمان أمین ، کسیکه أمانت داراست اگـر مال امانت در دستش تلف شود بی‌تقصیر ضامن نیست .

۱۳ـ قاعدهٔ ـ مایضمن بصحیحه یضمن بفاسده ، آن مالی‌که تصرّف درجنس سالم آن موجب ضمان است غیرسالمش هم چنین است .

۱٤ـ قاعدهٔ ـ أجرت گرفتن برواجبات ، مشروع بودن أجرت‌گرفتن برواجبات غیر عینی واجیرشدن برآنها .

۱۵ـ قاعدهٔ ـ حجّیت بیّنه ، دربارهٔ هرموضوعیکه دوشخص عادل شهادت دهند ثابت میشود .

۱٦ـ قاعدهٔ ـ إقرار عقلا ، إقرار هرشخص عاقل دربارهٔ خـودش حجّت است مگر جدّی نباشد.

۱۷ـ قاعدهٔ ـ عقود تابع مقصودند ، قراردادها همانگونه که هنگام عقد قصد شده‌اند واقع میشود .

۱۸ـ قاعدهٔ ـ المؤمنون عند شروطهم، مؤمنان پایبند شرطهائی‌هستند که ضمن عقدها قرارداده‌اند .

۱۹ـ قاعدهٔ ـ إنحلال‌العقود، بسا مواردیکه عقدها منحلّ‌وفسخ گردند.

۲۰ـ قاعدهٔ ـ ألبیّنة علی‌المدّعی ، درهر مخاصمه مدّعی باید دو شاهد عادل بیاورد .

۲۱ـ قاعدهٔ ـ لاتُعاد ، سهوونسیان موجب إعادهٔ نماز نیست مگر در طهارت وقبله ووقت وأرکان .

۲۲ـ قاعدهٔ ـ الإسلام یجبّ ماقبله ، تـازه مسلمان مـکلّف بقضای عبادتهای زمان گذشته نیست .

۲۳ـ قاعدهٔ ـ القُرعة لکلّ أمر مشکل ، درهرموردیکـه تشخیص موضوع مشکل شود قُرعه حلّ مشکل میکند .

۲٤ـ قاعدهٔ ـ عُسر وحَرَج ، هرتکلیفیکـه موجب عسر وحرج و مشقّت غیرقابل تحمّل شود ساقط میشود .

۲۵ـ قاعدهٔ ـ ولایةالفقیه ، درزمان غیبت فقیه جامع‌الشرائط ولایت برامور حسبیّه ومصالح اسلام ومسلمین دارد .

۲٦ـ قاعدهٔ ـ إصالة عدم‌التّداخل ، هرسببی‌که موجب حکمی‌مستقّل است جدا از سبب دیگری‌که موجب حکم دیگر است .

۲۷ـ قاعدهٔ ـ یحرم بالرضاع مایحرم بالنّسب ، آنچه‌که بوسیلهٔ نسب محرمیّت دارد بوسیلهٔ شیرخوردن هم موجب محرمیّت است .

۲۸ـ قاعدهٔ ـ الفراش ، درصورت إمکان عقلی وشرعی فرزند متولّد از زن فرزند شوهر اوست .

۲۹ـ قاعدهٔ ـ المیسور، آنچه‌که قسمتی ازآن درحدّ قدرت انسان

است ساقط نمیشود بجهت مقدور نبودن برتمامی آن .

٣٠ـ قاعدهٔ ـ الإحسان، کسیکه احسان کند بدیگری لیکن اومتضرّر شود تصادفاً أز إحسانش آنکس مؤاخذه نمیشود .

٣١ـ قاعدهٔ تسامُح در أدلّهٔ سُنن ، آنچه از مستحبّات روایت شده بصرف نظر ازسند بأمید ثواب عمل میشود .

٣٢ـ قاعدهٔ ـ شرط فاسد مُفسد نیست ، درعقد صحیح شرعی اگـر شرط فاسدی بیاید خود عقد فاسد نمیشود .

٣٣ـ قاعدهٔ حُجیّت بازار مسلمانان ، آنچه که از بازار مسلمانان بدست میآید محکوم بطهارت وحلّیت است .

٣٤ـ قاعدهٔ ـ مشروعیّت عبادات بچّه ، طفل‌ممیّز نمازها و روزه‌ها و حجّ وعبادتهایش مشروع است .

٣٥ـ قاعدهٔ ـ الزّعیم غارم ، کسیکه دیگری را ضامن میشود ازجانب او مورد ضمانت را باید بپردازد .

٣٦ـ قاعدهٔ ـ الوصیّة حقّ لکلّ مسلم ، هرمسلمانی حق دارد وصیت کند وباید وصیتش إجرا شود .

٣٧ـ قاعدهٔ ـ الشّفعة جائزه ، درمواردیکه انسان حق شفعه داردمانند شرکت شفعه مشروع است .

٣٨ـ قاعدهٔ ـ لارهن إلامقبوض ، گرونهادن شرطش قبض‌نمودن و دراختیار داشتن گروگان است .

٣٩ـ قاعدهٔ ـ الوقوف علی ماوقفت ، باموقوفه‌ها باید طبق وقفیّت

واقف عمل شود .

٤٠ـ قاعدهٔ ـ علی الیدما أخذت ، هردستی که چیزی راگرفته بایـد خودش پس دهد آنرا .

٤١ـ قاعدهٔ ـ إصالة الطّهاره ، هرچه راکه علم بنجاستش نداریم محکوم بطهارت است .

٤٢ـ قاعدهٔ ـ إصالة عدم التذکیة، هرحیوانیکه یقین بتذکیه‌اش نداریم خوردنش حرام است .

٤٣ـ قاعدهٔ ـ النّاس مسلّطون ، مردم إختیار جان ومال وناموس خودرا دارند .

٤٤ـ قاعدهٔ ـ الطّلاق بیدمن أخذبالسّاق ، طلاق فقط در دست‌شوهر شرعی زن است .

٤٥ـ قاعدهٔ ـ إلزام ، که پیروان مذاهب و أدیان دیگر مُلزم بأحکام مذهبشان هستند .

ونسبت بمذاهب إسلامی جهت مزید فایده بعض موارد قاعدهٔ إلزام را هم درج مینمایم :

موارد قاعدهٔ الزام

١ـ إطاعت از ولیّ فقیه

چون إطاعت از هرولیّ آمر را واجب‌میدانند ملزم هستند باطاعت از ولیّ فقیه شیعهٔ جعفری .

۲ـ عَدم رجوع ازطلاق ثلاثی

چون طلاق سه‌گانه دریك مجلس را جایز میدانند حقّ رجوع پس‌از آنرا ندارند گرچه درنزد ما رجوع جایز است .

۳ـ إلزام بطلاق بی‌شاهد

باآنکه طلاق بی‌دوشاهد باطل است لیکن آنان ملزم میشوند بـه‌آن گرچه پشیمان شوند وزن جدا میشود .

۴ـ عُصبهٔ شیعه إرث میبرند

درنزد ما عُصبه إرث نمی‌برنـد لیکـن عصبهٔ آنان شیعه باشند إرث می‌برند وملزم بآن هستند .

۵ـ نکاح مطلّقهٔ آنان

نکاح مطلّقهٔ درحیض یاپاکی‌مواقعه باطل‌است لیکن چون‌آنان شرط نمیدانند زنهای مطلّقه درحیض وطهر مواقعهٔ آنان برای ما حلال‌اند .

۶ـ الدّابة للرّاکب

اگر شخصی ازما برمرکبی سوارباشد ویایکی ازآنان دربارهٔ تملّك مرکب نزاع‌کند مالك آن میشود چون فقه آنان همین است .

۷ـ سقوط خیار مجلس

چون آنان قائل بخیار مجلس نیستند لذا درمجلس معاملـه باما حق

خیار مجلس ندارند وما داریم .

۸ـ لاضمان لمنفعةالغصب

کسی ازما مالیراکه دارای منفعت‌است ازآنان غصب‌کند گرچه‌چندین سال ضامن منفعت نمیشود هرچه باشد .

۹ـ شفعهٔ جوار

اگر همسایهٔ ملك وزمین آنان شخصی ازما باشد حقّ شفعه بالجوار دارد گرچه درنزد ما چنین شفعه‌ای نیست .

۱۰ـ طلاق تعلیقی

اگر یکی ازآنان زنش را بطلاق تعلیقی‌که نزد ما باطل است طـلاق دهد اورا تزویج میکنیم زیراکه آنان جایز میدانند .

۱۱ـ ضمان عاریهٔ منقول

اگر چیز منقولی را بعاریت بگیرند وتلف شود ضامن قیمتش هستند گرچه باعدم تفریط ما ضامن نمیدانیم .

۱۲ـ فساد بیع غیر مقبوض

اگر جنسی را خریدیم وقبض نکرده به‌یکی ازآنان فروختیم مالك‌آن نمیشود چون این بیع را فاسد میدانند .

۱۳ـ بطلان بیع متبعّض‌الصفقه

اگر مثلاً گوسفند وخوکی را باهم از آنان خریداری نمائیم مالك

قیمتش نمیشوند وحق إدعّای ثمن ندارند چون معامله را باطل میدانند .

١٤ـ شرکت أبدان

اگر کسی ازما باآنان درشرکت أبدان شرکت کند ملزم هستند حق الشرکه را بپردازند گرچه ما جایز نمیدانیم .

١٥ـ إنتفای حقّ نفی ولد

آنان بهیچوجه نمیتوانند نفی ولـد کنند حتی باعدم دخول وإنزال بلکه بامرور چهارسال پس‌از دخول باآنکه قطعاً ولد نیست .

١٦ـ ضمان مجهول

ضامن‌شدن آنچه کـه معلوم نیست نزد ما باطل است لیکن اگر آنان آنچه که برذمهٔ شخصی ازماست ضامن شوند باید همه را بپردازند .

١٧= إستحقاق حدّ

اگر مردوزنی متّهم بزنا شوند ومدّعی شوند که متعه نموده‌اند نزد ما پذیرفته است لیکن اگر آندو ازما نباشند حدّ برآنان جاری میشودچون بمتعه قائل نیستند .

أشهَر فقهای شیعه

شمارش فقهای عظام شیعه ازچندین هزار بیشتر است لیکن أشهرفقهاء ازاین قرارند وچون‌جنبهٔ شهرت به‌فقاهت مقصوداست لذا ازحکمای إلهی وعلمای مشهور بأصول وکلام وهیئت وغیره سخنی درمیان نیست .

أ = فقهای صدر إسلام

در دوران صدر اسلام وصحابهٔ پیامبر اکرم (ص) از تمامی أصحاب أفقه وأشهر اینهایند :

١ـ حضرت أمیرالمؤمنین علی‌بن ابیطالب علیه‌السلام که پس‌ازرسول اکرم أفقه بشر هستند .

٢ـ حضرت صدیقهٔ زهرا سلام‌الله علیها که أفقه مردم پس‌از علی (ع) میباشند .

٣ـ حضرت إمام حسن‌مجتبی (ع) که پس‌از جدّ وپدر ومادر ازتمامی مردم أفقهند .

٤ـ حضرت إمام حسین علیه‌السلام که پس‌از جدّ وپدر ومادر وبرادر ازتمامی مردم أفقهند .

٥ـ سلمان محمّدی ـ فارسی (رضی) ـ کـه فقه را از پیامبر (ص) و أمیرالمؤمنین وصدیقهٔ زهرا آموخت .

٦ـ عبدالله بن‌عبّاس (رضی) کـه فقه‌را از پیامبر و امیـرالمومنین و

صدیقه زهرا (ع) آموخت .

٧ـ علیّ بن أبی رافع (رضی) که فقه را از پیامبر (ص) وأمیر المؤمنین (ع) فرا گرفت ونوشت .

ب ـ فقهای دوران تابعین

١ـ حضرت زین العابدین علیّ بن الحسین (ع) إمام چهارم که از همهٔ أهل زمان افقه وأشهر میباشد .

٢ـ سعید بن المسیّب که از إمام علی بن الحسین (ع) فقه را آموخت رحمة الله علیه .

٣ـ أبوخالد کابلی که از إمام علیّ بن الحسین (ع) فقه را آموخت رحمة الله علیه .

٤ـ قاسم بن محمد بن أبی بکر که از إمام علی بن الحسین (ع) فقه را آموخت رحمة الله علیه .

٥ـ ثابت بن هرمز أبوالمقدام که از إمام علیّ بن الحسین (ع) فقه را آموخت رحمة الله علیه .

٦ـ سعید بن جُبیر که از إمام علیّ بن الحسین (ع) فقه را آموخت رحمة الله علیه .

ج ـ دوران إنتشار مذهب

١ـ حضرت إمام محمد بن علی (ع) باقر علوم الأولّین والآخرین ناشر فقه آل محمد (ع) .

٢ـ حضرت إمام جعفر بن محمد الصّادق (ع) رئیس مذهب وأستاد و مُربّی فقها که چهار هزار نفر بودند .

٣ـ زید بن علیّ بن الحسین شهید که زیدیّه أورا إمام خود میدانند .

از شاگردان حضرت صادق (ع) که شیعه نیستند أبوحنیفه است که گفته لولا السّنتان لهلك النّعمان ـ که دوسال تلمّذ داشته .

د ـ أفقه الأولّین

أشهر فقهآء شیعه از شاگردان حضرت امام صادق (ع) وحضرت امام باقر (ع) أفقه الأولّین نامیده میشوند .

١ـ زرارة بن أعین رضوان الله علیه .

٢ـ معروف بن خربوذ رضوان الله علیه .

٣ـ أبوبصیر أسدی رضوان الله علیه .

٤ـ فُضیل بن یسار رضوان الله علیه .

٥ـ محمّد بن مسلم طائی رضوان الله علیه

٦ـ بُرید عجلی رضوان الله علیه .

٧ـ أبوبصیر لیث مرادی رضوان الله علیه .

هفت فقیه دیگر از شاگردان حضرت صادق (ع) از سایرین أفقهند باین ترتیب :

١ـ جمیل بن درّاج رحمة الله علیه .

٢ـ عبدالله بن مسکان رحمة الله علیه .

۳ــ عبدالله‌بن بُکَیر رحمة‌الله علیه .

٤ــ حمّادبن عیسی رحمة‌الله علیه .

٥ــ حمّادبن عثمان رحمة‌الله علیه .

٦ــ أبان‌بن عثمان رحمة‌الله علیه .

۷ــ علیّ‌بن أبی‌حمزه بطائنی رحمة‌الله علیه مؤلّف جامع أبواب‌الفقه .

هـ ــ أفقه‌الآخرین

پس‌از أفقه‌الأولّین أشهر شاگردان حضرت کاظم (ع) وإمام‌رضا (ع) أفقه‌الآخرین نامیده میشوند :

۱ــ یونس‌بن عبدالرّحمن رحمة‌الله علیه .

۲ــ صفوان‌بن یحیی بیّاع سابری رحمة‌الله علیه .

۳ــ محمّدبن أبی عمیر رحمة‌الله علیه .

٤ــ عبدالله‌بن مغیره رحمة‌الله علیه .

٥ــ حسن‌بن محبوب رحمة‌الله علیه .

٦ــ احمدبن ابی‌نصر رحمة‌الله علیه .

۷ــ حسن‌بن علیّ‌بن فضّال رحمة‌الله علیه .

۸ــ فضالة‌بن ایّوب رحمة‌الله علیه .

۹ــ محمّدبن معافی ابن‌جعفر رحمة‌الله علیه صاحب شرایع‌الایمان .

۱۰ــ سعدبن عبدالله أشعری قمّی رحمة‌الله علیه صاحب کتاب ألرّحمة در فقه .

إجماع طائفه براین است‌که این فقهاء را ازهرحیث موثّق ومُعتبر میدانند بلکه برصحّت آنچه‌که آنان به‌إمامان نسبت داده‌اند متّفقند وچند فقیه از اصحاب إمام هادی (ع) وعسکری (ع) هم ازجملهٔ أفقه‌الآخرین‌اند:

۱ــ شیخ فضل‌بن شاذان نیشابوری قدس‌سرّه که حضرت هادی (ع) کتابش را پسندیدند .

۲ــ علی‌بن مهزیار اهوازی وکیل ونائب آندو حضرت وتشرّف‌یافته بمحضر إمام زمان (ع) .

۳ــ محمّدبن علی‌بن محبوب أشعری قمّی شیخ قمییّن صاحب‌کتاب الجامع درفقه .

٤ــ محمدبن عیسی‌بن عُبید یقطینی‌که إبن‌شاذان وإبن‌محبوب از او روایت مینمایند .

٥ــ جناب سیّد محمّد سبع‌الدجیّل‌فرزند حضرت هادی (ع) وعُموی إمام زمان صاحب‌کرامات مشهوره .

و ــ فقهآء متقدّمین

پس‌از دوران أفقه‌الآخرین وشاگردان إمامان (ع) دوران فقهآء متقدّمین است‌که أشهر إینهایند :

۱ــ شیخ عثمان‌بن سعید (رضی) نائب‌اول خاص حضرت ولیّ عصر عجّل‌الله فرجه‌الشّریف .

۲ــ شیخ محمدبن عثمان (رضی) نائب دوم خاص حضرت ولیّ عصر

عجّل الله فرجه الشّريف .

٣ـ شيخ حسين بن روح (رضی) نائب سوم خاص حضرت ولیّ عصر عجّل الله فرجه الشّريف .

٤ـ شيخ علیّ بن محمد سُمری (رضی) نائب چهارم خاص حضرت ولیّ عصر عجّل الله فرجه الشّريف .

٥ـ شيخ مفيد محمّد بن نعمان قدس سرّه .

٦ـ شيخ إبن الجُنيد قدس سرّه .

٧ـ شيخ كلينی مؤلّف كافی قدس سرّه .

٨ـ شيخ صدوق قدس سرّه .

٩ـ شيخ إبن أبی العقيل عمّانی قدس سرّه .

١٠ـ شيخ قاضی نعمان مصری قدس سرّه صاحب دعائم الإسلام .

١١ـ سيّد مرتضی علم الهُدی قدس سرّه .

١٢ـ قاضی إبن البرّاج شاگرد علم الهُدی قدس سرّه .

١٣ـ شيخ الطائفة طوسی شاگرد علم الهُدی قدس سرّه .

١٤ـ شيخ إبن إدريس حلّی قدس سرّه صاحب سرائر .

١٥ـ شيخ نجم الدّين هذلی حلّی قدس سرّه صاحب قصهٔ جزيرة الخضرا.

١٦ـ آية الله علّامهٔ حلّی قدس سرّه صاحب (نَهج الحق) .

١٧ـ شيخ شهيد اول محمد بن جمال الدين مكّی عاملی صاحب لمعة قدس سرّه .

١٨ـ شيخ شهيد ثانی زين الدّين جبعی عاملی صاحب شرح لمعه

قدس سرّه .

١٩ـ شهيد ثالث قاضی نورالله تستری قدس سرّه .

٢٠ـ شيخ حسين بن عبدالصمّد والد شيخ بهائی قدس سرّه .

٢١ـ شيخ محمد بن حسين شيخ بهائی قدس سرّه صاحب كشكول .

٢٢ـ شيخ مجلسی اول محمدتقی قدس سرّه صاحب بحار الأنوار .

٢٣ـ شيخ حرّ عاملی صاحب وسايل قدس سرّه .

٢٤ـ شيخ محقّق حلّی قدس سرّه صاحب شرايع .

٢٥ـ شيخ مجلسی دوم محمّدباقر قدس سرّه .

٢٦ـ شيخ محقّق كركی قدس سرّه .

٢٧ـ شيخ وحيد بهبهانی قدس سرّه مجدّد قرن سيزدهم .

٢٨ـ سيّد صاحب كرامات سيّد ميرداماد قدس سرّه .

٢٩ـ سيد صاحب رياض سيدعلی طباطبائی قدس سرّه .

٣٠ـ سيّد بحر العلوم سيد مهدی كبير قدس سرّه .

٣١ـ شيخ جعفر كبير كاشف الغطاء قدس سرّه .

٣٢ـ شيخ صاحب جواهر محمّدحسن نجفی قدس سرّه .

٣٣ـ سيّد محمدباقر شفتی حجّة الإسلام رشتی قدس سرّه .

٣٤ـ مولی أحمد نراقی قدس سرّه .

٣٥ـ شريف العلماء مازندرانی قدس سرّه .

٣٦ـ سيّد صدرالدين صدر جدّ أعلای خاندان صدر قدس سرّه .

ز ـ فقهآء متأخّرین قدّس الله اسرارهم

از زمان شیخ انصاری (رضی) باینطرف دوران فقهای متأخّرین است که أشهر اینهایند :

۱ـ شیخ الفقهاء المتأخرین شیخ مرتضی انصاری قدس سرّه صاحب مکاسب و رسائل وغیره .

۲ـ مجدّد قرن گذشته میرزای شیرازی سید محمّدحسن قدس سرّه صاحب فتوای تحریم تنباکو .

۳ـ سیّد محمّدکاظم یزدی قدس سرّه صاحب کتاب عروة الوثقی .

٤ـ شیخ محمّدتقی شیرازی قدس سرّه صاحب فتوای جهاد عراق .

٥ـ حاج آقارضا همدانی قدس سرّه صاحب کتاب صلاة وقضاء وغیره .

٦ـ شیخ مامقانی بزرگ شیخ محمدحسن قدس سرّه صاحب تألیف متعدّده .

۷ـ شیخ الشریعه إصفهانی قدس سرّه أستاد مراجع .

۸ـ شیخ محمد حسین إصفهانی قدس سرّه أستاد مراجع .

۱۰ـ آقا ضیاءالدّین عراقی قدس سرّه أستاد مراجع .

۱۱ـ شیخ عبدالکریم حائری یزدی قدس سرّه أستاد مراجع .

۱۲ـ سیّد ابوالحسن إصفهانی قدس سرّه صاحب وسیلة النجاة .

۱۳ـ حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی قدس سرّه صاحب جامع أحادیث الشیعة.

۱٤ـ سیّد محسن طباطبائی حکیم قدس سرّه صاحب مستمسك العروة.

۱٥ـ سیّد محمود حسینی شاهرودی قدس سرّه صاحب تقریرات حج.

۱٦ـ سیّد محمدهادی حسینی میلانی قدس سرّه صاحب محاضرات فی فقه الإمامیّه .

۱۷ـ أستاد الفقهاء سیّد ابوالقاسم خوئی دام ظلّه که بیش از ٥۰ نفر مجتهد تربیت فرموده‌اند که نگارنده ازسال ۱۳۸٥ هجری تا ۱۳۹٥ إفتخار تلمّذ دربحث خارج فقه وأصولشانرا داشته وبدریافت إجازهٔ تصدّی أمور حسبیّه و وکالت از جانب إیشان نائل گشته .

تاریخ حوزه‌های فقهی

تاریخ وترتیب واماکن حوزه‌های علمیّه شیعه که فقیه تربیت نموده‌اند ازاین قرار است :

۱= حوزهٔ مکّه مکرّمه از اوائل بعثت پیامبر (ص) تاهجرتشان که از علی (ع) وجعفر (ع) وسلمان وابوذر وعمّار وغیره تشکیل یافته .

۲= حوزهٔ مدینهٔ منوّره ، از هجرت پیامبر (ص) تا نیمه‌های قرن دوم هجری بوده است .

۳= حوزهٔ کوفه ، از نیمهٔ قرن دوم و ورود حضرت امام صادق (ع) تا اوائل قرن چهارم ادامه داشته .

٤= حوزهٔ نیشابور ومرو ، از بدو ورود حضرت امام رضا (ع) تاقرن

سوم هجری بوده است .

٥= حوزهٔ ری وقم ، ازآخر قرن‌سوم تانیمهٔ قرن‌پنجم هجری‌بوده‌است.

٦= حوزهٔ بغداد ، (از اوائل قرن پنجم تاهجوم‌هلاکو بوده است).

٧= حوزهٔ حلّه از هجوم هلاکو تا قرن دهم هجری بوده است .

٨= حوزهٔ بزرگ نجف ، از ورود شیخ طوسی قدس سرّه درنیمه‌های قرن پنجم تا بحال وتا ظهور امام زمان إنشاءالله .

٩= حوزهٔ کربلا ، از ورود مجدّد قرن سیزدهم وحید بهبهانی تا برچیدن آن بدست بعثیان لع .

١٠= حوزهٔ قاهره ، از زمان تأسیس‌الأزهر بدست حکام فاطمیّون شیعه تا إنقراض آنان بوده است .

١١= حوزهٔ إصفهان ، از زمان شیخ مجلسی اول تااین زمان بحمدالله باقیست .

١٢= حوزهٔ سامرّا ، از ورود مجدّد قرن چهاردهم میرزای شیرازی بزرگ تا برچیدن آن بدست بعثیان لع .

١٣= حوزهٔ فعلی قم ، از زمان شیخ جلیل‌القدر حاج شیخ عبدالکریم یزدی حائری تأسیس وتا زمان ظهور باقی‌است .

١٤= حوزهٔ شام ، از سال ١٣٩٥ هجری با ورود طلّاب رانده شده از عراق تشکیل یافته است .

١٥= حوزهٔ مشهد ، از اواخر قرن سیزدهم تأسیس وبا ورود آیة‌الله

العظمی میلانی تنظیم یافته وبحمدالله باقیست .

مخفی نماند چندین حوزهٔ دیگر درشهرهای مختلف مهمّ شیعه بوده وهست‌که قابل اهمیّت‌اند لیکن درحدّ حوزه‌های‌مذکوره نبوده‌که‌بایداز آنجمله حوزه‌های علمیّهٔ : تهران وتبریز وشیراز وهمدان وبروجرد رانام بردکه هرکدام چندین شخصیّت فقهی بجهان تشیّع تحویل داده‌اند و بحوله وقوّته تعالی خواهند داد .

مسائل مُستَحدثه

دربارهٔ امورجدیدی‌که إحداث شده است‌فتوای‌فقهای‌زمان‌چنین‌است.

١ــ کالبد شکافی : بریدن میّت مسلمان حرام است وبریدن میّت غیر مسلمان جائز است .

٢ــ تزریق نطفه : إدخال نطفهٔ مرد اجنبی به رحم زن اجنبیّه حرام وفرزند به‌صاحب نطفه ملحق میشود .

٣ــ زرع وپیوند قلب : درصورت ضرورت پیوند نمودن عضو میّت جائز لیکن ناقص‌نمودن کسی برای کسی حرام .

٤ــ سفته : خرید وفروش سفته‌که مالیّت ندارد باطل لیکن خرید و فروش قرضی‌که مثبت آنست جایز .

٥ــ سرقفلی : درصورتیکه مستأجر حقّ سرقفلی یافته میتواند آنرا بدیگری واگذار نماید .

٦ــ بلیط بخت‌آزمائی : اگر برای سودبردن بلیط بخت‌آزمائی بخرد

حرام وقمار است واگر برای إعانه وبخشش باشد جایزاست .

۷ـ مسافرت بقُطب : کسیکه دریکی از دوقطب نماز میخواند باید تابع وقت نزدیکترین أفُق بقطب باشد .

۸ـ ألکُل صنعتی : طبق فتوای فقهای حاضر اگر علم به‌مُسکر بودنش نیست پاك واگر علم بآن باشد نجس است .

۹ـ عکس وفیلم : اگر ازقبیل مجسّمه‌سازی نباشد اشکالی ندارد با مراعات حُرمت نگاه بعکس زن نامحرم .

۱۰ـ منع حمل : جلوگیـری از بارداری موقّت بارضایت طرفین و سبب عقلائی حلال وإسقاط نطفه وحمل حرام است .

۱۱ـ شوك حیوان: اگر باشوك الکتریکی حیوانات فقط بخواب میروند سپس تذکیهٔ شرعی میشوند مانعی ندارد .

۱۲ـ سفر هوائی : کسیکه با هواپیما مسافرت میکند درهرجا وهروقت که نماز میخواند طبق حکم آن محلّ بخواند .

۱۳ـ سفر فضائی : نمازها را بسوی قبلهٔ زمین بخواند ومطابق وقت أفق محلّ پرواز که در ۲۴ ساعت پنج نماز بشود .

۱۴ـ سود بانکها : اگر پول بقرض بانکها داده شودکه بهره یابد حرام واگر امانت گذارد وشرط سود نکند بهره حلال است .

۱۵ـ إحداث خیابانها : مساجد ومدارسی که ازبین میروند وبخیابان مبدّل میشوند حکم آنها برطرف میشود گرچه مراعات بهتراست .

۱۶ـ خرید وفروش تلویزیون : رادیو وتلویزیون وغیره اگر برای

استعمال درحرام خریده شود حرام وگرنه جایز است .

۱۷ـ مؤسسه‌های خبری : خرید وفروش گزارشهای خبری باطل امّا أجرت گرفتن بررساندن آنها جایز است .

۱۸ـ ملّی‌شدن : صنایع ومعادن وکارخانه‌ها وغیره که ملّی میشوند چون دولت ضامن آنهاست خرید أجناس آنها جایز است .

۱۹ـ مصادرهٔ أموال : کسیکه مرتدّ یامفسد واجب‌القتل است أموالش به ورثه‌اش منتقل ومصادرهٔ آنها ممنوع است .

۲۰ـ مواد مُخدّر : تریاك وهروئین وحشیش وغیره استعمال وخرید وفروشش حرام مگر بمقدار ضرورت برای نجات کسی ازمرگ .

سلسلهٔ روایتی نگارنده

اینجانب أقلّ الطّلاب نگارندهٔ این کتاب روایت میکنم تمامی کتابهای حدیث معتبر نزد شیعه را باچند إجازهٔ روایتی از فقها ومحدّثین ومراجع عالیقدر گذشته وحاضر بویژه از حضرت آیت‌الله‌العظمی آقای سیّدعبدالله شیرازی مدظلّه بالأخصّ کتب أربعه را ۱ـ کافی ۲ـ تهذیب ۳ـ إستبصار ۴ـ من‌لایحضره‌الفقیه وکتاب بحارالأنوار وکتاب وسائل‌الشیعه وسایرکتابها را بچندین سندکه جهت تیمّن وتبرك یکی‌از آنها را ذیلاً متذکّر میشوم :

روایت میکنم تمامی آنها را از معظّم‌له وایشان از استادشان آقای حاج آقا ضیاءالدّین عراقی وغیره واز شیخ آغا بزرگ تهرانی منزوی‌از :

٣ـ شیخ میرزا حسین نوری قدس سرّه .

٤ـ از سیّد میرزا هاشم خونساری قدس سرّه .

٥ـ از سیّد صدرالدّین عاملی قدس سرّه .

٦ـ از سیّد محمد مهدی بحرالعلوم قدس سرّه .

٧ـ از مولی محمدباقر وحید بهبهانی قدس سرّه .

٨ـ از مولی محمّد باقر مجلسی قدس سرّه .

٩ـ از پدرش مجلسی اول شیخ محمدتقی قدس سرّه .

١٠ـ از شیخ بهاءالدین محمّد عاملی قدس سرّه .

١١ـ از پدرش شیخ حسین‌بن عبدالصّمد قدس سرّه .

١٢ـ از شیخ شهید ثانی زین‌الدّین عاملی قدس سرّه .

١٣ـ از شیخ نورالدّین علیّ‌بن عبدالعالی میسی قدس سرّه .

١٤ـ از شمس‌الدّین محمّد معروف به‌إبن‌المؤذن جزّینی قدس سرّه .

١٥ـ از شیخ ضیاءالدّین علی عاملی قدس سرّه .

١٦ـ از پدرش شیخ شهید اول محمدبن مکّی عاملی قدس سرّه .

١٧ـ از شیخ ابوطالب محمّد حلّی قدس سرّه .

١٨ـ از پدرش حسن‌بن یوسف‌بن مطّهر علّامهٔ حلّی قدس سرّه کتاب مسائل را وبسندش .

١٩ـ از سیّد ابن‌طاووس رضی‌الدّین قدس سرّه کتابهایش را وبسندش.

٢٠ـ از شیخ نجیب‌الدّین سوراوی قدس سرّه .

٢١ـ از شیخ حسین‌إبن رطبه قدس سرّه .

٢٢ـ از پسر شیخ طوسی أبوعلی طوسی قدس سرّه .

٢٣ـ از پدرش شیخ‌الطائفهٔ طوسی محمدبن‌الحسن قدس سرّه تهذیب و إستبصار را وبسندش .

٢٤ـ از شیخ مفید محمدبن محمدبن‌النّعمان قدس سرّه کتابهایش را وبسندش .

٢٥ـ از شیخ جعفربن محمد إبن‌قولویه قدس سرّه .

٢٦ـ از شیخ کلینی محمّدبن یعقوب قدس سرّه کافی را وبسندهایش.

٢٧ـ از شیخ صدوق قدس سرّه کتاب من‌لایحضر وسایر کتبش را .

وهمچنین از شیخ مفید (رضی) از شیخ إبن حسکهٔ قمّی از شیخ صدوق و بسندهای آنان که درفهرست شیخ طوسی ومشیخة‌الفقیه صدوق (رضی) آمده تا أئمّهٔ معصومین سلام‌الله علیهم أجمعین روایت مینمایم خداوند مارا در زمرهٔ راویان أحادیث أهل‌بیت عصمت وطهارت محشور فرماید ، آمین .

درإینجا مطالب کتاب خلاصة‌الفقه خاتمه یافته أمید است مورد رضایتمندی خاطر مبارک‌حضرت ولیّ‌الله‌الأعظم‌إمام زمان حجّة‌بن‌الحسن المهدی أرواحنا فداه قرار گیرد .

والحمدلله أوّلاً وآخراً

فهرست خلاصة الفقه

موضوع	صفحه
منابع فقه شیعه	۵
اصول دین	۶
فروع دین	۷
ضروریات دین ومذهب	۸
گناهان کبیره	۹
اقسام احکام فقه	۱۲
اقسام مکلفین	۱۳
شرایط فتوی	۱٤
شناخت أعلم وفتوی	۱۶
إمتیازات فقیه	۱۷
انواع ولایتها	۱۸
انواع عبادتها	۱۹
اقسام آبها	۲٤
مطهرات	۲۵
نجاسات	۲۶
موارد وضو	۲۸
شرایط وضو	۲۹
مبطلات وضو	۳۰
آداب تخلی	۳۱
وضوهای مستحب	۳۲
کیفیت تیمم	۳٤
غسلهای واجب	۳۵
اقسام وشرایط غسل	۳۶
غسلهای مستحب	۳۷
نمازهای واجب	٤۰
ارکان واجزاء نماز	٤۲
نمازهای مستحبی	٤۳
اماکن مکروه نماز	٤٤
مکروهات نمازگذار	٤۶
نشانه‌های قبله	٤۷
سقوط شرط قبله	٤۸
شرایط لباس نمازگذار	٤۹
شرایط نماز جماعت	۵۰
شکهای صحیح	۵۱
شکهای باطل	۵۲
واجبات ومستحبات رکوع	۵۳
واجبات سجود	۵٤
مستحبات سجود	۵۵
سجدهٔ واجب ومستحب	۵۷
موارد اذان وإقامه	۵۹
موارد جواز عدول	۶۰
شرایط جمعه و واجباتش	۶۲
مستحبات ومکروهات جماعت	۶۳
موجبات نماز آیات	۶٤
فضیلت وإمتیاز مساجد	۶۵
محرمات مساجد	۶۷
مستحبات مساجد	۶۸
مکروهات مساجد	۶۹
شرایط إعتکاف	۷۰
مبطلات إعتکاف	۷۱
شرایط شکسته خواندن	۷۲
موارد شکستن نماز	۷۳
علامات مؤمن	۷٤
تزئینات مستحب	۷۵
مستحبات لباس	۷۶
خطبه‌های واجب ومستحب	۷۷
شرایط مکان نماز	۷۸
موارد إعادهٔ نماز	۷۹
روزه‌های واجب	۸٤
سجدهٔ سهو	۸۱
روزه‌های مستحب	۸۵
روزه‌های حرام ومکروه	۸۶
مبطلات روزه	۸۷
معذورین از روزه	۸۸
کفاره‌های روزه	۸۹
مکروهات روزه‌دار	۹۰
ثبوت هلال	۹۱
شرایط وجوب روزه	۹۳
موارد وجوب خمس	۹٤
مستحقین خمس	۹۵
معادنی‌که خمس دارد	۹۶
انفال	۹۶
شناخت سادات	۹۷
چیزهائیکه خمس ندارد	۹۸
کسانیکه‌محروم ازخمس‌اند	۹۹
اقسام سادات	۱۰۰
شرایط وجوب زکات	۱۰۲
مستحقین زکات	۱۰۳
نصاب شتر	۱۰٤
نصاب گاو وگوسفند	۱۰۵
صدقات واجب	۱۰۶
شرایط حج وإستطاعت	۱۰۸
عمره‌های واجب	۱۰۹
میقاتها	۱۱۰
شرایط نایب درحج	۱۱۱
واجبات حج تمتع	۱۱۲
موارد کفارهٔ شتر	۱۱۳
مواردکفارهٔگاو وگوسفند	۱۱٤
تروك إحرام	۱۱۶

موضوع	صفحه
شرایط و واجبات طواف	۱۱۷
أقسام جهاد	۱۲۰
کسانیکه‌ثواب‌جهادمیبرند	۱۲۱
شرایط وجوب جهاد	۱۲۲
أحکام شهید	۱۲۳
شرایط امر بمعروف	۱۲۶
مراتب امر بمعروف	۱۲۷
انواع معروف	۱۲۸
حقهای واجب	۱۳۰
موارد حرمت وکراهت سلام	۱۳۲
چله‌های مشروع	۱۳٤
اقسام تولی وتبری	۱۳۸
اولیای خدا	۱۳۹
دشمنان خدا	۱٤۰
عقود لازمه	۱٤٤
عقود جائزه	۱٤۵
إیقاعات	۱٤۶
اقسام بیع	۱٤۷
شرایط متبایعین	۱٤۸
شرایط عوضین	۱٤۹
مواردصحت‌إکراه دربیع	۱۵۰
فروشهای ممنوع	۱۵۱
مزدهای حرام	۱۵٤
کسبهای مکروه	۱۵۵
انواع خیارها	۱۵۶
شرایط مضاربه	۱۶۰
شرایط حواله	۱۶۱
موارد تعیین مدت	۱۶۲
شرایط ذمه	۱۶۶
ممنوعیت از رهن	۱۶۷
شرایط إجاره	۱۷۰
ممنوعیت از إجاره	۱۷۱
حلالهای مجانی	۱۷۲
وجوب عتق	۱۷۶
آزاد شدگان قهری	۱۷۷
شرایط مزارعه	۱۸۰
شرایط مساقات	۱۸۱
اقسام زمین	۱۸٤
انواع حریم	۱۸۶
احکام بیمه وحقوق	۱۸۹
شرایط بیمه	۹۰
حقهای‌مشروع ونامشروع	۱۹۱
ممنوعین از تصرف	۱۹۳
شرایط ضمان	۱۹۶
مبطلات کفالت	۱۹۷
شروط مسابقه‌باحیوان	۲۰۰
شرایط تیراندازی	۲۰۱
أحکام نذر	۲۰٤
شرایط عهد وسوگند	۲۰۵
شرایط تذکیه	۲۰۸
شرایط شکار	۲۰۹
حیوانهای حرام گوشت	۲۱۰
اجزای حرام حلال‌گوشت	۲۱۱
مستحبات دامداری	۲۱۲
غذاهای حرام	۲۱۳
آداب غذا خوردن	۲۱٤
مکروهات غذا خوردن	۲۱۵
مستحبات آشامیدن	۲۱۶
مکروهات آشامیدن	۲۱۷
غذاهای مستحب	۲۱۸
شرایط وقف وواقف	۲۲۲
شرایط وقف شده	۲۲۳
شرایط عقد وازدواج	۲۲۶
موجبات فسخ عقد	۲۲۷
مستحبات إزدواج	۲۲۸
زنانیکه‌ازدواج‌باآنان‌مکروه	۲۲۹
زنهائیکه‌حرام‌ابدی‌هستند	۲۳۰
آنچه‌که إزدواج رابهم میزند	۲۳۱
مواردی که نگاه به‌نامحرم جایزاست	۲۳۲
زنهائیکه موقتاً حرام‌اند	۲۳۳
أحکام متعه	۲۳٤
موارد کراهت جماع	۲۳۵
مکروهات شب	۲۳۶
مواردیکه طرب‌جایزاست	۲۳۷
مستحبات‌خوابیدن	۲۳۹
کسانیکه باشیر محرم میشوند	۲٤۲
شرایط رضاع	۲٤۳
أقسام طلاق	۲٤۶
شرایط طلاق	۲٤۷
اقسام عده‌ها	۲٤۸
واجبات و مستحبات ولادت	۲۵۰
شرایط وصیت	۲۵۱
بهترین شکل وصیتنامه	۲۵۲
شرایط وصی	۲۵٤
مستحبات ومکروهات محتضر	۲۵۵
واجبات غسل میت	۲۵۶
مستحبات غسل میت	۲۵۷

موضوع	صفحه
موارد حرمت غسل‌میت	۲۵۸
واجبات کفن	۲۵۹
مستحبات کفن	۲۶۰
مستحبات تشییع	۲۶۱
مکروهات تشییع	۲۶۲
واجبات نماز میّت	۲۶۴
مستحبّات نماز میّت	۲۶۵
واجبات ومحرّمات‌دفن	۲۶۶
کیفیّت تلقین	۲۶۷
مستحبات دفن	۲۶۹
مکروهات دفن	۲۷۲
موجبات وموانع إرث	۲۶۷
فروض إرث	۲۷۷
إرث برادران	۲۷۹
شرایط قاضی	۲۸۲
وظایف قاضی	۲۸۳
آداب قضاوت	۲۸۴
شرایط پذیرش دعوی	۲۸۵
شرایط قبول شهادت	۲۸۶
اقسام إنکار دعوی	۲۸۷
موارد قبول شهادت زن	۲۸۹
موارد ردّ شهادت زن	۲۹۰
کسیکه إقرارش حجّت است	۲۹۱
کسیکه إقرارش حجّت نیست	۲۹۲
موارد قبول إدّعا	۲۹۳
موارد حدّ قتل	۲۹۸
مواردیکه دست قطع نمیشود	۲۹۹
موارد محاصرهٔ غذائی	۳۰۲
محکومین بحبس ابد	۳۰۳
موجبات حدّ	۳۰۴
ثبوت قصاص وشرایطش	۳۰۵
قانون قصاص أعضا	۳۰۶
اقسام دیه‌ها	۳۰۸
موارد سقوط دیه	۳۰۹
دیهٔ جنین	۳۱۱
دیهٔ جراحتها	۳۱۲
دیهٔ میّت و اعضایش	۳۱۳
دیهٔ اعضای‌زنده	۳۱۴
مواردیکه دیه برعاقله نیست	۳۱۸
چندکتاب فقهی	۳۲۲
چندکتاب حدیث	۳۲۴
فهرست ابواب کافی	۳۲۵
نامهٔ فقهی	۳۲۸
موارد قاعدهٔ إلزام	۳۳۷
اشهر فقهای شیعه	۳۴۱
تاریخ حوزه‌های فقهی	۳۴۹
مسائل مستحدثه	۳۵۱
سلسلهٔ روایتی نگارنده	۳۵۳

غلطنامه

غ	صحیح	صفحه	سطر
سیلقگی	سلیقگی	۱۶	۳
بششد	باشد	۲۴	۱۴
صومه‌های	صومعه‌های	۴۵	۲
درا	در	۵۶	۷
مران	مردان	۵۶	۱۳
قاوت	قساوت	۲۷۳	۷
لیئم	لئیم	۲۸۲	۱۴

تشکر

بدینوسیله از مساعی جمیلهٔ جناب‌آقای حاج‌عبدالله حبیبی قدردانی میشود خداوند متعال برتوفیقات‌ایشان بیفزاید .

= نگارنده =